**ترجمه‌ی فارسی**

الأذکار من کلام

سید الأبرار

**تأليف:**

**الإمام الحافظ شيخ الإسلام محی الدين**

**أبی زکريا يحيی بن شرف النووی الدمشقی الشافعی**

**ترجمه و شرح:**

**شیخ محمد علی خالدی**

**(سلطان العلماء)**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | ترجمه‌ی فارسی الأذکار من کلام سید الأبرار | | | |
| **عنوان اصلی:** | الأذکار من کلام سید الأبرار | | | |
| **نویسنده:** | ابی‌ زکریا یحیی بن شرف نووی دمشقی شافعی | | | |
| **ترجمه و شرح:** | شیخ محمد علی خالدی (سلطان العلماء) | | | |
| **موضوع:** | دعا، ذکر و مناجاتنامه | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | |  | | --- | | اردیبهشت (ثور) 1395 شمسی، رجب 1437 هجری | | | | |
| **منبع:** |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc449565669)

[مقدمه 1](#_Toc449565670)

[در امر به اخلاص و حسن نیت و خیراندیشی در همه‌ی اقوال و اعمال پیدا و ناپیدا 3](#_Toc449565671)

[بابی است مختصر در بیان چند سخن از آنچه در فضیلت ذکر خدا آمده بدون این که مقید به وقت معین باشد 9](#_Toc449565672)

[بابی است در بیان ذکری که موقع بیدارشدن از خواب می‌گوید 19](#_Toc449565673)

[بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس می‌گوید 20](#_Toc449565674)

[بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس، کفش نو و مانند آنها می‌گوید 21](#_Toc449565675)

[بابی است در بیان آنچه به دوستش می‌گوید، وقتی که دید لباس نوی پوشیده است 22](#_Toc449565676)

[بابی است در بیان چگونگی پوشیدن لباس، کفش و بیرون‌آوردن آنها 23](#_Toc449565677)

[بابی است در بیان آنچه به هنگام بیرون‌آوردن لباسش برای شستن یا خوابیدن یا مانند آنها می‌گوید 24](#_Toc449565678)

[بابی است در بیان آنچه هنگام خروجش از خانه می‌گوید 24](#_Toc449565679)

[بابی است در بیان آنچه وقتی که داخل خانه اش می‌شود، می‌گوید 25](#_Toc449565680)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در شب از خواب بیدار شود و از خانه بیرون برود 27](#_Toc449565681)

[بابی است در بیان آنچه موقع داخل‌شدن به مستراح می‌گوید 31](#_Toc449565682)

[بابی است در بیان نهی از ذکر خدا و سخن‌گفتن به هنگام قضای حاجت 31](#_Toc449565683)

[بابی است در بیان نهی از سلام ‌کردن بر کسی که برای قضای حاجت نشسته است 32](#_Toc449565684)

[بابی است در بیان آنچه موقع بیرون‌ آمدن از محل قضای حاجت می‌گوید 33](#_Toc449565685)

[بابی است در بیان آنچه در حال وضو می‌گوید 33](#_Toc449565686)

[بابی است در بیان آنچه که موقع بدن شستن می‌گوید 37](#_Toc449565687)

[بابی است در بیان آنچه به وقت تیممش می‌گوید 37](#_Toc449565688)

[بابی است در بیان آنچه موقع رفتن به مسجد می‌گوید 38](#_Toc449565689)

[بابی است در بیان آنچه موقع داخل ‌شدن به مسجد و بیرون‌آمدن از آن می‌گوید 39](#_Toc449565690)

[بابی است در بیان آنچه در مسجد می‌گوید 40](#_Toc449565691)

[بابی است در بیان انکار و نفرین ‌کردن بر کسی که در مسجد به دنبال گمشده اش می‌گردد یا خرید و فروش می‌کند 41](#_Toc449565692)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید هرگاه کسی را دید که در مسجد شعری می‌خواند که در آن مدح اسلام و تشویق به مکارم اخلاق نیست 42](#_Toc449565693)

[بابی است در بیان فضیلت اذان 43](#_Toc449565694)

[بابی است در بیان چگونگی اذان 44](#_Toc449565695)

[بابی است در بیان آنچه که شنونده‌ی اذان و اقامه می‌گوید 46](#_Toc449565696)

[بابی است در بیان این که دعا بین اذان و اقامه مستجاب می‌شود 49](#_Toc449565697)

[بابی است در بیان آنچه بعد از دو رکعت سنت قبلیه‌ی صبح می‌گوید 50](#_Toc449565698)

[بابی است در بیان آنچه وقتی به صف نماز جماعت رسید، می‌گوید 50](#_Toc449565699)

[بابی است در بیان آنچه به هنگام برخاستن برای نماز می‌گوید 51](#_Toc449565700)

[بابی است در بیان دعایی که موقع اقامه‌ی نماز فرض گفته می‌شود 52](#_Toc449565701)

[بابی است در بیان دعایی که موقع نماز بستن می‌گوید 52](#_Toc449565702)

[بابی است در بیان الله اکبر که با آن نماز را آغاز می‌کنیم 53](#_Toc449565703)

[بابی است در بیان آنچه بعد از تکبیرة الإحرام می‌گوید 54](#_Toc449565704)

[بابی است در بیان أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن بعد از دعای استفتاح 57](#_Toc449565705)

[بابی است در بیان خواندن سوره‌ی فاتحه بعد از گفتن أعوذ بالله من الشیطان الرجیم 58](#_Toc449565706)

[بابی است در بیان أذکار رکوع 63](#_Toc449565707)

[بابی است در بیان آنچه در حال سر بالا‌ آوردن از رکوع و در حال اعتدال می‌گوید 65](#_Toc449565708)

[بابی است در بیان أذکار سجود 67](#_Toc449565709)

[بابی است در بیان آنچه وقتی که سر از سجود اول برداشت و آنچه در نشستن میان دو سجود می‌گوید 70](#_Toc449565710)

[بابی است در بیان اذکار رکعت دوم 71](#_Toc449565711)

[بابی است در بیان خواندن قنوت در اعتدال اخیر نماز صبح 71](#_Toc449565712)

[بابی است در بیان تشهد در نماز 77](#_Toc449565713)

[بابی است در بیان درودفرستادن بر رسول الله ص بعد از تشهد اخیر 79](#_Toc449565714)

[بابی است در بیان مستحب ‌بودن دعا بعد از تشهد آخیر 80](#_Toc449565715)

[بابی است در بیان سلام نماز گفتن برای بیرون‌آمدن از نماز 82](#_Toc449565716)

[بابی است در بیان آنچه شخص می‌گوید وقتی که در حال نماز است و دیگری با او سخن می‌گوید 83](#_Toc449565717)

[بابی است در بیان اذکاری که بعد از نماز خوانده می‌شود 84](#_Toc449565718)

[بابی است در باره‌ی تشویق به ذکر خداوند متعال پس از نماز صبح 90](#_Toc449565719)

[بابی است در بیان اذکاری که در بامدادان و شامگاهان گفته می‌شوند 92](#_Toc449565720)

[بابی است در بیان آنچه در صبح روز جمعه گفته می‌شود 109](#_Toc449565721)

[بابی است در بیان آنچه موقع طلوع آفتاب می‌گوید 110](#_Toc449565722)

[بابی است در بیان آنچه که وقت بالا‌آمدن آفتاب می‌گوید 111](#_Toc449565723)

[بابی است در بیان آنچه که بعد از زوال آفتاب تا عصر می‌گوید 111](#_Toc449565724)

[بابی است در بیان آنچه بعد از عصر تا غروب آفتاب می‌گوید 112](#_Toc449565725)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید، موقعی که اذان مغرب را می‌شنود 114](#_Toc449565726)

[بابی است در بیان آنچه بعد از نماز مغرب می‌گوید 114](#_Toc449565727)

[بابی است در بیان آنچه در نماز وتر می‌خواند و آنچه بعد از نماز وتر می‌گوید 115](#_Toc449565728)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که قصد خوابیدن نمود و به پهلو بر بسترش دراز کشید 117](#_Toc449565729)

[بابی است در بیان کراهیت خوابیدن بدون ذکر خداوند متعال 130](#_Toc449565730)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در شب بیدار شد و خواست بعد از آن بخوابد 131](#_Toc449565731)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در بستر خوابش ناآرام شد و به خواب نرفت 134](#_Toc449565732)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در خواب می‌ترسد 135](#_Toc449565733)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در خواب دید آنچه را که دوست می‌دارد یا دید آنچه را که دوست نمی‌دارد 136](#_Toc449565734)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که دیگری خواب خود را برای او حکایت نمود 137](#_Toc449565735)

[بابی است در بیان تشویق و ترغیب به دعا و استغفار در نیمه‌ی دوم هر شب 138](#_Toc449565736)

[بابی است در بیان این که هر شب تمام لحظه‌های آن موقع دعاست، به امید این که با لحظه‌های اجابت دعا مصادف شود 139](#_Toc449565737)

[بابی است در بیان نام‌های نیک خدا 139](#_Toc449565738)

[کتابی است در بیان تلاوت قرآن 141](#_Toc449565739)

[کتابی است در بیان ستایش خدای تعالی گفتن 155](#_Toc449565740)

[کتابی است در بیان صلوات و سلام‌فرستادن بر رسول الله ص 159](#_Toc449565741)

[بابی است در بیان این که هرکسی که نام پیغمبر ص نزد او برده شد امر شده به او که صلوات و سلام بر رسول الله ص بفرستد 161](#_Toc449565742)

[بابی است در بیان چگونگی درودفرستادن بر رسول الله ص 162](#_Toc449565743)

[بابی است در بیان این که آغاز دعا را به حمد و ستایش خدای متعال و درود و سلام بر پیامبر ص بگشاید 163](#_Toc449565744)

[بابی است در بیان درودفرستادن بر پیغمبران و بر آل‌شان به تبعیت از ایشان درود و سلام خدا برایشان باد 164](#_Toc449565745)

[کتابی است در بیان اذکار و ادعیه‌ی مربوط به امور عارضی 167](#_Toc449565746)

[بابی است در بیان دعای استخاره 167](#_Toc449565747)

[باب‌های در بیان اذکاری که در اوقات سختی و مصیبت گفته می‌شود 169](#_Toc449565748)

[بابی است در بیان دعا به هنگام‌اندوه و کارهای مهم 169](#_Toc449565749)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که چیزی او را ترسانیده باشد یا دچار ناراحتی شده باشد 172](#_Toc449565750)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که به او دلتنگی یا حزن و‌اندوهی رسید 173](#_Toc449565751)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در هلاکتی واقع شد 174](#_Toc449565752)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که از گروهی بترسد 175](#_Toc449565753)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که از سلطان یا حاکم بترسد 175](#_Toc449565754)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که نظر به دشمن نمود 176](#_Toc449565755)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که شیطان متعرض او شد یا از شیطان ترسید 177](#_Toc449565756)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که کاری بر او چیره شد 179](#_Toc449565757)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که کاری بر او دشوار شد 180](#_Toc449565758)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که زندگی بر او دشوار شد 180](#_Toc449565759)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید برای دفع آفات و بلاها 181](#_Toc449565760)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که مصیبتی‌اندک یا بسیار به او برسد 182](#_Toc449565761)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که بدهی دارد و از پرداخت آن ناتوان مانده است 183](#_Toc449565762)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که دچار وحشت‌زدگی شد 183](#_Toc449565763)

[بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که مبتلا به وسواس شد 184](#_Toc449565764)

[بابی است در بیان آنچه خوانده می‌شود بر دیوانه و بر گزیده شده 186](#_Toc449565765)

[بابی است در بیان تعویذی که بر کودکان و غیر از آنان خوانده می‌شود 191](#_Toc449565766)

مقدمه

الحمد لله الواحد القهَّار، العزيز الغفَّار، مُقَدِّر الأقدار، مُصَرِّف الأمور مكور الليل على النهار، تبصرة لأولى القلوب والأبصار، الذي أيقظ من خلقه من اصطفاه فأدخله في جملة الأخيار. ووفق من اجتباه من عبيده فجعله من الـمقربين الأبرار، وبصر من أحبه فزهدهم في هذه الدار، فاجتهدوا في مرضاته والتأهب لدار القرار واجتناب ما يسخطه والحذر من عذاب النار، وأخذوا أنفسهم بالجد في طاعته وملازمة ذكره بالعشى والأبكار وعند تغير الأحوال وجميع آناء الليل والنهار، فاستنارت قلوبهم بلوا مع الأنوار. أحمده أبلغ الحمد على جميع نعمه وأسأله الـمزيد من فضله وكرمه، وأشهد أن لا إله إلا الله العظيم، الواحد الصمد العزيز الحكيم، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، وصفيه وحبيبه وخليله، أفضل الـمخلوقين، وأكرم السابقين واللاحقين، صلوات الله وسلامه عليه وعلى سائر النبيين وآل كل وسائر الصالحين.

اما بعد: کتاب «الأذكار من كلام سيد الأبرار»از بهترین تألیفات الإمام العالم العلامة سید الحفاظ فی عصره والجامع بین الـمنقول والـمعقول فی دهره، نسیج وحده وفرید عصره، أبی زکریاء یحیی بن شرف النووی تغمده الله برحمته وأسکنه الفردوس الأعلى من جنته، می‌باشد، روی این اصل با‌اندکی تلخیص به ترجمه و شرح این کتاب برخاستم تا برای مبتدئین امثال خودم نافع و سودمند باشد، و این کتاب را به سه قسمت تقسیم نمودم تا هر قسمتی جداگانه چاپ شود، و در اجتناب تطویل و ملازمت اختصار مایه‌ی پسند دانش‌پژوهان قرار گیرد. کتابی که از قدیم در باره‌ی آن گفته شده: «بِعْ الدارَ واشْتَرْ الأذكار» «خانه را بفروش و اذکار را بخر».

معلوم است که تا چه حد مقبول نظر علما و صلحا می‌باشد، و ما با این شرح مختصر و مفید در جمله‌ی خادمان این کتاب قرار گرفتیم، امید ما به دریای رحمت پروردگار این است که کتاب و شرح آن را مقبول خاص و عام قرار بدهد و نفعش به عموم برساند. «إنه سميع مجيب، والحمد لله أولا وآخرًا وصلى الله وسلم على خير خلقه وآله وصحبه وأتباعه دائمـاً سرمداً».

فصل  
في الأمر بالإخلاص وحسن النيات في جميع الأعمال الظاهرات والخفيات

در امر به اخلاص و حسن نیت و خیراندیشی در همه‌ی اقوال و اعمال پیدا و ناپیدا

قال الله تعالى:

﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ﴾ [البينة: 5].

«و فرمان نیافتند جز آن که خدا را در حالی که پرستش را برای او خالص ساخته‌اند با پاکدلی (دین‌ورزی به دین ابراهیمی) بپرستند».

وقال تعالى:

﴿لَن يَنَالَ ٱللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَآؤُهَا وَلَٰكِن يَنَالُهُ ٱلتَّقۡوَىٰ مِنكُمۡ﴾ [الحج: 37].

«نمی‌رسد به خدای متعال گوشت‌های قربانی و نه خون‌های آنها و لیکن به خدا می‌رسد پرهیزگاری و خیراندیشی شما».

«قال رسول الله ص إِنَّمَا الأَعْمَالُ بالنِّيَّاتِ وإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ ما نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللهِ وَرَسُولِهِ فَهِجْرَتُهُ إِلى اللهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا أَو امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ». [مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ]. «صحت کارها به حسب نیت آنهاست و به هرکس داده می‌شود از ثواب به حسب نیت او. پس هرکس هجرت او برای خدا و فرستاده‌ی او باشد، پس هجرت او برای خدا و فرستاده‌ی اوست، و کسی که هجرتش برای دنیا یا برای زنی است که با او ازدواج می‌کند، پس هجرتش برای چیزی است که برای آن هجرت کرده است».

از این رو هرکاری که می‌خواهی انجام بدهی باید به قصد به دست ‌آوردن رضای خدا و آسایش خلق خدا انجام دهی تا کارت مقبول و ثواب آن برایت محفوظ باشد.

صالحان گفته‌اند: هرشخص به قدر نیتش نگه‌داری می‌شود و هرکس به حساب قصد و نیتش ثواب می‌یابد، و هرکاری که برای رضای مردم انجام داده شود آن شرک است، و هر کاری که به خاطر مردم ترک شود ریا است، و اخلاص عبادت از این است که خدا تو را از شرک و ریا نگه‌ دارد و برای به دست‌آوردن رضای خدا موفق فرماید.

(فصل) شایسته برای هرکس آن است که هروقت دانست که کاری دارای ثواب است به حسب توانایی خود انجام دهد و اگرچه در عمری یک بار باشد، اگر به او رسید که نماز تسبیح ثواب بسیار دارد آن را أقلاً در عمری یک بار انجام دهد، اگر شنید که عمره در رمضان ثواب حج همراه رسول الله ص را دارد، أقلاً یک بار در عمر انجام دهد، اگر شنید از اهل علم که نماز ضحی و یا أوابین میان مغرب و عشا ثواب بسیار دارد، أقلاً یک بار انجام بدهد و اگر بتواند هیچ‌کدام را از دست ندهد.

(فصل) دانشمندان گفته‌اند که جایز و مستحب است که در فضایل اعمال به حدیث ضعیف عمل نموده تا وقتی که حدیث موضوع نباشد، اما در احکام مثل حلال و حرام عمل‌کردن جز به حدیث صحیح و یا حَسَن درست نیست، مگر این که از باب احتیاط باشد، چنانکه اگر حدیثی وارد باشد بر مکروه ‌بودن بعضی از انواع بیع یا بعضی از انواع نکاح که در این صورت مستحب است آن نوع بیع و نکاح را ترک نمود.

(فصل) ذکر و یاد خدا ممکن است به دل یا به زبان باشد، و بهتر است که یاد خدا به دل و زبان هردو باشد، اگر بخواهد بر یکی از آن دو اکتفا نماید ذکری که به قلب باشد از ذکری که به زبان باشد و دل با آن نباشد بهتر است. و هیچگاه نباید ذکر به قلب و لسان را باهم به خاطر این که ممکن است گمان ریا به او ببرند از دست بدهد، برای این که اگر کسی این راه را بر خود بگشاید که هرچه گمان ریا در آن برود از دست بدهد خیر عظیم را از دست می‌دهد، و هیچ‌گاه طریق صالحان چنین نیست.

و در صحیح بخاری و مسلم آمده است که رسول الله ص فرمود که آیه‌ی: ﴿وَلَا تَجۡهَرۡ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتۡ بِهَا﴾ [الإسراء: 110]. در باره‌ی دعا نازل شده است که دعای خود را نه زیاد بلند بگو و نه زیاد آهسته، بلکه حد وسط را نگه دار.

(فصل) بدان که ذکر و یاد خدا منحصر در تسبیح و تحلیل و تحمید و تکبیر نیست، بلکه هر عملی است که به آن رضای خدا به دست می‌آید، واعظی که وعظ می‌گوید ذکر خدا و یاد خدا حساب می‌شود، جاهایی که انسان در آن جاها احکام حلال و حرام را می‌آموزد که چگونه بیع را انجام دهد و چگونه نماز بخواند و چگونه روزه برود و چگونه نکاح نماید و چگونه طلاق بدهد و چگونه حج برود که صحیح باشند؟ این جاها محل ذکر و یاد خدا است. طالب علم که درس خود را تکرار می‌کند تا در راه علم نافع پیش برود، استادی که درس می‌دهد تا شاگردانش از علم سودمند بهره‌مند شوند، کاسبی که کار حلال انجام می‌دهد تا نفقه‌ی زن و فرزند از حلال بدهد، پاسبانی که شب بیدار می‌ماند تا جان و مال مردم را از دستبرد جنایتکاران حفظ کند، سربازی که در مرز کشور می‌نشیند تا کشور را از تعدی دشمن نگه دارد، مادری که خواب راحت را از چشم خود دور می‌نماید تا کودکش آسوده بخوابد، همه‌ی اینها وقتی که به قصد به دست‌آوردن رضای خدا و آسایش خلق باشد همه طاعت و یاد خدا است. و این که گفته شده عبادت به جز خدمت خلق نیست، به همین معناست که خدمت به خلق به قصد به دست‌آوردن رضای خدا در حکم یاد کردن خدا و طاعت اوست.

(فصل) قال الله تعالى:

﴿وَٱلذَّٰكِرِينَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا وَٱلذَّٰكِرَٰتِ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُم مَّغۡفِرَةٗ وَأَجۡرًا عَظِيمٗا﴾ [الأحزاب: 35].

«و مردان و زنانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند، خدا آماده فرمود برایشان آمرزش و ثواب بس بزرگ».

«قال رسول الله ص: سَبَقَ الْمُفَرِّدُونَ، قَالُوا وَمَا الْمُفَرِّدُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ الذَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتُ». رواه مسلم عن أبی هريرۀ س. «رسول الله ص فرمود: مُفَرَّدون سبقت گرفتند، گفتند: مفردون چه کسانی هستند یا رسول الله! فرمود: مردان و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند».

ابن عباس فرمود: مقصود از این آیه کسانی هستند که بعد از نمازهای فرض و بامدادان و شامگاهان یاد خدا می‌کنند. عطاء گفت: کسی که نمازهای فرض پنجگانه را با حقوق آنها به جا آورد در این آیه داخل است، یعنی جزو بسیار یادکنندگان خدا است. ابن الصلاح گفت: کسی که اذکار ثابت را در صبح و شام و در حالات مختلف از شب و روز به جا آورد از بسیار یاد خداکنندگان شمرده می‌شود.

الحاصل: مسلمان باید وقتی که از خواب بیدار می‌شود و وقتی که به بستر خواب می‌رود و وقتی که از خانه بیرون می‌رود و وقتی که به خانه می‌آید و بعد از نمازها و هنگام خوراک ‌خوردن و آب‌ آشامیدن و لباس ‌پوشیدن نام خدا و یاد خدا بر دل و زبان او باشد تا دل و زبان او به یاد خدا عادت کند و از یاد خدا و سپاس او و شکر نعمت‌های او غفلت نورزد. کلمه‌ی توحید: «لا إله إلا الله» بهترین کلمه‌ای است که باید همیشه بر دل و زبان باشد.

(فصل) علما اتفاق دارند که یاد خداکردن به دل و زبان جایز است برای کسانی که بی‌وضو و یا جنب و یا حائض و یا نفساء هستند، اینان می‌توانند تسبیح و تهلیل و تحمید و تکبیر را به زبان بگویند و به دل بیاورند. اما قراءت قرآن برایشان روا نیست و اگرچه قراءت بخشی از یک آیه باشد، و درست است برایشان بر دل جاری‌کردن قرآن، بدون این که به زبان بیاورند، و درست است برایشان نظر در قرآن و جاری‌کردن آن بر دل بدون این که به زبان بیاورند، و درست است برایشان گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» موقع غذاخوردن و آب‌آشامیدن و موقع دخول و خروج خانه، و گفتن «إنا لله وإنا إليه راجعون» در وقت مصیبت و گفتن ﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُۥ مُقۡرِنِينَ﴾ [الزخرف: 13]. وقتی که در کشتی، ماشین و هواپیما و یا بر حیوان سواری می‌نشیند. و اگر جنب باشد و آب نیابد و تیمم نماید به جای غسل، می‌تواند با این تیمم نماز بخواند و قرآن بخواند، و اگر جنب نه آب بیابد برای غسل و نه خاک بیابد برای تیمم، او در وقت مشخص نماز فرض را بخواند برای حرمت وقت و فاتحه را نیز در آن بخواند، والله سبحانه وتعالى أعلم وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

(فصل) شایسته است برای کسی که خدا را یاد می‌کند و اذکار وارده را می‌خواند این که در بهترین حالت باشد از لباس پاک و جای پاک و باوضو باشد؛ و اگر نشسته است رو به قبله بنشیند، اگر این حالت را رعایت نکند یاد خداکردنش درست است، اما بهترین حالت را از دست داده است، و دلیل آن آیه‌ی 191 سوره‌ی آل عمران است: ﴿ٱلَّذِينَ يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمۡ﴾ [آل‌عمران: 191]. «مردمی که خدا را یاد می‌کنند ایستاده و نشسته و به پهلوی خود خوابیده».

در حدیث صحیح آمده: «کان ص يَذْكُرُ اللَّهَ عَلَى كُلِّ أَحْيَانِهِ». «رسول اللهص خدا را یاد می‌فرمود در همه‌ی حالاتش»، در راه رفتن و نشسته و ایستاده و به پهلو افتاده و باوضو و بی‌وضو و در حال جنابت. یاد خدا در همه احوال جایز است، والله سبحانه وتعالى أعلم وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

(فصل) بدان که یاد خداکردن در همه‌ی حالات انسان خوب و پسندیده است، مگر در حالاتی که شرع یاد خداکردن را در آن حالات منع نموده است. بنابراین، ذکر در حال نشستن برای قضای حاجت و در حال جماع و در وقتی که باید گوش به سخن خطیب بدهد و در قیام نماز که محل قراءت فاتحه و سوره است، و در حال چرت‌زدن و غلبه‌ی خواب که در این احوال یاد خداکردن مکروه است، اما در کوچه و خیابان موقع راه رفتن و در حمام یاد خداکردن مکروه نیست، والله سبحانه وتعالى أعلم وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

(فصل) مقصود از ذکر و یاد خدا کردن حضور قلب است. بنابراین، باید ذکرکننده در حال حضور قلب باشد و بکوشد که در حال ذکر خدا دل او حاضر باشد و عظمت خدا را به خاطر داشته باشد، و بداند که این توفیق بزرگی است که او توانسته است از یاد خدا دل خود را به نور ایمان روشن نماید، و آنچه به زبان می‌آورد معنی آن را بداند و مثلاً کلمه‌ی «لا إله إلا الله» مد آن را به جا آورد که در این مدفهم معنای آن به دست می‌آید.

(فصل) شایسته این است کسی که وردی از ذکر دارد برآن مداومت نماید، و اگر وقتی از او فوت شد آن را تدارک ببیند تا عادت به ترک ذکر ننماید، چنانکه در حدیث صحیح مسلم است به روایت عمر بن الخطاب س که رسول الله ص فرمود: «مَنْ نَامَ عَنْ حِزْبِهِ أَوْ عَنْ شَىْءٍ مِنْهُ فَقَرَأَهُ فِيمَا بَيْنَ صَلاَةِ الْفَجْرِ وَصَلاَةِ الظُّهْرِ كُتِبَ لَهُ كَأَنَّمَا قَرَأَهُ مِنَ اللَّيْلِ». «کسی که عادت داشت حزبی از قرآن را در شب بخواند یا قسمتی از حزب، و به خواب رفت و آن حزب را میان نماز صبح و نماز ظهر خواند، ثواب آن برایش نوشته می‌شود چنانکه گویا در شب خوانده است».

(فصل) در بیان حالاتی که بر خواننده‌ی ورد عارض می‌شود که مستحب است ترک ذکر نماید و آن حالت که رفع شد به‌سوی ذکر خود برگردد، چنانکه اگر کسی در حضور او عطسه کرد قراءت خود را قطع کند و به او بگوید: «يرحمك الله» و برگردد به‌سوی قراءت خود، و همچنین کسی که سلام نمود بر او جواب سلام بگوید و برگردد به‌سوی قراءت خود، و همچنین اگر اذان شنید جواب مؤذن را بگوید به کلمات اذان، و اگر اقامه شنید کلمات اقامه را بگوید و بعد از جواب مؤذن برگردد به‌سوی قراءت خود، و اگر منکری دید منع نماید، و اگر کسی سؤالی دارد ارشاد او نماید و سپس برگردد به‌سوی قراءت خویش، و اگر چرت و خواب آمد بخوابد و بعد برگردد به قراءت خود.

(فصل) بدان که هر ذکر مشروع و هر قراءتی در نماز و یا غیر آن واجب باشد یا سنت، اعتباری ندارد مگر وقتی که به زبان آورد و خودش آن را بشنود وقتی که شنوایی اش سالم باشد.

(فصل) بدان که در اوراد و اذکاری که در شب و روز گفته می‌شود، دانشمندان ما کتاب‌های گرانبهایی تصنیف فرموده‌اند که یکی از بهترین آنها کتاب: «عمل اليوم والليلة» تألیف امام احمد بن محمد بن اسحاق السنی است، و بهتر از آن کتاب: «أذکار» تألیف امام نووی است که آن را از کتاب‌های معتمد مثل صحیح بخاری و صحیح مسلم و موطاء امام مالک و سنن ترمذی و ابوداود و نسایی و مسند امام احمد و ابی عوانۀ و سنن ابن ماجه و دارقطنی و بیهقی و غیر از آنها نقل نموده و همه‌ی آنها به اسناد خود تا مؤلفین آنها روایت دارد، و کتاب «اذکار» در خوبی ضرب المثل است تا جایی که گفته‌اند: «بِعْ الدارَ واشْتَرْ الأذكار». «خانه را بفروش و کتاب اذکار امام نووی را بخر». کتاب اذکار امام نووی از بهترین کتاب‌های تألیف‌شده در این زمینه است، و از بهترین کتاب‌های امام نووی. و این کتاب مختصر الاذکار که به تألیف آن مبادرت نمودم همه‌ی مطالب آن از کتاب اذکار گرفته شده و به زبان فارسی ترجمه شده است، والله سبحانه وتعالى أعلم وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

(فصل) بدان که در این مختصر آنچه آورده می‌شود همه از اذکار امام نووی / گرفته شده است.

«باب مختصر فی أحرف مـما جاء فی فضل الذكر غير مقيد بوقت»

بابی است مختصر در بیان چند سخن از آنچه در فضیلت ذکر خدا آمده بدون این که مقید به وقت معین باشد

قال الله تعالى: ﴿فَٱذۡكُرُونِيٓ أَذۡكُرۡكُمۡ﴾ [البقرة: 152]. «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم». چه نعمتی از این بالاتر که وقتی بنده خدا را یاد کند، خدا او را یاد کند، آیا نباید همیشه مؤمن خدا را یاد کند تا خدا او را یاد کند. کسی که خدا او را یاد کند به بهترین نعمت‌ها رسیده است، برای این که خدا یاد بنده‌ای می‌نماید که او را دوست می‌دارد.

«قال رسول الله ص: أَفْضَلُ الذِّكْرِ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ». «بهترین یاد خدا در گفتن لا إله إلا الله می‌باشد: نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا». - الله سبحانه وتعالى - رواه الترمذی وابن ماجه.

«قال رسول الله ص: كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ، ثَقِيلَتَانِ فِى الْمِيزَانِ، حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ». رواه بخاری.

«دو کلمه هستند که گفتن‌شان بر زبان سبک است و وزن ثواب آن در ترازوی حسنات سنگین است، و این دو کلمه محبوب هستند نزد خدای بسیار بخشاینده‌ی بسیار مهربان: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ». یعنی: پاک و منزه است خداوند و به ستایش او مشغولم. پاک و منزه است خداوند بزرگ».

و در صحیح مسلم به روایت از ابوذر س آمده که گفت: رسول الله ص به من فرمود:

«أَلاَ أُخْبِرُكَ بِأَحَبِّ الْكَلاَمِ إِلَى اللَّهِ تَعَالی؟ إِنَّ أَحَبَّ الْكَلاَمِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ». و در روایتی: «سُئِلَ رسولُ الله ص: أىُّ الْكَلامِ أفْضَلُ؟ قال: ما اصْطَفَى اللهُ لِمَلائِكَتِهِ أو لِعِبادِهِ، سُبْحَانَ اللهِ وبِحَمْدِهِ». «رسول الله ص به ابوذر فرمود: آیا تو را باخبر نکنم از محبوب‌ترین سخن نزد خدای تعالی؟ محبوب‌ترین سخن نزد خدا: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» است، یعنی تسبیح و تنزیه خدا می‌گویم و به ستایش او مشغولم. خدا را از هر عیب و نقصی مبرا می‌دانم و او را شایسته‌ی حمد و ثنا می‌دانم. و از رسول الله ص سوال شد: بهترین سخن کدام است؟ فرمود: آن سخنی است که خدا برای فرشتگانش یا برای بندگانش برگزید. «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ»».

و در صحیح مسلم از سمره بن جندب س روایت شده که رسول الله ص فرمود: «أَحَبُّ الْكَلاَمِ إِلَى اللَّهِ أَرْبَعٌ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. لاَ يَضُرُّكَ بَأَيِّهِنَّ بَدَأْتَ». «محبوب‌ترین سخن نزد خدای تعالی چهار کلمه است: سبحان الله، والحمد لله، ولا إله إلا الله، والله أكبر. زیانی برایت ندارد به هرکدام ابتدا نمایی». «سبحان الله»: خدا را پاک و منزه می‌دانم از هر عیب و نقصی. «والحمد لله»: ستایش‌ها همه برای خدای یکتاست. «ولا إله إلا الله»: نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا. «والله أكبر»: خدا بزرگ‌تر است. هرکس و هرچه به خاطرت آید، خدا از او بزرگ‌تر است، یعنی در برابر بزرگی و عظمت خدا همه‌ی کاینات خرد و حقیر هستند.

و در صحیح مسلم از ابومالک اشعری س روایت شده که رسول الله ص فرمود: «الطُّهُورُ شَطْرُ الإِيمَانِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلأُ الْمِيزَانَ. وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلآنِ - أَوْ تَمْلأُ - مَا بَيْنَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ».

و در صحیح مسلم است که رسول الله ص به جویریه همسر گرامی‌اش که هسته‌ی خرما جمع کرده بود و با آنها تسبیح و تهلیل را می‌شمرد، فرمود: از وقتی که من از نزد تو رفته‌ام تا حال که آمده‌ام همین کار شمردن تعداد تسبیح و تهلیل به هسته‌ی خرما را انجام داده‌ای؟ جویریه گفت: آری، رسول الله ص فرمود: من وقتی که از این جا رفتم چهار کلمه گفته‌ام که اگر با گفته‌ی تو مقایسه شود، از گفته‌های تو برتر آید. آن چهار کلمه عبارتند از سه بار: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ». «سبحان الله وبحمده به شماره‌ی مخلوقات خدا، برابر رضای او، و هموزن عرش او و به‌اندازه‌ی مرکب معلومات خدا».

تسبیح و تحمیدی که از زبان رسول الله ص باشد و با این اوصاف هیچ تسبیح و تحمید دیگری با آن برابر نخواهد شد، و باید به همین کلمات باشد تا ثواب عظیم آن فراهم آید.

و در صحیح مسلم به روایت ابوهریره س آمده است که رسول الله ص فرمود: «لأَنْ أَقُولَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَحَبُّ إِلَىَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ». «آنکه بگویم: سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله اکبر، محبوب‌‌تر است نزد من از همه‌ی آنچه آفتاب برآنها طلوع کرده است». یعنی این چهار جمله گفتن از دنیا و ما فیها بهتر است، برای این که دنیا فانی است و ثواب این جملات می‌ماند.

و در صحیح بخاری و مسلم به روایت ابوایوب انصاری س آمده است که رسول اللهص فرمود: کسی که ده بار بگوید: «لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهْوَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ» ثواب آن مانند ثواب کسی است که چهار برده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده باشد.

و در صحیح بخاری و مسلم آمده است به روایت ابوهریره س که رسول الله ص فرمود: «کسی که در روز صد بار آن را بگوید ثواب آن برابر است با ثواب ده برده آزادکردن، و نوشته می‌شود برای او یکصد حسنه و محو می‌شود از او یکصد سیئه و در تمام آن روز نگه داشته می‌شود از شیطان تا شامگاهان، و در آن روز کسی بهتر از او گفتاری نیاورده است، مگر کسی که بیش از او آن را گفته باشد.

و فرمود: «مَنْ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ . فِى يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ حُطَّتْ خَطَايَاهُ، وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ». رسول الله ص فرمود: «کسی که در روز صد بار بگوید: سبحانه الله و بحمده، گناهان او محو می‌شود و اگرچه مانند کف دریا باشد». کف دریا: همان سفیدی است که روی موج دریا ظاهر می‌شود.

ترمذی و ابن ماجه از جابر بن عبدالله ب روایت کرده‌اند که جابر گفت: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ: أَفْضَلُ الذِّكْرِ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ». قال الترمذي: حديث حسن. «رسول الله ص فرمود: «بهترین ذکر و یاد خداگفتن لا إله إلا الله است با عمل به مضمون آن».

امام بخاری / از ابوموسی اشعری س روایت نمود و ابوموسی از رسول الله ص روایت کرد که فرمود: «مَثَلُ الَّذِى يَذْكُرُ رَبَّهُ وَالَّذِى لاَ يَذْكُرُ مَثَلُ الْحَىِّ وَالْمَيِّتِ». رسول الله ص فرمود: «مثال کسی که یاد خدا می‌کند و کسی که یاد خدا نمی‌کند مثال زنده و مرده است». آن کسی که یاد خدا می‌کند زنده است، و آن کسی که یاد خدا نمی‌کند در حکم مرده است. برای این که کسی که از یاد خدا در غفلت است از مردگان شمرده می‌شود.

در صحیح مسلم از سعد بن ابی‌وقاص روایت می‌نماید که سعد س گفت: اعرابی به خدمت رسول الله ص آمد و گفت: سخنی به من بیاموز که من آن را بگویم. «قَالَ: قُلْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ، قَالَ فَهَؤُلاَءِ لِرَبِّى فَمَا لِى؟ قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِى وَارْحَمْنِى وَاهْدِنِى وَارْزُقْنِى». «رسول الله ص به آن اعرابی فرمود: «بگو: «لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ»: نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا، الله که یکتا است، و هیچ شریکی ندارد. «وَاللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا»: خدای یکتا بزرگتر است از آنچه در خاطر انسان آید. بزرگی و عظمت او را شایسته است. «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا»: و همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتاست، حمد و ستایش بسیار و بی‌شمار. «وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَـمِينَ»: و پاک و منزه است الله که پروردگار جهانیان است، هرچه هست پرورده‌ی نعمت‌های اوست. «لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»: نه توانایی و قدرتی است برای پایداری بر طاعت خدا، و نه توان و قدرتی است برای دوری از گناه، مگر به کمک خدای یکتای پرعزت پرحکمت». وقتی که رسول الله ص این کلمات را به اعرابی آموخت، اعرابی گفت: این‌ها همه برای پروردگارم می‌باشد، پس برای خودم چیست؟ رسول الله ص فرمود: «بگو خدایا بیامرز مرا و مرا مورد رحمتت قرار ده و مرا به راه راست برسان و مرا روزی ده».

و در صحیح مسلم از سعد بن ابی وقاص س روایت شده که سعد گفت: ما خدمت پیغمبر ص بودیم، آنگاه فرمود: «آیا یکی از شما ناتوان است از این که هرروزی هزار حسنه به دست آورد؟» یکی از کسانی که خدمت پیغمبر بودند، پرسید: چگونه هزار حسنه را به دست می‌آورد؟ «یکصد بار سبحان الله می‌گوید و برای او هزار حسنه نوشته می‌شود یا این که هزار خطیئه از او محو می‌شود». لفظ حدیث: «كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ أَيَعْجِزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكْسِبَ كُلَّ يَوْمٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ؟، فَسَأَلَهُ سَائِلٌ مِنْ جُلَسَائِهِ كَيْفَ يَكْسِبُ أَحَدُنَا أَلْفَ حَسَنَةٍ؟ قَالَ: يُسَبِّحُ مِائَةَ تَسْبِيحَةٍ فَيُكْتَبُ لَهُ أَلْفُ حَسَنَةٍ أَوْ تُحَطُّ عَنْهُ أَلْفُ خَطِيئَةٍ،. قال الإمام الحافظ أبوعبدالله الحُمَيدي: كذا هو في كتاب مسلم في جميع الروايات: أَوْ تُحَطُّ، قال البرقاني: و رواه شعبة وابوعوانة ويحيي القطان عن موسى الذي رواه مسلم من جهته فقالوا: و تُحَطُّ، بغير ألف». یعنی به حسب روایت اینان: کسی که یکصد بار سبحان الله گفت، هزار حسنه برای او نوشته می‌شود و هزار خطیئه و گناه از او محو می‌شود.

و در صحیح مسلم از أبوذر س روایت نمود که ابوذر گفت: رسول الله ص فرمود: «يُصْبِحُ عَلَى كُلِّ سُلاَمَى مِنْ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ فَكُلُّ تَسْبِيحَةٍ قال صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ وَنَهْىٌ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَيُجْزِئُ مِنْ ذَلِكَ رَكْعَتَانِ يَرْكَعُهُمَا مِنَ الضُّحَى». «رسول الله ص فرمود: بامداد هرروز بر هر عضوی از اعضای بدنتان صدقه‌ای است هریک بار که سبحان الله می‌گوید برای او صدقه‌ای است، و هر باری که الحمد لله می‌گوید برای او صدقه‌ای است، و هر باری که لا إله إلا الله می‌گوید برای او صدقه‌ای است، و هر باری که الله اکبر می‌گوید برای او صدقه‌ای است، و هر امر به معروفی که می‌کند صدقه‌ای است، و هر نهی از منکری که می‌کند صدقه‌ای است و جای همه‌ی اینها را می‌گیرد دو رکعت نماز سنت ضحی که آن را می‌خواند». أقل نماز ضحی دو رکعت است و أکمل آن هشت رکعت است و وقت آن بعد از گذشتن شانزده دقیقه از طلوع آفتاب است تا اذان ظهر، و بهترین وقت آن در ربع النهار است که چهار یک روز گذشته باشد، سُلامی به معنی عضوی از اعضای بدن، جمع آن سُلامیات است.

و در صحیح بخاری و مسلم آمده است که ابوموسی اشعری س گفت: «قال لي رسول الله ص: أَلاَ أَدُلُّكَ عَلَى كَنْزٍ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ،. فَقُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: قُلْ لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ». «ابوموسی اشعری س گفت که رسول الله ص به من فرمود: «آیا تو را راهنمایی نکنم به گنجی از گنجینه‌های بهشت»؟ گفتم: بله یا رسول الله، فرمود: «کلمه‌ی لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ، مثل گنجی است از گنجینه‌های بهشت». «لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ»»، یعنی: نه توانایی دارم بر پایداری بر طاعت خدا و نه می‌توانم دوری از نافرمانی خدا، مگر به کمک خدای یکتا که هر طاعتی انجام بدهم از مددکاری اوست، و هر معصیتی را ترک نمایم از نگه‌داری اوست. اعتماد بر خدا در توفیق بر طاعت و در نگه‌داری از معصیت مانند گنجی از گنجینه‌های بهشتی است که به انسان داده شده باشد.

و در سنن ابوداود و ترمذی آمده است که سعد بن ابی وقاص س گفت که همراه رسول الله ص نزد زنی رفتیم که جلو او هسته‌های خرما و سنگریزه بود و گفتن سبحان الله را با آنها می‌شمرد، رسول الله ص به آن زن فرمود:

«أَلاَ أُخْبِرُكِ بِمَا هُوَ أَيْسَرُ عَلَيْكِ مِنْ هَذَا أَوْ أَفْضَلُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِى السَّمَاءِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِى الأَرْضِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا هُوَ خَالِقٌ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِثْلَ ذَلِكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ ولا إلهَ إلا اللهُ مِثْل ذلِكَ وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ». «آیا تو را خبر ندهم به چیزی که بر تو آسانتر باشد از آن یا هم آسانتر و هم فضل آن بیشتر باشد؟ آنگاه فرمود: سبحان الله به شماره‌ی آنچه خدا آنها را در آسمان آفرید و سبحان الله به شماره‌ی آنچه خدا آنها را در زمین آفرید و سبحان الله به شماره‌ی آنچه خدا آنها را میان آسمان و زمین آفرید و سبحان الله به شماره‌ی آنچه خدا آنها را می‌آفریند و الله اکبر مانند آنها، یعنی به شماره‌ی آنها «وَاللَّهُ أَكْبَرُ» مانند آنها «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ» به همان‌اندازه «ولا إلهَ إلا اللهُ» مانند آنها، یعنی به همان شماره «وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ» به همان شماره». ترمذی بعد از روایت این حدیث گفته است: حدیث حسن.

و نووی / در کتاب اذکار فرمود: ما روایت داریم در سنن ابوداود و ترمذی به اسناد حسن از یُسَیرة ل که زنی از صحابه و از مهاجران است که رسول الله ص به زنان دستور داد که «أَنْ يُرَاعِينَ بِالتَّكْبِيرِ وَالتَّقْدِيسِ وَالتَّهْلِيلِ وَأَنْ يَعْقِدْنَ بِالأَنَامِلِ فَإِنَّهُنَّ مَسْئُولاَتٌ مُسْتَنْطَقَاتٌ». «رسول الله ص به زنان امر فرمود که در موقع تکبیر و تقدیس و تهلیل، یعنی موقع گفتن الله اکبر و موقع گفتن سبحان الله و موقع گفتن لا إله إلا الله، دل خود را حاضر کنند و به انگشتان خود آن را بشمارند، برای این که انگشتان در روز قیامت پرسیده می‌شوند و به سخن می‌آیند».

و در اذکار فرموده که روایت داریم از سنن ابی داود و ترمذی و سنن نسائی به اسناد حسن از عبدالله بن عمر ب که گفت: دیدم رسول الله ص را که موقع گفتن سبحان الله به انگشتان خود آنها را می‌شمرد، و در روایتی به انگشتان دست راست خود آنها را می‌شمرد.

و در اذکار فرمود: روایت داریم در سنن ابوداود از ابوسعید خدری س که رسول اللهص فرمود:

«مَنْ قَالَ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالإِسْلاَمِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولاً وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ». «کسی که گفت: راضی و خشنودم به خدای یکتا، «الله» در پروردگاریش و راضی هستم به اسلام در دینداری و راضی و خشنودم به حضرت محمد ص در پیغمبریش، یعنی کسی که به دل و زبان به پروردگاری خدا و دینداری اسلام و رسالت خاتم انبیا راضی باشد و از ایشان پیروی و اطاعت نماید، بهشت برای او ثابت است».

نووی فرمود: روایت داریم در کتاب ترمذی از عبدالله بن بُسر س که مردی به خدمت رسول الله ص آمد و گفت که شرایع اسلام بر من بسیار شد، یعنی احکام در اسلام بسیار است و من از عهده‌ی همه‌ی آنها برنمی‌آیم، مرا خبر ده به کاری که به آن تمسک بجویم. فرمود: «لاَ يَزَالُ لِسَانُكَ رَطْبًا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ تعالی». «همیشه زبانت به یاد خدا تر باشد». یعنی همیشه خدا را یاد کن، زیرا وقتی زبانت همیشه به یاد خدا مشغول شد، غیبت و خبرچینی و دروغ و زشت‌گفتاری از تو سر نمی‌زند و یاد خدا به صورت همیشگی زبانت را از بدی باز می‌دارد و عملت را از زشتی نگه می‌دارد.

نووی فرمود: و در سنن ترمذی روایت داریم از ابوسعید خدری س که از رسول اللهص پرسیده شد: چه عبادتی درجه اش در روز قیامت نزد خدای متعال بالاتر است؟ «قَالَ: الذَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا،. قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمِنَ الْغَازِى فِى سَبِيلِ اللَّهِ ﻷ؟ قَالَ: لَوْ ضَرَبَ بِسَيْفِهِ فِى الْكُفَّارِ وَالْمُشْرِكِينَ حَتَّى يَنْكَسِرَ وَيَخْتَضِبَ دَمًا لَكَانَ الذَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا أَفْضَلَ مِنْهُ دَرَجَةً». فرمود: «درجه‌ی کسانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند، بالاترین درجه است. ابوسعید خدری می‌گوید: گفتم: آیا درجه‌ی عبادت ایشان از کسانی که جهاد در راه خدا می‌کنند بیشتر است؟ رسول الله ص فرمود: اگر غازی، یعنی مجاهد فی سبیل الله با شمشیر خود کافران و مشرکان را بزند تا جایی که شمشیرش شکسته شود و به خون آغشته شود بازهم کسانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند بر او برتری دارند».

نووی فرموده: و روایت داریم در کتاب ابن ماجه از ابودرداء س که گفت: رسول اللهص فرمود: «أَلاَ أُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ وَأَزْكَاهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ وَأَرْفَعِهَا فِى دَرَجَاتِكُمْ وَخَيْرٌ لَكُمْ مِنْ إِنْفَاقِ الذَّهَبِ وَالْوَرِقِ وَخَيْرٌ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْقَوْا عَدُوَّكُمْ فَتَضْرِبُوا أَعْنَاقَهُمْ وَيَضْرِبُوا أَعْنَاقَكُمْ؟. قَالُوا بَلَى. قَالَ: ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى». «ابودرداء س از رسول الله ص روایت نمود که فرمود: «آیا خبر ندهم شما را به کاری که بهترین اعمال‌تان و پاکیزه‌ترین رفتارتان و بالاترین درجه در اعمال‌تان باشد و بهتر باشد برای شما از انفاق طلا و نقره و بهتر باشد برایتان از این که با دشمن رو در رو شوید و گردن آنها را بزنید»؟ گفتیم: بله، فرمود: یادکردن خدای متعال». حاکم ابوعبدالله در کتاب خود «المستدرک» گفت: این حدیث صحیح الاسناد است.

در حقیقت ادیان همه آمده‌اند تا مردم را به خدا نزدیک کنند و مردم را به طاعت خدا وادارند و کسی که همیشه زبانش به یاد خداست و دلش در فرمان خداست او خود را برای همه انواع طاعت آماده نموده و خود را از هرنوع گناه و عصیان نگه داشته است، از این رو او دارای بالاترین درجه عبادت و ثواب است.

نووی فرمود: روایت داریم در کتاب ترمذی از عبدالله بن مسعود س که گفت: رسول الله ص فرمود: در شب اسراء و معراج ابراهیم را ملاقات نمودم، گفت: «يَا مُحَمَّدُ، أَقْرِئْ أُمَّتَكَ مِنِّى السَّلاَمَ وَأَخْبِرْهُمْ أَنَّ الْجَنَّةَ طَيِّبَةُ التُّرْبَةِ عَذْبَةُ الْمَاءِ وَأَنَّهَا قِيعَانٌ وَأَنَّ غِرَاسَهَا سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ». قال الترمذی: حديث حسن. «رسول الله ص فرمود: در شب اسراء و معراج ابراهیم ÷ را ملاقات نمودم، گفت: سلام امتت را برسان و به ایشان خبر ده که بهشت خاکش پاک و آماده‌ی بهره‌برداری است و همه دشت هموار است و آب آن شیرین است و زراعت وکاشتن درختان در آن به گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» به دست می‌آید». یعنی امتت بکوشند هرچه بیشتر این کلمات را بگویند تا هرچه بیشتر از زمین بهشت استفاده کنند، خوشا به حال امت محمد که انبیاء هم به فکر راهنمایی و فایده‌رسانی به ایشان هستند.

نووی فرمود که در کتاب ترمذی روایت داریم از جابر بن عبدالله انصاری و او از رسول الله ص روایت می‌کند که فرمود: «مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ. غُرِسَتْ لَهُ نَخْلَةٌ فِى الْجَنَّةِ». قال الترمذی: حديث حسن. «کسی که بگوید سبحان الله وبحمده، با هر باری که مسلمان این کلمه را بگوید درخت نخلی در بهشت برای او کاشته می‌شود».

باید دانست که مردم از غفلت خود و نگفتن این کلمه‌ی عظیم چقدر نعمت از دست می‌دهند و با مشغول‌شدن به سخنان بیهوده عمر خود را ضایع می‌کنند و به جای ثواب بار گناه خود را سنگین می‌کنند.

نووی فرمود که در کتاب ترمذی روایت داریم از ابوذر س که گفت: گفتم: یا رسول الله، کدام سخن محبوب‌تر است نزد خدای متعال؟ فرمود: «مَا اصْطَفَى اللَّهُ تعالى لِمَلاَئِكَتِهِ سُبْحَانَ رَبِّى وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ رَبِّى وَبِحَمْدِهِ». قال الترمذی: حديث حسن صحيح. «رسول الله ص فرمود: بهترین سخن سخنی است که خدای تعالی آن را برای فرشتگانش برگزید: «سُبْحَانَ رَبِّى وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ رَبِّى وَبِحَمْدِهِ» منزه و پاک می‌دانم پروردگارم را از هر عیب و نقصی و به ستایش او مشغولم».

پس از این که صاحب کتاب اذکار ذکرهای غیر مقید را یاد کرد، می‌پردازد به ذکرهایی که در مناسبت‌ها گفته می‌شود و آغاز نمود به ذکری که مسلمان موقع بیدارشدن از خواب می‌گوید.

«باب ما يقول إذا استيقظ من النوم»

بابی است در بیان ذکری که موقع بیدارشدن از خواب می‌گوید

در صحیحین به روایت از ابوهریره آمده است که رسول الله ص فرمود:

«يَعْقِدُ الشَّيْطَانُ عَلَى قَافِيَةِ رَأْسِ أَحَدِكُمْ إِذَا هُوَ نَامَ ثَلاَثَ عُقَدٍ، يَضْرِبُ كُلَّ عُقْدَةٍ عَلَيْكَ لَيْلٌ طَوِيلٌ فَارْقُدْ، فَإِنِ اسْتَيْقَظَ فَذَكَرَ اللَّهَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنْ تَوَضَّأَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنْ صَلَّى انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ فَأَصْبَحَ نَشِيطًا طَيِّبَ النَّفْسِ، وَإِلاَّ أَصْبَحَ خَبِيثَ النَّفْسِ كَسْلاَنَ». «رسول الله ص فرمود: وقتی که یکی از شما به خواب رفت، شیطان پشت سر او سه گره می‌زند و در هر گره می‌گوید شب درازی در پیش داری به خواب، چنانچه بیدار شد و نام خدا را یاد کرد، گرهی گشوده می‌شود، و چنانچه بلند شد و وضو گرفت گره دیگری گشوده می‌شود و چنانچه نماز خواند گره‌ها همه گشوده می‌شود و بامداد که از بستر برمی‌خیزد خوش‌دل و بانشاط برمی‌خیزد، و چنانچه خدا را یاد نکرد و وضو نگرفت و نماز نخواند بامداد که از بستر خواب بلند می‌شود بددل و گرفته‌دل و بی‌نشاط و سست برمی‌خیزد». و معلوم است که کسی که همه‌ی شب به خواب غفلت فرو رفت، نه خدا را یاد کرد، نه وضو گرفت و نه دو رکعت نماز خواند، سستی و بی‌حالی نصیب او می‌شود. مسلمان همیشه با یاد خدا و طهارت وضو و نماز به خدا نزدیک می‌شود، و از روزی که تلویزیون در خانه‌ها راه یافته و کوچک و بزرگ چشم به آن دوخته‌اند و خسته و بی‌حال به بستر خواب می‌روند نشاط عبادت در شب از دست داده‌اند، و خوشی قلب نمی‌یابند.

و در صحیح بخاری از حذیفۀ بن الیمان و ابوذر ب روایت نمود که رسول اللهص وقتی که بر بستر خواب می‌نشست می‌فرمود:

«بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَمُوتُ وَأَحْيَا. وَإِذَا اسْتَيْقَظَ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا، وَإِلَيْهِ النُّشُورُ». «رسول الله ص قبل از خواب می‌فرمود: «خدایا به نام تو زنده می‌مانم و می‌میرم». و بعد از خواب که بیدار می‌شد می‌فرمود: حمد و ستایش‌ها برای خدای یکتاست که ما را با بیداری زنده فرمود، بعد از این که ما را با خواب از مردگان ساخته بود و بازگشت به‌سوی اوست».

و در کتاب ابن السنی به اسناد صحیح آورده است که رسول الله ص فرمود: «إذَا اسْتَيْقَظَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي، وَعَافَانِي فِي جَسَدِي، وَأَذِنَ لِي بِذِكْرِهِ». «موقعی که یکی از شما از خواب بیدار می‌شود بگوید: همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتایی است که روح مرا برگرداند و تندرستی به من عطا فرمود و به من اجازه داد تا او را یاد کنم».

و در همین کتاب آمده است که رسول الله ص فرمود: «مَا مِنْ عَبدٍ يَقولُ عِنْدِ رَدَّ اللهُ تَعالَى رُوحَهُ: لا إلهَ إلا الله، وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ المُلكُ، وَلهُ الحمدُ، وَهو عَلى كلِّ شيءٍ قَديرٌ، إلا غَفرَ اللهُ لَهُ ذُنوبَهُ، وَلوْ كَانَتْ مِثلَ زَبَدِ البَحرِ». «هر بنده‌ای که موقع بیدارشدنش بگوید: «لا إلهَ إلا الله، وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ المُلكُ، وَلهُ الحمدُ، وَهو عَلى كلِّ شيءٍ قَديرٌ» خدا می‌آمرزد گناهانش را و اگرچه مانند کف دریا باشد». «زَبَدِ البَحرِ»: کف دریا، همان سفیدی روی موج دریاست.

و در همان کتاب آمده است که رسول الله ص فرمود: «مَا مِنْ رَجُلٍ يَنْتَبِهُ مِنْ نَوْمِهِ فَيَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْمَ وَالْيَقَظَةَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَنِي سَالِمًا سَوِيًّا أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْمَوْتَى، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إلاَّ قَالَ اللَّهُ: صَدَقَ عَبْدِي». «هر بنده‌ای که از خواب بیدار شود و بگوید: همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتاست که خواب و بیداری هردو را آفرید – تا خواب مایه‌ی آسایش بندگان باشد و بیداری برای کار و کسب باشد – همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتاست که مرا به حال تندرستی و سلامت اعضا بیدار فرمود، گواهی می‌دهم که خداوند مردگان را زنده می‌گرداند و او بر هرچیزی تواناست، خدا می‌فرماید: بنده ام راست گفت، یعنی خدا این گفتار را از او پذیرفت و ثواب او را عطا فرمود».

«باب ما يقول إذا لبس ثوبه»

بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس می‌گوید

مستحب است گفتن بسم الله، و همچنین مستحب است «بسم الله الرحمن الرحیم» گفتن در آغاز همه‌ی کارها. در کتاب ابن السنی «عمل اليوم والليلة» از ابوسعید خدری س روایت نمود که رسول الله ص هرگاه لباسی می‌پوشید خواه جامه خواه لنگ دوش خواه عمامه، هر لباسی که می‌پوشید می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إني أسألُكَ منْ خَيْرِهِ وَخَيْر ما هُوَلَهُ وأعُوذُ بِكَ مِنْ شَرّهِ وَشَرّ ما هُوَ لَه». «خدایا از تو می‌خواهم از خوشی این لباس و خوشی آنچه این لباس برای آن ساخته شد، و پناه می‌برم به تو از شر این لباس و شر آنچه این لباس برای آن ساخته شد».

و در همین کتاب روایت داریم از معاذ بن انس س که رسول الله ص فرمود: «من لبس ثوباً جديداً فقال: الحمد للّه الّذي كساني هذا، ورزقنيه من غير حولٍ مسنّي ولا قوّةٍ، غفر اللّه له ما تقدّم من ذنبه». «رسول الله ص فرمود: هر مسلمانی که جامه‌ی نوی پوشید و گفت حمد و ستایش‌ها برای خدای یکتاست که این جامه‌ی نو را به من پوشانید و آن را روزی من فرمود بدون این که حول و قوه‌ی من آن را برایم فراهم کرده باشد، خدا گناهان گذشته اش را می‌آمرزد».

«باب ما يقول إذا لبس ثوباً جديداً أو نعلين وما أشبهه»

بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس، کفش نو و مانند آنها می‌گوید

ابوداود، ترمذی و نسائی در سنن‌شان به روایت از ابوسعید خدری س آورده‌اند که رسول الله ص هرگاه لباس نوی به دست می‌آورد خواه جامه یا عمامه یا لنگ دوش بود برای آن نامی می‌گذاشت آنگاه می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ كَسَوْتَنِيهِ أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا صُنِعَ لَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا صُنِعَ لَهُ». حديث صحيح. «خدایا برای توست حمد و ستایش‌ها، تو آن را به من پوشانیدی از تو می‌خواهم خیر و خوشی آن و خیر و خوشی هرچه این لباس برای آن ساخته شده و پناه می‌برم به تو از شر این لباس و شر آنچه این لباس برای آن ساخته شده است». یعنی خیر و خوشی لباس و خیر و خوشی بدنی که لباس برای آن ساخته شده را از تو می‌خواهم، لباس دارای خیر و خوشی باشد و بدنی که آن لباس را می‌پوشد هم در حال خیر و خوشی باشد، والله اعلم.

و در کتاب ترمذی روایت داریم از عمر س که گفت: از رسول الله ص شنیدم که می‌فرمود:

«مَنْ لَبِسَ ثَوْبًا جَدِيدًا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى كَسَانِى مَا أُوَارِى بِهِ عَوْرَتِى وَأَتَجَمَّلُ بِهِ فِى حَيَاتِى ثُمَّ عَمَدَ إِلَى الثَّوْبِ الَّذِى أَخْلَقَ فَتَصَدَّقَ بِهِ كَانَ فِى كَنَفِ اللَّهِ وَفِى حِفْظِ اللَّهِ وَفِى سَتْرِ اللَّهِ حَيًّا وَمَيِّتًا». «کسی که لباس نوی پوشید و گفت حمد و ستایش برای خدای یکتاست که مرا لباسی پوشانید که به وسیله‌ی آن عورت خود را بپوشانم و به وسیله‌ی آن در زندگی ام زیبایی و تجمل بیابم، آنگاه لباسی را که کهنه کرده بود صدقه کرد و به فقیر داد او در نگه‌داری خدا و در حمایت خدای ﻷ می‌باشد و در راه خداست در زندگی و پس از مرگ».

«باب ما يقول لصاحبه إذا رأى عليه ثوباً جديداً»

بابی است در بیان آنچه به دوستش می‌گوید، وقتی که دید لباس نوی پوشیده است

روایت داریم در صحیح بخاری از ام خالد، دختر خالد بن الولید ب که گفت: لباس‌هایی برای رسول الله ص آورده بودند و در میان آنها چارقد سیاهی بود، رو به حاضران نمود و فرمود:

«مَنْ تَرَوْنَ نَكْسُوهَا هَذِهِ الْخَمِيصَةَ؟ فَأُسْكِتَ الْقَوْمُ . قَالَ: «ائْتُونِى بِأُمِّ خَالِدٍ» فَأُتِىَ بِى النَّبِىُّ ص فَأَلْبَسْنِيْهَا بِيَدِهِ وَقَالَ: أَبْلِى وَأَخْلِقِى مَرَّتَيْنِ». «به نظر شما این چارقد را به چه کسی بپوشانیم؟ حاضران سکوت نمودند، آنگاه فرمود: تا مرا به خدمت رسول الله ص بیاورند، وقتی که آمدم به دست مبارک خود آن را بر من پوشانید و فرمود: این لباس را بپوش تا آن را فرسوده نمایی، دوبار». ام خالد آن وقت دختری خردسال بود.

و روایت داریم در کتاب «عمل اليوم والليلة» تألیف ابن السنی به روایت از عبدالله بن عمر ب که رسول الله ص لباس تازه‌ای بر عمر دید و پرسید: لباس نو است یا شسته شده؟ عمر عرض کرد شسته شده است، رسول الله ص فرمود: «الْبَسْ جَدِيدًا، وَعِشْ حَمِيدًا، وَمُتْ شَهِيدًا سَعِيْداً». «بپوش لباس نو، و زندگی کن زندگی پسندیده و بمیر به حال شهادت و نیکبختی».

«باب كيفية لبس الثوب والنعل وخلعهما»

بابی است در بیان چگونگی پوشیدن لباس، کفش و بیرون‌آوردن آنها

هنگام پوشیدن لباس، کفش، شلوار و مانند آنها از راست شروع کند و در هنگام بیرون‌آوردن از چپ شروع کند و نیز سرمه به چشم‌کشیدن و مسواک‌زدن و چیدن ناخن و کوتاه‌کردن سبیل و اصلاح سر و تراشیدن موی زیر بغل و سلام نماز دادن و داخل‌شدن به مسجد و بیرون‌آمدن از مستراح و وضو گرفتن و غسل‌کردن و خوردن و آشامیدن و مصافحه‌کردن و دست‌کشیدن به حجرالأسود و گرفتن چیزی از کسی و چیزی را به دست کسی دادن، در همه‌ی این‌ها مستحب است از راست شروع کند و ضد آنها از چپ.

و در اذکار از صحیحین روایت شده که عائشه صدیقه ل گفت: «كَانَ النَّبِىُّ ص يُعْجِبُهُ التَّيَمُّنَ فِى شَأْنِهِ كُلِّهِ فِى طُهُورِهِ وَتَرَجُّلِهِ وَتَنَعُّلِهِ». «پیامبر ص دوست می‌داشت همه‌ی کارهای خوب خود را با دست راست و از سمت راست انجام دهد، در طهارت و شانه‌کردن مو و پوشیدن کفشش».

و در اذکار از سنن ابی داود روایت شده که عایشه ل گفت: «كَانَتْ يَدُ رَسُولِ اللَّهِص الْيُمْنَى لِطُهُورِهِ وَطَعَامِهِ وشَرَابِهِ وَكَانَتْ يَدُهُ الْيُسْرَى لِخَلاَئِهِ وَمَا كَانَ مِنْ أَذًى». «دست راست پیامبر ص برای طهارت، خوردن، نوشیدن، و دست چپش برای قضای حاجت و آنچه که از ناپاکی بود، اختصاص داشت».

«باب ما يقول إذا خلع ثوبه لغسل أو نوم أو نحوهما»

بابی است در بیان آنچه به هنگام بیرون‌آوردن لباسش برای شستن یا خوابیدن یا مانند آنها می‌گوید

روایت داریم در کتاب ابن سنی از انس س که رسول الله ص فرمود:

«سَتْرُ مَا بَيْنَ أَعْيُنِ الجِنِّ وَعَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ المُسْلِمُ إِذَا أَراد أن يطرح ثِيَابَهُ: بسم اللَّه الذي لا إله إِلاَّ هُوَ». «پوشش میان چشمان جن و عورت‌های بنی آدم آن است که فرد مسلمان هرگاه بخواهد لباسش را بیرون آورد بگوید: به نام خدایی که نیست معبودی مگر او».

«باب ما يقول حال خروجه من بيته»

بابی است در بیان آنچه هنگام خروجش از خانه می‌گوید

ابوداود، ترمذی، نسایی و ابن ماجه از ام سلمه ل که همسر رسول اللهص می‌باشد و نام او هند است روایت نمودند که رسول اللهص هرگاه از خانه اش بیرون می‌رفت می‌فرمود:

«بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نَزِلَّ أَوْ نَضِلَّ أَوْ نَظْلِمَ أَوْ نُظْلَمَ أَوْ نَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيْ». [حديث صحيح وقال الترمذی: حديث حسن صحيح].

«به نام خدا و توکل نمودم بر خدا، یعنی به نام خدا از خانه بیرون می‌روم و بر خدای یکتا اعتماد می‌نمایم، خدایا به تو پناه می‌برم از این که گمراه شوم و یا این که گمراه کرده شوم و پناه می‌برم به خدا از این که خوار شوم یا خوار کرده شوم و از این که ستم به کسی نمایم و یا این که کسی به من ستم نماید و از این که راه نادانی بگیرم و یا این که کسی با من نادانی نماید».

رسول الله ص در تعلیم این امت چنین بیان فرمود که در بیرون‌رفتن از خانه نام خدا را یاد کنند یا کسی ایشان را خوار نماید، نه خود راه گمراهی بگیرند و نه کسی ایشان را گمراه کند، نه خود به کسی ستم کنند و نه کسی به ایشان ستم نماید و نه خود راه نادانی بگیرند و نه کسی راه نادانی با ایشان بگیرد. کسی که در بیرون از خانه به پشتیبانی نام خدا و توکل بر خدا از گمراهی و خواری و ستم و نادانی نگه‌داری شود، خیر دنیا و آخرت برای او جمع شده است.

و در روایت ابی داود و ترمذی و نسایی و غیر از ایشان از انس س روایت شده که گفت: رسول الله ص فرمود:

«مَنْ قَالَ - يَعْنِى إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ - بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ. يُقَالُ لَهُ كُفِيتَ وَوُقِيتَ وَهُدِيْتَ. وَتَنَحَّى عَنْهُ الشَّيْطَانُ». «رسول الله ص فرمود: «هرکس موقعی که از خانه بیرون رفت گفت: «بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ». به نام خدا از خانه بیرون آمده ام و بر خدای یکتا اعتماد کرده‌ام و نیست چاره‌ای در پایداری بر طاعت خدا و نه توانی برای دوری از معاصی مگر به کمک خدای یکتا، کسی که این را گفت به او گفته می‌شود: تو را کفایت کرده‌اند و نگه داشته‌اند و راهنمایی کرده‌اند به‌سوی راه راست و شیطان از او دور شد».

«باب ما يقول إذا دخل بيته»

بابی است در بیان آنچه وقتی که داخل خانه اش می‌شود، می‌گوید

مستحب است که موقع داخل‌شدن به خانه بگوید: بسم الله، و یاد خدا بسیار نماید و سلام کند، خواه کسی در خانه باشد و یا نباشد، اگر در خانه کسی است می‌گوید: «السَّلاَمُ عَلَيْكُمْ». و اگر در خانه کسی نیست می‌گوید: «السَّلاَمُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ». خدای متعال فرمود:

﴿فَإِذَا دَخَلۡتُم بُيُوتٗا فَسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ تَحِيَّةٗ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُبَٰرَكَةٗ طَيِّبَةٗ﴾ [النور: 61].

«وقتی داخل به خانه‌هایتان می‌شوید بر اهل خانه سلام کنید که این گرامی‌داشتنی است پاک و پربرکت که از نزد خدا می‌یابند».

ترمذی از انس س روایت نمود که گفت: رسول الله ص به من فرمود:

«يَا بُنَىَّ إِذَا دَخَلْتَ عَلَى أَهْلِكَ فَسَلِّمْ يَكُونُ بَرَكَةً عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ». [قال الترمذی: حديث حسن صحيح]. «وقتی که داخل به خانه‌ات شدی بر خانواده‌ات سلام کن بگو: السلام علیکم که همین سلام‌کردنت برکتی است بر خودت و بر خانواده‌ات».

و در سنن ابی داود روایت داریم از ابومالک اشعری س (نام ابومالک: حارث است و گفته شده: نام او عبید و گفته شده نام او کعب و گفته شده نام او عمرو است، یعنی نظر به این که شهرت او به ابومالک است در نام او اختلاف است، اگرچه معتمد همان حارث است).

ابومالک گفت که رسول الله ص فرمود: «إِذَا وَلَجَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَوْلِجِ وَخَيْرَ الْمَخْرَجِ، بِاسْمِ اللَّهِ وَلَجْنَا، وَباسْمِ اللَّهِ خَرَجْنَا، وَعَلَى اللَّهِ رَبِّنَا تَوَكَّلْنَا، ثُمَّ يُسَلِّمُ عَلَى أهْلِهِ». «وقتی که شخص داخل خانه اش شد بگوید: خدایا از تو می‌خواهم خیر داخل‌شدن به خانه، و از تو می‌خواهم خیر بیرون‌آمدن از خانه، به نام خدا به خانه داخل شدیم و به نام خدا از خانه بیرون می‌رویم و بر خدای یکتا که پروردگار ما می‌باشد توکل نمودیم، آنگاه سلام بر اهل خانه‌اش نماید». ابوداود پس از روایت این حدیث آن را ضعیف ندانست.

و ابوداود به اسناد حسن روایت نمود از ابو امامه باهلی که نام او صُدَیّ بن عَجلان است از رسول الله ص که فرمود:

«ثَلاَثَةٌ كُلُّهُمْ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ ﻷ رَجُلٌ خَرَجَ غَازِيًا فِى سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُ فَيُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ يَرُدَّهُ بِمَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ وَغَنِيمَةٍ وَرَجُلٌ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ تَعَالى حَتَّى يَتَوَفَّاهُ فَيُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ يَرُدَّهُ بِمَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ وَغَنِيمَةٍ وَرَجُلٌ دَخَلَ بَيْتَهُ بِسَلاَمٍ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وتَعَالى». حديث حسن. «سه کس‌اند که در ضمان و رعایت خدای عزوجل هستند: مردی که به جهاد فی سبیل الله رفت او در رعایت خدای ﻷ می‌باشد تا این که خدا او را وفات دهد و به بهشت داخل گرداند، یا این که او را به خانه‌اش برگرداند با آنچه از اجر و غنیمت به دست آورده است. و مردی که به مسجد رفت (برای طاعت خدا) او زیر نظر و رعایت خداست تا این که خدا او را وفات دهد و او را داخل بهشت سازد، یا این که او را زنده برگرداند با آنچه از ثواب و غنیمت عمر به دست آورده است. و کسی که داخل به خانه می‌شود با سلام بر اهل خانه او در ضمان و رعایت خداوند پاک و بلندمرتبه است».

و در صحیح مسلم به روایت از جابر بن عبدالله انصاری ب آمده است که جابر گفت: از پیامبر خدا ص شنیدم که می‌فرمود:

«إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ لاَ مَبِيتَ لَكُمْ وَلاَ عَشَاءَ. وَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ. وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ وَالْعَشَاءَ». «وقتی که شخص داخل خانه شد و نام خدا را یاد کرد وقت آمدن به خانه و خوراک‌ خوردن، شیطان به همراهانش می‌گوید اینجا نه محلی برای خوابیدن دارید و نه خوراکی برای خوردن، و چنانچه وقت داخل‌شدن به خانه نام خدا را یاد نکرد، شیطان به همراهان خود می‌گوید اینجا جای خوابیدن یافتید، و وقتی که هنگام غذاخوردن نام خدا را یاد نکرد، شیطان به همراهان خود می‌گوید شما در این خانه هم جای ماندن یافتید و هم غذا برای خوردن».

و امام مالک در موطا فرمود: کسی که داخل به خانه‌ای شد که کسی در آن نیست، بگوید: «السَّلاَمُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».

«باب ما يقول إذا استيقظ في الليل وخرج من بيته»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در شب از خواب بیدار شود و از خانه بیرون برود

مستحب است وقتی که در شب از خواب بیدار شد و از خانه بیرون رفت نظر به‌سوی آسمان نماید و از آیه‌ی 190 تا آخر سوره‌ی آل عمران را بخواند:

﴿إِنَّ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ لَأٓيَٰتٖ لِّأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ١٩٠ ٱلَّذِينَ يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمۡ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٩١ رَبَّنَآ إِنَّكَ مَن تُدۡخِلِ ٱلنَّارَ فَقَدۡ أَخۡزَيۡتَهُۥۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ ١٩٢ رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعۡنَا مُنَادِيٗا يُنَادِي لِلۡإِيمَٰنِ أَنۡ ءَامِنُواْ بِرَبِّكُمۡ فَ‍َٔامَنَّاۚ رَبَّنَا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرۡ عَنَّا سَيِّ‍َٔاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ ٱلۡأَبۡرَارِ ١٩٣ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخۡزِنَا يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ إِنَّكَ لَا تُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ١٩٤ فَٱسۡتَجَابَ لَهُمۡ رَبُّهُمۡ أَنِّي لَآ أُضِيعُ عَمَلَ عَٰمِلٖ مِّنكُم مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰۖ بَعۡضُكُم مِّنۢ بَعۡضٖۖ فَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ وَأُخۡرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ وَأُوذُواْ فِي سَبِيلِي وَقَٰتَلُواْ وَقُتِلُواْ لَأُكَفِّرَنَّ عَنۡهُمۡ سَيِّ‍َٔاتِهِمۡ وَلَأُدۡخِلَنَّهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ ثَوَابٗا مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ عِندَهُۥ حُسۡنُ ٱلثَّوَابِ ١٩٥ لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي ٱلۡبِلَٰدِ ١٩٦ مَتَٰعٞ قَلِيلٞ ثُمَّ مَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ١٩٧ لَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ لَهُمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا نُزُلٗا مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِۗ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لِّلۡأَبۡرَارِ ١٩٨ وَإِنَّ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَمَن يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُمۡ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِمۡ خَٰشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشۡتَرُونَ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ ثَمَنٗا قَلِيلًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ١٩٩ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱصۡبِرُواْ وَصَابِرُواْ وَرَابِطُواْ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٢٠٠﴾ [آل‌عمران: 190-200].

«حقا که در آفرینش آسمان‌ها و زمین‌ها و از پی یکدیگر آمدن شب و روز نشانه‌های قدرت پروردگار است برای خردمندان. آن مردمی که خدا را یاد می‌کنند ایستاده و نشسته و بر پهلو افتاده و می‌اندیشند در آفرینش آسمان‌ها و زمین‌ها و می‌گویند: ای پروردگار ما! نیافریدی این همه کاینات پرعظمت را به باطل، منزه هستی از هر عیب و نقصی، پاکی از عر عیب، پس نگه‌دار ما را از عذاب دوزخ. پروردگارا! به حقیقت هرکسی را به دوزخ فرستادی حقا که او را رسوا کرده‌ای و نیست ستمگران را هیچ یاری‌دهنده. پروردگارا! به حقیقت که ما شنیدیم دعوت‌کننده که به‌سوی ایمان دعوت می‌کرد و می‌گفت ایمان بیاورید به پروردگارتان و ما قبول دعوت‌شان کردیم و ایمان آوردیم. پروردگارا! بیامرز ما را و گناهان ما را آمرزیده ساز و بپوشان از ما بدی‌هایمان و وفات و مرگ ما را همراه نکوکاران قرار ده که در وقت وفات از نکوکاران باشیم. پروردگارا! بده ما را آنچه را که بر زبان پیغمبرانت نوید آن را به ما دادی و ما را رسوا مگردان در روز قیامت به حقیقت که تو هیچگاه خلاف وعده نخواهی فرمود. پروردگارشان دعایشان را به اجابت رسانید و فرمود: ضایع نمی‌گردانم عمل هر عمل خیرکننده از شما از مرد یا زن، بعضی از شما از بعضی دیگرند (شما همه از همدیگر هستید و ایمان و عمل صالح میان شما جمع نموده) پس مردمی که هجرت کردند از دیار کفر و بیرون شدند از شهر و خانه‌هایشان و شکنجه و اذیت دیدند از کافران در راه ایمان‌آوردن به من و جنگیدند با کافران و کشته شدند در این راه، می‌پوشانم از ایشان بدی‌هایشان و ایشان را داخل می‌سازیم به بهشت‌هایی که روان است زیر آنها رودها، این همه احسان که به ایشان برسد پاداشی است از نزد خدا و خداست که پاداش نیکو نزد اوست. نفریبد تو را رفت و آمد کافران در شهرها، خوشی‌اندکی است پس از آن جایگاه‌شان دوزخ است و چه بد آرامگاهی است برایشان (که به جای آرامش در دوزخ می‌سوزند). و لیکن مردمی که از خدا ترسیدند برای ایشان است بهشت‌هایی که روان است زیر آنها رودها در حالی که در آن بهشت‌ها و خوشی‌ها جاویدان می‌مانند و این مهمانی است از نزد خدا برایشان و آنچه نزد خداست بهتر است برای نکوکاران. و به حقیقت از اهل کتاب: از یهود و نصاری مردمی هستند که ایمان می‌آورند به خدای یکتا و آنچه نازل شد بر شما و آنچه نازل شد بر خودشان، فروتنی کنندگانند برای خدا، نمی‌خرند در مقابل آیات خدا بهای‌اندکی، آنانند که برایشان است ثواب‌شان نزد پروردگارشان، حقا که خدا خیلی زود به حساب بندگان برسد. (حساب این همه خلایق در مدت کوتاهی انجام می‌دهد: آنچه مؤمن هستند حساب اعمال‌شان به قدر فاصله‌ی میان دو نماز انجام می‌شود و به خوشی جاویدان می‌رسند و آنچه کافرند روز سختی در پیش دارند، همه رسوایی و بدبختی و دست آخر به آتش سوختن) ای مردمی که ایمان آورده‌اید! ای مؤمنان صبر و شکیبایی پیشه کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و بترسید از خدای متعال تا رستگار شوید».

در صحیح بخاری و مسلم به ثبوت رسیده است که رسول الله ص وقی که در شب بیدار می‌شد و از خانه بیرون می‌رفت آن آیات را می‌خواند، و نظرکردن پیامبر به آسمان و خواندن آن آیات در صحیح بخاری آمده است، و در مسلم نیامده است. و در صحیح بخاری و مسلم از عبدالله بن عباس ب روایت نموده‌اند که رسول الله ص موقعی که برای نماز تهجد از خواب برمی‌خاست می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ قَيِّمُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ وَلَكَ الْحَمْدُ، لَكَ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْحَقُّ، وَوَعْدُكَ الْحَقُّ، وَلِقَاؤُكَ حَقٌّ، وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةُ حَقٌّ، وَالنَّارُ حَقٌّ، وَالنَّبِيُّونَ حَقٌّ، وَمُحَمَّدٌ ص حَقٌّ، وَالسَّاعَةُ حَقٌّ، اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أَنَبْتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ، فَاغْفِرْ لِى مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ». زَادَ بعضُ الرواةِ: «وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ». «خدایا ستایش‌ها همه برای توست، تو نگهدار آسمان و زمین و همه‌ی آنچه در آن دو می‌باشد، هستی. و ستایش‌ها برای توست، مالکیت آسمان‌ها و زمین‌ها و آنچه در آن دو می‌باشد برای توست، و ستایش‌ها برای توست. تو روشن‌فرمای آسمان و زمین‌ها و آنچه در آنهاست، می‌باشی. و همه ستایش‌ها برای توست. تو حق هستی و وعده‌ی تو همه حق است و دیدار تو در آخرت برای مؤمنان حق است و گفتار تو حق است و بهشت حق است و دوزخ حق است و رسالت محمد برحق است و قیامت حق است. خدایا خود را تسلیم فرمان تو نمودم و به فرمان تو مسلمان شدم و به تو ایمان آوردم و کارهایم را همه به تو واگذاشتم (تا سعی و کوششم را به ثمر برسانی) و به‌سوی تو رجوع و انابت نمودم (تا همیشه روی دلم متوجه درگاهت باشد و انجام‌دهنده فرمانت باشد) و برای تو با دشمنانت دشمنی نمودم، و برای داوری روی به‌سوی تو نمودم، پس بیامرز برایم گناهان پیش از این و بعد از این و آنچه از گناهان که نهانی انجام دادم و آنچه از گناهان که آشکار نمودم، تو به جلو می‌اندازی کسی را که بخواهی و به دنبال می‌اندازی کسی را که بخواهی، نیست معبودی به حق مگر تو». و بعضی از راویان این کلمه را افزوده‌اند: «وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ» نیست نیرویی مرا در پایداری بر طاعتت و نه توانی برای دوری از نافرمانیت مگر به کمک تو و به کمک توست که راه پایداری بر طاعت و دوری از معصیت را به دست می‌آوریم».

«باب ما يقول إذا أراد دخول الخلاء»

بابی است در بیان آنچه موقع داخل‌شدن به مستراح می‌گوید

و در صحیح بخاری و مسلم به ثبوت رسیده است که انس س گفت: رسول الله ص موقع داخل‌شدن به مستراح می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبُثِ وَالْخَبَائِثِ». «خدایا! پناه می‌برم به تو از شر دیوهای نر و دیوهای ماده».

و در سنن ترمذی به روایت از علی س آمده است که رسول الله ص فرمود: «سَتْرُ مَا بَيْنَ أَعْيُنِ الْجِنِّ وَعَوْرَاتِ بَنِى آدَمَ إِذَا دَخَلَ الْكَنِيْفَ أَنْ يَقُولَ: بِاسْمِ اللَّهِ». «چیزی که عورت بنی آدم را موقعی که به مستراح داخل می‌شود از چشم جن می‌پوشاند گفتن بسم الله می‌باشد».

بنابراین، چه در مستراح و چه در صحرا قبل از نشستن برای قضای حاجت بگوید:

«بِاسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبُثِ وَالْخَبَائِثِ». «خدایا! نام تو را یاد می‌کنم و به تو پناه می‌برم از شر دیو‌های نر و دیو‌های ماده».

و در روایت ابن السنی و طبرانی از عبدالله بن عمر ب آورده است که رسول الله ص هرگاه به مستراح داخل می‌شد، می‌فرمود:

«اللّهُمّ إنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ الرّجْسِ النّجِسِ الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ الشّيْطَانِ الرّجِيمِ». «خدایا! پناه می‌برم به تو از شر پلید ناپاک، خبیث بدعمل، شیطانِ رانده ‌شد».

«باب النهي عن الذكر والكلام علي الخلاء»

بابی است در بیان نهی از ذکر خدا و سخن‌گفتن به هنگام قضای حاجت

موقعی که برای قضای حاجت نشسته است مکروه است یاد خدا و سخن‌گفتن، خواه در صحرا باشد یا در ساختمان، و هرنوع اذکار و سخن یکسان است، و سخن نگوید مگر برای ضرورت، حتی اگر کسی عطسه نماید، نگوید: «يَرْحَمُكَ اللَّه». و اگر خودش عطسه کند، نگوید: «الْحَمْدُ لِلَّه». و اگر کسی بر او سلام گفت، جواب سلامش ندهد. و اگر صدای مؤذن بشنود جواب آن را ندهد و مانند مؤذن نگوید. و اگر اذان شنید و جواب اذان به دل بگوید و به زبان نیاورد مانعی ندارد. همچنین اگر در حال جماع بود به دل جواب مؤذن بگوید و بر زبان نیاورد.

و در صحیح مسلم آمده است موقعی که رسول الله ص بول می‌کرد مردی که عبور می‌کرد سلام نمود و رسول الله ص جواب سلامش نداد.

و در سنن ابوداود و نسایی و ابن ماجه به اسناد صیح از مهاجر بن قنفذ روایت نمود که مهاجر گفت:

«أَتَيْتُ النَّبِىَّ ص وَهُوَ يَبُولُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَرُدَّ عَلَىَّ حَتَّى تَوَضَّأَ ثُمَّ اعْتَذَرَ إِلَىَّ و قَالَ: إِنِّى كَرِهْتُ أَنْ أَذْكُرَ اللَّهَ ﻷَ إِلاَّ عَلَى طُهْرٍ». «مهاجر گفت: نزد رسول الله ص آمدم و سلام بر او نمودم وقی که مشغول بول بود، جواب سلامم نگفت تا این که وضو گرفت و معذرت خواست و فرمود: مکروه دانستم نام خدا را یاد نمایم وقتی که بر طهارت نیستم».

«باب النهي عن السلام علي الجالس لقضاء الحاجة»

بابی است در بیان نهی از سلام ‌کردن بر کسی که برای قضای حاجت نشسته است

اگر کسی بر او سلام نمود حق جواب سلام ندارد و دلیل آن حدیث روایت ابن عمر و مهاجر است در باب قبلی یاد شد.

«باب ما يقول إذا خرج من الخلاء»

بابی است در بیان آنچه موقع بیرون‌ آمدن از محل قضای حاجت می‌گوید

می‌گوید: «غُفْرَانَكَ، الْحَمْدُ لِلّهِ الّذِي أَذْهَبَ عَنّي الْأَذَى، وَعَافَانِي». «خدایا، در برابر وقتی که به غفلت گذراندم از تو آمرزش می‌خواهم، ستایش‌ها همه برای خدای یکتایی است که پلیدی را از من دور کرد و مرا تندرستی عطا فرمود».

در حدیث صحیح در سنن ابوداود و ترمذی آمده است که رسول الله ص وقتی که از محل قضای حاجت بیرون می‌آمد، می‌فرمود: «غُفْرَانَكَ». «از تو آمرزش می‌خواهم» و در سنن نسایی و ابن ماجه ادامه‌ی آن آمده است، یعنی می‌فرمود: «غُفْرَانَكَ، الْحَمْدُ لِلّهِ الّذِي أَذْهَبَ عَنّي الْأَذَى، وَعَافَانِي» و ابن السنی و طبرانی از ابن عمر ب روایت کرده‌اند که رسول الله ص موقع بیرون‌ آمدن از محل قضای حاجت می‌فرمود: «الْحَمْد لِلَّهِ الَّذِي أَذَاقَنِي لَذَّته وَأَبْقَى فِي قُوَّته وَأَذْهَبَ عَنِّي أَذَاهُ». «همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتایی است که لذت خوراک را به من چشانید و نیروی حاصل از خوراک را در وجود من باقی گذاشت و آزار و اذیت آن را از من دفع کرد».

«باب ما يقول على وضوئه»

بابی است در بیان آنچه در حال وضو می‌گوید

مستحب است که در اول وضو بگوید: «بسم الله الرحمن الرحیم»، اگر فقط بسم الله بگوید هم کفایت می‌کند، علمای ما گفته‌اند: اگر بسم الله در اول وضو نگفت در میانه‌ی وضو بگوید. اگر بسم الله نگفت تا این که از وضو فارغ شد وقت بسم الله‌گفتن گذشته است و با این که آن را نگفته وضوی او صحیح است. و در خصوص بسم الله‌گفتن احادیثی آمده که همه ضعیف است. امام احمد فرمود: در باره‌ی بسمله حدیث صحیحی نیافته ام، از آن جمله است حدیثی که در سنن ابی داود آمده است از رسول الله ص که فرمود:

«لاَ وُضُوءَ لِمَنْ لَمْ يَذْكُرِ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ». «وضو ندارد کسی که نام خدا را بر وضو یاد نکرد».

امام نووی فرمود: روایت داریم از سعید بن زید و ابی سعید خدری و عایشه و انس بن مالک و سهل بن سعد ش، روایت همه در سنن بیهقی آمده است، و بیهقی و غیر او همه آن احادیث را ضعیف دانسته‌اند.

و با این که احادیث بسمله در وضو ضعیف است، بازهم عمل به حدیث ضعیف در اینگونه موارد جایز است.

(فصل) ابوالفتح نصر مقدسی زاهد گفته است که مستحب است برای وضوگیرنده که بعد از گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در اول وضو بگوید:

«أشْهَدُ أنْ لا إلَهَ إلا اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيْكَ لَهُ، وأَشْهَدُ أنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

و این سخن که ابوالفتح مقدسی گفته است گرچه مانعی ندارد، اما اصلی در سنت ندارد و از علما مذهب‌مان و غیر از ایشان کسی آن را نگفته است.

(فصل) بعد از فارغ‌شدن از وضو بگوید: «أشْهَدُ أنْ لا إلَهَ إلا اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيْكَ لَهُ، وأَشْهَدُ أنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللّهُمّ اجْعَلْنِي مِنْ التّوّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنْ الْمُتَطَهّرِينَ، سُبْحَانَكَ اللّهُمّ وَبِحَمْدِك أَشْهَدُ أَنْ لاَ إلَهَ إلاَّ أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إلَيْكَ». «گواهی می‌دهم که نیست معبودی بحق مگر خدای یکتایی که هیچ شریکی برای او نیست، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌ی برحق خداست. خدایا! بگردان مرا از توبه‌کنندگان که در مقابل هر غفلتی توبه نمایم، و بگردان مرا از پاکیزگان که گرد هیچ آلودگی نگردم، خدایا منزه و پاک هستی از هر عیب و نقص، تسبیح تو می‌گویم و به حمد و ستایش تو می‌پردازم، و گواهی می‌دهم که نیست معبودی بحق مگر تو، طلب آمرزش می‌نمایم از تو و به‌سوی تو روی می‌آورم».

نووی فرمود: و روایت داریم از عمر بن الخطاب که رسول الله ص فرمود:

«مَنْ تَوَضَّأَ فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةُ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ». رواه مسلم فی صحيحة.

«کسی که وضو بگیرد و موقع فارغ‌شدن از وضو بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، هشت در بهشت برای او گشوده می‌شود تا از هریک از آن درها که بخواهد داخل به بهشت شود».

و روایت ضعیفی هم هست در سه بار تکرار کردن «أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ» تا آخر.

شیخ نصر مقدسی گفته است بعد از گفتن این اذکار که یاد شد بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وسَلَّمَ».

علمای مذهب ما گفته‌اند اذکار یاد شده موقع فراغت از وضو و رو به قبله بگوید.

(فصل) امام نووی فرمود: دعاهایی که موقع شستن اعضای وضو گفته می‌شود از رسول الله ص به ثبوت نرسیده است.

شیخ الإسلام زکریای انصاری فرمود: در خصوص آن دعاها روایاتی هستند که از مجموع آنها دانسته می‌شود گفتن آنها مستحب است.

امام نووی فرمود: فقها گفته‌اند مستحب است دعاهایی که از سلف آمده و حاصل آن دعاها چنین است که بعد از گفتن بسم الله الرحمن الرحیم، بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا». «حمد و ستایش‌ها برای خدا یکتایی است که آب را پاک‌کننده قرار داد». و موقع مضمضه و آب به دهن گردانیدن بگوید: «اللَّهُمَّ اسْقِنِي مِنْ حَوْضِ نَبِيِّك ص كَأْسًا لاَ أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا». «خدایا از حوض پیغمبرت –کوثر- در صحرای قیامت مرا لیوانی آب ده، به طوری که بعد از آن هرگز تشنه نشوم». و موقع استنشاق و آب به بینی‌بردن بگوید: «اللَّهُمَّ لاَ تَحْرِمْنِي رَائِحَةَ نِعَمِك وَجَنَّاتِك». «خدایا مرا محروم مفرما از بوی خوش بهشت‌هایت و خوشی آنها». و موقع شستن روی بگوید: «اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ». «خدایا مرا روسفید گردان در روز قیامت که روهایی سفید و روهایی سیاه می‌شود». و موقع شستن دست راست بگوید: «اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي». «خدایا نامه‌ی اعمالم را به دست راستم برسان». و موقع شستن دست چپ بگوید: «اللَّهُمَّ لاَ تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي». «خدایا نامه‌ای اعمالم را در دست چپم قرار مده». و موقع مسح سر بگوید: «اللَّهُمَّ حَرِّمْ شَعْرِي وَبَشَرِي عَلَى النَّارِ». «خدایا مو و پوستم را بر دوزخ حرام گردان». تا آتش دوزه به هیچ جای بدنم نرسد، یعنی مرا از رفتن به دوزخ حفظ فرما. و موقع مسح دو گوش بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ». «خدایا! بگردان مرا از جمله کسانی که گفتار را می‌شنوند و پیروی می‌کنند از بهترین گفتار». و موقع شستن دو پایش بگوید: «اللَّهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ». «خدایا! دو پای مرا بر پل صراط پایدار بدار، روزی که پاهایی ثابت می‌ماند و پاهایی می‌لغزد».

و نسایی و دوستش ابن السنی در دو کتاب‌شان «عمل اليوم والليلة» به اسناد صحیح از ابوموسی اشعری روایت کرده‌اند که ابوموسی گفت: آب وضوی رسول الله آوردم، رسول الله ص مشغول وضوگرفتن شد و شنیدم که در اثنای وضو دعا می‌کرد و می‌گفت: «اللّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَوَسِّعْ لِي فِي دَارِي وَبَارِكْ لِي فِي رِزْقِي». «خدایا بیامرز برای من گناهم و فراخ بساز برایم خانه‌ام و در روزیم برکت قرار ده». گفتم: یا رسول الله! شنیدم که چنین دعایی می‌کردی: خدایا! گناهم بیامرز و خانه ام گشاده و پرخیر بساز و در روزیم برکت بینداز. رسول الله ص فرمود: این دعا از حوائج انسانی چیزی باقی گذاشتند؟ یعنی این سه کلمه: «اللّهُمّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَوَسّعْ لِي فِي دَارِي وَبَارِكْ لِي فِي رِزْقِي». همه‌ی خیرات دنیا و آخرت را دربر دارد.

ابن السنی گفت: این دعا را در اثنای وضو بگوید. و نسائی گفت: این دعا را بعد از فراغت از وضو بگوید: احتمال هردو وجود دارد. در اثنای وضو بگویند خوب است و بعد از فراغت هم بگویند خوب است. والله سبحانه وتعالی أعلم.

«باب ما يقوله على اغتساله»

بابی است در بیان آنچه که موقع بدن شستن می‌گوید

مستحب است موقع بدن شستن، گفتن آنچه موقع وضوگرفتن مستحب است، و فرقی نیست در این که بدون شوینده جنب یا حائض باشد. غسل فرض باشد یا غسل سنت، و «بسم الله الرحمن الرحیم» را اول غسل بگوید. چنانچه جنب یا حائض باشد آن را به قصد قرآن نگوید، بلکه به عنوان این که از اذکار وضو و اغتسال است بگوید. والله سبحانه وتعالى أعلم وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

«باب ما يقول على تَيَمُّمه»

بابی است در بیان آنچه به وقت تیممش می‌گوید

مستحب است که اول تیمم «بسم الله الرحمن الرحیم» را بگوید و اگر جنب و یا حائض باشد آن را به قصد قرآن نگوید، بلکه به عنوان آنچه از اذکار تیمم است بگوید، و در اثنای تیمم و بعد از تیمم آنچه در وضو مستحب بود در تیمم هم مستحب است، برای این که تیمم هم طهارتی است مانند وضو. والله سبحانه وتعالى أعلم وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

«باب ما يقول إذا توجه إلى المسجد»

بابی است در بیان آنچه موقع رفتن به مسجد می‌گوید

قبلاً گفتیم که وقتی از خانه بیرون آمد به هرجا که می‌رود چه بگوید. بنابراین، وقتی که به مسجد می‌رود اضافه برآن بگوید آنچه در صحیح مسلم از عبدالله بن عباس ب روایت شده از آن حدیث طولانی که ابن عباس شبی در منزل خاله اش میمونه خوابید و در آن حدیث راجع به نماز تهجد رسول الله ص صحبت نمود، تا این که وقت نماز صبح شد و مؤذن اذان صبح گفت. و رسول الله ص برای نماز صبح از خانه بیرون آمد و می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِى قَلْبِى نُورًا وَفِى لِسَانِى نُورًا وَاجْعَلْ فِى سَمْعِى نُورًا وَاجْعَلْ فِى بَصَرِى نُورًا وَاجْعَلْ مِنْ خَلْفِى نُورًا وَمِنْ أَمَامِى نُورًا وَاجْعَلْ مِنْ فَوْقِى نُورًا وَمِنْ تَحْتِى نُورًا. اللَّهُمَّ أَعْطِنِى نُورًا». «خدایا در دلم نور قرار ده و در زبانم نور قرار بده و در شنوایی ام نور قرار ده و در بینایی‌ام نور قرار ده و از پشت سرم نور قرار ده و از رو به رویم نور قرار ده و از بالای سرم نور قرار ده و از زیر پایم نور قرار ده، خدایا نور به من بده». مسلمان از خدا می‌خواهد که در دل و زبانش و در گوش و چشمش و از پشت سر و جلو رویش و از بالا و زیر و از همه طرف او نور خدا باشد و خدا به او نور عطا فرماید تا در همه حال و همه کارش نور باشد. چه دعایی از این بهتر که مسلمان در اعضایش نور خدا باشد و نور خدا به او احاطه نموده باشد و خدا به او نور عطا فرماید تا همیشه مثل خورشید پرفروغ و نوررسان باشد.

و در کتاب ابن السنی روایت داریم از بلال س که رسول الله ص وقتی که به قصد نماز از خانه بیرون می‌آمد می‌فرمود:

«بِاسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ باللَّهِ تَوَكَّلْتُ على اللَّهِ لا حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاََّ باللَّهِ اللَّهُمَّ بِحَقِّ السَّائِلِينَ عَلَيْكَ وَبِحَقّ مَخْرَجِي هَذَا فإني لَمْ أخْرُجْهُ أشَراً وَلاَ بَطراً وَلاَ رِياءً وَلاَ سُمْعَةً خَرَجْتُ ابْتِغاءَ مَرْضَاتِكَ وَاتِّقاءَ سَخَطِكَ أسألُكَ أنْ تُعِيذَني مِنَ النَّارِ وتُدْخِلَني الجَنَّة». قال النووي /: حديث ضعيف، أحد رواته: الوازع بن نافع العَُقيلي وهو متفق علي ضعفه وإنه منكر الحديث. وَرَوَيْنَا في كتاب ابن السني معناه من رواية عطية العوفي عن أبي سعيد ألخدري عن رسول الله ص وعطية أيضاً ضعيف. «به نام خدا از خانه بیرون آمدم و ایمان آوردم به خدا و توکل نمودم بر خدا و کارهایم را به خدا واگذاشتم و نیست توانایی بر طاعت خدا و نه چاره‌ای برای دوری از گناه، مگر به کمک الله سبحانه وتعالی، خدایا به حق سؤال‌کنندگان و خواهش‌کنندگان از تو و به حق بیرون‌آمدنم از خانه برای رفتن به مسجد که من بیرون نیامدم به قصد تکبر و بی‌اعتنایی به حق و نه به قصد شهرت، بلکه بیرون آمدم از خانه به قصد خواستن خشنودی‌ات و پرهیز از خشمت، از تو می‌خواهم مرا پناه دهی از دوزخ و مرا از آتش دوزخ دور نگه‌داری و مرا داخل نمایی به بهشت».

نووی فرمود که این حدیث ضعیف است، روایت آن به همین لفظ یکی از روایت‌کنندگانش وازع بن نافع است که معروف است به ضعف در روایت حدیث و نامقبول‌بودن روایت او. و روایت به معنی این حدیث بازهم به روایت عطیه عوفی است که او هم ضعیف است. و گویی امام نووی که آن را در کتاب اذکار خود آورد، از این جهت باشد که عمل به حدیث در فضایل جایز است. والله سبحانه وتعالى أعلم.

«باب ما يقول عند دخول المسجد والخروج منه»

بابی است در بیان آنچه موقع داخل ‌شدن به مسجد و بیرون‌آمدن از آن می‌گوید

موقع داخل‌شدن به مسجد می‌گوید: «أَعُوذ بِاَللَّهِ الْعَظِيم وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيم وَسُلْطَانه الْقَدِيم مِنْ الشَّيْطَان الرَّجِيم بِسْمِ اللَّه وَالْحَمْد لِلَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّد وَعَلَى آلِ مُحَمَّد وَسَلَّمَ اللَّهُمَّ اِغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَاب رَحْمَتك». «پناه می‌برم به خدای بزرگ و به ذات بزرگوار او و به سلطان و قدرت قدیم او از شیطان رانده‌شده. همه‌ی ستایش برای خدای یکتاست. خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد، خدایا بیامرز گناهانم را و بگشای برایم درهای رحمتت».

و موقع بیرون‌آمدن از مسجد همین را بگوید و به جای «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَاب رَحْمَتك». بگوید: «وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلك».

و اگر موقع داخل ‌شدن به مسجد بگوید: «السَّلاَمَ عَلَى النَّبِيِّ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَاب رَحْمَتك» و موقع بیرون ‌آمدن از مسجد بگوید: «السَّلاَمَ عَلَى النَّبِيِّ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَاب فَضْلك» هم خوب است.

و در حدیث صحیح است که موقعی که نمازگزار از مسجد بیرون می‌آید لشکریان ابلیس بر او جمع می‌شوند. بنابراین، بگوید: «اللَّهُمَّ إنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ إبْلِيسَ وَجُنُودِهِ». «خدایا! پناه می‌برم به تو از ابلیس و لشکریانش». این را که بگوید ضرری به او نمی‌رساند.

«باب ما يقول في المسجد»

بابی است در بیان آنچه در مسجد می‌گوید

مستحب است بسیار یاد خداکردن در مسجد با گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ» و ذکرهای دیگر. و مستحب است بسیار خواندن قرآن در مسجد. و از جمله مستحبات مسجد، خواندن حدیث رسول الله ص و علم فقه و دیگر علوم است. خدای متعال فرمود:

﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرۡفَعَ وَيُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ٣٦﴾ [النور: 36-37].

«در خانه‌هایی (در مساجد) که خدا اجازه داد بالابردن و یادکردن نام او، در همین مساجد صبح و پسین مردانی به تسبیح و تنزیه خدا مشغولند».

و رسول الله ص فرمود: «إِنَّمَا هِىَ لِذِكْرِ اللَّهِ ﻷ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ». [رواه مسلم]. «این مساجد تنها ساخته شده برای یاد خداکردن و تلاوت قرآن».

(فصل) شایسته است برای کسی که در مسجد نشسته است این که نیت اعتکاف کند: «نَوَيْت الِاعْتِكَافَ». برای این که نزد ما نیت اعتکاف جایز است، اگرچه برای یک لحظه هم باشد، حتی اگر از مسجد عبور می‌کند هم لحظه‌ای بایستد و نیت اعتکاف نماید و بعد عبور کند. و مکروه است که در مسجد فارغ و بدون یاد خدا بنشیند، برای این که کسی در مسجد است خوب است خود را به طاعتی مشغول دارد از قبیل نماز، تلاوت قرآن، ذکر خدا، درس علم. و کسی که در مسجد است امر به معروف و نهی از منکر نماید. و هر بار که به مسجد داخل می‌شود دو رکعت تحیت مسجد بخواند، اگر برایش مقدور نباشد چهار بار بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».

«باب انكاره ودعائه على من ينشد ضالة في المسجد او يبيع فيه»

بابی است در بیان انکار و نفرین ‌کردن بر کسی که در مسجد به دنبال گمشده اش می‌گردد یا خرید و فروش می‌کند

اگر دید که کسی در مسجد می‌خواهد به خرید و فروش بپردازد یا سؤال گمشده نماید، منع نماید. چنان‌که در حدیث صحیح مسلم آمده است که رسول اللهص فرمود: «مَنْ سَمِعَ رَجُلاً يَنْشُدُ ضَالَّةً فِى الْمَسْجِدِ فَلْيَقُلْ لاَ رَدَّهَا اللَّهُ عَلَيْكَ فَإِنَّ الْمَسَاجِدَ لَمْ تُبْنَ لِهَذَا». «کسی که شنید که مردی سؤال گمشده‌اش در مسجد می‌کند، بگوید: خدا گمشده‌ات را برنگرداند، برای این که مساجد برای این چیزها ساخته نشده است».

و در کتاب ترمذی آمده است: «إِذَا رَأَيْتُمْ مَنْ يَبِيعُ أَوْ يَبْتَاعُ فِى الْمَسْجِدِ فَقُولُوا لاَ أَرْبَحَ اللَّهُ تِجَارَتَكَ». «هرگاه دیدید کسی را که در مسجد می‌فروشد یا می‌خرد، به او بگویید خدا تجارتت را سودمند نگرداند».

«باب ما يقول إذا رأي من ينشد في المسجد شعراً ليس فيه مدح الإسلام ولا ترغيب إلى مكارم الأخلاق»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید هرگاه کسی را دید که در مسجد شعری می‌خواند که در آن مدح اسلام و تشویق به مکارم اخلاق نیست

روایت داریم از ابن سنی از ثوبان س که رسول الله ص فرمود: «مَنْ رَأَيْتُمُوهُ يَنْشُدُ شِعْرًا فِي الْمَسْجِدِ، فَقُولُوا لَهُ: فَضَّ اللَّهُ فَاكَ، ثَلاثَ مَرَّاتٍ». «کسی را که دیدید در مسجد شعری می‌خواند، به او بگویید خداوند دهانت را پاره کند، سه بار».

«باب فضيلة الأذان»

بابی است در بیان فضیلت اذان

«قالَ رسولُ اللهِ ص: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِى النِّدَاءِ وَالصَّفِّ الأَوَّلِ، ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلاَّ أَنْ يَسْتَهِمُوا عَلَيْهِ لاَسْتَهَمُوا». رواه البخاري ومسلم في صحيحيهمـا عن أبي هريرة س. «رسول الله ص فرمود: اگر مردم می‌دانستند که در اذان و صف اول نماز با جماعت چقدر ثواب است و آنگاه اذان و صف اول به دست نمی‌آمد مگر به قرعه‌انداختن، راضی می‌شدند که برآن قرعه بیندازند».

**«**قال رسول الله ص: الْمُؤَذِّنُونَ أَطْوَلُ النَّاسِ أَعْنَاقًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ». رواه مسلم. «رسول اللهص فرمود: موذنان مساجد روز قیامت گردن‌شان از گردن مردم درازتر است». یعنی در روز قیامت مؤذنان از سرافرازترین مردم هستند، برای این که وقت نماز را اعلام می‌کنند و مردم را دعوت به‌سوی نماز و طاعت خدا می‌کنند.

«يقول رسول الله ص: لاَ يَسْمَعُ مَدَى صَوْتِ الْمُؤَذِّنِ جِنٌّ وَلاَ إِنْسٌ وَلاَ شَىْءٌ إِلاَّ شَهِدَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». [رواه البخاری]. «هرکس و هرچیز که آواز مؤذن بشنود در وقت اذان‌گفتنش، خواه جن و یا انس و یا هرچیز دیگر باشد، در روز قیامت گواهی برای مؤذن می‌دهد».

علمای مذهب ما شافعیان در خصوص این که امامت نماز بیشتر فضیلت دارد و یا اذان‌گفتن، بر چهار قول اختلاف نظر دارند. معتمد این است که اذان افضل است. قول دوم امامت افضل است. قول سوم امامت و اذان در فضیلت یکسانند. قول چهارم اگر می‌داند که حقوق امامت را می‌گزارد و شروط آن در وجود او جمع است امامت بهتر است و گرنه اذان افضل است.

«باب صفة الأذان»

بابی است در بیان چگونگی اذان

بدان که ترجیع در اذان سنت است و ترجیع، یعنی بعد از این که چهار بار «اللَّهُ أَكْبَرُ» بلند گفت، آهسته به طوری که خودش و کسی که نزدیک اوست بنشود دوبار بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ» و دو بار نیز آهسته بگوید: «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»، و بعد از این که دو بار شهادتین را آهسته گفت، دو بار «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ»، را بلند بگوید و دو بار نیز «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» را بلند بگوید. و تثویب سنت است؛ و تثویب عبارت از این است که دو بار «حَيَّ عَلَى الصَّلاةِ» و دو بار «حَيَّ عَلَى الْفَلاحِ» را که در اذان صبح گفت، دوبار بگوید: «الصَّلاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ».

الفاظ اذان: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، حَيَّ عَلَى الصَّلاةِ، حَيَّ عَلَى الصَّلاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلاحِ، حَيَّ عَلَى الْفَلاحِ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ».

و کسی که اذان می‌شنود هرچه که از مؤذن می‌شنود تکرار کند، مگر این که با شنیدن «حَيَّ عَلَى الصَّلاةِ و حَيَّ عَلَى الْفَلاحِ» می‌گوید: «لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلا بِاللهِ». و موقعی مؤذن در نماز صبح می‌گوید: «الصَّلاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ». شنونده می‌گوید: «صَدَقْتَ وبَرِرْتَ»: راست گفتی و نیوکار شدی. گفته شده بگوید: صَدَقَ رَسُولُ اللهِ. و مستحب است که مؤذن خوش‌آواز و امین و محل اعتماد و باخبر از اوقات نماز باشد. و مستحب است که در اذان و اقامه باوضو باشد، و بدون وضو اذان و اقامه مکروه است، و رو به قبله اذان بگوید، و اذان و اقامه را ایستاده بگوید، اذان کافر و کودک غیر ممیز و زن روا نیست.

اگر در اذان ترجیع و تثویب نگوید، اذانش صحیح است و ترک افضل نموده است، اذان و اقامه اختصاص به نمازهای فرض شبانه روزی دارد، خواه به تنهایی خوانده شود یا با جماعت، برای حاضر باشد یا مسافر، برای نماز ادا باشد یا نماز قضا. اگر چند نماز فرض باهم می‌خواند برای نماز اولی اذان و اقامه هردو بگوید، برای باقی فقط اقامه بگوید. اذان و اقامه بنابر قول معتمد هردو سنت هستند، چه برای نماز جمعه. و اذان و اقامه اختصاص به نمازهای فرض دارد، مثل نماز پنجگانه‌ی شبانه روزی و نماز جمعه.

و در نماز عید و کسوف و خسوف و استسقاء گفته می‌شود: «الصَّلاة جَامِعَة». و در سنن نوافل دیگر گفته نمی‌شود، و در تراویح بنابر أصح اقوال «الصَّلاة جَامِعَة». گفته می‌شود.

و شرط است در اذان که بعد از دخول وقت نماز گفته شود، و برای نماز صبح درست است بعد از نیمه‌ی شب اذان صبح گفته شود، و معمولاً اذان اول نماز صبح یک ساعت قبل از دخول وقت گفته می‌شود تا کسانی که نماز تهجد می‌خوانند بعد از اذان اول بخوانند، برای این که مردم سست شده و مثل قبل همت ندارند بیش از نصف شب به نماز تهجد بپردازند، و اقامه‌ی نماز باید موقع آغاز به نماز گفته شود.

الفاظ اذان: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ». و ترجیع دو بار «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ» و دو بار «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» که آهسته گفته می‌شود، سپس دو بار «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ» و دو بار «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» به آواز بلند می‌گوید، سپس دو بار «حَيَّ عَلَى الصَّلاةِ» و دو بار «حَيَّ عَلَى الْفَلاحِ» می‌گوید و در نماز صبح پس از آن دو بار «الصَّلاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» می‌گوید، و سپس دو بار «اللَّهُ أَكْبَرُ» و پس از آن یک بار «لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ» می‌گوید. بنابراین، الفاظ اذان بدون ترجیع و تثویب پانزده کلمه است و با ترجیع نوزده کلمه و با ترجیع و تثویب بیست و یک کلمه است.

«باب ما يقول من سمع المؤذن والمقيم»

بابی است در بیان آنچه که شنونده‌ی اذان و اقامه می‌گوید

مستحب است که اذان و اقامه را می‌شنود مانند مؤذن بگوید، اما در «حَيَّ عَلَى الصَّلاةِ» و «حَيَّ عَلَى الْفَلاحِ» بگوید: «لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلا بِاللهِ» و موقعی که مؤذن می‌گوید: «الصَّلاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ»، بگوید: «صَدَقْتَ وبَرِرْتَ» و گفته شده، بگوید: «صَدَقَ رسول الله ص» و موقعی که مقیم می‌گوید: «قَدْ قَامَتِ الصَّلاَة، قَدْ قَامَتِ الصَّلاَة» بگوید: «أَقَامَهَا اللَّهُ وَأَدَامَهَا ما دامَتِ السمواتُ والأرضُ وَجَعَلَنِي مِنْ صَالِحِي أَهْلِهَا». آیا این که مؤذن که اذان می‌گوید خودش هم مثل باقی شنوندگان اذان بگوید، به نظر امام الحافظ العلامة ابن حجر هیثمی خودش مثل الفاظ اذان بگوید و بعد از «حَيَّ عَلَى الصَّلاةِ و حَيَّ عَلَى الْفَلاحِ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلا بِاللهِ» بگوید.

رسول الله ص موقعی که مؤذن «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» می‌گفت، می‌فرموده است: «وأَنَا أشْهَدُ». یعنی من گواهی می‌دهم که رسول الله هستم. و موقعی که مؤذن می‌گوید: «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ». شنونده بگوید: «رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبّاً وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولاً وبِالإسْلاَمِ دِيناً». و همچنین موقعی که مؤذن گفت: «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»، شنونده بگوید: «رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبّاً وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولاً وبِالإسْلاَمِ دِيناً». و موقعی که شنید مؤذن می‌گوید: «حَيَّ عَلَى الْفَلاحِ». بگوید: «لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلا بِاللهِ». و بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنا مُفْلِحِين».

وقتی که شنونده‌ی اذان و اقامه از گفتن مانند گفته‌ی مؤذن فارغ شد، بگوید: «اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلاَةِ الْقَائِمَةِ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ». پس از آن دعا نماید به آنچه می‌خواهد از امور دنیا و آخرت، ترجمه‌ی دعا: «خدایا! صاحب این دعوت کامل و صاحب این نمازی که اکنون برپا می‌شود، بده به محمد وسیله و فضیله که دو منزلت در بهشتند و او را برسان به مقام محمود که وعده اش فرمودی». پس از دعا صلوات بر رسول الله و آل و اصحابش بفرستد.

روى البخاری و مسلم: «عن أبي سعيد الخدري س، قال: قال رسول الله ص: إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ المُؤَذِّنُ». «رسول الله ص فرمود: وقتی شنیدید که مؤذن اذان می‌گوید، مانند او بگویید».

«و روي مسلم عن عبد الله بن عمرو بن العاصب أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِىَّ ص يَقُولُ: إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ ثُمَّ صَلُّوا عَلَىَّ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَىَّ صَلاَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا ثُمَّ سَلُوا اللَّهَ لِىَ الْوَسِيلَةَ فَإِنَّهَا مَنْزِلَةٌ فِى الْجَنَّةِ لاَ تَنْبَغِى إِلاَّ لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ وَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ فَمَنْ سَأَلَ لِىَ الْوَسِيلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّفَاعَةُ». «رسول الله ص فرمود: وقتی که اذان را شنیدید شما مانند مؤذن بگویید، پس از آن بر من درود فرستید که هرکسی که یک بار درود بر من فرستد خدا ده بار بر او درود فرستد، آنگاه طلب وسیله نمایید برای من که وسیله منزلتی است در بهشت برای یکی از بندگان خدا و امیداورم آن بنده‌ای که خدا منزلت وسیله به او عطا فرموده است من باشم».

«و روي مسلم عن عمر بن الخطاب س قال: قال رسول الله ص: إِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. فَقَالَ أَحَدُكُمُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. ثُمَّ قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ. قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ ثُمَّ قَالَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. قَالَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ حَىَّ عَلَى الصَّلاَةِ. قَالَ لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ. ثُمَّ قَالَ حَىَّ عَلَى الْفَلاَحِ. قَالَ لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ. ثُمَّ قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. ثُمَّ قَالَ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ. قَالَ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ مِنْ قَلْبِهِ، دَخَلَ الْجَنَّةَ». «رسول الله ص فرمود: «وقتی که مؤذن گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، و یکی از شما که اذان می‌شنود گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. پس از آن مؤذن گفت: أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ، یکی از شما که اذان می‌شنود گفت: أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ. پس از آن مؤذن گفت: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، و شنونده گفت: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّه. پس از آن مؤذن گفت: حَيَّ عَلَى الصَّلاةِ، و شنونده گفت: لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلا بِاللهِ. پس از آن مؤذن گفت: حَيَّ عَلَى الْفَلاحِ، و شنونده گفت: لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلا بِاللهِ. پس از آن مؤذن گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، و شنونده گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. پس از آن مؤذن گفت: لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ، و شنونده گفت: لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ. و همه این کلمات را از دل گفت، به بهشت رسیده است». «حَيَّ عَلَى الصَّلاةِ»: یعنی بشتابید به‌سوی نماز. «حَيَّ عَلَى الْفَلاحِ»: یعنی بشتابید به‌سوی رستگاری. شنونده می‌گوید: «لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلا بِاللهِ»، یعنی نیست چاره‌ای برای دورشدن از گناه و نه نیرویی برای انجام‌دادن طاعت جز به کمک خدای ﻷ. مؤذن می‌گوید: بشتابید به‌سوی نماز. شنونده می‌گوید: ما به کمک خدای ﻷ می‌شتابیم به‌سوی نماز، یعنی اگر کمک خدا نباشد نه دوری از گناه می‌توانیم، نه پایداری بر طاعت.

«وروى مسلم عن سعد بن أبي وقاص س عن رسول الله ص قال: مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ الْمُؤَذِّنَ: أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولاً وَبِالإِسْلاَمِ دِينًا. غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ». «رسول الله ص فرمود: «کسی که موقعی که صدای مؤذن می‌شنود، بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولاً وَبِالإِسْلاَمِ دِينًا. گناهاش بخشوده شده است». یعنی موقع شنیدن «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ» و همچنین موقع شنیدن «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولاً وَبِالإِسْلاَمِ دِينًا». گناهش آمرزیده شده است.

(فصل) اگر موقع اذان شنونده در نماز است، مانند مؤذن نگوید، بلکه وقتی که از نماز فارغ شد مؤذن را اجابت نماید. اگر در نماز مانند مؤذن گفت، گفتنش مکروه است و نمازش باطل نمی‌شود. و اگر موقع اذان در حال قضای حاجت است، جواب مؤذن نگوید که بر زبان‌آوردن کلمات اذان در آن حالت حرام است. اما اگر مشغول تلاوت قرآن یا درس علم یا مشغول تسبیح و تهلیل است، همه‌ای اینها را قطع کند و جواب مؤذن بدهد.

«باب الدعاء بعد الأذان»

بابی است در بیان این که دعا بین اذان و اقامه مستجاب می‌شود

«رَوَيْنَا عَنْ أنَسٍ س قالَ: قالَ رسولُ اللهِ ص:

لاَ يُرَدُّ الدُّعَاءُ بَيْنَ الأَذَانِ وَالإِقَامَةِ». رواه أبوداود والترمذي والنسائي وابن السني وغيرهم. قال الترمذي: حديث حسن صحيح، وزاد الترمذي في روايته: قالوا: فمـا ذا نقول يا رسولَ اللهِ؟ قالَ: «سَلَوا اللَّهَ الْعَافِيَةَ فِى الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ». «رسول الله ص فرمود: «دعای میان اذان و اقامه مستجاب است، گفتند: یا رسول الله چه دعایی بکنیم؟ فرمود: از خدا بخواهید عافیت دنیا و آخرت». کلمه‌ی عافیت به معنی دوری از ناملایمات است، طلب عافیت‌کردن به معنی دوری از بیماری، دوری از زشتکاری، دوری از آنچه دنیا و یا آخرت انسان را به باد می‌دهد، یعنی طلب عاقبت خیر در همه‌ی امور».

«وَرَوَيْنَا عن عبد الله بن عمرو بن العاص ب أَنَّ رَجُلاً قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ الْمُؤَذِّنِينَ يَفْضُلُونَنَا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: قُلْ كَمَا يَقُولُونَ فَإِذَا انْتَهَيْتَ فَسَلْ تُعْطَهْ». رواه ابوداود ولم يضعفه. «مردی گفت: یا رسول الله ص! مؤذنان بر ما برتری یافته‌اند. رسول الله ص: فرمود: هرچه مؤذن می‌گوید، بگو و وقتی که از جواب مؤذن فارغ شدی هرچه می‌خواهی از خدا بخواه که آن را به تو می‌دهند».

«وَرَوَيْنَا في سنن أبي داود أيضاً في كتاب الجهاد بإسناد صحيح عن سهل بن سعدس قالَ: قالَ رسول اللهص: ثِنْتَانِ لاَ تُرَدَّانِ أَوْ قَالَ تُرَدَّانِ: الدُّعَاءُ عِنْدَ النِّدَاءِ وَعِنْدَ الْبَأْسِ حِينَ يُلْحِمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا!». «کلمه‌ی يُلْحِمُ» در بعضی از روایات به حاء است، و در بعضی روایات «يُلْجِمُ» به جیم است و معنی تفاوت نمی‌کند.

رسول الله ص فرمود: «دو دعای مستجاب هستند که برگشت ندارند: دعا موقعی که مؤذن اذان می‌گوید و دعا موقعی که مجاهدین در جهاد فی سبیل الله به جنگ تن به تن مشغولند».

«باب ما يقول بعد ركعتي الصبح»

بابی است در بیان آنچه بعد از دو رکعت سنت قبلیه‌ی صبح می‌گوید

«رَوَيْنَا في كتاب ابن السني عن أبي المليح واسمه عامر بن أسامة عن أبيه س أنه صلّى ركعتيّ الفجر وأن رسول اللّه ص صلَّى قريباً منه ركعتين خفيفتين ثم سمعه يقول وهو جالس: اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَمِيكائِيلَ ومُحَمَّدٍ النَّبِيِّ صَلَى اللّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ!. ثَلاثَ مَرَّاتٍ». «ابوالملیح عامر بن اسماه از پدرش اسامه روایت نمود که اسامه دو رکعت سنت قبلیه‌ی صبح خواند و رسول الله ص دو رکعت قبلیه‌ی صبح نزدیک اسامه خواند، دو رکعت سبک. بعد از این که رسول الله ص دو رکعت قبلیه‌ی صبح را به پایان برد، اسامه شنید که رسول الله ص می‌فرماید: «خدایا ای پروردگار جبرئیل و اسرافیل و میکائیل و محمد پیغمبر ص پناه می‌برم به تو از دوزخ». و این را سه بار فرمود».

«باب ما يقول إذا انتهى إلى الصف»

بابی است در بیان آنچه وقتی به صف نماز جماعت رسید، می‌گوید

«رَوَيْنَا عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ س، أَنَّ رَجُلا جَاءَ إِلَى الصَّلاةِ وَرَسُولُ اللَّهِ ص يُصَلِّي، فَقَالَ حِينَ انْتَهَى إِلَى الصَّفِّ: اللَّهُمَّ آتِنِي أَفْضَلَ مَا تُؤْتِي عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ. فَلَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ ص الصَّلاةَ، قَالَ: مَنِ الْمُتَكَلِّمُ آنِفًا!؟ قَالَ الرَّجُلُ: أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: إِذَنْ يُعْقَرَ جَوَادُكَ، وَتَسْتَشْهَدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». رواه النسائي وابن السني ورواه البخاري في تاريخه في ترجمة بن مسلم بن عائذ. «مردی آمد برای نماز جماعت در مسجد رسول الله ص با جماعت نماز می‌خواند، آن مرد وقتی که به صف نماز رسید گفت: خدایا به من بده بهترین چیزی که به بندگان صالح و شایسته‌کار خودت می‌دهی. رسول الله ص وقتی که سلام نماز گفت فرمود: «چه کسی الآن سخن گفت»؟ آن مرد گفت: من بودم یا رسول الله، رسول الله ص فرمود: بنابراین، اسبت پی می‌شود و خود در جهاد فی سبیل الله شهید می‌شوی». یعنی بهترین چیزی که خدا به صالحان می‌دهد شهادت فی سبیل الله است.

«باب ما يقوله عند أرادته القيام إلى الصلاة»

بابی است در بیان آنچه به هنگام برخاستن برای نماز می‌گوید

«رَوَيْنَا في كتاب ابن السني أنها قالت: يا رسولَ اللّه، دُلَّني عَنْ عَمَلٍ يأجرني اللّه ﻷ عليه. قال: «يا أُمَّ رَافِعٍ، إذَا قُمْتِ إلى الصَّلاةِ فَسَبِّحِي اللَّهَ تَعَالى عَشْراً وَهَلِّلِيهِ عَشْراً واحْمَدِيهِ عَشْراً وكَبِّرِيهِ عَشْراً وَاسْتَغْفِرِيهِ عَشْراً فإنَّكِ إذَا سَبَّحْتِ قالَ: هَذَا لي وَإذَا هَلَّلْتِ قالَ: هَذَا لِي وَإذَا حَمِدْتِ قالَ: هَذَا لي وَإذَا كَبَّرْتِ قالَ: هَذَا لي وَإذَا اسْتَغْفَرْتِ قالَ: قَدْ فَعَلْتُ». «ام رافع ل عرض کرد: یا رسول الله! مرا راهنمایی فرما به‌سوی عملی که خدا برآن عمل مرا ثواب دهد. رسول الله ص فرمود: وقتی که خواستی برای نماز برخیزی، ده بار سبحان الله و ده بار لا إله إلا الله و ده بار الله اکبر و ده بار أستغفرالله بگو، برای این که وقتی سبحان الله گفتی، خدا می‌فرماید: برای من تسبیح گفت و وقتی که لا إله إلا الله گفتی، خدا می‌فرماید: برای من تهلیل گفت، و وقتی که الله اکبر گفتی، خدا می‌فرماید: برای من تکبیر گفت، و وقتی که استغفرالله گفتی، خدا می‌فرماید: مغفرت و آمرزشت را انجام دادم».

«باب الدعاء عند الإقامة»

بابی است در بیان دعایی که موقع اقامه‌ی نماز فرض گفته می‌شود

«رَوَى الإمامُ الشافعي بإسنادِهِ في الأُمِّ! حديثاً مُرْسَلاً أنَّ رسولَ اللهِ ص قال: اُطْلُبُوا اسْتِجَابَةَ الدّعَاءِ عِنْدَ الْتِقَاءِ الْجُيُوشِ وَإِقَامَةِ الصّلاَةِ وَنُزُولِ الْغَيْث!. وقال الشافعي وقد حَفِظْتُ عن غير واحدٍ طلبَ الإجابةِ عند نزولِ الغيث وإقامةِ الصلاة». «امام شافعی / به اسناد خود در کتاب عظیم «ام» حدیث مرسلی روایت نمود که رسول الله ص فرمود: «طلب اجابت دعا نمایید موقعی که مجاهدین اسلام با دشمنان‌شان در جهاد فی سبیل الله به هم می‌رسند و موقع اقامه‌ی نماز فرض و موقع آمدن باران». امام شافعی / فرمود: از بسیاری از علما روایت دارم طلب اجابت دعا موقع آمدن باران و موقع اقامه‌ی نماز فرض».

«باب ما يقوله إذا دخل الصلاة»

بابی است در بیان دعایی که موقع نماز بستن می‌گوید

امام نووی / علیه فرمود: این بابی است بسیار وسیع و در آن احادیث بسیار در انواع متعدد آمده است و فرع‌های بسیاری از آن در کتب فقه آمده است، و من در اینجا اصول و مقاصد این باب را بدون ذکر دلایل آن می‌آورم برای این که این کتاب برای ذکر دلایل نیست، بلکه برای بیان مطالبی است که به آن عمل شود.

«باب تكبيرة الإحرام»

بابی است در بیان الله اکبر که با آن نماز را آغاز می‌کنیم

بدان که نماز صحیح نمی‌شود مگر به تکبیرۀ الإحرام، چه نماز فرض باشد و چه نماز سنت. و تکبیرۀ الإحرام نزد امام شافعی و بیشتر علما جزیی از نماز و رکنی از ارکان نماز است. و نزد امام ابوحنیفه شرطی از شروط نماز است و از خود نماز نیست. و بدان که لفظ تکبیر به «الله اکبر» یا «الله اکبر» حاصل می‌شود. نزد امام شافعی و امام ابوحنیفه و نزد امام مالک رحمهم الله به «الله الأکبر» بسته نمی‌شود. بنابراین احتیاط واجب، گفتن «الله اکبر» است، چنانچه بگوید: «الله العظيم یا الله الـمتعال أکبر یا الله أعظم یا الله أعلم یا الله أعَزُّ»، نمازش به این کلمات و امثال آنها نزد امام شافعی و بیشتر علما بسته نمی‌شود. اما نزد ابوحنیفه / به گفتن الله أعلم یا امثال آن نماز بسته می‌شود و نمازش صحیح است.

بدان که نه تکبیر و نه غیر آن صحیح نمی‌شود مگر موقعی که آن را بر زبان بیاورد، به طوری که خودش بنشود اگر عارضی نباشد که مانع از شنیدن شود. و اگر زبانش گنگ است و قراءت نمی‌تواند، زبان خود را حرکت دهد به قدر توانایی اش و نمازش صحیح می‌شود. و بدان که قول معتمد در مذهب این است که تکبیرة الإحرام مد داده نمی‌شود، بلکه سریع آن را می‌گوید، اما باقی تکبیرات نماز مد می‌دهد تا برسد به رکن بعدی آن. اگر تکبیرۀ الإحرام را مد داد نمازش باطل نمی‌شود، لکن فضیلت جماعت را از دست می‌دهد، و بدان که محل مد بعد از لام الله است.

(فصل) بدان که سنت این است که امام تکبیرات نماز را بلند بگوید تا مأموم آن را بشنود، و اگر نماز به تنهایی می‌خواند به قدری بلند بگوید که خودش آن را بشنود، اگر مأموم تکبیر را بلند گفت یا امام تکبیر را آهسته گفت خلل به نماز نمی‌رساند، و باید کوشید که تکبیرۀ الإحرام را درست بگوید، چنان‌که در غیر محل مد، مد داد به طوری که اکبر را اکبار گفت، نمازش صحیح نمی‌شود.

(فصل) و بدان که نمازی که دو رکعت است در آن یازده تکبیر است و نماز سه‌رکعتی هفده تکبیر دارد و نماز چهاررکعتی بیست و دو تکبیر دارد. و بدان که همه‌ی این تکبیرات سنت است، اگر به عمد ترک آنها نمود یا به سهو، نمازش باطل نمی‌شود، مگر تکبیرة الإحرام که باید گفته شود و بدون آن نمازش بسته نمی‌گردد.

«باب ما يقوله بعد تكبيرة الإحرام»

بابی است در بیان آنچه بعد از تکبیرة الإحرام می‌گوید

بدان که در دعای استفتاح نماز که بعد از تکبیرة الإحرام خوانده می‌شود، احادیث بسیاری آمده است که مجموع آن احادیث مقتضی است که این کلمات را بعد از این که تکبیرة الإحرام گفت، بر زبان آورد: «اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وأصِيْلاً». «خدا بزرگ‌تر است از همه چیز و همه بزرگی به او سزاوار است و بس، و حمد و ستایش برای خداست، حمد و ستایش بی‌شمار بامداد و پسین».

﴿إِنِّي وَجَّهۡتُ وَجۡهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ حَنِيفٗاۖ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ٧٩﴾ [الأنعام: 79]. ﴿إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحۡيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦٢ لَا شَرِيكَ لَهُۥۖ وَبِذَٰلِكَ أُمِرۡتُ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ١٦٣﴾ [الأنعام: 162-163].

«روی خود و ذات وجودم را متوجه درگاه کسی ساختم که آسمان‌ها و زمین را آفرید و من به راه استقامت و راستی و دین اسلام هستم و من از مشرکان نیستم. یقیناً نمازم و عبادتم و زندگی و مرگم همه در راه طاعت خدایی است که پروردگار جهانیان است، شریکی ندارد و من به پیروی اسلام و توحید مأمور شده ام و از مسلمانانم».

«اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لاَ إلَهَ إلاَ أَنْتَ، أَنْتَ رَبِّي، وَأَنَا عَبْدُك ظَلَمْت نَفْسِي، وَاعْتَرَفْت بِذَنْبِي، فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي جَمِيعًا، وَإِنَّهُ لاَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إلاَّ أَنْتَ، وَاهْدِنِي لِأَحْسَنِ الْأَخْلاَقِ، لاَ يَهْدِي لِأَحْسَنِهَا إلاَّ أَنْتَ، وَاصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَهَا، لاَ يَصْرِفُ عَنِّي سَيِّئَهَا إلاَّ أَنْتَ». «خدایا تو پادشاهی، نیست معبودی بحق مگر تو. تو پروردگارم هستی و من بنده‌ات هستم، ستم به خود نمودم و اقرار کردم به گناهانم، پس بیامرز برایم همه‌ی گناهانم، برای این که نمی‌آمرزد گناهان را مگر تو. و برسان مرا به بهترین اخلاق که نمی‌رساند به بهترین اخلاق مگر تو. و دور بدار از من اخلاق بد را که دور نمی‌دارد از من اخلاق بد را مگر تو».

«لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ، وَالْخَيْرُ كُلُّهُ فِي يَدَيْك وَالشَّرُّ لَيْسَ إلَيْك، وَإِنَّا بِك وَإِلَيْك، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، أَسْتَغْفِرُك وَأَتُوبُ إلَيْك». «من اجابت فرمانت می‌کنم باری بعد از بار دیگر و سعادت همه در اختیار توست و خیر و خوشی همه در دست توست و شر سوی تو راه ندارد، من از تو ام و به‌سوی تو می‌آیم، پر شد برکتت و بالاتر آمد مرتبه‌ات از این که کسی آن را ادراک کند، از تو آمرزش می‌خواهم و رجوع می‌کنم به‌سوی درگاهت».

«اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ، كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنْ خَطَايَايَ، كَمَا يُنَقَّى الثَّوْبُ الأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي مِنْ خَطَايَايَ بِالثَّلْجِ، وَالْمَاءِ، وَالْبَرَدِ». «خدایا دور بگردان میان من و گناهانم، چنانکه دور گردانیدی میان مشرق و مغرب، خدایا مرا پاک بساز از گناهانم، چنانکه جامه‌ی سفید به شستن پاک می‌شود از چرک و کثافت. خدایا بشوی مرا از گناهانم به برف و آب و تگرگ».

همه‌ی اینها که یاد شد در حدیث صحیح از رسول الله ص ثابت شده است، و شخص می‌تواند همه‌ی اینها را در افتتاح نماز بخواند و می‌تواند هر وقتی قسمتی از آنها را بخواند.

و در حدیث به روایت عایشه ل آمده است: «كَانَ النَّبِىُّ ص إِذَا افْتَتَحَ الصَّلاَةَ قَالَ: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَلاَ إِلَهَ غَيْرُكَ». رواه الترمذي وأبوداود وابن ماجه بأسانيد ضعيفة. «رسول الله ص موقعی که بعد از تکبیرة الإحرام نماز را افتتاح می‌نمود می‌فرمود: «تنزیه می‌گویم ای خدا که تو پاکی از هر عیب و نقص و من به حمد و ستایش مشغولم، پر شد برکت نام مقدست و برتر آمد عظمتت و نیست معبودی بحق مگر تو». و این حدیث از رسول الله ص به ثبوت نرسیده و به گفته‌ی بیهقی به روایت از عمر س از گفته‌ی او به ثبوت رسیده است.

و کلمه‌ی: «وَالشَّرُّ لَيْسَ إلَيْك». مذهب اهل حق از محدثین و فقها و متکلمین از صحابه و تابعین و بعدشان از علمای مسلمین این است که خیر آنها و شر آنها و نفع آنها و ضرر آنها همه از خداست و به اراده و تقدیر اوست. بنابراین، به تأویل این حدیث پرداخته‌اند، نضر بن شمیل گفته است که معنی «وَالشَّرُّ لَيْسَ إلَيْك». این است که نمی‌توان با شر به درگاهت تقرب جست و شر انسان را به خدا نزدیک نمی‌کند، و دوم این که شر به درگاهت راه ندارد: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ». خوبی‌ها به درگاه او بالا می‌رود، اما شر به درگاهش راه ندارد. سوم این که نسبت شر از جهت ادب به خداوند داده نمی‌شود و گفته نمی‌شود یا خالق الشر و گفته نمی‌شود یا خالق الخنازیر اگرچه مخلوق او هستند. چهارم این که شر به نسبت حکمتت شر نیست، مثل ابلیس که خلقت شده تا ناشایسته‌ها را به آن لعین نسبت دهند. والله أعلم وصلي الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

(فصل) آنچه از افتتاحیه نماز یاد شد از دعا و توحید جمع بین آنها برای کسی که به تنهایی نماز می‌خواند مستحب است، و برای امام در صورتی مستحب است که همه‌ی جماعت راضی باشند به طولانی‌شدن نماز، اما اگر راضی نبودند، نمی‌تواند طول بدهد و باید بعضی از آنها را بخواند و خوب است اکتفاکردن بر: «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ... تا وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ»**.** و این دعای استفتاح در نماز فرض و سنت هردو مستحب است، اگر در آغاز رکعت اول نخواند در رکعات بعدی نمی‌خواند، برای این که محل آن آغاز رکعت اولی است، اگر دعای استفتاح نخواند و شروع به أعوذ بالله و قراءت فاتحه نمود دعای استفتاح نمی‌خواند و اگر خواند مکروه است و نمازش باطل نمی‌شود. اگر به نماز جماعت در رکوع یا اعتدال یا سجود یا تشهد رسید دعای استفتاح نخواند، و شخص مسبوق در قیام می‌تواند دعای استفتاح را بخواند به شرط آن که به خواندن فاتحه برسد و چنانچه بداند که اگر دعای استفتاح را بخواند امام به رکوع می‌رود و به فاتحه نمی‌رسد آن را نخواند، خواندن دعای استفتاح در تمام نمازها سنت است و اگر نخواند سجود سهو ندارد، فقط در نماز جنازه دعای استفتاح سنت نیست، برای این که مبنای نماز جنازه بر تخفیف است. والله أعلم. و دعای استفتاح آهسته خوانده می‌شود.

«باب التعوذ بعد دعاء الاستفتاح»

بابی است در بیان أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن بعد از دعای استفتاح

بدان که بعد از خواندن دعای استفتاح، سنت است أعوذ بالله من الشیطان الرجیم را گفتن، و این أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن سنت است نزد جمهور علما. بنابراین، قول خداوند متعال:

﴿فَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ ٩٨﴾ [النحل: 98].

معنای آن نزد جمهور علما: «إذا أرَدْتَ القِراءَةَ فاستَعِذْ» «وقتی که قصد قرائت قرآن نمودی به خدا پناه ببر از شر شیطان لعنت‌شده».

«وَرَوَيْنَا في سنن أبي داود والترمذي والنسائي وابن ماجه وغيرها: أن النَّبِیَّ ص قالَ قَبْلَ القِراءةِ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ مِنْ نَفْخِهِ وَنَفْثِهِ وَهَمْزِهِ». «رسول الله ص قبل از خواندن سوره‌ی فاتحه فرمود: «أعوذ بالله من الشیطان الرجیم»، پناه می‌برم به خدا از شر شیطان لعنت‌شده، از شر جنون‌آوردنش و تکبرآوردنش و شعر نامناسب بر زبان‌آوردنش». نفخه: جنون‌آوردنش. نفثه: تکبرآوردنش. همزه: شعر نامناسب‌آوردنش.

(فصل) بدان که گفتن أعوذ بالله تا آخر مستحب است و واجب نیست؛ اگر نگفت گنهکار نمی‌شود و نمازش باطل نمی‌شود و سجود سهو نمی‌خواهد. اعوذ بالله گفتن در همه‌ی نمازها مستحب است، حتی در نماز جنازه هم گفتنش مستحب است، و سنت‌بودن «أعوذ بالله من الشیطان الرجیم» قبل از قراءت قرآن در نماز و در خارج از نماز به اجماع علما ثابت است.

(فصل) أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن در رکعت اولی به اتفاق علما مستحب است، و همچنین در رکعات باقی مستحب است، اگر در رکعت اولی أعوذ بالله نگفت در رکعت بعدی بگوید. بنابراین، أعوذ بالله تا آخر در همه رکعت‌های نماز مستحب است، و در رکعت اولی مؤکدتر است، و أعوذ بالله من الشیطان الرجیم آهسته بگوید و اگرچه نماز جهریه باشد. ابوهریره س أعوذ بالله را بلند می‌خواند. و ابن عمر ب أعوذ بالله را آهسته می‌خواند و معتمد همین است.

«باب القراءة بعد التعوذ»

بابی است در بیان خواندن سوره‌ی فاتحه بعد از گفتن أعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بدان که قراءت در نماز واجب است به اجماع و دلایل آن بسیار است، و مذهب ما و جمهور علما این است که قراءت سوره‌ی فاتحه در نماز واجب است و چیزی جز آن جایش را نمی‌گیرد، اگر توانایی بر قراءت فاتحه داشته باشد، به دلیل حدیث صحیح:

«أن رسول اللّه ص قال: لا تُجْزِىءُ صَلاةٌ لا يُقْرأُ فِيها بِفاتِحَةِ الكِتابِ». رواه ابن خزيمة وابن حبان في صحيحيهمـا بالإسناد الصحيح وحكما بصحته. «کفایت نمی‌کند نمازی که در آن سوره‌ی فاتحه خوانده نشود».

وفي الصحيحين «عن رسول الله ص: لا صَلاةٌ إِلاَّ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ». در صحیح بخاری و مسلم است که رسول الله ص فرمود: «نماز صحیح نمی‌شود مگر به خواندن سوره‌ی فاتحه در آن».

و واجب است خواندن «بسم الله الرحمن الرحیم» و آن آیه‌ی کاملی است در اول سوره‌ی فاتحه. و واجب است رعایت تشدیدهای فاتحه و آن چهارده تشدید است، سه‌تا در «بسم الله الرحمن الرحیم» و باقی در بقیه‌ی سوره که اگر تشدید را رعایت نکند نمازش صحیح نمی‌شود و باید آیه‌های سوره‌ی فاتحه را به ترتیب بخواند و معذور دانسته می‌شود، در سکوت‌کردن در اثنای فاتحه که به قدر نفس‌کشیدن باشد، و به ترتیب و موالات خواندن آیه‌های سوره فاتحه واجب است، اگر مأموم در اثنای قراءت فاتحه بود که امام به سجود تلاوت رفت و مأموم هم با امام به سجود تلاوت رفت، بعد که از سجود تلاوت فارغ شد فاتحه را تکمیل نماید و فاصله‌ای که در میان آمده اشکالی ندارد.

(فصل) اگر در قراءت لحن آمد، چنانکه لحنی است که معنی را تغییر می‌دهد آن لحن مبطل نماز است، مثلاً می‌گوید: «صِراطََ الَّذِيْنَ أنْعَمْتُِ عَلَيْهِمْ بضم» تاء یا بکسر تاء، این لحن نماز را باطل می‌کند و همچنین: «إيّاكِ نَعْبُدُ» به کسر کاف نماز را باطل می‌کند.

اما اگر لحنی است که معنی را تغییر نمی‌دهد، مثل: «الحَمْدُ لِلّهِ رَبُّ الْعَالَـمِيْنَ» بضم باء رب یا «إيّاكَ نِسْتَعِيْنَ» به کسر نون که معنی را تغییر نمی‌دهد، نماز را باطل نمی‌کند و اگر به جای «وَلاَ الضَّالِّيْنَ» گفت: «ولا الظالين» نمازش باطل می‌شود، مگر در صورتی که زبانش تلفظ صحیح ضاد نمی‌تواند که قراءتش برای خودش صحیح است، اما حق امامت ندارد.

(فصل) اگر کسی فاتحه را نمی‌داند از آیات دیگر قرآن به قدر سوره‌ی فاتحه بخواند، و یادگرفتن خواندن صحیح سوره‌ی فاتحه بر او واجب است، و اگر از قرآن چیزی نمی‌داند از اذکار، مثل تسبیح و تهلیل به قدر آیات فاتحه بخواند و یادگرفتن قراءت فاتحه بر او واجب است و نمی‌تواند فاتحه را به عجمی بخواند و باید به جای فاتحه از آیات دیگر و در صورت عجز از آیات دیگر از اذکار به قدر فاتحه بخواند و یادگرفتن سوره‌ی فاتحه بر او واجب است و اگر می‌توانسته است فاتحه را بیاموزد و نیاموخته است، وقتی که فاتحه را آموخت نمازهایی که بدون فاتحه خوانده است اعاده می‌نماید. کسی که گنگ است اگر زبان را حرکت بدهد برای او کافی است، علی کل حال نماز را باید خواند.

(فصل) بعد از فاتحه سنت است خواندن سوره‌ای یا بعضی از سوره و این خواندن سوره بعد از فاتحه سنت است، اگر نخواند نمازش صحیح است و سجود سهو نمی‌خواهد، و خواندن یک سوره‌ی کوچک بهتر است از خواندن چند آیه به قدر سوره‌ی کوچک. بعد از فاتحه در همه‌ی نمازهای فرض و سنت سوره خوانده می‌شود، اما در نماز جنازه خواندن سوره بعد از فاتحه سنت نیست، برای این بنای نماز جنازه بر تخفیف است، و سوره‌های قرآن باید به ترتیبی که در قرآن است خوانده شود نه این که سوره‌ی بعد، قبل خوانده شود و سوره‌ی قبل، بعد خوانده شود. و سنت است در نماز صبح و ظهر خواندن طوال مفصل که از سوره‌ی حجرات تا عمَّ می‌باشد و در نماز عصر و عشاء، اوساط مفصل که از عمَّ تا والضحی می‌باشد. و در نماز مغرب قصار مفصل که از والضحی تا آخر قرآن است. و سنت است در نماز صبح و روز جمعه خواندن سوره‌ی سجده و انسان. و در نماز جمعه، سوره‌ی جمعه و منافقین و یا أعلی و غاشیة. و در نماز عید و نماز استسقاء سوره‌ی ق و قمر و یا أعلی و غاشیه و در نماز مغرب شب جمعه، کافرون و إخلاص. و در نماز وتر در رکعت اولی أعلی و رکعت دومی کافرون و در رکت سومی إخلاص و فلق و ناس سنت است، و همه‌ی این سوره‌ها کامل خواندن آنها سنت است، نه خواندن بعضی از آنها. و در دو رکعت قبلیه‌ی نماز صبح در رکعت اولی آیه‌ی: ﴿قُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡنَا...﴾ [البقرة: 136]. و در رکعت دومی آیه‌ی: ﴿قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ كَلِمَةٖ سَوَآءِۢ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ...﴾ [آل‌عمران: 64]. و یا سوره‌ی کافرون در رکعت اولی و سوره‌ی إخلاص در رکعت دومی سنت است، و بعضی گفته‌اند: در رکعت اولی سوره‌ی شرح و در دومی سوره‌ی فیل. والله أعلم.

(فصل) اگر سوره‌ی جمعه در رکعت اولی نماز فراموش کرد سوره‌ی جمعه و منافقین هردو را در رکعت دوم بخواند، و همچنین در نماز عید و نماز وتر و غیره. و اگر در رکعت اولی نماز جمعه سوره‌ی منافقون خواند در رکعت دوم سوره‌ی جمعه بخواند و سوره‌ی منافقون تکرار نکند. دلایل همه‌ی این‌ها را امام نووی / در کتاب مجموع شرح مذهب آورده است.

(فصل) در صحیح بخاری و مسلم ثابت شده است که رسول الله ص رکعت اولی را طولانی‌تر از رکعت دوم می‌خوانده‌اند، و سنت همین است که رکعت اولی طولانی‌تر از رکعت دومی باشد.

(فصل) اجماع علما بر این است که دو رکعت نماز صبح و دو رکعت اولی نماز مغرب و عشا و دو رکعت نماز جمعه و نماز عیدین و نماز تراویح و نماز استسقاء و نماز خسوف ماه همه‌ی این‌ها به جهر خوانده می‌شود، و نماز ظهر و عصر و دو رکعت آخری نماز عشا و یک رکعت آخری نماز مغرب و نماز کسوف آفتاب همه‌ی این‌ها آهسته خوانده می‌شود، و در نمازی که آهسته خوانده می‌شود حتماً باید خودش خواندن آن را بشنود، و اگر نماز روز در شب قضا نمود و نماز شب در روز قضا کرد معتبر در آن، وقت قضای آن است. و نماز سنت شب، مثل تهجد میان جهر و اسرار (نه بلند و نه آهسته) خوانده می‌شود.

(فصل) علمای مذهب ما گفته‌اند که برای امام در نماز جهریه چهار سکوت مستحب است: میان تکبیرۀ الإحرام و دعای استفتاح، و میان فاتحه و سوره، و میان آخر فاتحه و گفتن آمین. بعد از آمین امام سکوت طولانی می‌کند تا ماموم فاتحه را کاملاً بخواند، و میان سوره و رکوع.

(فصل) وقتی که از قراءت فاتحه فارغ شد، سنت است بگوید: آمین. و این آمین‌گفتن بعد از قراءت فاتحه چه در نماز و چه بیرون از نماز سنت است، در آمین چهار لغت است: آمین. آمین. آمین به اماله‌ی میم. آمین به تشدید میم، و بهتر همان آمین است. و آمین‌گفتن بعد از پایان فاتحه برای امام و منفرد و ماموم مستحب است، و مستحب است که آمین‌گفتن ماموم همراه آمین‌گفتن امام باشد، و این تنها محلی است که امام و ماموم باهم آمین می‌گویند و در غیر آن همیشه باید اقوال و افعال ماموم بعد از امام باشد.

(فصل) سنت است برای هرکسی که قرآن می‌خواند وقتی به آیه‌ی رحمت رسید، مثل: ﴿رَحۡمَتَ ٱللَّهِ قَرِيبٞ مِّنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾ [الأعراف: 56]. بگوید: «اللّهُمَّ أسْألُكَ رَحْمَتَكَ». و هرگاه به آیه‌ی عذاب رسید، مثل: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٗا مُّهِينٗا﴾ [النساء: 102]. بگوید: «اللّهُمَّ إِنِّى أَسْألُكَ الْعَافِيَةَ». و وقتی که خواند: ﴿أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِأَحۡكَمِ ٱلۡحَٰكِمِينَ ٨﴾ [التين: 8]. بگوید: «بَلَى وأنَا عَلى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ». و وقتی که خواند: ﴿أَلَيۡسَ ذَٰلِكَ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يُحۡـِۧيَ ٱلۡمَوۡتَىٰ ٤٠﴾ [القيامة: 40]. بگوید: «بَلَى أشْهَدُ». و وقی که خواند: ﴿فَبِأَيِّ حَدِيثِۢ بَعۡدَهُۥ يُؤۡمِنُونَ﴾ بگوید: «آمَنَّا بِاللَّهِ». و وقتی که خواند: ﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِنۡ أَصۡبَحَ مَآؤُكُمۡ غَوۡرٗا فَمَن يَأۡتِيكُم بِمَآءٖ مَّعِينِۢ ٣٠﴾ [الملك: 30]. بگوید: «اللَّهَ رَبُّ الْعَالـَمِينَ». و وقتی که خواند: ﴿سَبِّحِ ٱسۡمَ رَبِّكَ ٱلۡأَعۡلَى ١﴾ [الأعلى: 1]. بگوید: «سُبْحَانَ ربِّيَّ الأعْلَى». و بر این قیاس.

«باب أذكار الركوع»

بابی است در بیان أذکار رکوع

احادیث صحیح بسیاری به ثبوت رسیده‌اند که رسول الله ص برای رفتن رکوع می‌فرمود: الله اکبر و آن را تا رسیدن به رکوع طول می‌داد، این تکبیر رکوع و دیگر تکبیرهای نماز همه سنت هستند، اگر ترک نمود مرتکب مکروه تنزیهی شده است، نه نمازش باطل می‌شود و نه سجود سهو می‌خواهد. فقط تکبیرۀ الإحرام فرض است و بدون آن نماز منعقد نمی‌گردد، و از امام احمد / روایتی است که تکبیرات نماز همه واجب هستند.

(فصل) وقتی که به حد رکوع رسید، سنت است که بگوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ». سه بار. اما خود رسول الله ص بعضی اوقات در نماز شب به‌اندازه‌ی خواندن سوره‌ی بقره و آل عمران و نساء «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ». را تکرار می‌فرموده‌اند، چنان‌که در صحیح مسلم به روایت حذیفه بن الیمانب و نیز در سنن ابوداود و غیره آمده است که رسول الله ص فرمود:

«إِذَا قَالَ أَحَدُكُمْ سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِيمِ، ثلاثاً فَقَدْ تَمَّ رُکُوعُهُ». «وقتی یکی از شما در رکوع سه بار گفت: سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِيمِ رکوعش کامل شده است».

«وثبت في الصحيحين عن عائشة لأن رسولَ الله ص كان يقول في ركوعه وسجوده: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيْ». «رسول الله صدر رکوع و سجودش می‌فرمود: خدایا تنزیه می‌گویم و به حمد تو مشغولم، خدایا ای پروردگار ما بیامرز مرا».

«وثبت في صحيح مسلم عن علي س أن النبي ص كان إذا ركع يقول: اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ خَشَعَ لَكَ سَمْعِيْ وَبَصَرِيْ وَمُخِّي وَعَظْمِي وَعَصَبِيْ». «رسول الله ص موقعی که به رکوع می‌رفت می‌فرمود: خدایا برای تو رکوع نمودم و به تو ایمان آوردم و برای تو مسلمان شدم، به خشوع و طاعت تو آمد شنوایی ام و بینایی ام و مغزم و استخوانم و اعصابم».

وجاء في كتب السنن: «خَشَعَ سَمْعِى وَبَصَرِى وَمُخِّى وَعَظْمِى وما اسْتَفَلَّتْ بِهِ قَدَمِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». رسول الله ص در رکوع می‌فرمود: «خدایا برای تو رکوع کردم و به تو ایمان آوردم و برای تو مسلمان شدم، به فروتنی و طاعت آمد شنوایی ام و بینایی ام و مغزم و استخوانم و آنچه پایم آن را حمل می‌کند به طاعت آمد برای خدایی که پروردگار جهانیان است».

«وَرَوَيْنَا عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ س قَالَ: قُمْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص لَيْلَةً، فَقَامَ فَقَرَأَ سُورَةَ الْبَقَرَةِ، لاَ يَمُرُّ بِآيَةِ رَحْمَةٍ إِلاَّ وَقَفَ وسَأَلَ، وَلاَ يَمُرُّ بِآيَةِ عَذَابٍ إِلاَّ وَقَفَ وتَعَوَّذَ، قَالَ: ثُمَّ رَكَعَ بِقَدْرِ قِيَامِهِ، يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ: سُبْحَانَ ذِي الْجَبَرُوتِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ!. ثُمَّ قَالَ فِي سُجُودِهِ مِثْلَ ذَلِكَ». هذا صحيح، رواه أبوداود والنسائي في سننهمـا والترمذي في كتاب الشمـائل بأسانيد صحيحة. «عوف بن مالک گفت: شبی با رسول الله ص به نماز ایستادم، آنگاه سوره‌ی بقره را خواند، به هر‌آیه‌ی رحمتی که می‌رسید می‌ایستاد و طلب رحمت می‌نمود و به هر آیه‌ی عذابی که می‌رسید می‌ایستاد و پناه می‌برد بر خدا از عذاب او. آنگاه به رکوع رفت و آن را طولانی کرد به قدر قیام که سوره‌ی بقره در آن خوانده بود و در رکوع می‌فرمود: «منزه و پاک است خدایی که اجبار همه‌ی کاینات در دست اوست». مُلک و ملکوت برای اوست، پادشاهی جهان و فرمانروایی معنوی بر همه‌ی جهانیان و کبریا و بزرگی همه برای اوست، سپس در سجودش نیز همانند آن را می‌خواند».

«وثبت في صحيح مسلم عن عائشة لأن رسولَ الله ص كان يقول في ركوعه وسجوده: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلاَئِكَةِ وَالرُّوحِ».

«رسول الله ص در رکوع و سجود می‌فرمود: پروردگار فرشتگان و جبرئیل بسیار پاک و منزه و مقدس است». «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ» بضم اول، و بفتح اول «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ» هردو آمده است و مشهورتر به ضم اول است.

«وَرَوَيْنَا في صحيح مسلم عن ابن عباس بقال: قال رسولُ الله ص: فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعَظِّمُوا فِيهِ الرَّبَّ». «رسول الله ص فرمود: اما رکوع: در آن تعظیم پروردگار به جا آورید». بنابراین، هر لفظی که تعظیم پروردگار در آن باشد کافی است، و بهتر است جمع‌نمودن میان این اذکار، اگر جمع نمی‌نماید هروقتی قسمتی از این اذکار را در رکوع بخواند، و اگر بخواهد کمترین حد کمال را به جا آورد سه بار «سُبْحَانَ رَبِّىَ الْعَظِيمِ» کافی است، و این اذکار رکوع همه سنت است و واجب نیست، اگر تسبیح رکوع را به جا نیاورد، نماز صحیح است و سجود سهو نمی‌خواهد. و امام احمد و جماعتی گفته‌اند: تسبیح رکوع واجب است. بنابراین، رعایت اقوال علما و ترک‌نکردن تسبیح بهتر است.

(فصل) مکروه است قراءت قرآن در رکوع و سجود، و بعضی از علمای مذهب ما گفته‌اند: قراءت قرآن در رکوع و سجود مبطل نماز است.

«رَوَيْنَا في صحيح مسلم عن علي س قال: نَهَانِي رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ أَقْرَأَ رَاكِعًا أَوْ سَاجِدًا».

«علیس فرمود: رسول اللهص مرا منع فرمود از خواندن قرآن در رکوع و سجود».

«وَرَوَيْنَا في صحيح مسلم أيضاً عن ابن عباس ب عن رسول الله ص أنه قال: أَلاَ وَإِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَقْرَأَ الْقُرْآنَ رَاكِعًا أَوْ سَاجِدًا». «رسول الله ص فرمود: آگاه باشید که منع شده ام از خواندن قرآن در رکوع و سجود».

«باب ما يقوله في رفع رأسه من الركوع وفي اعتداله»

بابی است در بیان آنچه در حال سر بالا‌ آوردن از رکوع و در حال اعتدال می‌گوید

سنت این است که موقع بالاآوردن سر از رکوع بگوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ». «خدا ستایش کسی که او را ستایش گفت شنید». اگر بگوید: «مَنْ حَمِدَ اللَّهُ سَمِعَ اللَّهُ لَهُ». «کسی که ستایش خدا را به جا آورد، خدا می‌شنود ستایش او را». هم جایز است. چنان‌که امام شافعی در کتاب گرانقدر «أم» تصریح به جواز آن نموده است، وقتی که به اعتدال آمد و راست ایستاد، می‌گوید: «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ». «ای پروردگار ما و برای تو است ستایش».

«رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ». و «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ». بدون واو و با واو هردو روایت شده است و هردو خوب است، موقع سر بالا‌آوردن از رکوع می‌گوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ». وقتی که راست ایستاد، می‌گوید: «رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فيه، مِلْءَ السَّمَاوَاتِ، وَمِلْءَ الْأَرْضِ، وَمِلْءَ مَا بَيْنَهُمَا وَمِلْءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ، أَهْلَ الثَّنَاءِ وَالْمَجْدِ، أَحَقُّ مَا قَالَ الْعَبْدُ، وَكُلُّنَا لَكَ عَبْدٌ، لاَ مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلاَ مُعْطِي لِمَا مَنَعْتَ، وَلاَ يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ». «ای پروردگار ما برای توست ستایش، ستایش بسیار، ستایش پاک، ستایش پربرکت، ستایشی به پری آسمان‌ها و پری زمین‌ها و پر میان آن دو و پری آنچه بخواهی بعد از آنها. ای شایسته‌ی سپاس و عظمت. شایسته‌تر از گفتار بندگان، و ما همه بنده‌ی تو هستیم، نیست منع‌کننده‌ای از آنچه تو عطا فرمایی، و نیست دهنده‌ای از آنچه تو منع فرمایی. و بی‌نیاز، توانگر را به جای تو سود نمی‌دهد».

«وَرَوَيْنَا في صحيح البخاري عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ رَافِعٍ الزُّرَقِىِّ س قَالَ كُنَّا يَوْمًا نُصَلِّى وَرَاءَ النَّبِىِّ ص فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرَّكْعَةِ قَالَ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ!. قَالَ رَجُلٌ وَرَاءَهُ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ مَنِ الْمُتَكَلِّمُ!. قَالَ أَنَا . قَالَ رَأَيْتُ بِضْعَةً وَثَلاَثِينَ مَلَكًا يَبْتَدِرُونَهَا، أَيُّهُمْ يَكْتُبُهَا أَوَّلُ». «رفاعه س گفت: روزی پشت سر رسول الله ص نماز می‌خواندم وقتی که رسول الله ص سر از رکوع بالا آورد فرمود: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ». مردی که پشت سر رسول الله ص بود، گفت: «حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ». وقتی که رسو الله ص سلام نماز گفت: فرمود: «چه کسی این کلمات را گفت»؟ آن مرد گفت: من گفتم: رسول الله ص فرمود: «سی و چند ملائکه را دیدم که شتاب می‌کردند به‌سوی آن تا ببینند کدام یک زودتر آن را می‌نویسد».

(فصل) بدان که مستحب است جمع‌نمودن بین این اذکار اعتدال که یاد شد، اگر بخواهد اکتفا نماید به بعضی از آن اذکار، پس اکتفا کند به «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ مِلْءَ السَّمَاوَاتِ، وَمِلْءَ الْأَرْضِ، وَمِلْءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ». اگر می‌خواهد بیش از حد مختصر نماید، اکتفا کند به «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ» که از این مختصرتر نیست، همه‌ی این اذکار برای امام و مأموم و منفرد مستحب است، جز این که امام همه‌ی آنها را جمع نمی‌کند، مگر در صورتی که بداند همه‌ی مأمومین به طولانی‌شدن نماز راضی هستند، و قراءت قرآن در اعتدال مکروه است، همانگونه که قراءت قرآن در رکوع و سجود مکروه است. والله أعلم.

«باب أذكار السجود»

بابی است در بیان أذکار سجود

وقتی که از اذکار اعتدال فارغ شد، الله أکبر می‌گوید برای رفتن به سجود، و این الله اکبر را می‌کشد تا پیشانیش را برای سجود بر زمین نهد، و گفتیم که این تکبیر رفتن به سجود مثل همه‌ی تکبیرهای نماز سنت است، اگر نگوید نمازش باطل نمی‌شود و سجود سهو نمی‌خواهد، وقتی که به سجود رفت اذکار سجود را به جا می‌آورد، و اذکار سجود بسیار است، از آن جمله است:

«وَرَوَيْنَا في صحيحي البخاري و مسلم عَنْ عَائِشَةَ ل قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ ص يُكْثِرُ أنْ يَقُولُ فِى رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي». «عائشه ل می‌گوید که رسول الله ص در رکوع و سجود نماز بسیار می‌فرمود: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي». تنزیه تو می‌گویم خدایا، ای پروردگار ما و به ستایش تو مشغولم، خدایا بیامرز مرا».

و پیشتر در باب رکوع یاد کردیم که رسول الله ص در رکوع و سجودش می فرمود: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلاَئِكَةِ وَالرُّوحِ». رواه مسلم.

«وَرَوَيْنَا في صحيح مسلم أيضاً عن على س أنَّ رَسُولَ اللهِ ص كان إذا سجدَ قالَ: اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ سَجَدَ وَجْهِى لِلَّذِى خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ». «رسول الله ص وقتی که به سجود می‌رفت می‌فرمود: «خدایا برای تو سجود کردم و به تو ایمان آوردم و برای تو مسلمان شدم، روی من سجود کرد برای خدایی که او را آفرید و صورت ‌بندی‌ اش فرمود و شکافت شنوایی اش و بینایی اش را. پربرکت است خیر خدایی که بهترین آفرینندگان است».

در فصل رکوع حدیثی آوردیم از اصحاب السنن به روایت از عوف بن مالک س که رسول الله ص در رکوع طولانی خود می‌فرمود: «سُبْحَانَ ذِي الْجَبَرُوتِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ». و در کتاب‌های سنن آورده‌اند که رسول الله ص موقعی که سجود می‌کرد می‌فرمود: «سُبْحَانَ ربِّيّ الأعْلَى». سه بار. و در روایت ابن حبان: «سُبْحَانَ رَبِّىَ الأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ». سه بار. و در صحیح مسلم به روایت از عایشه که شبی به جستجوی رسول اللهص برخاستم، دیدم در مسجد در حال سجود است و می‌فرماید: «اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لاَ أُحْصِى ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ». «خدایا پناه می‌برم به خشنودی‌ات از خشمت و به عافیتت از عقوبتت، و پناه می‌برم به تو از عذاب تو، نمی‌توانم ثنای تو را بشمارم، تو آنچنان هستی که خودت ثنای خودت فرمودی».

و در صحیح مسلم به روایت از ابن عباسب: «أَنَّ رَسُولَ اللهِ ص قَالَ: فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعَظِّمُوا فِيهِ الرَّبَّ ﻷ وَأَمَّا السُّجُودُ فَاجْتَهِدُوا فِى الدُّعَاءِ فَقَمِنٌ أَنْ يُسْتَجَابَ لَكُمْ». «رسول اللهص فرمود: اما رکوع شما تعظیم خدا را در آن به جا آورید، و اما سجود کوشش کنید در دعاکردن که شایسته است که دعایتان در سجود مستجاب شود». بنابراین، در سجود بسیار دعا کنید.

«وَرَوَيْنَا في صحيح مسلم عن أبي هريرة س أن رسول الله ص قال: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ فَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ». «رسول الله ص فرمود: نزدیک‌ترین حالت بنده به پروردگار موقعی است که در سجود است. بنابراین، در سجود بسیار دعا کنید».

«وَرَوَيْنَا في صحيح مسلم أن أبي هريرة أيضاً أن رسول الله ص كان يقول في سجوده: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي كُلَّهُ دِقَّهُ وَجِلَّهُ وَأَوَّلَهُ وَآخِرَهُ وَعَلاَنِيَتَهُ وَسِرَّهُ». «رسول الله ص در سجودش می‌فرمود: «خدایا بیامرز گناهانم همه‌اش،‌اندک و بسیار آن و اول و آخر آن و آشکار و نهانی آن» کسی که می‌تواند همه‌ی این اذکار را در سجود بخواند و کسی که نمی‌تواند آنها را در اوقات متعدد بخواند. والله أعلم».

(فصل) علما اختلاف دارند که طول ‌دادن به قیام نماز بهتر است یا بسیاری رکوع و سجود بهتر است. امام شافعی فرموده است که طول‌دادن به قیام بهتر است، برای این که در قیام نماز، خواندن قرآن است و در رکوع و سجود، تسبیح و تهلیل است و قراءت قرآن از تسبیح و تهلیل بهتر است و دلیل‌شان حدیث صحیح مسلم است که رسول الله ص فرمود: «أَفْضَلُ الصَّلاَةِ طُولُ الْقُنُوتِ». یعنی «بهترین رکنی که در نماز طول داده می‌شود، قیام در نماز است». و معنی طول القنوت: طول القیام است، و بعضی از علما گفته‌اند: بسیاری سجود و رکوع بهتر است، برای این که رسول الله ص فرمود: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ». «نزدیک‌ترین حالت بنده به پروردگارش موقعی است که سر به سجود نهاده است». و امام اسحاق بن راهویه فرمود: در شب طولانی‌بودن قیام بهتر است و در روز بسیاری رکوع و سجود بهتر است، برای این که نمازهایی که رسول الله ص در شب می‌خواند، روایات دال بر طولانی‌بودن قیام آن آمده است، و نمازهایی که در روز خوانده‌اند ذکری از طولانی‌بودن آن نیامده است.

(فصل) وقتی که به سجود تلاوت می‌رود، بگوید آنچه را که در سجود نماز یاد شد، و مستحب است که در سجود تلاوت بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْها لي عِنْدَكَ ذُخْراً وأعْظِمْ لي بِهَا أجْراً وَضَعْ عَنِّي بِها وِزْراً وَتَقَبَّلْها مِنِّي كما تَقَبَّلْتَها مِنْ دَاوُدَ ÷». «خدایا این سجود تلاوت را برایم نزد خودت ذخیره‌ای قرار ده و با آن ثوابی برایم بزرگ گردان و با آن از من بینداز گناهی و این سجود را از من قبول فرما، چنانکه از بنده‌ات داود ÷ پذیرفتی». و مستحب است در سجود تلاوت بگوییم: ﴿سُبۡحَٰنَ رَبِّنَآ إِن كَانَ وَعۡدُ رَبِّنَا لَمَفۡعُولٗا﴾ [الإسراء: 108]. «منزه است پروردگار ما و به حقیقت وعده‌ی پروردگار ما انجام گرفته است».

«وَرَوَيْنَا في السنن أبي داود والترمذي والنسائي عن عائشة ل قالت كان رسول الله ص يقول في سجود القرآن: سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ بِحَوْلِهِ وقُوَّتِهِ. قال الترمذي حديث صحيح زاد الحاكم: فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ!. قال هذه الزيادة صحيحة على شرط الشيخين وأما قوله: اللَّهُمَّ اجْعَلْها لي عِنْدَكَ ذُخْراً إلى آخِرِه». فرواه الترمذي مرفوعاً من رواية ابن عباس ب بإسناد حسن. وقال الحاكم: حديث صحيح.

«باب ما يقول في رفع رأسه من السجود وفي الجلوس بين السجدتين»

بابی است در بیان آنچه وقتی که سر از سجود اول برداشت و آنچه در نشستن میان دو سجود می‌گوید

سنت این است که سر را که از سجود اول بلند کرد، بگوید: «الله اکبر» و تکبیر را بکشد تا این که راست بنشیند و میان دو سجود بگوید: «رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي». چنانکه در حدیث حذیفه به روایت ابی داود و ترمذی و نسائی و بیهقی و غیره در آن حدیث طولانی آمده است: «وكان يقول بين السجدتين: رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي». و در روایت بیهقی از ابن عباس ب: «وكان إذا رفع رأسه من السجدة قال: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَأجْبُرْنِي وَارْفَعْنِي وَارْزُقْنِي وَأهْدِنِي!. وفي روايته أبي داود وَعَافِنِي». وإسناده حسن. والله أعلم.

(فصل) وقتی که سجود دومی نمود در آن همان بگوید که در سجود اولی گفتیم، وقتی که سر از سجود دوم بالا آورد تا به رکعت دوم آید پیش از بلندشدن یک نشستن کوتاهی به عنوان جلسه‌ی استراحت داشته باشد که در آن از حرکت آرام گیرد و سپس بلند بشود برای رکعت دوم، و در این هنگام الله اکبرگفتن را بکشد تا این که راست بایستد. یک تکبیر از سر برآوردن از سجود تا راست‌ایستادن کفایت می‌کند. و «جلسة الاستراحة» (نشستن برای استراحت) سنت است و در صحیح بخاری به ثبوت رسیده و آن بعد از هر رکعتی است که از آن برای رکعت بعدی بلند می‌شود، مثل بعد از رکعت اولی و بعد از رکعت سومی، اما بعد از رکعت دومی و بعد از رکعت چهارمی که برای تشهد می‌نشیند، و بعد از سجود تلاوت در نماز، جلسه‌ی استراحت نیست.

«باب أذكار الركعة الثانية»

بابی است در بیان اذکار رکعت دوم

رکعت دومی مانند رکعت اولی است، در گفتن اذکاری که در رکعت اولی یاد شد و نیز در خواندن فاتحه و در خواندن سوره‌ی بعد از فاتحه، جز این که در این چند چیز رکعت دومی با رکعت اولی فرقی دارد: در رکعت اولی تکبیرة الاحرام است که فرض می‌باشد، و در رکعت دومی تکبیرۀ القیام است که از رکعت اولی برمی‌خیزد و به رکعت دومی می‌آید، و این تکبیر سنت است. دوم این که در رکعت اولی بعد از تکبیرۀ الاحرام دعای استفتاح می‌خواند و در رکعت دوم دعای استفتاح نیست. سوم این که در رکعت اولی «أعوذ بالله من الشیطان الرجیم» گفتن بدون اختلاف نظر سنت است و در رکعت دومی در «أعوذ بالله من الشیطان الرجیم» گفتن اختلاف نظر است، و لیکن بنابر قول معتمد گفتن «أعوذ بالله من الشیطان الرجیم» در رکعت دومی نیز است. چهارم این که قراءت سوره در رکعت دومی کمتر از قراءت در رکعت اولی است که در رکعت اولی سوره طولانی‌تر از سوره در رکعت دومی است.

«باب القنوت في الصبح»

بابی است در بیان خواندن قنوت در اعتدال اخیر نماز صبح

بدان که قنوت در نماز صبح سنت است به دلیل حدیث صحیح در خصوص قنوت در نماز صبح. «روى الحاكم أبو عبدالله في كتاب الأربعين عن أنس س أَنَّ رَسُولَ اللهِ ص أَنَّهُ لَمْ يَزَلْ يَقْنُتُ فِي الصُّبْحِ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا». قال الحاكم: حديث صحيح.

«انس س که خدمتکار رسول الله ص بود روایت می‌کند که همیشه رسول الله ص در نماز صبح قنوت می‌خواند تا از دنیا رحلت فرمود». حاکم می‌گوید: حدیث صحیح است و امام نووی که اکبر حفاظ عصر خود است می‌گوید: حدیث صحیح است. و علمای مذهب شافعی که نود در صد علمای حدیث از ایشان است آن را قبول کرده‌اند، اکنون در زمان ما بعضی از روی بی‌دانشی آن را قبول نمی‌کنند.

حاصل این که در مذهب شافعی قنوت در اعتدال اخیر نماز صبح در همه‌ی ایام سال است، و در نیمه‌ی دوم ماه رمضان در نماز وتر از شب شانزدهم به بعد است، چنانکه حدیث صحیح آن در طبرانی آمده است، باید دانست که دو مذهب از چهار مذهب اهل سنت قنوت را در نماز صبح در همه‌ی ایام سال دانسته‌اند، امام مالک قنوت را در رکعت دوم نماز صبح قبل از رکوع می‌داند و امام شافعی بعد از رکوع. و دو مذهب دیگر قنوت را در همه‌ی ایام سال در نماز وتر دانسته‌اند: امام ابوحنیفه در رکعت سوم وتر قبل از رکوع و امام احمد بعد از رکوع. قنوت در نزد امام شافعی و امام احمد به آواز بلند خوانده می‌شود، و نزد امام مالک و امام ابوحنیفه آهسته خوانده می‌شود، قنوت نزد امام شافعی و امام احمد عبارت است از:

«اللَّهُمَّ أهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ، وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَ، وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ». تا اینجا دست و باقی ثناء است و عبارت است از:

«فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلا يُقْضَى عَلَيْكَ، إِنَّهُ لا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ، تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتعالىتَ». و به روایتی در ادامه‌ی آن می‌گوید: «فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا قَضَيْتَ ولَكَ الشُّكْرُ علَى ما أنْعَمْتَ بِهِ وأَوْلَيْتَ، نَسْتَغْفِرُك اللَّهُمَّ وَنَتُوبُ إلَيْكَ، وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وصلَّى اللَّه على سيِّدنا محمَّد وآله وصَحْبِهِ وسلَّمَ».

قنوت نزد امام ابوحنیفه و امام مالک عبارت است از: «اللَّهُمَّ إنَّا نَسْتَعِينُكَ وَنَسْتَهْدِيكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ وَنَتُوبُ إلَيْكَ وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَنُثْنِي عَلَيْكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ نَشْكُرُكَ وَلاَ نَكْفُرُكَ وَنَخْلَعُ وَنَتْرُكُ مَنْ يَفْجُرُكَ اللَّهُمَّ إيَّاكَ نَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّي وَنَسْجُدُ وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنَحْفِدُ نَرْجُو رَحْمَتَكَ وَنَخْشَى عَذَابَكَ إنَّ عَذَابَكَ الْجِدَّ بِالْكُفَّارِ مُلْحِقٌ. وصلَّى اللَّه على سيِّدنا محمَّد وآله وصَحْبِهِ والتَّابعين».

تفسیر قنوت شافعیه و نابله: «اللَّهُمَّ أهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ». خدایا مرا به مطلب برسان در جمله کسانی که آنان را به مطلب رساندی، مطلب مؤمن رضای خدا و پیروی از رسول خدا و عافیت خیر در دنیا و آخرت است و غیره.«وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ». و مرا عافیت و تندرستی و دوری از ناملایمات عطا فرما در جمله کسانی که ایشان را عافیت دادی و از ناملایمات نگه داشتی. ناملایمات: بیماری خطرناک. از دست‌دادن عزیزان، شماتت دشمنان، شرمساری در روی مردمان و غیره. «وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ». و کارهایم را به خودت واگذار در جمله کسانی که کارشان را به خودت واگذاشتی، مثل پیغمبران و صدیقان و صالحان، تا بتوانند وظیفه‌ی خود را انجام دهند و از شر دشمنان نگه داشته شوند و پیروزی بر دشمنان و عاقبت خیر همیشه همراه‌شان باشد. «وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَ». و برکت قرار بده در آنچه به من عطا فرمایی. برکت در رزق: یافتن آن از راه حلال. محفوظ‌ماندن از زوال روزی برای بهره‌مندی از آن در دنیا و آخرت، توشه‌گرفتن از آن برای آخرت و استفاده از آن برای به دست‌آوردن رضای خداوند. «وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ». و مرا نگه دار از شر آنچه قضا و قدرت برآن می‌رود، تا همیشه قضا و قدرم به خیرم باشند.

در این پنج جمله همه‌ی اسباب سعادت دنیا و آخرت نهفته است: وقتی که انسان به مطالب خود رسید و ایمان صحیح یافت و اعمال صالحات نصیبش شد و عاقبت به خیر همراهش بود و از تندرستی بهره‌مند بود و از ناملایمات در حفظ و پناه خدا بود و کارهایش را همه ذات پاک حق تعالی متولی آن بود و برکت داشت آنچه خدا به او عطا فرموده است، برکت در جسم، برکت در روح، برکت در اهل، برکت در فرزند، برکت در رزق، برکت در خویشاوندان؛ و خدا او را از شر قضا و قدر نگه داشت، چه سعادتی است که نیافته و چه خوشی است که از دست داده است! همه‌ی سعادت‌ها را باهم یافته است، این بود تفسیر قسمت دعا از قنوت و اکنون تفسیر قسمت ثناء از قنوت.

«فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلا يُقْضَى عَلَيْكَ». به حقیقت تو فرمان می‌رانی بر همه، و نیست کسی که فرمان خود را بر تو اجرا نماید، هستی‌ها هرچه هست همه مخلوق و مملوک و مقهور تو هستند، فرمان تو بر همه مساوی و جاری است.

«إِنَّهُ لا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ». به حقیقت خواری نخواهد دید، کسی که تو او را به دوستی گرفتی، کسی که خدا دوست اوست کجا و ذلت و خواری کجا!.

«ولا يَعِزُّ مَنْ عادَيْتَ». و عزت و سرافرازی نخواهد دید، کسی که تو او را دشمن گرفتی، کسی که خدا دشمن اوست کجا و عزت و سربلندی کجا!.

«تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ». پر شد برکت‌هایت ای پروردگار ما و برتر آمدی از هر عیب و نقصی، اگر دیده‌ای حقیقت‌بین باشد، سراسر وجود را پر از برکت‌های خدا بیند، خدایی که جهان را به همه انواع نعمت‌ها آراست، آنگاه آدمی را آفرید تا از آن نعمت‌ها استفاده کند و شکر مُنعِم بگوید. به قول سعدی که روحش شاد باد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| این همه نقش عجب بر در دیوار وجود |  | هرکه شکرت نکند نقش بود بر دیوار |

«فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا قَضَيْتَ». بنابراین، ستایش‌ها و سپاس‌ها همه برای توست در برابر آنچه قضا فرمودی، قضایت همه به خیر بندگان است.

«ولَكَ الشُّكْرُ علَى ما أنْعَمْتَ بِهِ وأَوْلَيْتَ». «و شکرها و سپاس‌ها همه برای توست در برابر آنچه انعام فرمودی و ارزانی داشتی».

«نَسْتَغْفِرُك اللَّهُمَّ وَنَتُوبُ إلَيْكَ». برای ما بندگانت و قصور در شکر بر نعمت‌هایت راهی دیگر نیست، مگر طلب آمرزش و توفیق توبه و رو به درگاهت آوردن.

«وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ». ایمان می‌آوریم به تو که بدی می‌کنیم و خوبی می‌بینیم و ناشکری می‌کنیم و احسان می‌بینیم، ما توکل بر تو می‌کنیم که همه انعام تو را می‌بینیم.

«وصلَّى اللَّه على سيِّدنا محمَّد وآله وصَحْبِهِ والتَّابعين». خدایا درود بی‌شمار و سلام شایسته‌ی بنده‌ی برگزیده و مختارت، بر آفتاب هدایت جهان و جهانیان محمد مصطفی و آل اطهار و وصحب اخیار و تابعان نور محمدی مستمر و روزافزون بگردان.

تفسیر قنوت حنفیه و مالکیه: «اللَّهُمَّ إنَّا نَسْتَعِينُكَ». خدایا ما همیشه از تو کمک می‌خواهیم و بر مدد تو اعتماد داریم، اگر کمک تو شامل حال‌مان شود چه کار خیری است که نتوانیم و اگر مدد تو نباشد چه کاری است که بتوانیم از عهده‌ی آن برآییم؟.

«وَنَسْتَهْدِيكَ». و از تو خواهان گرفتن راه راست هستیم، اگر هدایت تو باشد به راه راست می‌رسیم و از استقامت برآن بهره‌مند می‌گردیم و از انحراف از آن نگه داشته می‌شویم، ما همه بندگانیم و بنده‌ای که مملوک و مقهور فرمان تو است، اگر معونت و هدایت تو نباشد هیچگاه نه راه راست می‌یابد و نه به مطلب می‌رسد.

«وَنَسْتَغْفِرُكَ». و از تو طلب آمرزش داریم، ما بندگان از فرق سر تا کف پایمان همه قصور است و تقصیر، و این آمرزش توست که تقصیرات ما را می‌پوشاند و اگر آمرزشت حاصل شد تاج افتخار و عبودیت بر تارک ما می‌درخشد و اگر آمرزش تو نباشد ما غریق گناهان نه روی خواهش برایمان می‌ماند و نه زبان اعتذار.

«وَنَتُوبُ إلَيْكَ». و توبه می‌نماییم از همه‌ی خطاهایمان و رو به درگاه تو می‌نهیم که تواب رحیم تویی، توفیق توبه می‌دهی و قبول توبه می‌فرمایی.

«وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ». و ایمان آوردیم که خالق ما و رازق ما و حافظ ما و مددکار ما فقط تو هستی و بس، ایمان ما را وادار می‌کند تا در همه کار بر تو توکل نماییم و از توکل بر تو و گرفتن راه پیغمبرت به حصول رضایت شاد شویم و از روآوردن به درگاهت سعادت دو جهان را دریابیم.

«وَنُثْنِي عَلَيْكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ». ثنای تو می‌خوانیم و خیر و خوشی‌ها را همه از تو می‌دانیم.

«نَشْكُرُكَ وَلاَ نَكْفُرُكَ». ما همه سپاس تو می‌گوییم که غرقه در انعام تو هستیم، و هیچگاه کفران نعمت‌هایت را ننماییم که وظیفه‌ی هر مؤمن شکر و سپاس تو است، همانگونه که کفر ملازم کفران نعمت و ناشکری از همه‌ی نعمت‌های خداست.

«وَنَخْلَعُ وَنَتْرُكُ مَنْ يَفْجُرُكَ». و ما خلع ید می‌نماییم و کنار می‌گذاریم هرکسی را که دانستیم خود را به کفر و معاصی آلوده ساخته است.

«اللَّهُمَّ إيَّاكَ نَعْبُدُ». خدایا تو را بندگی می‌کنیم، نه غیر تو را. هیچ افتخاری برای ما از این بالاتر نیست که خدا او را به بندگی قبول فرماید، اگر خدا بنده‌ای را به بندگی قبول فرمود نماز و طاعتش می‌پذیرد، گناهانش را می‌آمرزد و اسباب سعادتش را فراهم می‌سازد و تاج عبودیت را بر فرق او می‌نهد.

«وَلَكَ نُصَلِّي وَنَسْجُدُ». و برای تو نماز می‌خوانیم و برای تو پیشانی خود را در برابر عظمتت بر خاک می‌مالیم، کجا ممکن است بنده‌ای بداند که بنده‌ی خداست، زندگیش و مرگش در دست خداست و روزی و سرنوشتش در دست خداست و سعادت و شقاوتش در ید قدرت خداست، نفع و ضررش همه در تدبیر خداست، و آنگاه عبادت غیر خدای یکتا را نماید. خدا، یعنی مالک همه، مقتدر بر همه، معبود بحق برای همه. و غیر خدا، یعنی محتاج سر‌اندر پا و بینوای در هرجا و فانی سرا پا زوال و بی‌پناه.

«وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنَحْفِدُ». و ما همه به‌سوی تو در کوششیم که ما را به درگاهت برسانی و از شر دیو لعین و هرکسی که بخواهد ما را از درگاهت دور سازد، برهانی. و در این راه می‌شتابیم برای این که عمر زودگذر است و تا قبل از این که عمر از دست برسد به تو رسیده باشیم.

«نَرْجُو رَحْمَتَكَ». ما همه امیدوار رحمتت هستیم، همین امید رحمتت می‌باشد که ما را شاد و مسرور و مطمئن ساخته است، اگر امید رحمتت نداشتیم، هیچ نداشتیم؛ همین رحمتت ما را امیدوار کرده و بر پای خود استوار کرده است، از جهتی امید رحمتت و از جهت دیگر بیم عذابت ما را بین خوف و رجا قرار داده است.

«وَنَخْشَى عَذَابَكَ». تا همیشه از ترس عذابت هر غروری از سر به در کنیم و هر هوای خطاکاری را دور بگردانیم و هر روشی که پای ابلیس لعین در آن باشد کنار بگذاریم.

«إنَّ عَذَابَكَ الْجِدَّ بِالْكُفَّارِ مُلْحِقٌ». حقا که عذاب واقعی و جدی تو به کافران رسیده است، از کفر در عذابند و نمی‌دانند، از راندگی از رحمت خدا سرگردانند و نمی‌دانند، و از عاقبت به شر خود هراسانند و نمی‌دانند، نه یقین ایمان دارند تا خوشی اعتماد و یقین بیابند و نه از فضل و رحمت حق باخبرند تا سر را در برابر عظمتش بر خاک بمالند، ابلیس آنان را با خود برده و ناامید کرده است، و زشتکاری کفر، دل و دیده‌شان را کور کرده و بدبخت کرده است، فقیر و حقیر و ذلیل و خوار و گرفتارند و شعور آن ندارند.

«وصلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآله الأطهار وصَحْبِهِ الأخيار ومَنْ تَبِعَهُم عَلَي الهُدَى بِحَقَّ المَلِكِ الجَبّارِ وسَلَّمَ تَسْلِيْماً كَثِيْراً!. اگر ادامه‌ی قنوت عمر س را برآن بیفزاید هم خوب است: اللَّهُمَّ عَذِّبِ الكَفَرَةَ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ ويُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ وَيُقاتِلُونَ أوْلِيَاءَكَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ للْمُؤْمِنِينَ وَالمُؤْمِناتِ والمُسْلِمِيَ والمُسْلِماتِ وأصْلِح ذَاتَ بَيْنِهِمْ وأَلِّفْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَاجْعَلْ فِي قُلُوبِهِم الإِيمَانَ وَالحِكْمَةَ وَثَبِّتْهُمْ على مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَأَوْزِعْهُمْ أنْ يُوفُوا بِعَهْدِكَ الَّذي عاهَدْتَهُمْ عَلَيْهِ وَانْصُرْهُمْ على عَدُّوَكَ وَعَدُوِّهِمْ إِلهَ الحَقّ وَاجْعَلْنا مِنْهُمْ».

(فصل) بالابردن دو دست در دعا مستحب است، و در قولی بعد از فراغ از دعا دست به روی کشیدن مستحب است، و اتفاق علمای مذهب شافعی بر این است که دست‌کشیدن بر غیر روی مکروه است، و در هنگام دعا اگر منفرد است به لفظ مفرد بخواند: «اللَّهُمَّ اهْدِنِي...».

و اگر امام باشد به صیغه‌ی جمع بخواند: «اللَّهُمَّ اهْدِنَا..» و اگر منفرد است دعا را آهسته بخواند و اگر امام است دعا را به آواز بلند بخواند، و ماموم تابع امام می‌شود، اگر امام قنوت را بلند خواند و مأموم می‌شنید در قسمت دعا آمین بگوید و در قسمت ثنا مأموم هم بخواند. و حدیث صحیح در چگونگی قنوت رسول الله ص بر کسانی که قاریان را در بئر معونه کشتند، ظاهر آن بلندخواندن قنوت در همه‌ی نمازها را می‌رساند. و در صحیح بخاری در باب تفسیر آیه‌ی ﴿لَيۡسَ لَكَ مِنَ ٱلۡأَمۡرِ شَيۡءٌ﴾ [أل‌عمران: 128]. از ابوهریره روایت شده که پیامبر ص در نفرین بر مردمی که قاریان را در بئر معونه کشتند به جهر قنوت می‌خواند تا این که خداوند آن آیه را نازل فرمود: «هیچ یک از این کارها در اختیار تو نیست...».

«باب التشهد في الصلاة»

بابی است در بیان تشهد در نماز

بدان که نماز اگر دورکعتی باشد، مثل نماز فرض صبح بیش از یک تشهد نخواهد داشت، اگر بیش از دو رکعت باشد، مثل نماز مغرب و عشاء دو تشهد دارد، و گاه است که نسبت به ماموم چهار تشهد صورت می‌یابد، مثل مسبوق در نماز مغرب که در اعتدال رکعت دوم به امام رسیده باشد، تشهد اول امام برای او حساب نمی‌شود و تشهد اخیر امام برای او حساب نمی‌شود، دو تشهد خوانده و یک رکعت دارد، بعد از سلام امام در هر رکعتی برای یک تشهد می‌نشیند که سرانجام می‌شود چهار تشهد، اگر بیش از چهار رکعت بخواند، مثلاً یکصد رکعت بخواند، اختیار برآن است که در آن رکعات دو تشهد بخواند، او به حسب نیتش نماز بخواند وقتی که دو رکعت باقی است برای تشهد اول بنشیند و بعد از دو رکعت باقی برای تشهد دوم بنشیند، گروهی از علمای مذهب شافعی فرموده‌اند یک نماز بیش از دو تشهد ندارد.

اما قول معتمد این است که می‌تواند بعد از هردو رکعت به تشهد بنشیند، اما بعد از هریک رکعت جایز نیست به تشهد بنشیند. والله أعلم.

و بدان که تشهد آخری نزد امام شافعی و امام احمد و بیشتر علما واجب است، و نزد امام ابوحنیفه ش سنت است، و نزد امام احمد / واجب است، اگر تشهد اول را ترک کرد به عمد یا به سهو نزد امام شافعی نماز او صحیح است و آخر نماز سجود سهو می‌نماید. والله أعلم.

(فصل) و اما لفظ تشهد به سه لفظ به ثبوت رسیده است، نخست تشهد به روایت ابن مسعود س از رسول الله ص: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلاَمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلاَمُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ!». رواه البخاری ومسلم.

دوم تشهد به روایت ابن عباس س از رسول الله ص: «التَّحِيَّاتُ الْمُبَارَكَاتُ الصَّلَوَاتُ الطَّيِّبَاتُ لِلَّهِ السَّلاَمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِىُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلاَمُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ». رواه مسلم فی صحيحه. و این تشهد را امام شافعی اختیار فرموده است، برای این که ابن عباس ب از اهل بیت هستند و امام شافعی هم از اهل بیت است و نیز به سبب لفظ المبارکات.

سوم تشهد به روایت ابوموسی اشعری س از رسول الله ص: «التَّحِيَّاتُ الطَّيِّبَاتُ الصَّلَوَاتُ لِلَّهِ السَّلاَمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِىُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلاَمُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». رواه مسلم فی صحيحه.

و بدان که تشهد به هر لفظی که باشد جایز است و سبب اختیار در لفظ آن است که به الفاظ متعدد آمده است. و ابن سُرَیج از علمای شافعی فرموده است: اگر اختصار بر این لفظ نماید: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، سَلاَمٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ، سَلاَمٌ وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ». کفایت می‌کند، و معلوم است که اگر بر یکی از سه نوع عمل نماید و تغییر ندهد بهتر است، برای این که اختلاف در وجوب همه‌ی کلمات تشهد است، و اختیار بر این است که یکی از آن سه را بخواند، و بدان که ترتیب در تشهد مستحب است و واجب نیست. بنابراین، اگر بعضی از الفاظ آن را تقدیم و تاخیر کند مانعی ندارد، و بعضی ترتیب آن را واجب دانسته‌اند، و بدان که تشهد را باید آهسته خواند، چنانکه در روایت ابوداود و ترمذی و بیهقی از ابن مسعود س آمده است: «من السنة أن يخفى التشهد». رواه الترمذی وقال حديث حسن. وقالَ الحاكم صحيح. و گفتن صحابه: «من السنة»، در حکم قال رسول الله ص می‌باشد.

«باب الصلاة على النبي ص بعد التشهد»

بابی است در بیان درودفرستادن بر رسول الله ص بعد از تشهد اخیر

بدان که صلوات‌ فرستادن بر رسول الله ص بعد از تشهد اخیر نزد امام شافعی/ واجب است، و اگر صلوات بر رسول الله ص بعد از تشهد اخیر ترک نماید نمازش صحیح نمی‌شود، اما در تشهد صلوات بر آل واجب نیست، و در تشهد اخیر صلوات بر آل سنت است، و همان‌گونه که تشهد اول سنت است، صلوات بر رسول الله ص نیز در تشهد اول سنت است.

و جای تعجب اینجاست که صلوات بر آل را واجب ندانسته‌اند، در صورتی که تمام صیغه‌های وارد در همه‌ی احادیث مربوط به صلوات بر رسول الله ص همراه با صلوات بر آل است، شاید از آن روی باشد که در آیه‌ی:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا٥٦﴾ [الأحزاب: 56]. یاد از آل نشده است و در صلوات‌فرستادن بر رسول اللهص نیز اگر بگوید: «صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ یا صَلَّى اللهُ عَلَى رَسُولِهِ یا صَلَّى اللهُ عَلَى النَّبِيِّ» هر کدام که بگوید کفایت می‌کند. و در مذهب وجهی هست که باید بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، و غیر آن کفایت نمی‌کند، و بهتر آن است که در صلوات بر رسول الله بعد از تشهد اخیر این لفظ را اختیار نماید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ النَّبيِّ الأُمِّيِّ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأزوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كما صَلَّيْتَ عَلَى إبْرَاهِيمَ وعلى آلِ إبْراهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبيِّ الأُمِّيِّ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كما بَاركْتَ عَلَى إبْرَاهِيمَ وَعَلَى آل إبراهيم في العالَمِينَ إنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

این حدیث در بخاری و مسلم از کعب بن عجرة و قسمتی از آن از غیر کعب بن عجرۀ س روایت شده است، و دعا بعد از تشهد اخیر مستحب است، اما بعد از تشهد اول دعا مستحب نیست، و علمای شافعی فرموده‌اند: دعا بعد از تشهد اول مکروه است، برای این که بنای تشهد اول بر تخفیف است. والله أعلم.

«باب الدعاء بعد التشهد الأخير»

بابی است در بیان مستحب ‌بودن دعا بعد از تشهد آخیر

بدان که دعا بعد از تشهد اخیر مشروع است، بدون اختلاف.

«روينا في صحيحي البخاري ومسلم عن عبد اللّه بن مسعود س: أن النبي ص علّمهم التشهّد ثم قال في آخره: ثُمَّ يُخَيِّرُ مِنَ الدُّعَاءِ!. وفي رواية البخاري: أعْجَبَهُ إلَيْهِ فَيَدْعُو!. وفي رواية لـمسلم: ثُمَّ ليَتَخَيَّرْ مِنَ المَسْأَلَةِ ما شاءَ».

رسول الله ص تشهد را به صحابه آموخت، و در آخر حدیث آمده که نمازگزار بعد از تشهد و صلوات بر رسول و آل اطهار دعاهایی را اختیار می‌نماید، هر دعایی که دوست دارد و می‌تواند از خودش دعاهایی بخواند و لیکن دعاهای وارد از رسول الله ص بهتر است، و در همین جا بعد از تشهد دعاهای بسیاری وارد شده از آن جمله است:

«ما رويناه في صحيحي البخاري: «عن أبي هريرة س قال، قال رسول الله ص: إِذَا فَرَغَ أَحَدُكُمُ مِنَ التَّشَهُّدِ الأَخِيرِ، فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ أَرْبَعٍ: مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ شَرِّ الْمَسِيحِ الدَّجَّالِ». «وقتی که یکی از شما از تشهد آخری نماز فارغ شد، پناه ببرد از چهار چیز: از عذاب دوزخ، از عذاب قبر، از فتنه‌ی مرگ و زندگی، و از شر مسیح دجال».

«وَرَوَيْنَا في صحيح البخاري ومسلم: عن عائشة ل أن النبي ص كان يدعو في الصلاة: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَّالِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا، وَفِتْنَةِ الْمَمَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ». «رسول الله ص در آخر نماز دعا می‌فرمود: «خدایا پناه می‌برم به تو از عذاب قبر و پناه می‌برم به تو از فتنه‌ی مسیح دجال و پناه می‌برم به تو از فتنه‌ی زندگی و مرگ، خدایا پناه می‌برم به تو از گنهکاری و بدهکاری».

«وَرَوَيْنَا في صحيح مسلم عن علي س قال كان رسول الله ص إذا قام إلي الصلاة يكون من آخر ما يقول بين التشهد والتسليم: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَفْتُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّى أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ». «علی س فرمود که رسول الله ص وقتی که به نماز می‌ایستاد در تشهد آخر نماز میان تشهد و سلام نماز می‌فرمود: خدایا بیامرز مرا آنچه آن را به جلو‌انداختم و آنچه آن را به دنبال‌انداختم و آنچه نهانی نمودم و آنچه آشکار نمودم و آنچه در آن اسراف بر خود نمودم و آنچه تو داناتری به آن از من. تو هستی که به جلو می‌اندازی و تو هستی که به دنبال می‌اندازی، نیست معبودی به حق در سراسر وجود مگر تو». کلمه‌ی: «مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ» هر گناهی که آن را مقدم داشتم و هر گناهی که آن را به دنبال‌انداختم، رسول الله ص این را که می‌فرماید برای تعلیم است و گرنه خودش گناهی ندارد، اگر خطایی هم بود خدا همه‌ی آن را بخشیده است، و مقصود رسول الله ص تعلیم امت است تا اینچنین دعا کنند، و در حقیقت گناه بر دو قسم است: گناهی که انجام می‌گیرد و اثر آن از بین می‌رود، این گناه را به جلو‌انداخته، یعنی در حیات خود انجام داده است. و گناهی است که اثر آن بعد از حیات شخص می‌ماند. فرض بفرمایید کسی یک سیلی به دیگری زد و معذرت خواست و او را بخشید، این گناهی است که گذشته است. اما کسی گرفتن ده یک مال مردم را مرسوم می‌کند این همیشه اثرش می‌ماند؛ خود شخص می‌میرد، اما گناهش باقی است، زیرا به آن عمل می‌شود، و مصیبت همیشه در این نوع گناه است که از بین نمی‌رود. «أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ» ای خدا کسی را که بخواهی او را مقدم می‌سازی که از مردم در علم و تقوی جلو بیفتد، و کسی را به دنبال می‌اندازی که علم و تقوی نصیبش نشده و همیشه عقب افتاده است، عطا همه از خداست، دانا به مصالح خلق فقط خداست، آنچه انجام می‌دهد همه حکمت است، پاک و منزه خدایی که منع و عطایش هردو به حکمت است و هردو به مصلحت خلق است.

«وَرَوَيْنَا في صحيحي البخاري ومسلم عن عبد الله بن عمرو بن العاص عن أبي بكر الصديق س أنه قال لرسول الله ص: عَلِّمْنِي دعاءً أدْعُو به في صلاتي، قالَ: قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلا أَنْتَ، فَاغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ». «ابوبکر صدیق عرض کرد که یا رسول الله! دعایی به من بیاموز که در نماز به آن دعا نمایم. فرمود: «بگو خدایا به خود ستم کردم بسیار، و نمی‌امرزد گناهان مرا مگر تو. پس بیامرز گناهانم به آمرزشی از نزد خودت و مرا مورد رحمتت قرار بده. حقا که تو آمرزگار بسیار مهربانی». روایت شده: «ظُلْمًا كَثِيرًا» و روایت شده «ظُلْمًا كَبِيْراً».

نووی فرمود هردو باهم چنین بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا كَبِيْراً». «خدایا ستم به خودم نمودم ستم بسیار و ستم بزرگ» و از جمله دعاهای مستحب در همه جا این دعاست: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتُّقَى، وَالْعِفَافَ وَالْغِنَى». «خدایا از تو می‌خواهم عفو و گذشت که از سر تقصیرم بگذری و از تو می‌خواهم عافیت و دوری از ناملایمات. خدایا از تو می‌خواهم رسیدن به راه راست و پرهیزگاری و پاکدامنی و توانگری». و بیشتر دعای رسول الله ص این دعا بود: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». «خدایا به ما بده در دنیا خوشی و در آخرت خوشی و نگه دار ما را از عذاب دوزخ». والله أعلم.

«باب السلام للتحلل من الصلاة»

بابی است در بیان سلام نماز گفتن برای بیرون‌آمدن از نماز

بدان که سلام نماز گفتن برای بیرون ‌آمدن از نماز یکی از فرض‌های نماز و رکنی از ارکان نماز است که نماز بدون آن صحیح نمی‌شود، و فرض‌بودن سلام نماز در سه مذهب مالک و شافعی و احمد است. و حدیث‌های صحیح مشهور به آن تصریح دارد، و جمهور علمای سلف و خلف همه بر فرض ‌بودن سلام نماز نظر دارند. و بدان که اکمل در سلام نماز این است که رو به دست راست بگوید: «السَّلاَمُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ». و رو به دست چپ بگوید: «السَّلاَمُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ».

و در سنن ابی داود آمده: «السَّلاَمُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». و امام الحرمین و زاهر السرخسی و رویانی آن را یاد کرده‌اند. امام نووی فرمود که کلمه‌ی «وبرکاته» خلاف مشهور از سلام‌دادن حضرت رسول در نماز است و گفتنش مستحب نیست.

اگر کسی آن را در سلام نماز جنازه بگوید تا به حدیث در بعضی موارد عمل کرده باشد دور از صواب نیست، والله اعلم. و واجب همان سلام اولی است و سلام دومی سنت است، اگر آن را نگوید ضرری به نمازش نمی‌رساند.

این دو سلام نماز در هر نمازی است: نماز فرض باشد یا سنت یا نماز جنازه، فرق نمی‌کند. منفرد باشد یا امام باشد یا ماموم، فرقی نمی‌کند. جماعت‌اندک باشد یا بسیار، فرق نمی‌کند.

و واجب در سلام: گفتن «السَّلاَمُ عَلَيْكُمْ»می‌باشد، و اگر بگوید: «عَلَيْكُمْ السَّلاَمُ»نیز کفایت می‌کند. اما اگر بگوید: «السَّلاَمُ عَلَيْكَ يا سَلامِي عَلَيْكَ يا سلامُ اللهِ عَلَيْكُمْ یا سلامي عَلَيْكُمْ»، هیچ‌کدام کفایت نمی‌کند. و اگر به عمد بگوید نمازش باطل می‌شود، و موقعی که امام سلام نماز گفت، ماموم اختیار دارد به دنبال سلام امام سلام بگوید یا مشغول دعا بشود، بعد سلام بگوید، مانعی ندارد. والله أعلم.

«باب ما يقوله الرجل إذا كلمه إنسانٌ وهو في الصلاة»

بابی است در بیان آنچه شخص می‌گوید وقتی که در حال نماز است و دیگری با او سخن می‌گوید

«رَوَيْنَا في صحيحي البُخاري ومُسلمِ: عن سهل بن سعد ألساعدي س أن رسول الله ص قال: مَنْ نَابَهُ شَيْءٌ فِي صَلاَتِهِ فَلْيَقُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ!. وفي رواية في الصحيح: إِذَا نَابَكُمْ أَمْرٌ، فَلْيُسَبِّحِ الرِّجَالُ، وَلْيُصَفِّحِ النِّسَاءُ». «رسول الله ص فرمود: کسی که چیزی به او رسید در حالی که در نماز بود بگوید: سبحان الله». و در روایتی در صحیح بخاری: «وقتی که چیزی به شما رسید و شما در نماز هستید، مردان سبحان الله بگویند و زنان کف دست راست پشت دست چپ بزنند». سبحان الله‌گفتن برای مردان است و کف دست راست بر پشت دست چپ‌زدن برای زنان است. اگر مردی مشغول نماز است و در زدند می‌گوید سبحان الله تا از اهل خانه کسی برود و ببیند چه کسی در می‌زند. اگر زنی در نماز است و سفره خوراک نهاده وگربه آمده است از سفره بخورد، کف دست راست بر پشت دست چپ می‌زند تا کسی بیاید و نگذارد گربه سفره را آلوده کند. اگر کسی وعده دارد بیاید نامه بگیرد و صاحب نامه در حال نمازخواندن بود و او صدا زد که نامه بیا. می‌گوید: سبحان الله تا شخصی که برای نامه آمده بداند که او مشغول نماز است و صبر کند.

«باب الأذكار بعد الصلاة»

بابی است در بیان اذکاری که بعد از نماز خوانده می‌شود

اجماع علما برآن است که بعد از نماز اذکاری است که از حضرت رسول الله ص وارد شده و باید خوانده شود، و در این خصوص حدیث‌های صحیح و بسیار آمده است که در باره‌ی انواع متعدد از اذکار بعد از نماز است.

در اینجا ما قسمتی از آنها را می‌آوریم. از مهمترین آنها:

«رَوَيْنَا في كتاب الترمذي عن أبي إمامة س قال: قيل لرسول الله ص: أيُّ الدعاءِ أسْمَعُ؟ قال: جَوْفُ اللَّيْلِ الآخِرُ وَدُبُرَ الصَّلَوَاتِ الْمَكْتُوبَاتِ». قال الترمذی: حديث حسن. «به رسول الله ص گفته شد: کدام دعا زودتر به اجابت می‌رسد؟ فرمود: «دعا در دل نیمه‌ی دوم شب و دعا بعد از نمازهای فرض شبانه روزی».

«وَرَوَيْنَا في صحيحي البُخاري ومُسلِم عن بن عباس ب قال: كُنْتُ أَعْرِفُ انْقِضَاءَ صَلاَةِ رسول الله ص بِالتَّكْبِيرِ». «ابن عباس فرمود: من می‌دانستم که رسول الله ص از نماز فرض فارغ شده به بلندشدن آواز جماعت به الله اکبر گفتن». و در روایت مسلم: «کنّا نعرف».

«وفي رواية في صحيحيهما عن ابن عباس ب: أَنَّ رَفْعَ الصَّوْتِ بِالذِّكْرِ حِينَ يَنْصَرِفُ النَّاسُ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ كَانَ عَلَى عَهْدِ رسول الله ص!». «ابن عباس ب فرمود: بلند کردن آواز به اذکار بعد از نماز موقعی که جماعت از نماز فرض فارغ می‌شدند در عهد رسول الله ص بود».

«وَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ كُنْتُ أَعْلَمُ إِذَا انْصَرَفُوا بِذَلِكَ إِذَا سَمِعْتُهُ». «من می‌دانستم فارغ‌شدن از نماز به بلندشدن آواز جماعت به اذکار نماز». ابن عباس می‌گوید: در عهد رسول الله ص همین که از نماز فرض فارغ می‌شدند آواز جماعت به اذکار بعد از نماز بلند می‌شد. «لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ» را به آواز بلند می‌گفتند. تکبیر و تسبیح به آواز بلند می‌گفتند، اما امروز عده‌ای بلندکردن آواز را به اذکار بعد از نماز بدعت می‌دانند.

«وَرَوَيْنَا فيِ صَحِيْحِ مُسلمِ عن ثوبان س قال كان رسول الله ص إذا انصرفَ مِن صلاتِهِ اِسْتَغْفَرَ ثلاثاً وَقَالَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلاَمُ وَمِنْكَ السَّلاَمُ تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلاَلِ وَالإِكْرَامِ!. قيل للأوزاعي وهو أحد رواة الحديث: كيف الاستغفار؟ قال تَقُولُ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ». «ثوبان می‌گوید: عادت رسول الله ص بود که سلام نماز که می‌گفت سه بار استغفر الله می‌گفت و می‌فرمود: «خدایا تو هستی که نام مقدست السلام است و همه سلامتی‌ها از فضل توست، پر شد برکتت ای صاحب شکوه و بزرگواری». از اوزاعی که از راویان حدیث است سؤال شد که استغفار چگونه است؟ گفت: می‌گویی: استغفر الله استغفر الله. وقتی که می‌گوید رسول الله ص بعد از نماز می‌فرمود دلیل این است که بلند می‌فرمود طوری که جماعت می‌شنیدند».

«وَرَوَيْنَا في صحيحي البخاري ومسلم عن المغيرة بن شعبة س أن رسول الله ص كان إذا فرغ من الصلاة وسلم قال: لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهْوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لاَ مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلاَ مُعْطِىَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلاَ يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ». «رسول الله ص وقتی که از نماز فارغ می‌شد و سلام نماز می‌گفت، می‌فرمود: «نیست معبودی به حق در سراسر وجود، مگر خدای یکتایی که هیچ شریکی ندارد، برای اوست مالکیت همه و پادشاهی بر همه، و برای اوست حمد و ستایش‌ها و او بر همه چیز تواناست، خدایا اگر تو چیزی عطا فرمایی نیست کسی که جلو عطایت را بگیرد، و اگر تو عطا نفرمایی نیست کسی که از او عطایی صادر شود و سودی نمی‌دهد توانگر را به جای تو توانگری».

«وَرَوَيْنَا فيِ صَحِيْحِ المُسلِم عن عبد الله بن الزبير بأنه كان يقول دُبُرَ كُلِّ صلاة حي يُسَلِّمُ: لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَلاَ نَعْبُدُ إِلاَّ إِيَّاهُ لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ!. قال ابنُ الزبير: وَكَانَ رَسُولُ اللهِص يُهَلِّلُ بِهِنَّ دُبُرَ كُلِّ صَلاَةٍ». «عبدالله بن زبیر گفته است که پیامبر ص وقتی که سلام نماز می‌گفت بعد از هر نماز فرض می‌گفت: نیست معبودی به حق در سراسر وجود، مگر خدای یکتا که شریکی ندارد. برای او است دارندگی همه‌ی مخلوقات و پادشاهی برآنها، و برای اوست حمد و ستایش‌ها و او بر همه چیز تواناست. نه چاره‌ای هست برای دوری از گناه و نه توانی هست برای پایداری بر طاعت، مگر به کمک خدا. نیست معبودی به حق مگر الله، و ما بندگی نمی‌کنیم مگر او را، برای اوست نعمت‌ها و برای اوست فضل و برتری و برای اوست مدح و ثنای خوب. نیست معبودی به حق مگر خدای یکتا، ما عبادت خالص را برای او انجام می‌دهیم. و اگرچه کافران آن را دوست ندارند». و ابن الزبیر گفت: رسول الله ص همین کلمات را بعد از هر نماز فرض می‌فرمود.

«وَرَوَيْنَا فِي صحيحي البُخَارِي ومُسلِم عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ س أَنَّ فُقَرَاءَ الْمُهَاجِرِينَ أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَالُوا: ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَالنَّعِيمِ الْمُقِيمِ يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّى وَيَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ ولَهُمْ فَضْلٌ مِنْ أموالِهِم يَحُجُّونَ بها ويَعْتَمِرونَ ويُجَاهِدُونَ ويَتَصَدَّقُونَ. فَقَالَ: أَلاَ أُعَلِّمُكُمْ شَيْئًا تُدْرِكُونَ بِهِ مَنْ سَبَقَكُمْ وَتَسْبِقُونَ بِهِ مَنْ بَعْدَكُمْ وَلاَ يَكُونُ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِنْكُمْ إِلاَّ مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صَنَعْتُمْ؟. قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: تُسَبِّحُونَ وَتَحْمَدُونَ وَتُكَبِّرُونَ خَلْفَ كُلِّ صَلاَةٍ ثَلاَثًا وَثَلاَثِينَ!. قالَ أبو صالح الرازي: عن أبي هريرة لـما سُئِلَ عن كيفية ذكره؟ يقول: سبحان الله والحمد لله والله أكبر حتى يكون منهن ثلاث وثلاثون. الدُّثور جمع دَثْر وهو الـمال الكثير». «فقرای مهاجرین به خدمت رسول الله ص آمدند و گفتند: صاحبان مال و ثروت درجه‌های بلند مرتبه و خوشی جاویدان بهشت برای خود بردند. ایشان نماز می‌خوانند چنانکه ما نماز می‌خوانیم و روزه می‌گیرند چنانکه ما روزه می‌گیریم و زیادتی مال دارند و به وسیله‌ی آن حج و عمره می‌کنند و جهاد می‌کنند و صدقه می‌دهند، در حالی که ما توانایی حج و عمره و جهاد و صدقه نداریم. رسول الله ص فرمود: آیا شما را نیاموزم چیزی را که به وسیله‌ی آن به هرکسی که از شما جلو افتاده است برسید، و از کسانی که بعد از شما می‌آیند جلو بیفتید و کسی که برتر از شما نشود مگر هرکسی که مانند شما همان چیز را انجام دهد؟ گفتند: بله یا رسول الله، فرمود: بعد از هر نماز فرض سی و سه بار سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر می‌گویید.

ابوصالح رازی گفت که ابوهریره در جواب کسی که از چگونگی ذکر سی و سه بار پرسید، گفت می‌گوید: سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر تا به سی و سه بار برسد». و دنباله‌ی این حدیث آمده که پس از مدتی فقرای مهاجرین به خدمت رسول الله ص آمدند و گفتند: توانگران مهاجرین همین را هم آموخته‌اند. فرمود: آن فضل خداست، به هرکه خواهد می‌دهد. و حدیث می‌رساند که فقرا و اغنیا چگونه مسابقه در طاعت داشته‌اند و نمی‌خواسته‌اند هیچ طاعتی از دست‌شان برود یا دیگری برآنان سبقت جوید.

«وَرَوَيْنَا في صحيح مسلم عن أبي هريرة س عن رسول الله ص قال: مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِى دُبُرِ كُلِّ صَلاَةٍ ثَلاَثًا وَثَلاَثِينَ وَحَمِدَ اللَّهَ ثَلاَثًا وَثَلاَثِينَ وَكَبَّرَ اللَّهَ ثَلاَثًا وَثَلاَثِينَ فَتِلْكَ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ وَقَالَ تَمَامَ الْمِائَةِ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ غُفِرَتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ». «رسول الله ص فرمود: کسی که بعد از نماز فرض سی و سه بار سبحان الله گفت و سی و سه بار الحمد لله گفت و سی و سه بار الله اکبر گفت و صدمین بار گفت: «لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ». گناهانش آمرزیده می‌شود اگرچه مثل کف دریا باشد».

«وَرَوَيْنَا في صحيح البخاري في أوائل كتاب الجهاد عن سعد بن أبي وقاصس أن رسول الله ص كان يَتَعَوَّذُ دُبُرَ الصلاةِ بهؤلاءِ الكلمات: اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ». «رسول الله ص بعد از نماز فرض به این کلمه‌ها پناه می‌برد به خدا: خدایا به تو پناه می‌برم از ترسویی و به تو پناه می‌برم از این که به ارذل العمر برسم و پناه می‌برم به تو از فتنه‌ی دنیا و پناه می‌برم به تو از عذاب قبر».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبي داود والترمذي والنسائي عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو ب عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: خَصْلَتَانِ أَوْ خَلَّتَانِ لاَ يُحَافِظُ عَلَيْهِمَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ إِلاَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ هُمَا يَسِيرٌ وَمَنْ يَعْمَلُ بِهِمَا قَلِيلٌ يُسَبِّحُ فِى دُبُرِ كُلِّ صَلاَةٍ عَشْرًا وَيَحْمَدُ عَشْرًا وَيُكَبِّرُ عَشْرًا فَذَلِكَ خَمْسُونَ وَمِائَةٌ بِاللِّسَانِ وَأَلْفٌ وَخَمْسُمِائَةٍ فِى الْمِيزَانِ وَيُكَبِّرُ أَرْبَعًا وَثَلاَثِينَ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ وَيَحْمَدُ ثَلاَثًا وَثَلاَثِينَ وَيُسَبِّحُ ثَلاَثًا وَثَلاَثِينَ فَذَلِكَ مِائَةٌ بِاللِّسَانِ وَأَلْفٌ بالْمِيزَانِ!. قالَ: فَلَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَعْقِدُهَا بِيَدِهِ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ هُمَا يَسِيرٌ وَمَنْ يَعْمَلُ بِهِمَا قَلِيلٌ؟ قَالَ: يَأْتِى اللهُ أَحَدَكُمْ - يَعْنِى الشَّيْطَانَ - فِى مَنَامِهِ فَيُنَوِّمُهُ قَبْلَ أَنْ يَقُولَهُ وَيَأْتِيهِ فِى صَلاَتِهِ فَيُذَكِّرُهُ حَاجَةً قَبْلَ أَنْ يَقُولَهَا». إسناده صحيح إلا أن فيه عطاء بن السائب وفيه اختلاف بسبب اختلاطه وقد أشار أيوب السختياني إلى صحة حديثه هذا. «رسول الله ص فرمود: دو خصلت یا دو خلت هستند که هر بنده‌ی مؤمنی برآن دو خصلت محافظت نماید به بهشت داخل می‌شود. آن دو آسانند و کسانی که به آن دو عمل کنند،‌اندکند: بعد از هر نماز فرض ده بار می‌گوید: سبحان الله و ده بار می‌گوید: الحمد لله و ده بار می‌گوید: الله اکبر و این می‌شود یکصد و پنجاه بار به زبان و هزار و پانصد بار به میزان. و وقتی که به بستر خواب رفت، سی و چهار بار الله اکبر می‌گوید و سی و سه بار الحمد لله می‌گوید و سی و سه بار سبحان الله می‌گوید و این می‌شود یکصد بار به زبان و یک هزار بار به میزان». عبدالله بن عمر می‌گوید: من دیدم که رسول الله ص به دست خود آنها را حساب می‌فرمود. یاران گفتند: یا رسول الله! چگونه آسان است و مردمی که به آن عمل می‌کنند‌اندک هستند؟ فرمود: «شیطان می‌آید نزد و او را به خواب می‌اندازد قبل از این که آنها را بگوید، و شیطان در نمازش کاری به یاد او می‌آورد قبل از این که آنها را بگوید».

«رَوَيْنَا في سنن أبي داود عن عقبة بن عامر س قال: أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ أَقْرَأَ بِالْمُعَوِّذَاتِ دُبُرَ كُلِّ صَلاَةٍ». «رسول الله ص به عقبه بن عامر امر فرمود که سوره‌های قل هو الله أحد و قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس بعد از هر نماز فرض بخواند».

«وَرَوَيْنَا بإسناد صَحِيْحِ فِي سُنَنِ أبي داود والنسائي عن معاذ س أن رسول اللهص أخذ بيده وقال: يَا مُعَاذُ وَاللَّهِ إِنِّي لأُحِبُّكَ فَقَالَ أُوصِيكَ يَا مُعَاذُ لاَ تَدَعَنَّ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلاَةٍ تَقُولُ اللَّهُمَّ أَعِنِّى عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ». «رسول الله ص دست معاذ را گرفت و فرمود: ای معاذ! قسم به خدا که من تو را دوست می‌دارم، سپس فرمود: تو را سفارش می‌دهم به این که بعد از هر نماز فرض بگویی: خدایا مرا مدد کن بر یادکردنت و سپاسگزاریت و خوب انجام‌دادن عبادتت».

«وَرَوَيْنَا في كتاب ابن السني عن أنس س قال: كان رسول الله ص إذا قَضَى صَلاتَهُ مسح جبهته بيده اليمني ثم قال: أشْهَدُ أنْ لا إلهَ إِلاَّ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ أذْهِبْ عَنِّا الهَمَّ والحزنَ». «رسول الله ص وقتی که سلام نماز می‌گفت می‌فرمود: «گواهی می‌دهم آن که نیست معبودی مگر الله، بخشاینده‌ی مهربان، خدایا دور کن از من غم و ناراحتی».

«وَرَوَيْنَا فيه عن أبي سعيد ألخدري س أنّ النَّبِيّ ص إذا فرغ من صلاته، لا أدري قبل أن يسلّم أو بعد أن يسلّم، يقول: سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». «رسول الله ص وقتی که از نماز فارغ می‌شد، نمی‌دانم قبل از این که سلام نماز می‌گفت یا بعد از سلام، می‌فرمود: منزه است پروردگارت، پروردگار عزت، از آنچه کافران در وصف او می‌گویند و سلام خدا باد بر پیغمبران و حمد و ستایش‌ها برای خدایی که پروردگار جهانیان است».

«وَرَوَيْنَا عن أنس س قالَ: كان النَّبيّ ص يقول إذا انصرف من الصلاة: اللَّهُمَّ اجْعَلْ خَيْرَ عُمُرِي آخِرَهُ وَخَيْرَ عَمَلِي خَوَاتِمَهُ وَخَيْرَ أَيَّامِي يَوْمَ لِقَائِك». «رسول الله ص موقعی که از نماز فارغ می‌شد می‌فرمود: خدایا بهترین ایام عمرم را روزهای آخر عمرم قرار ده، و بهترین کارهایم خاتمه‌ی کارهایم بگردان، و بهترین روزهایم را روزی قرار ده که در آن روز به شرف دیدارت می‌رسم».

«وَرَوَيْنَا فيه بإسناد ضعيف عن فضالة بن عبيد قالَ: قالَ رسول الله ص: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِتَحْمِيدِ اللَّهِ تعالى وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ص ثُمَّ يَدْعُو بِمَا شَاءَ». «رسول الله ص فرمود: وقتی که یکی از شما نماز خواند و خواست دعا بکند اول حمد و ثنای خدا را به جا آورد و بعد از آن درود و سلام بر رسول الله ص بفرستد و پس از آن دعایی که می‌خواهد بنماید».

در این باب آداب دعا از حمد و ثنای پروردگار و درود و سلام بر رسول و آل اصحاب را به جا می‌آورد، در آغاز دعا و پایان دعا و سپس دعا می‌کند و گفتن سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ تا آخر دعا را پایان می‌دهد و از دعاهایی که یاد دارد، هر وقتی به قسمتی از آنها دعا می‌نماید. و شروط دعا از قبیل حضور دل و اخلاص در دعا و لقمه‌ی حلال و اوقات اجابت و استغفار رعایت می‌نماید. والله سبحانه وتعالی أعلم. وصلی الله علی سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

«باب الحث على ذكر الله تعالى بعد صلاة الصبح»

بابی است در باره‌ی تشویق به ذکر خداوند متعال پس از نماز صبح

بدان که شریف‌ترین اوقات ذکر در روز، ذکری است که بعد از نماز صبح می‌گویند.

فِی كتاب الترمذی وغيره «عن أنس س قال: قال رسول الله ص: مَنْ صَلَّى الفَجْرَ في جَمَاعَةٍ، ثُمَّ قَعَدَ يَذْكُرُ اللَّهَ تعالى، حتى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، ثُمَّ صلى رَكْعَتَيْنِ، كَانَتْ كَأَجْرِ حَجَّةٍ وعُمْرَةٍ تَامَّةٍ تَامَّةٍ تَامَّةٍ». قال الترمذی حديث حسن. «رسول الله ص فرمود: کسی که نماز صبح با جماعت خواند و بعد از نماز صبح در مسجد در جای خود نشست و مشغول یاد خدا شد تا آفتاب طلوع نمود و شانزده دقیقه گذشت و دو رکعت سنت اشراق خواند، مثل این است که حج و عمره‌ی کامل کامل کامل ادا کرده باشد».

«وَرَوَيْنَا فِي كتاب الترمذي وغيره عن أبي ذر س أن رسول الله ص قال: مَنْ قَالَ فِي دُبُر صَلاَة الْفَجْر وَهُوَ ثَانٍ رِجْلَيْهِ قَبْل أَنْ يَتَكَلَّم: لاَ إِلَه إِلاَ اللَّه وَحْده لاَ شَرِيك لَهُ , لَهُ الْمُلْك وَلَهُ الْحَمْد, يُحْيِي وَيُمِيت, وَهُوَ عَلَى كُلّ شَيْء قَدِير, عَشْر مَرَّات, كُتِبَ لَهُ عَشْر حَسَنَات, وَمُحِيَ عَنْهُ عَشْر سَيِّئَات, وَرُفِعَ لَهُ عَشْر دَرَجَات, وَكَانَ يَوْمه ذَلِكَ كُلّه فِي حِرْز مِنْ كُلّ مَكْرُوه وَحُرِسَ مِنْ الشَّيْطَان , وَلَمْ يَنْبَغِ لِذَنْبٍ أَنْ يُدْرِكهُ ذَلِكَ الْيَوْم إِلاَ الشِّرْك بِاَللَّهِ». قال الترمذی: هذا حديث حسن وفی بعض النسخ: صحيح. «رسول الله ص فرمود: «هرکسی که بگوید بعد از نماز در حالی که دو پای خود را تا کرده «یعنی به همان حال قبلی در نماز نشسته و حالت خود را تغییر نداده» قبل از این که سخن بگوید، ده بار «لا إله إلا الله وحده لا شریك له» را تا آخر بگوید: نیست معبودی به حق مگر الله که یکتاست، هیچ شریکی برای او نیست، برای او است دارندگی همه چیز و پادشاهی بر همه چیز، همه‌ی حمد و ستایش‌ها برای اوست، زنده می‌سازد و می‌میراند و او بر همه چیز تواناست. نوشته می‌شود برای او ده حسنه و محو می‌شود از او ده سیئه (ده گناه) و بالا برده می‌شود برای او ده درجه، و او در آن روز ازر هر مکروهی در پناه حق تعالی است، و نگه داشته می‌شود از شیطان و شایسته نیست که هیچ گناهی به او برسد مگر شرک به خدای تعالی».

«وَرَوَيْنَا في سُنَنِ أبي داود عن مسلم بن الحارث التميمي الصحابي س عن رسول اللهص أنّه أسرّ إليه فقال: إِذَا انْصَرَفْتَ مِنْ صَلاَةِ الْمَغْرِبِ فَقُلِ اللَّهُمَّ أَجِرْنِي مِنَ النَّارِ. سَبْعَ مَرَّاتٍ فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ ثُمَّ مِتَّ فِى لَيْلَتِكَ كُتِبَ لَكَ جِوَارٌ مِنْهَا وَإِذَا صَلَّيْتَ الصُّبْحَ فَقُلْ كَذَلِكَ فَإِنَّكَ إِنْ مِتَّ فِى يَوْمِكَ كُتِبَ لَكَ جِوَارٌ مِنْهَا»**.** «رسول الله ص آهسته به مسلم بن الحارث التمیمی الصحابی فرمود: وقتی که از نماز مغرب فارغ شدی بگو: خدایا مرا از آتش دوزخ پناه ده. هفت بار این را بگوی: «اللَّهُمَّ أَجِرْنِي مِنَ النَّارِ» که اگر این را گفتی و آن شب مردی این دعایت باعث این است که خدا تو را پناه دهد از آتش. و وقتی که نماز صبح خواندی هم هفت بار بگو: «اللَّهُمَّ أَجِرْنِي مِنَ النَّارِ» که اگر آن روز مردی این دعا باعث پناه تو از آتش دوزخ است».

«وَرَوَيْنَا فِي مسند الإمام أحمد وسُنَنِ ابن ماجه وكتاب ابن السنّي عن أم سلمهب قالت كان رسول الله ص إذا صلّي الصبح قال: اللّهُمّ إنّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَعَمَلًا مُتَقَبّلاً وَرِزْقًا طَيّبًا». «رسول الله ص بعد از این که از نماز صبح فارغ می‌شد می‌فرمود: «خدایا از تو می‌خواهم علم سودمند و عمل مقبول در درگاهت و روزی حلال».

«وَرَوَيْنَا فيه عن صهيب س أن رسول الله ص كان يحرّك شفتيه بعد صلاة الفجر بشيء فقلت: يا رسول الله! ما هذا الذي تقول؟ قال: اللَّهُمَّ بِكَ أُحَاوِلُ، وَبِكَ أُصَاوِلُ، وَبِكَ أُقَاتِلُ». «صهیب س می‌گوید: رسول الله ص بعد از نماز صبح لب‌های خود را تکان می‌داد، گفتم: یا رسول الله این که می‌خوانی کدام سخن است؟ فرمود: «خدایا به وسیله‌ی تو چاره‌اندیشی می‌کنم و به وسیله‌ی تو حمله‌ور می‌شوم و به وسیله‌ی تو می‌جنگم». یعنی در کارهایم از تو مدد می‌گیرم».

«وَرَوَيْنَا عن أبي محمد البغوى في شرح السنة قال: قال علقمة بن قيس: بلغنا أَنَّ الأرضَ تَعُجُّ إلى الله تعالى من نومة العالِم بعد صلاة الصبح، والله أعلم». «و ابومحمد بغوی در کتاب شرح السنۀ آورده است که علقمه بن قیس از کبار تابعین فرمود: به ما رسیده است که زمین از خواب عالم بعد از نماز صبح به فریاد می‌آید و فریادرسی می‌خواهد».

«باب ما يقال عند الصباح وعند المساء»

بابی است در بیان اذکاری که در بامدادان و شامگاهان گفته می‌شوند

بدان که این باب بابی است خیلی وسیع تا جایی که در این کتاب بابی وسیع‌تر از آن نیست، و به یاری خدای متعال در این کتاب جمله‌هایی مختصر از آن می‌آورم، کسی که توفیق بیابد و به آن عمل کند، این توفیق عمل نعمت و فضلی است از خدا بر او و خوشا به حال او. و کسی که به همه‌ی آنها نرسد از قسمت‌های مختصر آن آنچه بخواهد بردارد و اگرچه فقط یک ذکر باشد. و اصل در این باب از قرآن عزیز فرموده‌ی الله سبحانه و تعالی است:

﴿وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ غُرُوبِهَا﴾ [طه: 130]. «و تسبیح ذات پاک پروردگار و حمد و ستایش او را به جا آور. قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آفتاب» بعد از نماز صبح و از نماز عصر. و فرموده‌ی خدای سبحانه و تعالی است:

﴿وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِبۡكَٰرِ﴾ [المؤمن: 55]. «و تسبیح ذات پاک پروردگارت همراه حمد و ستایش او به جا آور، بامدادان و بعد از ظهر تا مغرب». و فرموده‌ی پروردگار سبحانه وتعالی است:

﴿وَٱذۡكُر رَّبَّكَ فِي نَفۡسِكَ تَضَرُّعٗا وَخِيفَةٗ وَدُونَ ٱلۡجَهۡرِ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ﴾ [الأعراف: 205]. «وپروردگارت را در دلت یاد کن از روی راز و نیاز با پروردگارت و از روی ترس از عقاب او بدون آواز بلند، بامدادان و پسین‌ها» یعنی پروردگار را در دل یاد کن تا از ترس او و دیدن تقصیرت به راز و نیاز و خواهش رحمت و مغفرتش بپردازی، و هنگامی که بخواهی یاد پروردگارت را به زبان آوری به آواز متوسط باشد که به آواز بلند نرسد، و این ذکر خفیه و کمتر از جهر را در بامداد و پسین انجام بده، و فرموده‌ی پروردگار متعال است:

﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرۡفَعَ وَيُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ ٣٦ رِجَالٞ لَّا تُلۡهِيهِمۡ تِجَٰرَةٞ وَلَا بَيۡعٌ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ﴾ [النور: 36-37]. «در خانه‌هایی که خدا اجازه داده تا برافراشته و نام خدا در آن یاد شود، در آن خانه‌ها مردانی در هر بامداد و پسین به یاد خدا مشغولند که نه تجارت و نه فروش هیچکدام ایشان را از یاد خدا و عبادت او باز نمی‌دارد»!. و فرموده‌ی پروردگار متعال است:

﴿إِنَّا سَخَّرۡنَا ٱلۡجِبَالَ مَعَهُۥ يُسَبِّحۡنَ بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِشۡرَاقِ ١٨﴾ [ص: 18]. «ما کوه‌ها را به فرمان آوردیم تا همراه داود به تسبیح خدا بپردازند، شامگاهان و بامدادان!».

«وَرَوَيْنَا في صحيح البخاري عَنْ شدّاد بن أوس س عَنْ النَّبيَّ ص قال: «سَيِّدُ الاسْتِغْفَارِ: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّى لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، خَلَقْتَنِى وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ، عَلَيَّ وَأَبُوءُ بِذَنْبِى، فَاغْفِرْ لِى، فَإِنَّهُ لاَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ!. إِذَا قَالَ حِينَ يُمْسِى فَمَاتَ دَخَلَ الْجَنَّةَ أَوْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَإِذَا قَالَ حِينَ يُصْبِحُ فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ مِثْلُهُ» معنى أبُوءُ: أقِرُّ وأعْتَرِفُ». «رسول الله ص فرمود: سید الاستفغار این است: «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّى...» خدایا تو پروردگار منی، نیست معبودی به حق مگر تو، مرا آفریدی و من بنده‌ی تو هستم و بر پیمان و نوید تو هستم تا آن جا که بتوانم. اعتراف می‌کنم به نعمت‌هایت بر من و اعتراف می‌کنم به گناهانم. پس بیامرز برایم برای این که نمی‌تواند بیامرزد گناهان را مگر تو، پناه می‌برم به تو از شر آنچه از گناهان کردم. هرگاه این را گفت به شب و در آن شب مرد او داخل به بهشت می‌شود، یا او از اهل بهشت است، و وقتی که این را بامدادان گفت و آن روز مرد داخل به بهشت می‌شود».

«وَرَوَيْنَا فِي صحيح مسلم عن أبي هريرة س قال: قال رسول الله ص: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ وَحِينَ يُمْسِى سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ. لَمْ يَأْتِ أَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهِ إِلاَّ أَحَدٌ قَالَ مِثْلَ مَا قَالَ أَوْ زَادَ عَلَيْهِ!. وفي رواية أبي داود: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيْمِ وَبِحَمْدِهِ»!. «کسی که بامدادان و شامگاهان صد بار بگوید: «سبحان الله وبحمده» یا صد بار بگوید: «سبحان العظیم وبحمده». روز قیامت کسی نمی‌آید که بهتر از او آورده باشد مگر کسی که مانند او گفته یا بیش از او این کلمه را گفته باشد. «سبحان الله وبحمده»: تنزیه خدای بزرگ می‌گویم و به حمد و ستایش او مشغولم، «وسبحان الله العظیم وبحمده»: تنزیه خدای بزرگ می‌گویم و به حمد و ستایش او مشغولم، چقدر انسان دچار غفلت می‌شود که کلمه‌ای به این آسانی و با آن همه اجر و ثواب از دست می‌دهد و وقت خود را به غفلت و بی‌خبری ضایع می‌گرداند».

«وَرَوَيْنَا فِي سنن أبي داود والترمذي والنسائي وغيرها بالأسانيد الصحيحة عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خُبَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ أَنَّهُ قَالَ خَرَجْنَا فِى لَيْلَةِ مَطَرٍ وَظُلْمَةٍ شَدِيدَةٍ نَطْلُبُ رَسُولَ اللَّهِص لِيُصَلِّىَ لَنَا فَأَدْرَكْنَاهُ فَقَالَ: قُلْ، فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا، ثُمَّ قَالَ: قُلْ. فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا، ثُمَّ قَالَ: قُلْ. فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَقُولُ؟ قَالَ: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ حِينَ تُمْسِى وَحِينَ تُصْبِحُ ثَلاَثَ مَرَّاتٍ تَكْفِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ». قال الترمذی: حديث حسن صحيح. «عبدالله بن خبیب س گفت که ما در شب بارانی و سخت تاریک بیرون آمدیم به خاطر یافتن رسول خدا ص تا نماز با ما بخواند، سپس او را یافتیم به من فرمود: بگو من چیزی نگفتم بار دوم گفت: بگو. چیزی نگفتم، بار سوم که گفت: بگو، گفتم: یا رسول الله چه بگویم؟ فرمود: بگو: «قل هو الله أحد» و «قل أعوذ برب الفلق» و «قل أعوذ برب الناس». در بامداد و شامگاهان از هر کدام سه بار بگو که کفایت می‌کند تو را از هرچیز. یعنی برای حفظ و نگهداری‌ات همین سه سوره که هرکدام سه بار در بامداد و شامگاه بخوانی کفایت می‌کند».

«وَرَوَيْنَا فِي سنن أبي داود والترمذي وابن ماجه وغيرها بالأسانيد الصحيحة عن أبي هريرة س عن النَّبِيّ ص أنه كان يقول إذا أصبح: اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا وَبِكَ أَمْسَيْنَا وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ النُّشُورُ!. وإذا أمْسَي قال: اللَّهُمَّ بِكَ أَمْسَيْنَا وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ النُّشُورُ». قال الترمذی: حديث حسن. «رسول الله ص وقتی که بامداد می‌شد می‌فرمود: «خدایا به کمک تو به بامداد رسیدیم و به کمک تو به شامگاه رسیدیم، و به کمک تو زنده می‌مانیم و به کمک تو می‌میریم و به‌سوی توست بازگشت ما». و موقعی که شام می‌شد می‌فرمود: خدایا به کمک تو به شامگاه رسیدیم و به کمک تو زنده می‌مانیم و به کمک تو می‌میریم و به‌سوی توست بازگشت ما».

هر مؤمن می‌داند که هرچه هست از خداست، بامداد می‌شود، از این که به بامداد رسیده خوش‌وقت است و شب می‌شود و از این که به شب رسیده و آسوده می‌شود خوش‌وقت است. مؤمن از حیات و زندگی نهایت استفاده می‌نماید، و می‌داند زندگی دنیا پایانی دارد که مرگ نام دارد و آن به وقت خودش آسوده‌شدن از تکالیف زندگی است، این است که مومن همیشه به یاد خداست و در ستایش و سپاسگزاری خداست و هر خیری را از او می‌داند.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيْحِ مُسلِم عن أبيِ هُرَيْرَة س أنّ النَّبِيَّ ص كان إذا كان فِي سفر وأسحر يقول: سَمَّعَ سَامِعٌ بِحَمْدِ اللَّهِ وَحُسْنِ بَلاَئِهِ عَلَيْنَا رَبَّنَا صَاحِبْنَا وَأَفْضِلْ عَلَيْنَا عَائِذًا بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ». «رسول الله ص هرگاه در سفر بود و وقت سحر داخل می‌شد می‌فرمود: بشنود هرکسی که می‌شنود و مشاهده کند هرکسی که حاضر است حمد و ستایش ما مقابل نعمت‌ها و احسان‌های خدا. پروردگارا همراه ما باش و از فضل خود بسیار بر ما انعام فرمود و ماه پناه می‌بریم به خدا از آتش دوزخ».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيْحِ مُسلِم عَنْ عبد الله بن مسعودس قالَ: كان النَّبِيُّ ص إذا أمسي قال: أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمُلْكُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِى هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِى هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهَا رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ وَسُوءِ الْكِبَرِ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابٍ فِى النَّارِ وَعَذَابٍ فِى الْقَبْرِ!. وَإِذَا أَصْبَحَ قَالَ ذَلِكَ أَيْضًا أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلَّهِ...». «رسول الله ص وقتی که شب می‌شد می‌فرمود: «ما به شب داخل شدیم و همه مملوک خدا هستیم و همه‌ی کاینات به شب داخل شدند و همه مملوک خدا هستند، و حمد و ستایش‌ها برای خداست، نیست معبودی بحق مگر الله یکتایی که هیچ شریکی ندارد، برای خداست همه‌ی کاینات و برای اوست ستایش همه او و بر همه چیز تواناست. پروردگارا! از تو می‌خواهم خیر و خوشی امشب، هر خیری که امشب باشد و هر خیری که بعد از امشب باشد خیر هردو را از تو می‌خواهم، و پناه می‌برم به تو از هر شری که امشب پدید آید و از هر شری که بعد از امشب پدید آید. ای پروردگارم! پناه می‌برم به تو از سستی و کهنسالی بد (از این که در کهنسالی دچار بیماری بد شود یا دچار معصیت و بدکاری یا دچار پیشامدهای بد شود). پناه می‌برم به تو از عذابی که در دوزخ فراهم آید و از عذابی که در قبر پیش آید». و وقتی که صبح می‌شد به جای «أَمْسَيْنَا» می‌فرمود: أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الـْمُلْكُ لِلَّهِ تا آخر».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيْحَ مُسلِم عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ س أَنَّهُ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِىِّ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لَقِيتُ مِنْ عَقْرَبٍ لَدَغَتْنِى الْبَارِحَةَ قَالَ أَمَا لَوْ قُلْتَ حِينَ أَمْسَيْتَ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ لَمْ يَضُرُّكَ!. ذكره مُسلِم متصلاً بحديث لخولة بنت حكيم ل هكذا. ورويناه في كتاب ابن السني وقال فيه: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، ثلاثاً لَمْ يَضُرَّهُ شَيءٌ». «مردی خدمت رسول الله ص آمد و گفت: یا رسول الله دیشب از عقربی که مرا گزید چه دردی کشیدم! فرمود: «آگاه باش که اگر اول شب گفته بودی: پناه می‌برم به خدا به کلمات الله التامات (آیه‌های قرآن) از شر آنچه خدا آن را آفرید، زیانی به تو نمی‌رسید». مسلم دنباله‌ی حدیث خولة بنت حکیم و متصل به حدیث او چنین روایت کرد و ابن السنی آن را این چنین روایت کرد که رسول الله ص به او فرمود: اگر سه بار گفته بودی: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ». هیچ چیز زیانی به تو نمی‌رسانید».

«وَرَوَيْنَا بالإسناد الصَحِيْحِ فِي سُنَنِ أبي داود والترمذي عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَس أَنَّ أَبَا بَكْرٍ الصِّدِّيقَ س قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مُرْنِي بِكَلِمَاتٍ أَقُولُهُنَّ إِذَا أَصْبَحْتُ وَإِذَا أَمْسَيْتُ. قَالَ: قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ رَبَّ كُلِّ شَىْءٍ وَمَلِيكَهُ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِى وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشِرْكِهِ، قَالَ: قُلْهَا إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أَمْسَيْتَ وَإِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ»**.** قال الترمذی: حديث حسن صحيح. «ابوبکر صدیق س گفت یا رسول الله به من دستور ده به چند کلمه که در آغاز روز و آغاز شب آن را بگویم. فرمود: «بگو: ای شکافنده‌ی آسمان‌ها و زمین! ای آفریدگار آسمان‌ها و زمین! ای دانا به نهان و آشکار! پروردگار همه چیز و مالک و دارنده‌ی همه چیز، گواهی می‌دهم آن که نیست معبودی به حق مگر تو، پناه می‌برم به تو از شر شیطان و وسوسه‌های شرک‌آمیز او، و یا از دام شیطان. فرمود: این را بگو وقتی به بامداد رسیدی و وقتی که به شامگاه رسیدی و وقتی که بر بستر خواب پهلو نهادی». کلمه‌ی شِرکِهِِ: به معنی شرک‌آوری شیطان و وسوسه‌های شرک‌آمیز او. و شَرَکِهِ: به معنی دام و بندهای او که مردم را به دام می‌اندازد و شکارشان می‌کند.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبي داود والْتِرْمِذِي عَنْ عُثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ س قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ فِى صَبَاحِ كُلِّ يَوْمٍ وَمَسَاءِ كُلِّ لَيْلَةٍ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لاَ يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَىْءٌ فِى الأَرْضِ وَلاَ فِى السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ثَلاَثَ مَرَّاتٍ فَيَضُرُّهُ شَيْءٌ». قال الترمذي: هذا حديث حسن صحيح هذا لفظ الترمذي. وفي رواية أبي داود:«لَمْ تُصِبْهُ فَجْأَةُ بَلاَءٍ». «رسول الله ص فرمود: هر بنده‌ای که اول هر بامداد و اول هر شب بگوید: به نام الله که با نام او هیچ چیز در زمین و هیچ چیز در آسمان زیانی نمی‌رساند، و این را سه بار بگوید هیچ چیز زیان به او نمی‌رساند، این لفظ ترمذی است و در روایت ابی داود: کسی که این کلمات را بامداد و شامگاه بگوید بلای ناگهانی به او نمی‌رسد».

«وَرَوَيْنَا فِي كتاب الترمذي عن ثوبان س قالَ: قالَ رسولُ الله ص: مَنْ قَالَ حِينَ يُمْسِى رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالإِسْلاَمِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُرْضِيَهُ»**.** في إسناده سعد بن الـمرزبان وهو ضعيف باتفاق الحفاظ. وقد قال الترمذي: هذا حديث حسن صحيح غريب. «رسول الله ص فرمود: کسی که گفت در اول شب: خشنود شدم به خدای یکتا در پروردگاری و به اسلام به عنوان دین و به محمد ص به عنوان پیامبر، حق است بر خدای متعال که او را راضی نماید». وقتی که در اسناد حدیث آن مرد ضعیف است مقتضایش این بود که این حدیث ضعیف باشد، اما ترمذی که حکم به صحت حدیث نموده معلوم است که از طریق دیگر حدیث را صحیح دانسته است.

وقد رواه أبو داود والنسائي بأسانيد جيده: «عن رجل خدم النَّبِيّ ص عَنْ النَّبِيِّ ص بلفظه، فثبت أصل الحديث ولله الحمد. وقد رواه الحاكم أبو عبد الله فِي الـمستدرك على الصحيحين وقال صحيح الإسناد وقد وقع فِي رواية أبي داود وغيره: وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولاً!. وفِي رواية الترمذي: وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيّاً!. فيستحبُّ أن يجمع الإنسان بينهما فَيَقُولُ: رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالإِسْلاَمِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا ورَسُولاً».

حدیث: «رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالإِسْلاَمِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا ورَسُولاً» از مجموع این روایات صحت آن به ثبوت رسیده و به همین لفظ بگوید.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبى داود بإسناد جيد – لم يضعفه – عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ س أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ أَوْ يُمْسِى اللَّهُمَّ إِنِّى أَصْبَحْتُ أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَلاَئِكَتَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ أَعْتَقَ اللَّهُ رُبْعَهُ مِنَ النَّارِ فَمَنْ قَالَهَا مَرَّتَيْنِ أَعْتَقَ اللَّهُ نِصْفَهُ مِنَ النَّارِ وَمَنْ قَالَهَا ثَلاَثًا أَعْتَقَ اللَّهُ ثَلاَثَةَ أَرْبَاعِهِ فَإِنْ قَالَهَا أَرْبَعًا أَعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ». «رسول الله ص فرمود: کسی که موقع بامداد یا شامگاه بگوید: خدایا من در این بامداد تو را گواه می‌گیرم و بر دارندگان عرشت را گواه می‌گیرم و فرشتگانت را گواه می‌گیرم و همه‌ی مخلوقات را گواه می‌گیرم که تو خدای یکتا هستی هیچ شریکی برای تو نیست، و یقین دارم که محمد بنده‌ی تو و فرستاده‌ی توست، کسی که این را یک بار بگوید ربع او از آتش دوزخ آزاد می‌شود، و کسی که دو بار آن را بگوید نیمی از بدنش از آتش دوزخ آزاد شود، و کسی که سه بار آن را بگوید سه ربع او از آتش دوزخ آزاد شود، و کسی که چهار بار آن را بگوید همه‌ی بدنش از آتش دوزخ آزاد شود».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبى داود بإسناد جيد عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَنَّامٍ ألْبَيَاضِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِص قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحَ بِى مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحْدَكَ لاَ شَرِيكَ لَكَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ. فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ يَوْمِهِ وَمَنْ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ حِينَ يُمْسِى فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ لَيْلَتِهِ». «رسول الله ص فرمود: کسی که موقعی که بامداد می‌شود بگوید: خدایا هر نعمتی که در این بامداد دارم از فضل توست به تنهایی‌ات، هیچ شریکی برای تو نیست، برای توست ستایش‌ها و سپاس‌ها. یعنی آنچه دارم از فضل و کرمت می‌باشد که آن همه نعمت به من ارزانی داشته‌ای، کسی که این را بگوید شکر آن روزش را به جای آورده است، و کسی که مثل آن را بگوید وقتی که به شب می‌رسد او نیز شکر شبش را به جا آورده است»، یعنی در شب می‌گوید:

«اللّهُمّ مَا أمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحْدَكَ لاَ شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشّكْر».

«وما روينا بالأسانيد الصحيحة فِي سُنَنِ أبى داود والنسائي وابن ماجه عَنْ ابن عمرب قال: لم يَكُن النَّبِيّ يَدَعُ هؤلاءِ الكلِمـَاتِ حينَ يُمسي وحينَ يُصبِحُ: اللَّهمَّ إني أسألُكَ العَافِيَةَ في الدنيا والآخِرةِ، اللَّهمَّ إني أَسألُكَ العَفو والعَافِيَةَ في دِيني ودُنيايَ، وأهلي ومَالي، اللَّهمَّ استُر عَوْرَاتي، وآمِنْ رَوْعَاتي، اللَّهمَّ احفظني من بَينِ يَدَيَّ ومِن خَلْفي، وَعن يَميني، وعن شِمالي، ومِن فَوقي، وأعُوذُ بِعَظَمَتِكَ أنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحتي!. قال وكيعٌ: يعني الخَسْفَ»**.** قالَ الحاكم أبو عبد الله: هذا حديث صحيح الإسناد. «ابن عمر ب می‌گوید: رسول الله ص هیچگاه این دعاها را در بامدادان و شامگاهان ترک نمی‌نمود و می‌فرمود: خدایا از تو می‌خواهم عافیت و تندرستی و دوری از ناملایمات در دنیا و آخرت، خدایا از تو می‌خواهم گذشت و عافیت در دینم و دنیایم و در خانواده و بستگانم و در اموالم. خدایا بپوشان عورت‌هایم را و مرا ایمن بگردان از ترس‌هایم. خدایا مرا نگه دار از جلوم و از پشت سرم و از دست راستم و از دست چپم و از بالای سرم و پناه می‌برم به عظمت و بزرگی و بزرگواریت از این که از زیر پایم خسف شوم و به ته زمین فرو روم». (عورت: محلی از بدن که پیداشدنش ناراحت‌کننده است) و روعات: جمع روعۀ به معنی ترس است، انسان ترس بسیار دارد از خشم خدا، از دیدن عقوبت و غیره. و این دعا از رسول الله ص درسی است برای امتش.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبى داود والنسائي وغيرهما بالإسناد الصَحِيْحِ عَنْ عَلِىٍّ س عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ مَضْجَعِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ اللَّهُمَّ أَنْتَ تَكْشِفُ الْمَغْرَمَ وَالْمَأْثَمَ اللَّهُمَّ لاَ يُهْزَمُ جُنْدُكَ وَلاَ يُخْلَفُ وَعْدُكَ وَلاَ يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ». «رسول اللهص موقعی که به بستر خواب می‌رفت می‌فرمود: خدایا پناه می‌برم به ذات بزرگوارت و به کلمات و آیات قرآن از شر هرچیز که پیشانیش در دست توست، یعنی پناه می‌برم به تو از شر آنچه در قبضه‌ی قدرت توست که همه‌ی کاینات باشد، یعنی من از شر همه‌ی مخلوقاتت به تو پناه می‌برم. خدایا تو از بدهکاری و گنهکاری نجات می‌دهی، خدایا لشکریانت شکست‌ناپذیرند و وعده‌ی تو خلاف‌ناپذیر است و ثروت، ثروتمند را به جای تو فایده نمی‌رساند، تنزیه می‌گویم و به ستایشت مشغولم».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبى داود وابن ماجه بأسانيد جيدة عَنْ أَبِى عَيَّاشٍ «بالشين الـمعجمة» أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ كَانَ لَهُ عِدْلُ رَقَبَةٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ وَكُتِبَ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَحُطَّ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَرُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ وَكَانَ فِى حِرْزٍ مِنَ الشَّيْطَانِ حَتَّى يُمْسِىَ وَإِنْ قَالَهَا إِذَا أَمْسَى كَانَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ حَتَّى يُصْبِحَ». «رسول الله ص فرمود: کسی که گفت موقعی که بامداد دمید: نیست معبودی به حق مگر خدای یکتایی که هیچ شریکی برای او نیست، برای اوست دارندگی همه‌ی کاینات و برای اوست ستایش‌ها و او بر همه چیز تواناست، برای اوست برابر گردنی از فرزندان اسماعیل ÷ و نوشته می‌شود برای او ده حسنه و‌انداخته می‌شود از او ده بدی و بالا برده می‌شود برای او ده درجه و او در نگهداری خداست و او را از شیطان نگه می‌دارد تا شب برسد، و اگر شامگاهان این را بگوید برای اوست همانند آن تا صبح بر او بدمد».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبي داود – بإسناد لم يضعفه – عَنْ أبي مالك الأشعري س أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: إِذَا أَصْبَحَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ فَتْحَهُ وَنَصْرَهُ وَنُورَهُ وَبَرَكَتَهُ وَهُدَاهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ ثُمَّ إِذَا أَمْسَى فَلْيَقُلْ مِثْلَ ذَلِكَ». «رسول الله ص فرمود: وقتی که یکی از شما داخل به بامداد شد بگوید: بامداد بر ما دمید و همه‌ی کاینات اقرار نمودند به پروردگاری خدایی که پروردگار جهانیان است. خدایا از تو می‌خواهم خوبی امروز، گشایش آن و پیروزی در آن و روشنایی آن و برکت آن و هدایت آن (برای رسیدن به راه راست در آن) و وقتی که شامگاهان شد هم مثل آن بگوید»: «أمْسَيْنَا أَمْسَى الـْمُلْكُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...»: به شب داخل شدیم و دارندگی همه‌ی کاینات برای خدایی است که پروردگار جهان است. خدایا از تو می‌خواهم خوبی امشب، گشایش آن و پیروزی در آن و روشنایی آن و برکت آن و هدایت در آن.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبي داود عَنْ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِى بَكْرَةَ أَنَّهُ قَالَ لأَبِيهِ يَا أَبَةِ إِنِّى أَسْمَعُكَ تَدْعُو كُلَّ غَدَاةٍ: اللَّهُمَّ عَافِنِى فِى بَدَنِى اللَّهُمَّ عَافِنِى فِى سَمْعِى اللَّهُمَّ عَافِنِى فِى بَصَرِى، اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ!. تعيدها حين تصبح ثلاثاً، وثلاثاً حين تمسي، فقال: إني سمعت رسول الله ص يدعو بهنَّ، فأنا أحبّ أن أستنّ بسنّته». «از عبدالرحمن پسر ابی بکر صدیق س روایت است که به پدرش گفت: ای پدرم! من می‌شنوم از تو که در هر بامداد این دعا را می‌خوانی: «خدایا مرا عافیت ده در بدنم، خدایا مرا عافیت بده در شوایی ام، خدایا مرا عافیت ده در بینایی ام، خدایا پناه می‌برم به تو از کفر و فقر، خدایا پناه می‌برم به تو از عذاب قبر، نیست معبودی بحق مگر تو». و هر روز در وقت بامداد آن را سه بار تکرار می‌کنی، و سه بار هم شامگاهان تکرار می‌کنی. ابوبکر گفت: از رسول الله ص شنیدم که به این کلمات دعا می‌فرمود و من دوست می‌دارم که راه او را بگیرم».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبي داود عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِص أَنَّهُ قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ: ﴿فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمۡسُونَ وَحِينَ تُصۡبِحُونَ ١٧ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَعَشِيّٗا وَحِينَ تُظۡهِرُونَ ١٨ يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَيُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۚ وَكَذَٰلِكَ تُخۡرَجُونَ ١٩﴾ [الروم: 17-19]. أَدْرَكَ مَا فَاتَهُ فِى يَوْمِهِ ذَلِكَ وَمَنْ قَالَهُنَّ حِينَ يُمْسِى أَدْرَكَ مَا فَاتَهُ فِى لَيْلَتِهِ». بخاری این حدیث را ضعیف دانسته و در دو کتاب (التاریخ و الضعفا) ضعف آن را بیان داشت. «رسول الله ص فرمود: کسی که در بامداد هر روز بگوید: «تسبیح و تنزیه خدا می‌گویم موقعی که وارد به شب می‌شوید و موقعی که وارد به روز می‌شوید، و ستایش برای اوست در آسمان‌ها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نیمروز می‌رسید، زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد و زمین را بعد از مرگش زنده می‌سازد؛ و بدینگونه از گورها بیرون آورده می‌شوید، هرچه در آن روز از دست داده به دست می‌آورد و هرکس آن را به هنگام شب بگوید، آنچه در آن شب از دست داده به دست می‌آورد».

این چه قدرتی است که شب تاریک را می‌برد و صبح دلنواز را به جای آن می‌نشاند و روز پرهیاهو را می‌برد و شب آرام و دلنشین را به جای آن می‌نشاند، این خدای متعال است که حمد جمیع کاینات در آسمان‌ها و زمین برای اوست و پسین و ظهر، همه‌ی کاینات به حمد و تسبیح او مشغولند، حمد و ستایش خدای متعال در بامداد و شامگاهان و در وقت ظهر و پسین می‌رساند که حمد او همیشه برقرار است، به اذان بنگرید که در تمام ساعات شبانه روز ندای: «أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً رسول الله» را در سراسر جهان بسط می‌دهد، برای این که اذان در جایی در وقت ظهر است و در جایی دیگر وقت صبح و در جایی دیگر عصر است و در جایی دیگر مغرب است، پس حمد او، تسبیح او و شهادت به دین مبین او در تمام ساعات شبانه روز در سراسر جهان طنین‌انداز است تا اگر کسی دلش مرده باشد این اذان محمدی دلش را زنده گرداند، و اگر کسی دلِ زنده را به غفلت از حمد و تسبیح پروردگار آشیانه‌ی بوم کفر کرد، زندگی خود را به باد داده و تاریکی کفر را برای خود خریده است. چه دلیل از این بهتر که پروردگار مهربان از زمین مرده با یک باران رحمت، زمینی زنده و پر از جوش و خروش به بار می‌آورد، و از تنی زنده و آلوده به کفر جسمی بی‌جان به وجود می‌آورد، بزرگی به خودش سزاوار است، از زمین مرده زمین زنده به وجود می‌آورد، و از پدری مرده به کفر، فرزندی زنده به ایمان را به میدان می‌آورد، و از پدری زنده به ایمان، پسر مرده به کفر را به اجتماع می‌سپارد تا بدانند که دل‌ها مقهور فرمان اوست، نه تابع قانون وراثت. او زمین مرده را زنده می‌سازد بعد از مردنش و آنچنان هم شما بشر به یک باران رحمتی که آب حیات نام دارد از قبر بیرون آورده می‌شوید تا هرکدام به‌سوی هدف خود روانه شوید.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبي داود بَعْضَ بَنَاتِ النَّبِيِّ ص وَرَضِيَ اللهُ عَنْهُنَّ أَنَّ النَّبِيَّ ص كَانَ يُعَلِّمُهَا فَيَقُولُ: قُولِى حِينَ تُصْبِحِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ لاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَىْءٍ عِلْمًا فَإِنَّهُ مَنْ قَالَهُنَّ حِينَ يُصْبِحُ حُفِظَ حَتَّى يُمْسِىَ وَمَنْ قَالَهُنَّ حِينَ يُمْسِى حُفِظَ حَتَّى يُصْبِحَ». «رسول الله ص به بعضی از دختران خود می‌آموخت و می‌فرمود: هر بامداد بگو: تنزیه خدا می‌گویم و به ستایش او مشغولم، هیچ قدرتی نیست که به کار آید مگر به کمک خدای متعال، آنچه خدا بخواهد می‌شود، و آنچه نخواهد نمی‌شود. یقین دارم که خدا بر همه چیز تواناست و علمش به همه چیز احاطه فرموده است، نه چیزی هست که از قدرت او خارج باشد و نه چیزی هست که از علم او خارج باشد، کسی که این کلمات را بامداد گفت تا غروب آن روز در حفظ خداست، و کسی که این کلمات را به شب گفت تا صبح در حفظ خداست».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبي داود عَنْ أَبِى سَعِيدٍ الْخُدْرِىِّ قَالَ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَاتَ يَوْمٍ الْمَسْجِدَ فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ مِنَ الأَنْصَارِ يُقَالُ لَهُ أَبُو أُمَامَةَ فَقَالَ: يَا أَبَا أُمَامَةَ مَا لِى أَرَاكَ جَالِسًا فِى الْمَسْجِدِ فِى غَيْرِ وَقْتِ الصَّلاَةِ! قَالَ هُمُومٌ لَزِمَتْنِى وَدُيُونٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ أَفَلاَ أُعَلِّمُكَ كَلاَمًا إِذَا أَنْتَ قُلْتَهُ أَذْهَبَ اللَّهُ ﻷ هَمَّكَ وَقَضَى عَنْكَ دَيْنَكَ!. قُلْتُ: بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: قُلْ إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أَمْسَيْتَ اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ!. قَالَ فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَأَذْهَبَ اللَّهُ ﻷ هَمِّى وَقَضَى عَنِّى دَيْنِى». «رسول الله ص روزی داخل مسجد شد و دید مردی از انصار که ابو امامه نام دارد، در مسجد نشسته است. فرمود: «ای ابا امامه چرا در غیر وقت نماز در مسجد نشسته‌ای؟» ابو امامه گفت:‌اندوه‌ها و بدهکاری‌هایی ملازم من شده‌اند یا رسول الله، فرمود: «آیا نیاموزم تو را کلماتی که هرگاه آنها را بگویی خدا‌اندوهت را از میان بردارد و بدهکاری‌هایت را بپردازد». گفتم: بله یا رسول الله، آن کلمات را به من بیاموز. فرمود: «وقتی که به بامداد رسیدی و وقتی که به شامگاهان رسیدی بگو: خدایا پناه می‌برم به تو از غم و‌اندوه و پناه می‌برم به تو از ناتوانی و سستی و پناه می‌برم به تو از ترسویی و بخیلی و پناه می‌برم به تو از چیره‌شدن بدهکاری و خوارشدن مردان». ابو امامه گفت: آن کلمات را گفتم و خدا‌اندوه مرا برد و دیونم را ادا فرمود».

«وَرَوَيْنَا فِي كَتِابَ ابْنِ السُنِّي بِإسْنَادٍ صَحِيْحٍ عَنْ عَبْدِ الله بْنِ أَبْزَى قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا أَصْبَحَ قَال: أَصْبَحْنَا عَلَى فِطْرَةِ الْإِسْلاَمِ، وَكَلِمَةِ الْإِخْلاَصِ، وَدِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ، وَمِلَّةِ أَبِينَا إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ!. قلتُ كَذَا وَقَعَ فِي كِتَابِهِ. وَدِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ! وهُوَ غَيْرَ مُتَبَّعٍ، ولَعَلَّهُ ص قالَ ذلِكَ جَهْراً لِيَسْمَعُهُ غَيْرُهُ فَيَتَعَلَّمُهُ. والله أعلَم». «رسول الله ص صبح که می‌شد می‌فرمود: «صبح واکردیم بر فطرت اسلام و کلمه‌ی اخلاص و دین پیغمبرمان محمد ص و ملت ابراهیم مستقیم بر شریعت و مسلمان و من از مشرکان نیستم. امام نووی فرمود که رسول الله ص تابع کسی نیست. بنابراین گفتن: دین نبیّنا شاید بلند فرموده به قصد این که مسلمانان آن را بشنوند و یاد بگیرند».

فطرت به معنی طبیعت و سرشت، برای این که دین اسلام دین سرشت است که هرکسی بر همین سرشت آفریده شده است، و لیکن پدران و مادران، فرزندان‌شان را بر دین خودشان می‌پرورانند. قبلاً شرح دادیم که دین از جهت این که مردم در آن یکسانند شریعت نامیده می‌شود، و از جهت این که رسول الله ص آن را املا می‌فرمایند ملت نامیده می‌شود و از جهت این که پیروی از آن می‌شود دین نامیده می‌شود. و حنیفاً به معنی مستقیماً بر راه راست است. «وحنيفاً: مائلاً عن كلّ دين إلى دين الإسلام. وكلمة الإخلاص: لا إله إلا الله»می‌باشد. بنابراین، ما مسلمانان بر سرشت اسلام و بر کلمه‌ی اخلاص و دین محمد و ملت ابراهیم هستیم.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتابِ ابْنِ السُنِّي عَنْ عَبْد اللهِ بْنِ أبِي أوفَي بقالَ كانَ رسولُ اللهِ ص إذا أصْبَحَ قالَ: أصْبَحْنا وأصْبَحَ المُلْكُ لِلَّهِ ﻷ وَالحَمْدُ لِلَّهِ وَالكِبْرِياءُ وَالعَظَمَةُ لِلَّهِ وَالخَلْقُ وَالأمْرُ وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَما سَكَنَ فِيها لِلَّهِ تَعالى اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ هَذَا النَّهارِ صَلاحاً وَأَوْسَطَهُ نَجاحاً وآخِرَهُ فَلاحاً يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». «رسول الله ص وقتی که صبح می‌شد می‌فرمود: صبح واکردیم و همه‌ی کاینات برای خدای ﻷ است، و ستایش‌ها همه برای خداست و کبریا و عظمت برای خدای یکتاست و عالم خلق از امور مادی و عالم امر از امور معنوی. بدن انسان مخلوق خدا و از عالم خلق است، و روح انسان از مخلوقات خداست و از عالم امر است، و شب و روز و آنچه در شب و روز آرام می‌گیرند همه برای خدای متعال هستند. خلقت همه از اوست و نگهداری همه از اوست و تصرف در همه برای اوست، او آفریدگار همه است و طاعت همه برای اوست. خدایا اول امروز صلاح و شایستگی قرار ده تا در آغاز روز به کارهای شایسته بپردازیم، و میان روز کامیابی قرار ده تا در کارهای خیر کامیاب شویم و آخر روز رستگاری قرار ده تا در انجام هرکار رستگار شویم ای مهربان‌ترین مهربانان».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِرْمِذِي وابْنِ السُنِّي بإسْنادٍ فِيْهِ ضَعْفٌ عَنْ مَعْقِلُ بن يسار عنِ النبي ص قالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ ثَلاَثَ مَرَّاتٍ: أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَقَرَأَ ثَلاَثَ آياتٍ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْحَشْرِ: وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ، حَتَّى يُمْسِي، وَإنْ مَاتَ في ذَلِكَ الْيَوْمِ مَاتَ شَهِيداً، وَمَنْ قَالَهَا حِينَ يُمْسِي كَانَ بِتَلْكَ الْمَنْزِلَةِ». «رسول الله ص فرمود: کسی که وقتی که صبح شد سه بار گفت: پناه می‌برم به خدای شنوای دانا از شیطان نفرین‌شده و سه آیه از سوره‌ی حشر خواند (ظاهراً سه آیه‌ی آخر سوره‌ی حشر) خدا موکل می‌فرماید هفتاد هزار فرشته تا بر او درود فرستند تا به شب برسد، و اگر آن روز بمیرد به شرف شهادت می‌رسد، و کسی که آن را بگوید وقتی که به شب داخل می‌شود هم به همان منزلت است».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتاب ابنِ السُنِّي عَن مُحَمّدِ بْنِ إبراهِيْمَ عَنْ أبِيْهِ س قال: وَجَّهَنَا رَسولُ اللهِ ص فِي سَرِيَّةٍ فَأمَرَنَا أنْ نَقْرَأ إذا أمْسَيْنَا وأصْبَحْنَا:﴿أَفَحَسِبۡتُمۡ أَنَّمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ عَبَثٗا﴾ [المؤمنون: 115]. فَقَرَأْنَا وَغَنَمْنَا وَسَلِمْنَا». «محمد بن ابراهیم از پدرش ابراهیم س روایت نمود که پدرش گفت که رسول الله ص ما را در سریه‌ای فرستاد و به ما امر فرمود که این آیه‌ی 115 از سوره‌ی مؤمنون: ﴿أَفَحَسِبۡتُمۡ أَنَّمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ عَبَثٗا وَأَنَّكُمۡ إِلَيۡنَا لَا تُرۡجَعُونَ ١١٥﴾ [المؤمنون: 115]. را در صبح و شام بخوانیم، و ما آن را خواندیم و غنیمت از دشمن به دست آوردیم و به سلامت برگشتیم».

تفسیر آیه: «آیا گمان کرده اید شما را آفریدیم به بازی و به‌سوی ما باز نمی‌گردید» ﴿فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡحَقُّۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡكَرِيمِ ١١٦﴾ [المؤمنون: 116]. «برتر آمد خدای یکتایی که فرمانروای برحق است، نیست معبودی بحق مگر او که صاحب عرش بزرگوار است» یعنی خدا شما را به بازی نیافرید و او بالاتر و برتر از آن است که به بازی بیافریند، شما را آفرید تا مطیع فرمانش باشید و به‌سوی او بازگردید تا جزای اعمالتان را دریابید.

«وَرَوَيْنَا فِيْهِ عَنْ أنَسٍ س أنّ رَسُولَ اللهِ ص كانَ يَدْعُو بِهذِهِ الدَعْوَةِ إذا أصْبَحَ وإذا أمْسَي: اللَّهُمَّ أسألُكَ منْ فَجْأةِ الخَيْرِ وأعُوذُ بِكَ مِنْ فَجأةِ الشُرُورِ». «رسول الله ص بامداد و شامگاهان این دعا را می‌فرمود: خدایا از تو می‌خواهم ناگهان آمدن خیر و پناه می‌برم به تو از ناگهان آمدن شرها».

«وَرَوَيْنَا فِيْهِ عَنْ أنَسٍ س قالَ: قالَ رَسولُ اللهِ ص لِفاطِمَةَ ل: مَا يَمْنَعُكِ أَنْ تَسْمَعِي مَا أُوصِيكِ بِهِ، أَنْ تَقُولِي إِذَا أَصْبَحْتِ وَإِذَا أَمْسَيْتِ: يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ أَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، وَلا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ». «رسول الله ص به فاطمۀ، سيدۀ نساء العالـمين، سيدۀ نساء هذه الأمۀ، سيدۀ نساء أهل الجنۀ سلام الله عليها فرمود: کدام چیز مانعت می‌شود از این که بشنوی آنچه را که تو را سفارش به آن می‌نمایم که در هر بامداد و شامگاه بگویی: ای همیشه زنده، همیشه ایستاده به تدبیر خلایق، طلب فریادرسی می‌کنم از تو، پس کارهایم همه را به صلاح آور و کارهایم همه به عهده‌ی خودت است و یک چشم به هم‌زدن مرا به خودم واگذار نفرما».

«وَرَوَيْنَا فِيْهِ بإسْنَادٍ ضَعِيْفٍ عَنْ ابنِ عَبّاسٍ ب أنَّ رَجُلاً شَكَي إلى رَسُولِ اللهِ ص أنَّهُ تُصِيْبُهُ الآفاتُ فَقالَ لَهُ الرَسُولُ ص: قُلْ إذَا أَصْبَحْتَ: بِسْمِ اللّهِ عَلَى نَفْسِي وَأَهْلِي، فَإِنّهُ لاَ يَذْهَبُ لَكَ شَيْءٌ!. فَقالَهُنَّ الرجُلُ فَذَهَبَتْ عَنْهُ الأفاتُ». «مردی شکایت حال خود نمود نزد رسول الله ص و گفت: یا رسول الله! انواع آفت به من می‌رسد: چیزی می‌خرم ضرر می‌کنم و چیزی می‌خواهم از آن استفاده کنم از دستم بیرون می‌رود. رسول الله ص به او فرمود: «صبح هرروز بگو: به نام خدا نگهداری خود و اهل و بستگانم قرار می‌دهم تا برکت نام خدا بر همه‌مان باشد و به سبب این دعا چیزی از دست تو نمی‌رود». آن مرد این را گفت و آفت از او دور شد.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ ابنِ ماجَه وكتابِ ابنِ السُنّي عَنْ أمّ سَلَمَهَ لأنَّ رَسُولَ اللهِ ص كانَ إذا أصْبَحَ قالَ: اللّهُمّ إنّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا طَيّبًا، وَعَمَلًا مُتَقَبّلاً». «رسول الله ص بامداد هرروز می‌فرمود: خدایا از تو می‌خواهم علمی که سودمند باشد و روزی که حلال باشد و عملی که مقبول درگاهت باشد».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتابِ ابنِ السُنِّي عَنْ ابْنِ عَباسٍ بقال: قال رسول الله ص: مَنْ قالَ إذَا أصْبَحَ: اللَّهُمَّ إني أصْبَحْتُ منْكَ في نِعْمَةٍ وَعافِيَةٍ وَسَتْرٍ فأتِمَّ نِعْمَتَكَ عَليَّ وَعَافِيَتَكَ وَسَتْرَكَ فِي الدُّنْيا والآخِرَةِ . ثَلاثَ مَرَّاتٍ إِذَا أصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى كان حَقّاً على اللَّهِ تَعالى أنْ يُتِمَّ عَلَيْهِ». «رسول الله ص فرمود: کسی که بامداد و شامگاه سه بار بگوید: خدایا من صبح واکرده‌ام بر نعمتت و عافیتت و سترت، پس نعمت و عافیت و سترت را در دنیا و آخرت بر من کامل بگردان، خداوند حق او می‌داند که این نعمت‌ها را بر او تکمیل کند».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتابِ التِرْمِذِي وبنِ السُنِّي عَنْ زُبَيْرِ بْنِ الَعوَّامِ س عَنْ رَسُولِ اللهِ ص قالَ: مَا مِنْ صَبَاحٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيهِ إِلاَّ وَمُنَادٍ يُنَادِى سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ!. وَفِي رَوَايَةِ ابْنِ السُنِّي: إِلا صَارِخٌ يَصْرُخُ: أَيُّهَا الْخَلائِقُ، سَبِّحُوا الْمَلِكِ الْقُدُّوسَ». «رسول الله ص فرمود: هر بامدادی که مردم صبح وامی‌کنند، ندا زننده‌ای ندا می‌زند، یعنی به آواز بلند می‌گوید که مردم بشنوند: پاک و منزه است فرمانروای بسیار پاک». و در روایت ابن السنی فریادزنی فریاد می‌کشد: «ای خلایق تسبیح خدا که الملک القدوس است بگویید». «الـملك»: از نام‌های پاک پروردگار است. القدوس: از نام‌های پاک پروردگار متعال است. «الـملك»: به معنی شاه و دارنده و مالک و فرمانروا است. القدوس: بسیار پاک. دعوت به تسبیح و تقدیس خدا کاری است که هرروز فرشته‌ای انجام می‌دهد، و یقیناً که خلایق همه این ندا را اجابت می‌کنند، لیکن از بنی آدم چه‌اندازه اجابت می‌کنند خدا می‌داند! مقصود این است که ای خلایق همه امورتان در دست خداست، روی به او آورید، او را تسبیح و تنزیه گویید که غیر از او همه اموات هستند و کاری نمی‌توانند بکنند.

«وَرَوَيْنَا فِي كتاب ابْنِ السُنِّي عِنْ بريدة س قال: قالَ رسول الله ص: مَنْ قَالَ إذَا أصْبَحَ وَإِذَا أمْسَى: رَبِّيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَيْهِ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ العَرْشِ العَظيمِ لا إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ العَلِيُّ العَظِيمُ ما شاءَ اللَّهُ كانَ ومَا لَمْ يَشاْ لَمْ يَكُنْ أَعْلَمُ أنَّ اللَّهَ على كُلّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وأنَّ اللَّهَ قَدْ أحاطَ بِكُلّ شَيْءٍ عِلْماً ثُمَّ مَاتَ دَخَلَ الجَنَّة». «رسول الله ص فرمود: کسی که در وقت صبح و شام بگوید: پروردگارم خدای یکتاست، بر او توکل نمودم، نیست معبودی بحق مگر او، بر او توکل نمودم و کارهایم به او واگذاشتم و او صاحب عرش عظیم است، نیست معبودی به حق مگر خدا که بسیار بلندمرتبه و بسیار بزرگوار است، فهم کسی به علو و عظمت او نمی‌رسد، آنچه خدا خواست شد و آنچه نخواست نشد، یقین می‌دانم که خدا بر همه چیز تواناست و علم او به همه چیز احاطه نموده و هیچ چیز از علم او بیرون نیست؛ کسی که این را گفت و مرد به بهشت داخل شده است».

«وَرَوَيْنَا في كتابِ ابنِ السُنِّي عَنْ أنَسٍ س أنَّ رَسُولَ اللهِ ص قَالَ: أَيَعْجَزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكُونَ كأَبِي ضَمْضَم!؟. قالوا: ومَنْ أبو ضَمْضَمْ يا رسول الله؟ قال: كَانَ إِذَا أصْبَحَ قالَ: اللَّهُمَّ إِني قَدْ وَهَبْتُ نَفْسِي وَعِرْضِي لَكَ فَلا يَشْتُمُ مَنْ شَتَمَهُ وَلاَ يَظْلِمُ مَنْ ظَلَمَهُ وَلا يَضْرِبُ مَنْ ضَرَبَهُ». «رسول الله ص به یاران فرمود: آیا هریک از شما نمی‌تواند مثل أبی ضمضم باشد؟ گفتند: ابوضمضم چه کسی است یا رسول الله؟ فرمود: ابوضمضم کسی است که صبح که می‌شد رو به خدا می‌کرد و می‌گفت: خدایا من به حقیقت خودم و شرفم را به تو بخشیده ام، پس دشنام نمی‌داد به کسی که او را دشنام داده بود و ستم نمی‌کرد به کسی که به او ستم کرده بود و نمی‌زد کسی را که به او زده بود».

«وَرَوَيْنَا عَنْ أبي الدرداء س عَنِ النَّبِيِّ ص وقالَ: مَنْ قَالَ فِي كُلّ يَوْمٍ حِينَ يُصْبِحُ وَحِينَ يُمْسِي: حَسْبِيَ اللّهُ لاَ إلَهَ إلّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكّلْت وَهُوَ رَبّ الْعَرْشِ الْعَظِيمُ سَبْعَ مَرّاتٍ كَفَاهُ اللّهُ تعالى مَا أَهَمّهُ مِنْ أَمْرِ الدّنْيَا وَالْآخِرَةِ». «رسول الله ص فرمود: کسی که هرروز در وقت صبح و شام هفت بار بگوید: کفایت من است الله، آن خدایی که نیست معبودی به حق مگر او. بر او توکل نمودم و او صاحب عرش عظیم است، کسی که هر صبح و شام هفت بار این را بگوید، خدا امر دنیا و آخرتش را کفایت می‌کند». یعنی حوائج او را برآورده می‌سازد تا خاطر او آسوده شود. و باید دانست که گفتن این کلمات باید با عقیده‌ی قلبی موافقت داشته باشد، و با یقین به این که خدا کفایت‌کننده‌ی هرکسی است که بر او توکل کند و با اعتماد بر خدا باشد. نظام اسباب و مسببات را فراموش نکند تا هم کوشش خود به کار گرفته و هم از خدا در موفقیت خود مدد گرفته باشد.

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ الْتِرْمِذَي وابْنِ السُنِّي عَنْ طَلْقِ بنِ حَبِيْبٍ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي الدَّرْدَاءِ س فَقَالَ: يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ قَدْ احْتَرَقَ بَيْتُكَ؟ قَالَ: مَا احْتَرَقَ، لمَ يَكُنْ الله ﻷ لِيَفْعَلَ ذَلِكَ لِكَلِمَاتٍ سَمِعْتُهُنَّ مِنْ رَسُولِ اللهِ ص مَنْ قَالَها أوَّلَ نَهارِهِ لَمْ تُصِبْهُ مُصِيْبَةٌ حَتّى يُمْسِى، وَمَنْ قَالَها آخِرَ النَهارِ لَمْ تُصِبْهُ مُصِيْبَةٌ حَتَّى يُصْبِحَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لا إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَأَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». «مردی نزد أبی الدرداء آمد و گفت: خانه‌ات آتش گرفت، ابوالدرداء گفت: خانه ام آتش نگرفت و خدای ﻷ خانه ام را نمی‌سوزاند، به برکت کلماتی که از رسول الله ص شنیدم که فرمود: «هرکس در آغاز روز این کلمات را بگوید تا آخر روز مصیبتی به او نخواهد رسید و هرکس در آخر روز، یعنی اول شب این کلمات را بگوید تا صبح مصیبتی به او نمی‌رسد، آن کلمات عبارت است از: خدایا تو پروردگارم هستی، نیست معبودی به حق مگر تو. بر تو توکل نمودم، تو صاحب عرش عظیم هستی، آنچه خدا بخواهد می‌شود و آنچه خدا نخواهد نمی‌شود، نیست چاره‌ای برای دوری از گناه، و نیست نیرویی برای پایداری بر طاعت مگر به کمک خدای بسیار بلندمرتبه و بسیار بزرگوار. می‌دانم که خدا یقیناً بر همه چیز تواناست و یقیناً علم خداوندی به همه چیز احاطه کرده است، و هیچ چیز بیرون از علم او نیست. خدایا به تو پناه می‌برم از شر خودم و از شر هر حیوانی که پیشانیش در ید قدرت توست، یقیناً پروردگارم به راه راست است».

«وَرَوَاهُ مِنْ طَرِيقٍ آخَرَ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ص وَلَمْ يَقُلْ عَنْ أبِي الدَرْداء وَفِيهِ أَنَّهُ تَكَرَّرَ مَجِيءُ الرَّجُلِ إلَى أَبِي الدَّرْدَاءِ يَقُولُ: أَدْرِكْ دَارَك فَقَدْ احْتَرَقَتْ، وَهُوَ يَقُولُ مَا احْتَرَقَتْ ؛ لِأَنِّي سَمِعْت رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ - وَذَكَرَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ - لَمْ يُصِبْهُ فِي نَفْسِهِ، وَلاَ أَهْلِهِ، وَلاَ مَالِهِ شَيْءٌ يَكْرَهُهُ وَقَدْ قُلْتهَا الْيَوْمَ ثُمَّ قَالَ: انْهَضُوا بِنَا فَقَامَ وَقَامُوا مَعَهُ فَانْتَهَوْا إلَى دَارِهِ، وَقَدْ احْتَرَقَ مَا حَوْلَهَا، وَلَمْ يُصِبْهَا شَيْءٌ». «و ابن السنی از طریق دیگر روایت کرده است از بعضی از یاران رسول الله ص و از أبی الدرداء روایت نکرده است، و در آن آمده است که آن مردی که خبر می‌آورد، می‌رفت و می‌آمد و می‌گفت: برس به خانه‌ات که سوخت و او می‌گفت: نسوخته است برای این که از رسول الله ص شنیدم که می‌فرمود: هرکسی که بامداد این کلمات را بگوید تا آخر روز هیچ مصیبتی به او و اهل و مالش نمی‌رسد، و اگر اول شب این کلمات را بگوید تا صبح مصیبتی به او نمی‌رسد، و من این کلمات را امروز گفته‌ام. پس از آن گفت: بیایید بریم ببینیم. او برخاست و جماعت همراه او برخاستند، وقتی که به خانه‌ی او رسیدند دیدند خانه‌ی اطراف خانه‌اش سوخته و به خانه‌اش هیچ زیانی نرسیده است».

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ الترمذي وابْنِ السُنَّي بِإسْنادٍ ضَعِيْفٍ عَنْ أبي هُرَيْرَةَ س قالَ: قالَ رَسُولُ اللهِ ص: مَنْ قَرَأَ خَتْمَ الْمُؤْمِنَ إِلَى إِلَيْهِ الْمَصِيرُ وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ، حِينَ يُصْبِحُ، حُفِظَ بِهِمَا حَتَّى يُمْسِيَ، وَمَنْ قَرَأَهُمَا حِينَ يُمْسِيَ، حُفِظَ بِهِمَا حَتَّى يُصْبِحَ». «رسول الله ص فرمود: «کسی که سوره‌ی ختم المؤمن را که سوره غافر نیز نامیده می‌شود تا إلیه المصیر بخواند و آیۀ الکرسی بخواند به برکت این دو نگهداری می‌شود، اگر این دو را صبح خوانده تا اول شب حفظ می‌شود، و اگر اول شب این دو را خوانده تا صبح حفظ می‌شود». آن آیات عبارتند از:

بسم الله الرحمن الرحيم: ﴿تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ٢ غَافِرِ ٱلذَّنۢبِ وَقَابِلِ ٱلتَّوۡبِ شَدِيدِ ٱلۡعِقَابِ ذِي ٱلطَّوۡلِۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ إِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ٣﴾ [المؤمن: 2-3].

آيۀ الكرسی: ﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيۡءٖ مِّنۡ عِلۡمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَ‍ُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ٢٥٥﴾ [البقرة: 255].

این‌ها احادیثی است راجع به اذکار شبانه روز که خواستیم آنها را ذکر کنیم و برای کسی که خدا او را موفق کند، کفایت می‌کند. از خداوند بزرگ توفیق عمل به این احادیث و همه‌ی راه‌های خیر را می‌خواهیم.

«باب ما يقال في صبيحة يوم الجمعة»

بابی است در بیان آنچه در صبح روز جمعه گفته می‌شود

بدان که هرچه از اذکار غیر روز جمعه است در روز جمعه نیز گفته می‌شود، و بیش از هرروز دیگر مستحب است بسیاری یاد خدا در روز جمعه و بسیاری درودفرستادن بر رسول الله ص.

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ ابْنِ السُنِّي عَنْ أنَسٍ س عَنِ النَّبِيَّ ص قال: مَنْ قَالَ صَبيحَةَ يَوْمِ الجُمعَة قَبْلَ صَلاةِ الغَدَاةِ: أسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذي لا إلهَ إِلاَّ هُوَ الحَيَّ القَيُّومَ وأتُوبُ إلَيْهِ ثَلاثَ مَرَّاتٍ غَفَرَ اللَّهُ تَعالى ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ البَحْرِ»**.** «رسول الله ص فرمود: کسی که قبل از نماز فرض صبح روز جمعه سه بار بگوید:«أسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذي لا إلهَ إِلاَّ هُوَ الحَيَّ القَيُّومَ وَأتُوبُ إلَيْهِ» گناهش آمرزیده می‌شود و اگرچه مثل کف دریا باشد». و باید دانست که دَین و حق الناس از آن مستثنی است. ترجمه: آمرزش می‌خواهم از خدایی که نیست معبودی به حق مگر او که زنده‌ی همیشگی است و قیوم و ایستاده به تدبیر کاینات است و توبه و رجوع می‌کنم به درگاه او. و مستحب است بسیار دعاکردن در روز جمعه از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب، به امید این که دعایش در ساعت اجابت دعا واقع شود، و وقت اجابت دعا در قول معتمد میان نشستن امام میان دو خطبه است تا این که سلام نماز جمعه را بدهد. و اقوال بسیاری در باره‌ی آن هست و امام علامه ابن حجر عسقلانی در فتح الباری، شرح بخاری چهل قول در این خصوص آورده است که قول معتمد اینجا آوردیم و قول دومی نزدیک به صواب است و آن قبل از غروب آفتاب روز جمعه است.

«باب ما يقول إذا طلعت الشمسُ»

بابی است در بیان آنچه موقع طلوع آفتاب می‌گوید

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ ابْنِ السُنِّي بإسنادٍ ضَعِيْفٍ عَنْ أبِي سَعِيْدِ ألخُدْرِي س قالَ كانَ رَسُولُ الله ص إذا طَلَعَتْ الشَّمْسُ قالَ: الْحْمَدُ لِلَّه الَّذِي جَلَّلَنَا الْيَوْمَ عَافِيَتَهُ، وَجَاءَنَا بِالشَّمْسِ مِنْ مَطْلَعِهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَشْهَدُ لَكَ بِمَا شَهِدْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ، وَشَهِدَتْ بِهِ مَلائِكَتُكَ وَحَمَلَةُ عَرْشِكَ وَجَمِيعُ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لا إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ قَائِمًا بِالْقِسْطِ، لا إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، شَهَادَتِي مَعَ شَهَادَةِ مَلائِكَتِكَ وَأُولِي الْعِلْمِ وَمَنْ لَمْ يَشْهَدْ بِمِثْلِ مَا شَهِدْتُ، فَاكْتُبْ شَهَادَتِي مَكَانَ شَهَادَتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلامُ وَمِنْكَ السَّلامُ وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلامُ، أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجَلالِ وَالإِكْرَامِ أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا دَعْوَتَنَا، وَأَنْ تُعْطِينَا رَغْبَتَنَا، وَأَنْ تَزِيدَنَا فَوْقَ رَغْبَتِنَا، وَأَنْ تُغْنِينَا عَمَّنْ أَغْنَيْتَهُ عَنَّا مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعِيشَتِي وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إلَيْهَا مُنْقَلَبِي». «رسول الله ص موقعی که آفتاب طلوع می‌کرد می‌فرمود: «همه‌ی ستایش برای خدایی است که امروز ما را به عافیتش پوشید و آفتاب را از محل بیرون‌آمدنش آورد، (یعنی از جهت مغرب که علامت قیامت است آفتاب را بیرون نیاورد) خدایا من در این بامداد گواهی می‌دهم برایت به آن گواهی که برای خودت گواهی دادی، و فرشتگانت و بردارندگان عرش عظیمت و همه‌ی مخلوقاتت به آن گواهی دادند که تو خدای یکتایی، نیست معبودی به حق مگر تو که برپادارنده‌ی عدل هستی، نیست معبودی به حق مگر تو که پرعزت و پرحکمت هستی. خدایا بنویس گواهی ام را بعد از گواهی فرشتگانت و دانشمندان. خدایا تو سلام هستی و سلامتی از هر عیب و نقص از توست، و سلامتی همه به‌سوی تو باز می‌گردد، از تو می‌خواهم ای صاحب شکوه و بزرگواری که دعای‌مان را به اجابت برسانی و آنچه از تو می‌خواهیم به ما عطا فرمایی، و از هرکسی که از ما بی‌نیاز است ما را از او بی‌نیاز گردانی تا هر کسی از خلق تو که از ما بی‌نیاز باشد ما هم از او بی‌نیاز باشیم. خدایا دین مرا که وسیله‌ی نگهداری‌ام از آتش است از هرچه مایه‌ی خشم تو می‌شود نگهدار و دنیای مرا که زندگی‌ام در آن است به صلاح آور، و آخرتم را که در آن بازگشتم به‌سوی توست شایسته گردان».

«وَرَوَيْنَا فِيْهِ عبد الله بن مسعود س - موقوفاً عليه – أنَّهُ جَعَلَ مَنْ يَرْقُبُ لَهُ طُلُوعَ الشَّمْسِ فَلَمَّا أخْبَرَهُ بِطُلُوعِهَا قالَ: الْحَمْدُ لله الَّذِي وَهَبَ لَنَا هذَا الْيَوْمِ وأقالَنا فِيْهِ عَثَرَاتِنا».

«و در کتاب ابن السنی روایت داریم از عبدالله بن مسعود س از گفته خودش که او به کسی می‌گفت تا بیرون‌آمدن آفتاب را منتظر شود و هر وقت طلوع نمود به او خبر بدهد، وقتی که او را از طلوع آفتاب خبر داد گفت: همه‌ی ستایش برای خدایی است که امروز را در اختیار ما نهاد و امروز از لغزش‌های ما درگذشت».

«باب ما يقولُ إذا اسْتَقَلَّتِ الشَّمْسُ»

بابی است در بیان آنچه که وقت بالا‌آمدن آفتاب می‌گوید

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ ابْنِ السُنِّي عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبَسَةَ س عَنْ رَسُولِ الله ص قال: ما تَسْتَقِلُّ الشَّمْسُ فَيَبْقَى شَيْءٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالى إِلاَّ سَبَّحَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِلاَّ ما كانَ مِنَ الشَّيْطانِ وأعْتَاءِ بَنِي آدَمَ!. فَسألْتُ عَنْ أعْتاء بَنِي آدَمَ فَقَال: شِرَارُ الخَلْقِ». «رسول الله ص فرمود: «موقعی که آفتاب بالا می‌آید همه‌ی مخلوقات خدا به تسبیح و تنزیه خدای عزوجل می‌پردازند، مگر شیطان و پست‌فطرتان از آدمی‌زادگان که تسبیح خدای متعال نمی‌گوید». در باره‌ی پست‌فطرتان بنی آدم پرسیدم، فرمود: «بدان مردم»».

«باب ما يقولُ زوال الشمس إلى العصر»

بابی است در بیان آنچه که بعد از زوال آفتاب تا عصر می‌گوید

پیش از این یاد شد که چه بگوید وقتی که لباس می‌پوشید و وقتی که داخل به مستراح می‌شود و وقتی که از آن بیرون می‌آید و وقتی که وضو می‌گیرد و وقتی که به مسجد می‌روید و وقتی که به در مسجد می‌رسد و وقتی که داخل مسجد است و وقتی که اذان می‌شنود و وقتی که اقامه‌ی نماز می‌شنود و وقتی که برمی‌خیزد برای نماز. و آنچه در نماز می‌گوید از اول نماز تا آخر آن، و آنچه بعد از نماز می‌گوید، این‌ها همه در باب‌های خود یاد شد و همه‌ی آنها در نمازها مشترکند. و مستحب است بسیار یادکردن اذکار و عبادات دیگر بعد از زوال آفتاب، به دلیل آنچه روایت داریم در کتاب ترمذی از عبدالله بن السائب س که رسول الله ص بعد از زوال آفتاب قبل از نماز ظهر چهار رکعت سنت زوال می‌خواند و می‌فرمود: اکنون ساعتی است که درهای آسمان گشوده می‌شود و دوست می‌دارم که در این ساعت عمل صالحی برایم به آسمان برود. ترمذی گفت: حدیث حسن است، و مستحب است بسیاری یاد خدا بعد از نماز فرض ظهر و اذکار و سنن و تعقیبات آن، نظر به عموم فرموده‌ی پروردگار متعال:

﴿وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِبۡكَٰرِ﴾ [المؤمن: 55]. «و تسبیح‌گوی همراه با ستایش پروردگارت قبل از ظهر و بعد از ظهر». اهل لغت گفته‌اند: «عَشِیّ»: از زوال آفتاب تا غروب آفتاب است. و امام ابومنصور ازهری فرموده است: «عَشِیّ» نزد عرب میان زوال آفتاب تا غروب آفتاب است.

«باب ما يقول بعد العصر إلى غروب الشمس»

بابی است در بیان آنچه بعد از عصر تا غروب آفتاب می‌گوید

پیش از این یاد شد آنچه گفته می‌شود بعد از فرض ظهر و بعد از فرض عصر.

همچنین مووکدأ مستحب است بسیاری یاد خدا در وقت عصر، برای این که نماز فرض عصر به گفته‌ی گروهی از علمای سلف و خلف هان «الصلاة الوسطی» است. و همچنین مستحب است زیاد اهمیت‌دادن به اذکار صبح، برای این که صحیح‌ترین گفتار در باره‌ی «الصلاة الوسطی» در مورد نماز صبح و عصر است. و مستحب است بسیار یاد خداکردن بعد از عصر و به ویژه در آخر روز. خدای متعال فرمود:

﴿وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ غُرُوبِهَا﴾ [طه: 130]. «تسبیح همراه با ستایش پروردگارت بگوی قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آفتاب».

وقال الله تعالی: ﴿وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِبۡكَٰرِ﴾ [المؤمن: 55]. «و تسبیح پروردگارت همراه با ستایش او بگو از صبح تا قبل از ظهر و از بعد از ظهر تا غروب آفتاب».

وقال الله تعالی: ﴿وَٱذۡكُر رَّبَّكَ فِي نَفۡسِكَ تَضَرُّعٗا وَخِيفَةٗ وَدُونَ ٱلۡجَهۡرِ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ﴾ [الأعراف: 205]. «و به یاد بیاور و همیشه یاد کن در دل خودت از روی خشوع و حضور قلب و از روی ترس از عظمت خدا أ بدون آواز بلند در بامدادان و پسین».

وقال الله تعالی: ﴿يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ ٣٦ رِجَالٞ لَّا تُلۡهِيهِمۡ تِجَٰرَةٞ وَلَا بَيۡعٌ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ﴾ [النور: 36-37]. «تسبیح‌گوی ذات پاک پروردگارند در وقت صبح و پسین مردانی که ایشان را مشغول نمی‌سازد از یاد خدا نه تجارت و نه خرید و فروش». پیش از این یاد شد که آصال جمع اصیل است و اصیل میان عصر و مغرب را می‌گویند.

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ ابْنِ السُنِّي بإسنادٍ ضَعِيْفٍ عَنْ أنَسٍس قالَ: قالَ رَسُولُ اللهِص: لأَنْ أَجْلِسَ مَعَ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ اللَّهَﻷ مِنْ صَلاةِ العَصْرِ إلى أنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ أحَبُّ إليَّ مِنْ أَنْ أعْتِقَ ثَمَانِيَةً مِنْ وَلَدِ إسْماعِيلَ». «رسول الله ص فرمود: بنشینم با مردانی که یاد خدای عزوجل می‌کنند از بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب، محبو‌ب‌تر است نزد من از آزادکردن هشت برده که از فرزندان اسماعیل ÷ باشند». و فرمود از اولاد اسماعیل برای این که از ایشان باشد قیمتش بیشتر و گرامی‌تر و کمیاب‌تر است، و کلمه‌ی قوم به معنی مردان است:

﴿لَا يَسۡخَرۡ قَوۡمٞ مِّن قَوۡمٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُونُواْ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَلَا نِسَآءٞ مِّن نِّسَآءٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُنَّ خَيۡرٗا مِّنۡهُنَّۖ﴾ [الحجرات: 11]. «نباید ریشخند کنند مردانی از مردان دیگر، ممکن است ریشخندشدگان بهتر از ریشخندکنندگان باشند، و نباید ریشخند کنند زنانی از زنان دیگر، ممکن است ریشخندشدگان بهتر باشند از ریشخندکنندگان» که در اینجا قوم در مقابل نساء آورده است.

«باب ما يقول إذا سمع أذان المغرب»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید، موقعی که اذان مغرب را می‌شنود

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبي داود والترمذي عَنْ أمِّ سَلَمهَ ل قَالَتْ عَلَّمَنِي رَسُولُ اللهِ ص أنْ أقُولَ عِنْدَ أذانِ الْمَغْرِبِ: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا إِقْبَالُ لَيْلِكَ وَإِدْبَارُ نَهَارِكَ وَأَصْوَاتُ دُعَاتِكَ فَاغْفِرْ لِي». «از ام سلمه ل روایت داریم که گفت: رسول الله ص به من آموخت که موقعی که اذان مغرب شنیدم بگویم: «خدایا اکنون موقع روآوردن شب و پشت‌دادن روز و شنیدن آواز کسانی است که اذان می‌گویند و مردم را به‌سوی نماز و عبادتت دعوت می‌کنند، مرا ببخشای».

«باب ما يقول بعد الصلاة المغرب»

بابی است در بیان آنچه بعد از نماز مغرب می‌گوید

قبلاً یاد کردیم که بعد از هر نماز فرض اذکاری که یاد شد بگویند، و مستحب است که بعد از فراغت از نماز فرض مغرب و خواندن دو رکعت سنت بعدیه‌ی مغرب افزون برآنچه گذشت، بگوید آنچه از رسول الله ص وارد شده است.

«يَقولُ بَعْدَ أنْ يُصِلِّيَ سُنَّةَ الْمَغْرِبِ ما رَوَيْنَاه فِي كتابِ ابْنِ السُنِّي عَنْ أمّ سَلَمَهَلقالَتْ كانَ رَسُولُ اللهِ ص إذا انْصَرَفَ مِنْ صَلاةِ الْمَغْرِبِ يَدْخُلُ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ يَقُولُ فِيْمَا يِدْعُو: يا مُقَلِّبَ القُلوبِ! ثَبِّت قَلبي عَلَى دِينِكَ». «رسول الله ص بعد از این که از نماز فرض مغرب فارغ می‌شد به خانه‌ی ام سلمه ل می‌آید و در ضمن دعایش می‌فرمود: «يا مُقَلِّبَ القُلوبِ ثَبِّت قَلبي عَلَى دِينِكَ». ای زیر و بالاکننده‌ی دل‌ها، پایدار بدار دل‌های ما را بر دین خودت که دین اسلام است». تغیر و از حالی به حالی شدن دل‌ها معلوم است. از این رو مسلمان از خدا می‌خواهد دلش را از انحراف و تغیر حفظ فرماید و بر دین اسلام پایدار بدارد.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِرْمِذِي عَنْ عِمَارِةِ بنِ شَبِيْبٍ قالَ: قالَ رسول الله ص: مَنْ قَالَ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِى وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. عَشْرَ مَرَّاتٍ عَلَى إِثْرِ الْمَغْرِبِ بَعَثَ اللَّهُ لَهُ مَسْلَحَةً يَحْفَظُونَهُ مِنَ الشَّيْطَانِ حَتَّى يُصْبِحَ وَكَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ مُوجِبَاتٍ وَمَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ مُوبِقَاتٍ وَكَانَتْ لَهُ بِعَدْلِ عَشْرِ رِقَابٍ مُؤْمِنَاتٍ». «رسول الله ص فرمود: کسی که بعد از نماز مغرب ده بار «لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ». را تا آخر بگوید، یعنی نیست معبودی به حق مگر خدای یکتا که هیچ شریکی برای او نیست، پادشاهی و فرمانروایی و ستایش‌ها همه برای اوست، او زنده می‌گرداند و مرگ می‌دهد، زندگی و مرگ همه در دست اوست، و او بر همه چیز تواناست، خدای متعال نگهبانانی برای او می‌فرستد تا او را تا صبح از شر شیطان نگه دارند، و خدا می‌نویسد برای او ده حسنه‌ی ثابت‌کننده بهشت برای او، و از بین می‌برد ده گناه هلاک‌کننده از او. و همین ده بار گفتن لا إله إلا الله تا آخر برابر است با ثواب ده برده که آزاد نماید».

ترمذی فرمود که عماره بن شبیب از رسول الله ص شنیده است. امام نووی فرمود: نسائی این حدیث را از دو طریق روایت نموده: یک روایت الترمذی از عماره بن شبیب از رسول الله ص و روایت دیگری از عماره از مردی از انصار مدینه. ابوالقاسم ابن عساکر فرمود: روایت دومی درست است و حدیث ثابت است. نووی فرمود: «مَسْلَحَةً» به معنی «حَرَسْ» و نگهبانان است.

«باب ما يقرؤه في صلاة الوتر وما يقوله بعدها»

بابی است در بیان آنچه در نماز وتر می‌خواند و آنچه بعد از نماز وتر می‌گوید

سنت است برای کسی که نماز وتر را سه رکعت می‌خواند این که در رکعت اولی بعد از فاتحه سوره‌ی ﴿سَبِّحِ ٱسۡمَ رَبِّكَ ٱلۡأَعۡلَى﴾ بخواند و در رکعت دومی بعد از فاتحه سوره‌ی ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾ بخواند و در رکعت سومی سوره‌های ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾ و ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾ بخواند. اگر در رکعت اولی سوره‌ی ﴿سَبِّحِ ٱسۡمَ رَبِّكَ ٱلۡأَعۡلَى﴾ و ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾ را باهم بخواند. و اگر در رکعت دومی سوره‌ی ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾ را فراموش کرد در رکعت ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾ و ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾ و ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾ را باهم بخواند.

«وَرَوَيْنَا بالإسنادِ الصَحِيْحِ فِي سُنَنِ أبي داود والنسائي وغَيْرِهِما عَنْ أبُيِّ بن كَعْبٍس قال: كانَ رسول اللهص إذا سَلَّمَ مِنَ الْوَتْرَ قالَ: سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ!. وفِي رواية النسائي وابْنِ السُنِّي: سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ»**.** ثلاثَ مَرّاتٍ.

«رسول الله ص موقعی که از نماز وتر سلام می‌داد سه بار می‌فرمود: «سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ» یعنی پاک و منزه است خدایی که فرمانروای همه است، کسی نمی‌تواند از فرمان او سرپیچی نماید، او قدوس است، بسیار مقدس و مورد تعظیم است، همه‌ی کاینات به قدس و پاکی و عظمتش اعتراف دارند».

«وَرَوَيْنَاهُ فِي سُنَنِ أبي داود وَالتِرْمِذِي والنَّسائي عَنْ عَلِيٍّ س أنَّ النَّبِيَّ ص كانَ يَقُولُ فِي آخِرِ وِتْرِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لاَ أُحْصِى ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ!. قال الترمذي حديث حسن». «از علی س روایت داریم که رسول الله ص در آخر نماز وترش می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاك**َ**» تا آخر. یعنی خدایا پناه می‌برم به رضای تو از خشم‌گرفتنت و پناه می‌برم به عافیت‌دادنت از عقوبت‌دادنت و پناه می‌برم از عذاب تو به خودت. نمی‌توانم ثنا و احسان و خوبی تو را بشمارم، و تو آنچنان هستی که خودت ثنای خودت گفتی». یعنی در همه حال پناه می‌برم تا رضایت خودت را شامل حالم بگردانی، و از خشم و غضبت مرا دور بداری، و پناه می‌برم به عافیت‌دادنت و دور نگه داشتنت تا مرا از عقوبتت و کیفر دادنت معاف و دور نگه داری. و به خودت پناه می‌برم از عذابت، برای این که کسی نیست که ما را از عذابت نگه بدارد بجز خودت. چگونه ما بندگان می‌توانیم که ثنای شایسته‌ی عظمتت را برشماریم؟ ما بندگان ناتوان کجا و شناخت عظمت و ثنای شایسته‌ی عظمتت کجا! شایسته‌ی بزرگی‌ات ثنایی است که خودت برای خودت فرمودی، یعنی شایسته‌ی بندگان پناه ‌آوردن به خدا و اظهار عجز از ثنای شایسته‌ی خدا و خواهش قبول شکر و ثناست.

به قول سعدی /:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| فضل خدای را که تواند شمار کرد |  | یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد |
| بخشندگی و سابقه لطف و رحمتش |  | ما را بحسن عاقبت امیدوار کرد |

«باب ما يقول إذا أراد النوم واضطجع على فراشه»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که قصد خوابیدن نمود و به پهلو بر بسترش دراز کشید

قال الله تعالی:

﴿إِنَّ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ لَأٓيَٰتٖ لِّأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ١٩٠ ٱلَّذِينَ يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمۡ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٩١ رَبَّنَآ إِنَّكَ مَن تُدۡخِلِ ٱلنَّارَ فَقَدۡ أَخۡزَيۡتَهُۥۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ ١٩٢ رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعۡنَا مُنَادِيٗا يُنَادِي لِلۡإِيمَٰنِ أَنۡ ءَامِنُواْ بِرَبِّكُمۡ فَ‍َٔامَنَّاۚ رَبَّنَا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرۡ عَنَّا سَيِّ‍َٔاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ ٱلۡأَبۡرَارِ ١٩٣ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخۡزِنَا يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ إِنَّكَ لَا تُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ١٩٤﴾ [آل‌عمران: 190-194].

«حقا که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و به دنبال هم آمدن شب و روز نشانه‌هایی است از عظمت قدرت الله أ برای صاحبان خردها، خردمندان می‌دانند که چه قدرتی است که شب و روز را به وجود می‌آورد، اگر تمام مردم روی زمین جمع شوند تا اکنون که بامداد است به وقت ظهر تبدیل کنند نمی‌توانند که معلوم، بلکه یک دقیقه نمی‌توانند در گردش آفتاب تقدیم و تأخیر به وجود آورند، و این خردمندانند که آن را می‌دانند. آن مردمی که همیشه خدا را یاد می‌کنند، همیشه زبان‌شان تر است از یاد خدا در حالی که ایستاده‌اند و در حالی که نشسته‌اند و در حالی که به پهلو افتاده‌اند و همیشه یاد خدا آرام دل‌هایشان است و یاد خدا اطمینان خاطره‌هایشان و یاد خدا بقای حیات‌شان است».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيْحِ الْبُخَارِي مَنْ رواية حُذَيْفَةَ وأبي ذَرٍ ب أنَّ رَسُولَ اللهِ ص كانَ إذا أوَي إلَي فِراشِهِ قال: بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَا وَأمُوتُ». «رسول الله ص موقعی که بر بستر خواب پهلو می‌نهاد می‌فرمود: «خدایا به نام تو زنده می‌مانم و به نام تو می‌میرم». یعنی حیات من از برکت یاد نام توست و وفات من بر یاد نام توست».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيْحِ مُسلِمٍ مِنْ رواية الْبَراء بنِ عازِب ب.وَرَوَيْنَا فِي صَحِيْحَيْ الْبُخَارِي ومُسلَمٍ عَنْ عَلِيٍّ س أنَّ رسول الله ص قالَ لَهُ ولِفاطِمَةَ ب: إِذَا أَوَيْتُمَا إِلَى فِرَاشِكُمَا، أَوْ أَخَذْتُمَا مَضَاجِعَكُمَا، فَكَبِّرَا ثَلاَثًا وَثَلاَثِينَ، وَسَبِّحَا ثَلاَثًا وَثَلاَثِينَ، وَاحْمَدَا ثَلاَثًا وَثَلاَثِينَ!. وفِي رَوَايةٍ: التَّسْبِيحُ أَرْبَعاٌ وَثَلاَثِيْنَ!. وفِي رَوايَةٍ: التَّكْبِيرُ أرْبعاً وَثَلاَثينَ!. قالَ عليٌّس: فَمَا تَرَكْتُهُ مُنْذُ سَمِعْتُهُ مِنْ رسول الله ص قِيْلَ له: ولا لَيْلَةَ صِفَّيْنِ؟ قال: ولا لَيْلَةَ صِفَّيْنِ». «رسول الله ص به علی و فاطمۀ الزهراء ب فرمود: «موقعی که به بستر خواب‌تان آمدید یا موقعی که بر بستر خواب بر پهلو خوابیدید، سی و سه بار بگویید: الله اکبر و سی و سه بار بگویید: سبحان الله و سی و سه بار بگویید: الحمد لله». و در روایتی سی و چهار بگویید: «الله اکبر و سی و سه بار سبحان الله و سی و سه بار الحمد لله». و در روایتی: «سی و سه بار الله اکبر بگویید و سی و چهار بار سبحان الله بگویید و سی و سه بار الحمد لله بگویید» تا صد بار تکمیل شود. و خوب است که بعضی اوقات الله اکبر سی و چهار بار بگوید و باقی سی و سه بار و بعضی اوقات سبحان الله سی و چهار بار بگوید و باقی سی و سه بار. علی س فرمود: از روزی که از رسول الله ص شنیدم که قبل از خواب این کلمات را بگویید هیچ وقت نه در حضر و نه در سفر آن را ترک نکردم، به ایشان گفته شد که در شب صفین هم آن را ترک ننمودی؟ فرمود: در شب صفین هم آن را ترک ننمودم»، صفین نام محلی است در شام که در آنجا جنگ سختی میان علی و معاویه پیش آمد و اگرنه چاره‌جویی اطرافیان معاویه بود، شکست‌شان حتمی بود.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيْحَي البُخَارِي ومُسلِم عَنْ أبِي هُرَيْرَةَس قال: قالَ رسول اللهص: إِذَا أَوَى أَحَدُكُمْ إِلَى فِرَاشِهِ فَلْيَنْفُضْ فِرَاشَهُ بِدَاخِلَةِ إِزَارِهِ، فَإِنَّهُ لاَ يَدْرِى مَا خَلَفَهُ عَلَيْهِ، ثُمَّ يَقُولُ: بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنْبِى، وَبِكَ أَرْفَعُهُ، إِنْ أَمْسَكْتَ نَفْسِى فَارْحَمْهَا، وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ!. وفي رواية: يَنْفُضْهَا ثَلاثَ مرّاتٍ». «رسول اللهص فرمود: «هر وقتی یکی از شما به بستر خوابش آمد آن را تکان بدهد به کنار لنگ پایش، برای این که نمی‌داند در حال غیبتش از فراش چه چیز برآن آمده است - در آن ایام موقع خواب چراغ نمی‌گذاشته‌اند، و اگر عقربی یا حشره‌ای بر فراش می‌آمده نمی‌دانسته‌اند. به همین علت رسول الله ص این دستور را فرمود تا دچار گزیدن عقرب و یا غیره نشوند - پس از آن می‌گوید: به نام تو ای پروردگارم پهلویم را بر بستر نهادم و به نام تو پهلویم را از بستر خواب برمی‌دارم. اگر در خواب جانم را گرفتی آن را مورد رحمت قرار بده، و اگر جانم را از مردن نجات دادی، آن را نگه دار آن چنان‌که جان بندگان صالح و شایسته‌کارت را نگه می‌داری». و در روایتی دیگر: فراش خواب را سه بار تکان بدهد».

«وَرَوَيْنَا فِي الصَّحِيْحَيْنِ عَنْ عائِشَةَ ل أنَّ رَسُولَ اللهِ ص كَانَ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ نَفَثَ فِى يَدَيْهِ، وَقَرَأَ بِالْمُعَوِّذَاتِ، وَمَسَحَ بِهِمَا جَسَدَهُ. وفِي الصَّحِيْحَيْنِ عَنْها أنَّ النَّبِيَّص كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ كُلَّ لَيْلَةٍ جَمَعَ كَفَّيْهِ ثُمَّ نَفَثَ فِيهِمَا فَقَرَأَ فِيهِمَا ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾ وَ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾ ثُمَّ يَمْسَحُ بِهِمَا مَا اسْتَطَاعَ مِنْ جَسَدِهِ يَبْدَأُ بِهِمَا عَلَى رَأْسِهِ وَوَجْهِهِ وَمَا أَقْبَلَ مِنْ جَسَدِهِ يَفْعَلُ ذَلِكَ ثَلاَثَ مَرَّاتٍ. قالَ أهلُ اللغة: النَّفْثُ: نَفْخٌ لَطِيْفٌ بِلا رِيْقٍ». «رسول الله ص هرشب موقعی که به بستر خواب می‌آمد دو کف دست خود را باهم جمع می‌کرد و در کف دو دستش با نفس می‌دمید بدون آن که آب دهن با آن همراه باشد، سپس سوره‌ی ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ و سوره‌ی ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾ و سوره‌ی ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾ را در آن دو می‌خواند، و سپس همین دو کف دست را به سر و صورت و جلو بدنش مثل سینه و شکم و به هرجا که دستش می‌رسید می‌کشید و این کار را سه بار انجام می‌داد. زبان‌شناسان گفته‌اند: النفث: یعنی دمیدن به آرامی و بدون آب دهان».

«وَرَوَيْنَا في الصَّحِيْحَيْنِ عَنْ أبِي مَسْعُودِ الْأنْصارِي البَدْرِي، عُقْبَةِ بْنِ عَمْروس قال: قال رسول الله ص: الآيَتَانِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ مَنْ قَرَأَهُمَا فِى لَيْلَةٍ كَفَتَاهُ!. اِخْتَلَفَ الْعُلَماءُ فِي مَعْنَي كَفَتَاهُ، فَقِيْلَ مِِنَ الآفاتِ فِي لَيْلَتِهِ وقِيْلَ كَفَتَاه مِنْ قِيَامِ لَيْلَتِةِ. قُلْتُ: ويَجُوزُ أنْ يُرادِ الأمْرانُ». «رسول الله ص فرمود: «کسی که دو آیه‌ی آخر سوره‌ی البقره: ﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦۚ وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ٢٨٥ لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَعَلَيۡهَا مَا ٱكۡتَسَبَتۡۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٨٦﴾ [البقرة: 285-286]. را در شبی بخواند و او را برای دفع آفات و گزاردن نماز تهجد کفایت کند». رسول الله ص ایمان آورد به آنچه نازل شده به‌سوی او از جانب پروردگارش، و مؤمنان هم ایمان آوردند به آنچه بر رسول الله ص نازل شده است، هرکدام از رسول الله ص و مؤمنان ایمان آورد به خدا و به فرشتگان خدا و به کتاب‌های خدا و به پیغمبران خدا و گفتند: ما جدایی نمی‌اندازیم میان پیغمبران خدا (که بگوییم این پیغمبر را قبول داریم و آن پیغمبر را قبول نداریم، چنانکه یهودیان گفتند: عیسی را قبول نداریم و موسی را قبول داریم، و چنانکه نصاری گفتند: عیسی را قبول داریم، محمد ص را قبول نداریم. امت محمد ص همه‌ی پیغمبران را قبول دارند) و هرکدام از پیغمبران و مؤمنان گفتند: شنیدیم فرمان خدا و اطاعت نمودیم او را. بیامرز ما را ای پروردگار ما و بازگشت ما به‌سوی توست، خدای عزوجل تکلیف نمی‌فرماید کسی را مگر به قدر طاقت و تواناییش، برای هرکس می‌باشد ثواب نیکوکاریش و عقاب بدکرداریش. پروردگار ما! ما را مؤاخذه مفرما اگر فراموش کردیم و یا خطا نمودیم، ای پروردگار ما! بار سنگینی که حمل آن نتوانیم، بر دوش ما مَنِه. چنانکه بر یهود قرار دادی تا اگر جایی از لباسش پلید شود آن را بچیند. ای پروردگار ما! آنچه تواناییش نداریم ما را به آن مکلف منما و عفو فرما گناهان ما را و بیامرز ما را، و ما را به رحمتت شاد کن که تو دوست و یاری‌دهنده مایی و ما را بر گروه کافران پیروز فرما».

«وَرَوَيْنَا فِي الصَّحِيْحَيْنِ عَنِ الْبَراءِ بنِ عازِب ب قال: قال لِي رسولُ اللهِ ص: إِذَا أَتَيْتَ مَضْجَعَكَ فَتَوَضَّأْ وَضُوءَكَ لِلصَّلاَةِ، ثُمَّ اضْطَجِعْ عَلَى شِقِّكَ الأَيْمَنِ، وَقُلِ اللَّهُمَّ أَسْلَمْتُ نَفْسِى إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِى إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِى إِلَيْكَ، رَهْبَةً وَرَغْبَةً إِلَيْكَ، لاَ مَلْجَأَ وَلاَ مَنْجَا مِنْكَ إِلاَّ إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِى أَنْزَلْتَ، وَنَبِيِّكَ الَّذِى أَرْسَلْتَ . فَإِنْ مُتَّ مُتَّ عَلَى الْفِطْرَةِ، فَاجْعَلْهُنَّ آخِرَ مَا تَقُولُ».هذا لفظ إحْدَي رَواياتِ الْبُخارِي. وباقِي رواياتِهِ وروايَاتِ مُسلِم مُقَارِبةٌ لَها. «رسول الله ص به براء بن عازب ب فرمود: «وقتی که خواستی به بستر خواب بروی وضو بگیر مانند وضویی که برای نماز می‌گیری، پس از آن بر پهلوی راست بخواب و بگو: خدایا تسلیم نمودم خودم را به تو، و واگذار نمودم کارهایم به تو و پناه دادم کمرم را به تو، از روی شوق و رغبت به‌سوی تو و از جهت ترس از تو. یقین دارم که نه پناهگاهی هست مگر نزد تو و نه گریزگاهی هست مگر به‌سوی تو. پناه من خودت هستی و نجات من در دست توست، ایمان آوردم به کتابی که نازل فرمودی و به پیغمبرت که او را فرستادی – ایمان به قرآن و به خاتم الأنبیا ص استوار است - اگر آن شب مردی بر دین اسلام مرده‌ای و این کلمات را آخرین گفتارت قرار بده». امام نووی / فرمود: این یکی از روایت‌های بخاری است، و باقی روایات بخاری و مسلم به این روایت نزدیکند».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيْحِ البُخاري عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَس قَالَ: وَكَّلَنِى رَسُولُ اللَّهِ ص بِحِفْظِ زَكَاةِ رَمَضَانَ، فَأَتَانِى آتٍ، فَجَعَلَ يَحْثُو مِنَ الطَّعَامِ - وذَكَرَ الْحَدِيثَ. وقَالَ إِذَا أَوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِىِّ لَنْ يَزَالَ مَعَكَ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ، وَلاَ يَقْرَبُكَ شَيْطَانٌ حَتَّى تُصْبِحَ. فَقَالَ النَّبِىُّ ص: صَدَقَكَ وَهْوَ كَذُوبٌ، ذَاكَ شَيْطَانٌ»**.** أخْرَجَهُ البُخارِي فِي صَحِيْحِهِ فَقَال: وقالَ عُثْمانُ بنُ الْهَيْثَمِ: حَدَّثنا عوف عَنْ محمّد بن سيرين عَنْ أبِي هُرَيْرَة وهذا متصل فإنّ عثمان بن الهيثم أحد شيوخ البُخارِي الذين روي عنهم فِي صحيحه، وأمّا قول أبي عبد الله الحُمَيْدِي فِي الجمع بين الصحيحين: أنّ البُخارِي أخرجه تعليقاً، فغير مقبول، فإنّ الـمذهب الصحيح الـمختار عند العلمـاء والذي عليه الـمحقّقون أنّ قول البُخارِي وغيره: وقالَ فلان! محمول على سماعه منه واتصاله إذا لـم يكن مدلّساً وكان قد لقيه، وهذا من ذلك. وإنمـا الـمعلّق ما أسقط البُخارِي منه شيخه أو أكثر بأن يقول فِي مثل هذا الحديث: وقالَ عوف. أو قال محمد بن سيرين، أو قالَ أبوهريرة والله أعلم. «در صحیح بخاری به روایت از ابوهریره س می‌آورد که ابوهریره گفت: رسول الله ص مرا وکیل نمود به حفظ زکات فطر، شبی دیدم مردی آمده و با دو کف دست خود از زکات فطر می‌گیرد، به او گفتم: تو را به خدمت رسول الله ص می‌برم، گفت: امشب مرا مبر که فقیرم و بیشتر نمی‌آیم، شب بعد باز آمد و خواستم مانعش بشوم، گفت: مردی فقیر و عیال‌بار هستم او را رها کردم. شب سوم که آمد و خواستم مانعش شوم، گفت: مرا رها کن که من تو را مطلبی می‌آموزم، گفت: شب موقع خواب که به بستر خواب می‌روی آیۀ الکرسی بخوان که از اول شب تا آخر شب از طرف خدا نگهبانی می‌یابی که تو را نگهداری می‌کند تا صبح، و آن شب شیطان تا صبح به تو نزدیک نمی‌شود. وقتی که این واقعه را خدمت رسول الله ص عرض نمودم، فرمود: این کسی که سه شب است که می‌آید تا از زکات فطر بگیرد این شیطان است و او دروغگو است، اما آنچه راجع به آیة الکرسی به تو گفته راست گفته است».

امام نووی فرمود که این حدیث صحیح بخاری حدیثی است مرفوع و متصل، برای این که امام بخاری همه‌ی رجال سند از جمله شیخش عثمان بن الهیثم و عوف و ابن سیرین و ابوهریره همه را ذکر نموده است، و چنین حدیث صحیح و متصل و مرفوع را نمی‌توان از معلقات برشمرد، و معلق حدیثی است که امام بخاری یکی از شیوخش یا بیشتر از اسناد حدیث حذف می‌کرد، مثلاً می‌گفت: قال عوف که ابن سیرین و ابوهریره را نمی‌آورد، یا این که می‌گفت قال محمد بن سیرین که عوف را از اسناد می‌انداخت یا می‌فرمود: قال ابوهریره که عوف و ابن سیرین را نمی‌آورد، والله اعلم.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبي داود عَنْ حَفْصَةَ أمّ المُؤمِنِيْنَ ل أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْقُدَ وَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى تَحْتَ خَدِّهِ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ قِنِى عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ!. ثَلاثَ مرّاتٍ**.** ورواه الترمذي من رواية حذيفة عَنْ النَّبِيّ ص وقالَ: حديث صحيح حسن. ورواه أيضاً فِي رواية البراء بن عازب ولـم يذكر فيها ثلاث مرّات». «رسول الله ص هروقت قصد خوابیدن می‌نمود دست راستش را زیر رخسارش می‌نهاد و می‌فرمود: «خدایا مرا نگه دار از عذابت در روزی که بندگانت را زنده می‌فرمایی» که مقصود روز قیامت است، و قصد تعلیم امت است که روز قیامت را از یاد نبرند. در سنن ابی داود آمده که رسول الله ص «اللَّهُمَّ قِنِى عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ». را سه بار می‌فرمود. و در روایت ترمذی از حذیفه و براء بن عازب کلمه‌ی سه بار نیاورده‌اند. بنابراین، سه بار گفتن جانب احتیاط دارد و یک بار گفتن کافی است».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيْحِ مُسْلِمٍ وسُنَنِ أبِي داوُدَ والتِّرْمِذِي والنَّسِأئي وابْنِ ماجَه عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ س عَنِ النَّبِىِّص أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَرَبَّ الأَرْضِ وَرَبَّ كُلِّ شَىْءٍ فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى مُنَزِّلَ التَّوْرَاةِ وَالإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِى شَرٍّ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ أَنْتَ الأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَىْءٌ وَأَنْتَ الآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَىْءٌ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَىْءٌ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَىْءٌ، اِقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ!. وفِي رواية أبي داود: اقْضِ عَنِّى الدَّيْنَ وَأَغْنِنِى مِنَ الْفَقْرِ». «رسول الله ص موقعی که به بستر خواب می‌آمد می‌فرمود: «خدایا! ای پروردگار آسمان‌ها و ای پروردگار زمین و ای صاحب عرش عظیم. ای پروردگار ما و پروردگار همه چیز! (همه چیز پرورده‌ی نعمت‌های اوست) ای شکافنده‌ی دانه‌ها و هسته‌ها برای سبزشدن آنها. ای فرود‌آورنده‌ی تورات بر موسی و انجیل بر عیسی و قرآن بر محمد مصطفی ص پناه می‌برم به تو از شر هر صاحب شری که پیشانی او در دست توست (کاینات همه مقهور فرمان اوست و همه پیشانی خود را تسلیم فرمان او نموده‌اند) ای خدا تو اول هستی، همیشه بوده‌ای و هستی و خواهی بود، پیش از تو هیچ نبوده است، هرچه هست همه به ید قدرت تو به وجود آمده‌اند، و تو هستی آخر وقتی که همه می‌میرند و تو حی لا یموت باقی هستی و فنا به درگاهت راه ندارد، تو ظاهر هستی و در همه چیز آشکار هستی، برای این که هستی همه چیز از توست، هیچگاه بالا دست تو کسی نخواهد بود، و تو هستی پنهان. بنابراین، غیر تو هیچ نیست، وجود همه‌ی کاینات از توست، ظهور همه از توست، خفای همه به فرمان توست، نه پیش از تو کسی بوده و نه بعد از تو کسی می‌ماند، همه می‌میرند و میراث بر همه خودت هستی، همه مقهور فرمان تو هستند و نیست بالا دست تو چیزی، از همه چیز ظاهرتر و آشکارتری، برای این که هرچه هست معرُف هستی توست، از همه نهان‌تری، زیرا که دید کسی به تو نخواهد رسید. ای آن که بود و نبود همه در دست توست، و ای آن که رسیدن به فریاد همه وصف توست، بار سنگین بدهی از دوش ما بردار، و ذلت حاجت به مثل خودمان از گردن ما بستان، تا آنچه داریم از تو بدانیم و آنچه بخواهیم از تو بخواهیم و از عنایتت تاج عبودیت تنها برای خودت نصیب ما باشد». و در روایت ابی داود: «اِقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وأَغْنِنِي مِنَ الفَقْرِ». به یاء مفرد است، و لیکن روایت جمع از صحاح خمسة است، و آن روایت بسی قوی‌تر است و می‌شود گفت: گاهی این دعا را به لفظ مفرد، چنانکه روایت ابوداود است و گاهی به صیغه‌ی جمع، چنان‌که روایت جماعت است، دعا نماید.

«وَرَوَيْنَا بالإسناد الصَحِيْحَ فِي سُنَنِ أبِي داود والنسائي عَنْ عَلِيٍّ س عَنْ رَسُولِ اللهِ ص أنَّهُ كانَ يَقُولُ عِنْدَ مَضْجَعِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ اللَّهُمَّ أَنْتَ تَكْشِفُ الْمَغْرَمَ وَالْمَأْثَمَ اللَّهُمَّ لاَ يُهْزَمُ جُنْدُكَ وَلاَ يُخْلَفُ وَعْدُكَ وَلاَ يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ». «رسول الله ص موقعی که پهلو می‌نهاد برای خوابیدن می‌فرمود: «خدایا پناه می‌برم به ذات بزرگوارت و کلمات کلامت که همه دارای کمال و تمام هستند از شر هرچه تو پیشانیش را به ید قدرت در دست گرفته‌ای، پناه می‌برم از همه‌ی آنها به تو، از این رو که به یقین پیشانی همه در ید قدرت توست و همه مقهور فرمان تو هستند. خدایا تو هستی که رفع بدهکاری و گنهکاری می‌فرمایی. غنا می‌دهی و فقر را برمی‌داری و طاعت می‌دهد و عصیان را بر می‌داری. خدایا هیچگاه لشکریانت شکست نمی‌خورند و هیچ‌گاه وعده‌ی تو خلاف نمی‌شود و هیچگاه ثروت صاحب ثروت را به جای تو نفع نمی‌رساند. تسبیح و تنزیه تو می‌گویم که سبوح و قدوس صفت توست، و به ستایش تو مشغول می‌شویم که ستایش‌ها همه برای توست».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيْحِ مُسْلِم وسُنَنِ أبي داود والتِّرْمِذِي عَنْ أنَسٍ س أنَّ رَسُولَ اللهِ ص كانَ إذا أوَي إِلَى فِرَاشِهِ قال: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكَفَانَا وَآوَانَا فَكَمْ مِمَّنْ لاَ كَافِىَ لَهُ وَلاَ مُئْوِىَ». قالَ الترمذی: حديث حسن صحيح. «رسول الله ص وقتی که به بستر خواب می‌رفت می‌فرمود: «حمد و ستایش برای خدای یکتایی است که خوراک به ما داد و سیراب کرد ما را و کفایت ما را از خوراک و آب و لباس فراهم فرمود و جایگاه به ما عطا نمود، چه بسیار کسانی که نه کفایت خوراک و آب و لباس دارند و نه جایگاه و منزلی که از آفتاب و باد و باران خود را در آن حفظ کنند».

«وَرَوَيْنَا بالإسْنادِ الْحَسَنِ فِي سُنَنِ أبي داودَ عَنْ أبِي الأزْهَري ويقالَ أبوزُهَيْرِ الأنماريس أنَّ رَسُولَ اللهِ ص كانَ إذا أخَذَ مَضْجَعَهُ مِنَ الْلَيْلِ قال: بِسْمِ اللَّهِ وَضَعْتُ جَنْبِى اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِى ذَنْبِى وَأَخْسِئْ شَيْطَانِى وَفُكَّ رِهَانِى وَاجْعَلْنِى فِى النَّدِىِّ الأَعْلَى». «رسول الله ص موقعی که آرامگاه خود را در شب فراهم می‌کرد، به بستر خواب می‌رفت تا در آنجا آرام گیرد، می‌فرمود: به نام خدا پهلویم را بر زمین نهادم، خدایا بیامرز گناهم را و خوار کن شیطانم را، از آنجا که بر هرکس شیطانی برای وسوسه‌ی او گماشته شده، برای تعلیم امت فرمود: شیطان گماشته بر من را خوار کن تا هیچ اذیتی نتواند انجام دهد و باز کن گروگان مرا، هرکسی در گرو کردار خود است، تا در گرو هیچ عملی نباشم و آزادانه به طاعتت بپردازم، و بگردان مرا در ملأ اعلی، یعنی مرا در گروه فرشتگان قرار ده تا دور و بر من همه فرشتگان و دعوت‌کنندگان به‌سوی طاعت حق تعالی باشند».

امام ابوسلیمان خطابی فرمود: نَدِیّ: گروهی هستند که در یک مجلس جمع شده باشند، و نادی هم به همین معنی است و جمع آن‌اندیَه است. و مقصود رسول الله ص از «نَدِیُ أعلَی: الـمَلأ الأعلَی» یعنی گروه ملائکه است.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبي داودَ والترمذي اقْرَأْ ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾ ثُمَّ نَمْ عَلَى خَاتِمَتِهَا فَإِنَّهَا بَرَاءَةٌ مِنَ الشِّرْكِ!. وفِي مُسْنَدِ أبي يَعْلَي المُوصِلِي عَنْ ابْنِ عَبّاسٍ ب عَنِ النَّبِيّ ص قالَ: ألا أدُلُّكُمْ على كَلِمَةٍ تُنْجِيْكُمْ مِنَ الإِشْرَاكِ باللَّهِﻷ تَقْرَؤونَ: ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾ عِنْدَ مَنَامِكُمْ». «رسول الله ص به نوفل أشجعی فرمود: «سوره‌ی ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾ را بخوان و در آخر آن به خواب برو، برای این که پایان این سوره براءت از شرک است». و در روایت ابن عباس فرمود: «شما را راهنمایی می‌نمایم بر کلمه‌ای که شما را از شرک‌آوردن به خدای عزوجل نجات می‌دهد، برای این منظور موقع خواب سوره‌ی ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾ را بخوانید».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبي داود والتِّرمِذِي عَنْ عِرْباضِ بْنِ سارِيَةِ س: أنَّ النَّبِيَّ ص كانَ يَقْرَأُ الْمُسِبِّحَاتِ قَبْلَ أنْ يَرْقُد». قالَ الترمذى: حديث حسن.

رسول الله ص پیش از این که بخوابد سوره‌هایی که اول آن سَبَّحَ لله یا یُسَبِّحُ لله می‌باشد، مثل سوره‌ی حشر و صف و تغابن و جمعه و أعلی می‌خواند والله أعلم.

«وَرَوَيْنَا عَنْ عَائِشَةَ ل قالَتْ كَانَ النَّبِيُّ ص لا يَنامُ حَتَّي يَقْرأَ بِني إسْرائيلَ والزُّمَر». قالَ الترمذی: حديث حسن.

«رسول اللهص نمی‌خوابید تا این که سوره‌ی بنی اسرائیل و سوره‌ی زُمر را می‌خواند».

«وَرَوَيْنَا بالإسْنادِ الصَّحِيْحِ فِي سُنَنِ أبي داود عَنْ ابْنِ عُمَرَبأنَّ النَّبِيَّص كانَ يَقُولُ إذا أخَذَ مَضْجَعَهُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى كَفَانِى وَآوَانِى وَأَطْعَمَنِى وَسَقَانِى وَالَّذِى مَنَّ عَلَىَّ فَأَفْضَلَ وَالَّذِى أَعْطَانِى فَأَجْزَلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ اللَّهُمَّ رَبَّ كُلِّ شَىْءٍ وَمَلِيكَهُ وَإِلَهَ كُلِّ شَىْءٍ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ». «رسول الله ص موقعی که پهلو را بر بستر خواب می‌نهاد می‌فرمود: «حمد و ستایش‌ها همه برای خدای یکتایی است که کفایت مرا فراهم فرمود و جایگاه به من عطا نمود و خوراک مرا رسانید و سیراب نمود، خدایی که منت گذاشت و زیاده بر حاجت ارزانی داشت خدایی که به من عطا فرمود و بسیار نمود، حمد و ستایش‌ها همه برای خدای یکتاست در همه حال. خدایا! پروردگار همه چیز و مالک و دارنده‌ای همه، و معبود به حق همه چیز، پناه می‌برم به تو از دوزخ».

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ الترمذي عَنْ أبِي سَعِيْدِ ألخُدْرِيَّ س عَنِ النَّبِيَّص قال: مَنْ قَالَ حِينَ يَأْوِى إِلَى فِرَاشِهِ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الْعَظِيمَ الَّذِى لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ الْحَىَّ الْقَيُّومَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ. ثَلاَثَ مَرَّاتٍ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ وَإِنْ كَانَتْ عَدَدَ وَرَقِ الشَّجَرِ وَإِنْ كَانَتْ عَدَدَ رَمْلِ عَالِجٍ وَإِنْ كَانَتْ عَدَدَ أَيَّامِ الدُّنْيَا». «رسول الله ص فرمود: کسی که موقع رفتنش به بستر خوابش سه بار بگوید: از خدا آمرزش می‌خواهم، آن خدایی که نیست معبودی به حق مگر او، خدای همیشه زنده و تدبیرکننده‌ی خلایق، و توبه و رجوع می‌کنم به درگاه او، خدا می‌آمرزد گناهانش را و اگرچه باشد مثل کف دریا، و اگر باشد به شماره‌ی ستارگان، و اگرچه باشد به شماره‌‌ی شن عالج، و اگرچه باشد به شماره‌ی روزهای دنیا».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبِي داودَ وغَيْرِهِ بإسْنادٍ صَحِيْحٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أسْلَمَ مِنْ أصْحَابِ النَّبِيَّ ص قَالَ كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لُدِغْتُ اللَّيْلَةَ فَلَمْ أَنَمْ حَتَّى أَصْبَحْتُ. قَالَ: مَاذَا!؟ قَالَ: عَقْرَبٌ. قَالَ: أَمَا إِنَّكَ لَوْ قُلْتَ حِينَ أَمْسَيْتَ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ لَمْ تَضُرَّكَ شَيءٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تعالى». «مردی از قبیله‌ی اسلم گفت: خدمت رسول الله ص نشسته بودم که مردی از یاران رسول الله ص آمد و گفت: ای رسول خدا! دیشب گزیده شدم و از درد آن تا صبح خواب به چشمم نیامد. فرمود: «چه چیز تو را گزید»؟ گفت: کژدم. فرمود: «آگاه باش که اگر در اول شب گفته بودی: پناه می‌برم به کلمات خدا که تمام و کمال را دارند از شر آنچه را که خدا آفرید، اگر این را گفته بودی به خواست خدای متعال هیچ چیز زیانی به تو نمی‌رسانید».

همچنین این حدیث را قبلاً در سنن ابوداود و غیره از روایت أبی هریره س در باب آنچه گفته می‌شود در صبح و شام یاد کردیم.

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ ابْنِ السُنَّي عَنْ أنَسٍ س أنَّ النَّبِيَّ ص أوْصَي رَجُلاً إذا أخَذَ مَضْجَعَهُ أنْ يَقْرأَ سُورةَ الْحَشْرِ وَقالَ: إنْ مِتَّ مِتَّ شَهِيداً، أو قال: مِنْ أهْلِ الجَنَّةِ».«در کتاب ابن سنی از انس س روایت نمودیم که پیامبر ص مردی را سفارش کرد تا موقعی که برای خوابیدن پهلو بر بستر می‌نهد سوره‌ی حشر را بخواند و فرمود: با خواندن سوره‌ی حشر اگر در آن شب مردی به شهادت از دنیا رفته‌ای یا از اهل بهشت هستی».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيْحِ المُسلمِ عَنْ ابْنِ عمر بأنَّهُ أمَرَ بِلالاً إذا أخَذَ مَضْجَعَهُ أنْ يَقُولَ: اللَّهُمَّ أنْتَ خَلَقْتَ نَفْسِى وَأَنْتَ تَوَفَّاهَا لَكَ مَمَاتُهَا وَمَحْيَاهَا إِنْ أَحْيَيْتَهَا فَاحْفَظْهَا وَإِنْ أَمَتَّهَا فَاغْفِرْ لَهَا اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ!. قالَ ابْنُ عمر ب:سَمِعْتُهُ مِنْ رسول الله ص». «در صحیح مسلم از ابن عمر ب روایت نمودیم که پیامبر ص بلال را امر کرد تا موقعی که به بستر خواب رفت بگوید: «خدایا تو جان مرا آفریدی و تو آن را وفات می‌دهی، زندگی و مرگش برای توست، اگر تو او را زنده نمودی او را نگه بدار و اگر او را مرگ دادی او را بیامرز. خدایا از تو عافیت می‌خواهم». ابن عمر گفت: این را از رسول الله ص شنیدم».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبِي داود والترمذي وغَيْرِهِمَا بالأسِانِيدِ الصَّحِيْحَةِ حَدِيْثَ أبِي هُرَيْرَةَ سالَّذِي قَدَّمْنَاهُ فِي بابِ ما يقولُ عندَ الصَّباحِ والمَسَاءِ فِي قِصَّةِ أبي بَكْرِِ الصَّدِّيقِ س: اللَّهُمَّ فاطِرَ السَّمواتِ والْأرْضَ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ رَبَّ كُلَّ شَيءٍ وَمَلِيْكَهُ أشْهَدُ أنْ لا إله إلا أنْتَ أعُوذُ بِكَ مِنْ شَرَّ نَفْسِي وَشَرِّ الشَّيْطانِ وشِرْكِهِ، قُلْهَا إذا أصْبَحْتِ وإذا أمْسَيْتِ وإذا اضْطَجَعْتِ». «و روایت نمودیم در سنن أبی داود و ترمذی و غیر این دو به اسناد صحیح حدیث أبی هریره س را که پیش از این یاد کردیم در داستان ابی بکر صدیق س: خدایا شکافنده‌ی آسمان‌ها و زمین، دانا به آنچه در عالم غیب است و دیده نمی‌شود و آنچه در عالم شهاده و دیدنی است، پروردگار هرچیز و مالک آن، گواهی می‌دهم بر این که نیست معبودی بحق مگر تو، پناه می‌برم به تو از شر خودم و از شر شیطان و دام او و شر شرک‌آوری و وسوسه‌ی او که رسول الله ص به او فرمود که آن را وقتی به صبح داخل می‌شود و وقتی که به شب داخل می‌شود و وقتی که به پهلو می‌افتد برای خوابیدن، بخوان».

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ الترمذي وابْنِ السُنِّي عَنْ شَدّادِ بْنِ أوْسٍ س قالَ: قال رسول اللهص: ما مِنْ مُسْلِمٍ يأوى إلى فِرَاشِهِ فَيَقْرأُ سُورَةً مِنْ كِتابِ اللَّهِ تَعالى حِينَ يأخُذُ مَضْجَعَهُ إِلاَّ وَكَّلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَ بِهِ مَلَكاً لا يَدَعُ شَيْئاً يَقْرَبُهُ يُؤْذِيهِ حتَّى يَهُبَّ مَتَى هَبَّ!. إسْنادُهُ ضَعِيْفٌ ومعني هَبَّ: اِنْتَبَهَ وقامَ». «رسول الله ص فرمود: هر مسلمانی که موقعی که به بستر خواب می‌رود و سوره‌ای از کتاب خدای تعالی را می‌خواند خدای عزوجل فرشته‌ای بر او موکل می‌کند تا نگذارد چیزی به او نزدیک شود و او را بیازارد تا این که از خواب بیدار شود و از بستر خواب بلند شود، اسناد این حدیث ضعیف است، و معنی هَبَّ: به خود آمد و بیدار شد و از بستر خواب برخاست».

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ جَابِرِ س أنّ رسول الله ص قالَ: إنَّ الرَّجُلَ إذَا أوَى إلى فِرَاشِهِ ابْتَدَرَهُ مَلَكٌ وَشَيْطانٌ، فَقَالَ المَلَكُ: اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِخَيْرٍ، فَقالَ الشَّيْطانُ: اخْتِمْ بِشَرّ، فإنْ ذَكَرَ اللَّهَ تَعالى ثُمَّ نامَ باتَ المَلَكُ يَكْلَؤهُ». «رسول الله ص فرمود: «وقتی که شخص به بستر خواب می‌رود، فرشته‌ای و شیطانی می‌شتابند تا زودتر به او برسند، فرشته وقتی که به او رسید به او می‌گوید: پایان کارت به خیر کن، و شیطان می‌گوید: پایان کارت به شر کن، اگر نام خدای متعال بر زبان جاری کرد و آنگاه خوابید فرشته از او نگهداری می‌نماید».

«وَرَوَيْنَا فِيْهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرو بْنِ العاصِ عَنْ رسول الله ص أنَّهُ كانَ يَقُولُ إذا اضْطَجَعَ لِلنَّوْمِ: اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنْبِي فَاغْفِرْلِي ذَنْبِي». «رسول الله ص وقتی بر پهلو می‌خوابید برای خوابیدن می‌فرمود: «خدایا به نام تو پهلوی خود را بر زمین نهادم، پس بیامرز گناهانم را».

«وَرَوَيْنَا فِيْهِ عَنْ أبِي أمامةَ س قالَ سَمِعْتُ رسول الله ص يَقُولُ: مَنْ أوَى إلى فِرَاشِهِ طاهِراً وَذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يُدْرِكَهُ النُّعاسُ لَمْ يَتَقَلَّبْ ساعَةً مِنَ اللَّيْلِ يَسألُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيها خَيْراً مِنْ خَيْر الدُّنْيا والآخرَةِ إِلاَّ أعْطاهُ إيَّاهُ». «ابو امامه س می‌گوید: از رسول الله ص شنیدم که می‌فرمود: «کسی که به بستر خواب پاک و با وضو رفت و یاد خدای ﻷ نمود تا این که چرت‌زدن به او رسید، هر ساعتی از شب که به خود آمد و از خدا خیری از خیرهای دنیا و آخرت خواست خدا آن را به او می‌دهد».

«وَرَوَيْنَا فِيْهِ عَنْ عائِشَةَ لقالتْ كانَ رسول الله ص إذا أوَي إلي فِرِاشِهِ قالَ: اللَّهُمَّ أمْتِعْنِي بِسَمْعِي وَبَصَرِي وَاجْعَلْهُما الوَارِثَ مِنِّي وَانْصُرْنِي على عَدُوِّي وَأرِنِي ثَأْرِي اللَّهُمَّ إني أعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَمِنَ الجُوعِ فإنَّهُ بِئْسَ الضَّجِيعُ»**.** «قال العلمـاء: معنى اجعلهمـا الوارث منى: أى أبقهمـا صحيحين سليمين إلى أن أموت وقيل الـمراد بقاؤهما وقوتهما عند الكِبَر وضعف الأعضاء وباقى الحواس: أى اجعلهمـا وارثيْ قوّة باقى الأعضاء والباقِيَيْن بعدها وقيل الـمراد بالسمع: وعى ما يسمع والعمل به وبالبصر: الاعتبار بمـا يرى وروى واجعله الوارث منى! فَرَدَّ الهاء إلى الإِمتاع وَحْدَهُ». «رسول الله ص وقتی که به بستر خواب می‌رفت می‌فرمود: خدایا خوشی از شنوایی و بینایی ام نصیبم گردان و چشم و گوش مرا به صحت و سلامت نگه دار تا روزی که از دنیا رهسپار آخرت می‌شوم و در پیری و ضعف اعضا، شنوایی و بینایی ام را به قوت خود باقی گذار و مرا توفیق ده که فرمان تو را به سمع قبول بپذیرم و از آنچه می‌بینم به چشم اعتذار‌اندرز گیرم و مرا بر دشمنانم نصرت ده و پیروز گردان و به من نشان ده دشمنانم چگونه به قصاص خود می‌رسند. خدایا پناه می‌برم به تو از چیرگی و فشار بدهکاری و از گرسنگی که بدهکاری همبستر بدی است و انسان نمی‌تواند با گرسنگی شدید بسازد». دانشمندان گفته‌اند که معنی: «وَاجْعَلْهُمَـا الوارِثَ مِنِّيْ»: و چشم و گوش مرا میراث برم قرار ده، یعنی هردو را صحیح و سلامت بدار تا لحظه‌ی مرگ که در تمام زندگی چشم و گوشم سالم باشند، و گفته شده به معنی شنوایی و بینایی مرا حفظ فرما تا در وقت ضعف پیری و ناتوانی اعضا، چشم و گوشم به قوت خود باقی باشند. و گفته شده: به معنی شنوایی فرمان خدا و اطاعت او و‌اندرزگرفتن از مشاهدات است. و روایت شده به صیغه‌ی إفراد: «وَاجْعَلْهُ الوارِثَ مِنِّى،» یعنی خوشی از چشم و گوش میراث برم بگردان.

«وَرَوَيْنَا فِيْهِ عَنْ عائِشَةَ ل أيْضاً قالت: مَا كانَ رسول الله ص مُنْذَ صُحْبَتِهِ يَنامُ حَتَّى فارَقَ الدُّنْيا حتَّى يَتَعَوَّذَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْكَسَلِ والسَّآمَةِ والْبُخْلِ وسُوءِ الْكِبَرِ وسُوْءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأهْلِ وَالْمَالِ وعَذابِ الْقَبْرِ ومِنَ الشَّيْطانِ وشِرْكِهِ». «و از عائشه ل روایت داریم که فرمود: از روزی که همنشین پیغمبر ص بودم تا روزی که از جهان رحلت فرمود نمی‌خوابید تا این که از این چند چیز پناه برد. از ترسویی و سستی و نومیدی و بخل و بدی پیری و بدی منظر اهل و مال – بدی پیری به صورت تندجویی و بداخلاقی و بدی منظر اهل و مال به این که زن و فرزند و بستگان دچار بیچارگی و بداخلاقی شوند و مال از بین برود و به آن نیازمند شد – و از عذاب قبر و از شیطان لعین و دام و وسوسه‌ی شر او».

«وَرَوَيْنَا عَنْ عائِشَةَ لأنَّها كانَتْ إذا أرادَتْ النَّوْمَ تَقَولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أسألُكَ رُؤْيا صَالِحَةً، صَادِقَة غَيْرَ كاذِبَةً، نافِعَةً غَيْرَ ضَارَّةٍ!. وكانَتْ إذا قالَتْ هذا عَرَفُوا أنَّها غَيْرُ مُتَكَلَّمَةٍ بِشَيءٍ حَتّى تُصْبِحَ أو تَسْتَيْقِظَ مِنَ الْلَيْلِ». «و روایت از عائشه ل داریم که ایشان موقعی که قصد خوابیدن می‌نمود می‌فرمود: خدایا از تو می‌خواهم خواب دیدنی که شایسته و راست باشد و سودمند باشد و زیان‌آور نباشد. و وقتی که این را می‌گفت می‌دانستند که سخنی نمی‌گوید تا این که صبح شود یا در آن شب از خواب بیدار شود».

«وَرَوَي الإمامُ الْحافِظُ أبُوبِكْرِ بْنِ أبِي داود بإسنادِهِ عَنْ علَيٍّ س قالَ: مَا كُنْت أَرَى أَحَدًا يَعْقِلُ يَنَامُ قَبْلَ أَنْ يَقْرَأَ الْآيَاتِ الثَّلاَثَ الْأَوَاخِرَ مِنْ سُورَةِ الْبَقَرَةِ».إسنادُهُ صَحِيْحٌ عَلَى شَرْطِ الْبُخارِيِّ ومُسْلِمٍ. «امام حافظ ابوبکر بن أبی داود به اسناد خود از علی س روایت نمود که علی س فرمود: نمی‌دیدم کسی که عاقل باشد و بخوابد قبل از این که سه آیه‌ی آخر سوره‌ی البقره را بخواند». آیات: 284 و 285 و 286.

«وَرَوَي أيْضاً عَنْ عَلِيٍّ: ما أرى أحداً يعقِلُ بلغةِ الإسلامِ ينامُ حتى يقرأَ آيةَ الكرسيِّ». «و امام حافظ بازهم از علی س روایت نمود که ایشان فرموده‌اند: نمی‌بینم کسی را که عقل داشته باشد و داخل در اسلام شده باشد و شب بخوابد قبل از این که آیة الکرسی را بخواند». آیة الکرسی: آیه‌ی 255 سوره البقره.

«وَعَنْ إبراهيمِ النَّخَعِي قالَ: كانُوا يُعَلَّمُونَهُمْ إذا أوَوْا إلى فِراشِهِمْ أنْ يَقْرَأُوا الْمُعَوَّذَتَيْنِ. وفِي رَوايةٍ: كانوا يَسْتَحِبُّون أنْ يَقْرأُوا هؤلاءِ السُّوَرِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ ثلاثَ مرّاتٍ: قُلْ هُوَ اللهُ أحَدٌ وَالْمُعَوَّذَتَيْنِ. إسْنادُهُ صَحِيْحٌ عَلَي شَرْطِ مُسْلِمٍ».

و از ابراهیم نخعی / تعالی روایت است که فرمود: علما به فرزندان و بستگان‌شان می‌آموختند که وقتی که به بستر خواب می‌آیند سوره‌ی ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾ و ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾ را بخواند و سپس بخوابند. و در روایتی دیگر: علما مستحب می‌دانستند که این سه سوره را در هر شب سه بار بخوانند، قبل از این که بخوابند، سوره‌ی قل هو الله أحد و سوره‌ی ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾ و سوره‌ی ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾. اسناد آن صحیح است و بر شرط مسلم است، و کلمه‌ی بر شرط مسلم است، یعنی راوی این اثر کسانی هستند که مسلم در صحیح خود از ایشان روایت نمود.

و بدان که آثار و احادیث در این باب بسیارند و در آنچه یاد کردیم کفایت است برای کسی که موفق به عمل به آن شود. و ما زیاده برآن را حذف کردیم و نیاوردیم از ترس این که طالب این اذکار از بسیاری آن خسته و ملول شود. پس بهتر آن است که انسان همه‌ی این اذکار را بخواند، اگر خواندن همه‌ی آنها برایش ممکن نبود، به مهم‌ترین آنها که می‌تواند اکتفا کند.

«باب كراهة النوم من غير ذكر الله تعالي»

بابی است در بیان کراهیت خوابیدن بدون ذکر خداوند متعال

«رَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبِي داوُدَ بإسنادٍ جَيِّدٍ عَنْ أبِي هُرَيْرَةَ س عَنْ رَسُولِ اللّهِ ص قالَ: مَنْ قَعَدَ مَقْعَدًا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ فِيهِ كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ تِرَةً وَمَنِ اضْطَجَعَ مَضْجَعًا لاَ يَذْكُرُ اللَّهَ فِيهِ كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ تِرَةً». قُلْتُ: التِرَةُ: معناه نَقْصٌ وقِيْلَ تَبِعَةٌ».«رسول الله ص فرمود: هرکس در جایی نشست و در آنجا خدا را یاد نکرد، این غفلت از یاد خدا برای او نقصی نوشته می‌شود و یا مسؤولیتی، و هرکسی که به پهلو خوابید در جایی و در آنجا نام خدا را یاد نکرد نوشته می‌شود بر او نقصی و یا مسؤولیتی».

«باب ما يقول إذا استيقظ فِي الليل وأراد النوم بعده»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در شب بیدار شد و خواست بعد از آن بخوابد

«إعْلَمْ أنَّ الـمستيقظَ بالليلِ علي ضربينِ: أحدهما من لا ينامُ بعدهُ وقد قدَّمنا فِي أوّلِ الكتابِ أذكارَهُ. والثاني مَنْ يريدُ النومَ بعده، فهذا يستحبُّ له أن يذكرَ اللّه تعالي إلي أن يغلبه النومُ وجاءَ فِيْهِ أذكارٌ كثيرةٌ، فمِنْ ذلكَ ما تقدَّم فِي الضرب الأول. ومن ذلك ما رَوَيْناَهُ فِي صَحِيْحِ البُخارِي عَنْ عُبادةِ بن الصامت س عَنْ النَّبِيَّ ص قالَ: مَنْ تَعَارَّ مِنَ اللَّيْلِ، فَقَالَ: لاَ إلهِ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ لَهُ المُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ على كُلِّ شَيْءٍ قَدير، الحَمْدُ للَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلاَ إله إلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إلاَّ بِاللَّهِ، ثُمَّ قَّالَ: اللَّهُمَّ اغفر لي أوْ دَعَا استجيب لَهُ فإنْ تَوَضَّأَ قُبِلَتْ صَلاَتُهُ».

بدان که کسی که بیدار می‌شود در شب بر دو قسم است: یکی از آن دو کسی است که وقتی که بیدار شد نمی‌خوابد و در اول کتاب اذکار او را یاد کردیم. دوم کسی که بعد از بیدارشدن قصد خوابیدن دارد و این شخص برایش مستحب است که خدا را یاد کند تا این که خواب بر او چیره شود و بخوابد، و در این خصوص اذکار بسیاری وارد شده است، از آن جمله است آنچه در بخش یکم گذشت، و از آن جمله است آنچه روایت آن در صحیح بخاری داریم از عبادة بن الصامت س از رسول الله ص که فرمود: کسی که بیدار شد از خواب در شب و گفت: «لاَ إلَهَ إلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ، لاَ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ المُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. الحَمْدُ للَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلاَ إله إلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إلاَّ بِاللَّهِ». و بعد از آن گفت: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي». خدایا بیامرز مرا یا دعا کرد دعایش به اجابت می‌رسد، و اگر وضو گرفت و نماز خواند نمازش قبول می‌شوم». امام نووی / در اذکار فرموده که در نسخه‌های معتمد به همان صورت است که یاد شد، و در بعضی نسخه‌ها بعضی کلمات افتاده است که ما از روی نسخه‌های مورد اعتماد آوردیم. والله أعلم.

و روایت داریم در سنن أبی داود به اسنادی که نگفت ضعیف است از عایشه ل که رسول الله ص هر وقت در شب بیدار می‌شد می‌فرمود: «لا إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِذَنْبِي، وَأَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ زِدْنِي عِلْمًا، وَلا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ». «نیست معبودی به حق مگر تو، خدایا تسبیح و تنزیه تو می‌گویم، از تو طلب آمرزش می‌کنم برای گناهانم و از تو طلب رحمتت می‌کنم. خدایا بیفزای علم مرا و منحرف مساز دل مرا، بعد از این که مرا به راه راست رساندی و از نزد خودت رحمتی به من ببخش، یقیناً تو بسیار بخشاینده هستی».

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ السُنِّي عَنْ عائِشةَ لقالَتْ كَانَ – تَعْنِي رسول الله ص – إذا تَعارَّ مِنَ الْلَيْلِ قالَ: لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ، رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ». «رسول الله ص وقتی که بیدار می‌شد در شب می‌فرمود: «لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ، رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ» نیست معبودی به حق مگر الله که یکتای قهار است، پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است، آن خدای پرعزت آمرزگار».

«وَرَوَيْنَا فَيْهِ بإسنادٍ ضَعِيْفٍ عَنْ أبِي هريرة س أنَّه سَمِعَ رسول الله ص يقولُ: إذَا رَدَّ اللَّهُ ﻷ إلى العَبْدِ المُسْلِمِ نَفْسَهُ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبََّحَهُ وَاسْتَغْفَرَهُ وَدَعاهُ تَقَبَّلَ مِنْهُ».

«ابوهریره س می‌گوید که شنید از رسول الله ص که می‌فرمود: «وقتی که خدایﻷ روح بنده‌ی مسلمان را برگردانید و او را از خواب بیدار کرد اگر بنده در آن موقع تسبیح خدا بگزارد و بگوید: سبحان الله و استفغار نماید و بگوید: أستغفر الله و دعا نماید. خدای می‌پذیرد از او تسبیح و استغفارش و به اجابت می‌رساند دعای او را».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتابِ الترمذي وابْنِ ماجَه وابْنِ السُّنَّي بإسنادٍ جَيَّدٍ عَنْ أبِي هريرةس قال: قال رسول الله ص: إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ عَنْ فِرَاشِهِ ثُمَّ رَجَعَ إِلَيْهِ فَلْيَنْفُضْهُ بِصَنِفَةِ إِزَارِهِ ثَلاَثَ مَرَّاتٍ فَإِنَّهُ لاَ يَدْرِى مَا خَلَفَهُ عَلَيْهِ بَعْدَهُ فَإِذَا اضْطَجَعَ فَلْيَقُلْ بِاسْمِكَ رَبِّى وَضَعْتُ جَنْبِى وَبِكَ أَرْفَعُهُ فَإِنْ أَمْسَكْتَ نَفْسِى فَارْحَمْهَا وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ».قال الترمذي: حديث حسن. قال أهل اللغة: صَنِفَةُ الإزار: جانبه الذي لا هَدْبَ فِيْهِ وقيل جانبه: أيُّ جانب كان. «رسول الله ص فرمود: هرگاه یکی از شما از بستر خوابش برخاست و بعد به‌سوی آن برگشت به سمت حاشیه‌ی لنگ خود، فراش را سه بار تکان دهد تا اگر حشره‌ی موذی بر فراش او رفته باشد معلوم شود و نتواند او را بگزد، برای این که از وقتی که از بستر خواب برخاسته تا وقتی که برگشته، نمی‌داند چه چیز بر فراش او رفته است. و موقعی که به پهلو خوابید بر بستر خود بگوید: «بِاسْمِكَ رَبِّى وَضَعْتُ جَنْبِى وَبِكَ أَرْفَعُهُ فَإِنْ أَمْسَكْتَ نَفْسِى فَارْحَمْهَا وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ». به نام تو ای خدا، پهلویم را بر بستر خواب نهادم و به نام تو پهلویم را از بستر خواب برمی‌دارم، اگر روح مرا نزد خودت نگه داشتی او را مورد رحمتت قرار ده و اگر روح مرا به جسمم بازگرداندی او را نگه دار، چنان‌که بندگان شایسته‌ات را نگه می‌داری». «صَنِفَةُ الإِزَارِ»: حاشیه‌ی ازار یا جامه یا لنگ پا.

«وَرَوَيْنَا فِي مُوَطّأ الإمام مالِك / فِي بابِ الدعاءِ آخِرِ كتابِ الصلاةِ عَنْ مالِكٍ أنَّهُ بَلَغَهُ عَنْ أبِي الدَرْداءِ س: أنَّهُ كانَ يَقُومُ مِنْ جَوفِ اللَيْلِ فَيَقُولُ: نَامَتْ الْعُيُونُ وَغَارَتْ النُّجُومُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ». قلت: معنى غارَتْ: غَرَبَتْ. «و روایت داریم در کتاب موطای امام مالک / در باب دعا، آخر کتاب الصلاة از مالک که گفت: به من رسیده از أبی الدرداء س که در دل شب از خواب برمی‌خاست و می‌گفت: «نَامَتْ الْعُيُونُ وَغَارَتْ النُّجُومُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ». چشم‌ها به خواب رفتند و ستاره‌ها غروب کردند و تو همیشه زنده و همیشه عالَم را تدبیر می‌کنی».

«باب ما يقول إذا قَلِقَ فِي فراشه فلم يَنَمْ»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در بستر خوابش ناآرام شد و به خواب نرفت

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ ابنِ السُنَّي عَنْ زَيْدِ بْنِ ثابتٍ س قال: شَكَوْتُ إلى رسول الله ص أرَقاً أصابَنِي فقالَ: قُلِ اللَّهُمَّ غارَتِ النُّجُومُ وَهَدأتِ العُيُونُ وأنْتَ حَيُّ قَيُّومٌ لا تَأخُذُكَ سِنَةٌ وَلاَ نَوْمٌ يا حيُّ يا قَيُّومُ أَهْدِىءْ لَيْلي وأنِمْ عَيْنِي!. فقلتُها فأذهب اللَّه ﻷ عني ما كنتُ أجد». «زید بن ثابت س گفت که شکایت بردم نزد رسول الله ص از بی‌خوابی که به من دست داده بود فرمود: «بگو: غارَتِ النُّجُومُ: ستاره‌ها غروب نمودند «وَهَدأتِ العُيُونُ»: و چشم‌ها آرام گرفتند«وأنْتَ حَيُّ قَيُّومٌ لا تَأخُذُكَ سِنَةٌ وَلاَ نَوْمٌ»: و تو ای خدا همیشه زنده هستی و همیشه تدبیرکننده‌ی عالم هستی، هیچگاه چرت‌زدن و به خواب ‌رفتن دست نمی‌دهد تو را، «ياحيُّ يا قَيُّومُ أَهْدِىءْ لَيْلي وأنِمْ عَيْنِي»: ای همیشه زنده، همیشه تدبیرکننده‌ی عالم شب مرا آرام بگردان و به خواب ببر چشمم را». «فأذهب اللَّه ﻷ عني ما كنتُ أجد». «خدای ﻷ از من دور کرد بی‌خوابی و ناآرامی را که به آن دچار بودم».

«وَرَوَيْنَا فِيْهِ عَنْ محمّدِ بنِ حَبَّان بفتح الحاء وبالباء الـموحّدة أنَّ خالدَ بن الوليدِ س أصَابَهُ أرَقٌ فَشَكَى ذَلِكَ إِلَى النَّبِيِّ ص، فَأَمَرَهُ أَنْ يَتَعَوَّذَ عِنْدَ مَنَامِهِ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونَ. هذا حديثٌ مُرْسَلٌ. محمّد بنُ يَحْيَي تابِعِيٌ. قالَ أهلُ اللغة: الأرَقُ هُوَ السَهَرُ». «خالد بن الولید س دچار بی‌خوابی شد و شکایت آن را نزد رسول الله ص برد. رسول الله ص فرمود: بگو: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ، وَمَنْ شَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونَ». پناه می‌برم به کلمات تامات خدا، به قرآن، از خشم خدا و از شر بندگان خدا و از شر وسوسه‌های شیطان‌ها، و از این که همیشه شیطان‌ها بر سر او حاضر باشند و به وسوسه‌های خود او را بیازارند». این حدیث مرسل است برای این که صحابی از سند افتاده است، و محمد بن یحیی که تابعی است از او روایت شده. وأرَقً: یعنی بی‌خوابی.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتابِ الترمذي بإسنادٍ ضَعيفٍ وضَعَّفَهُ الترمذي عَنْ بُرَيْدَةَ س قال: شَكا خَالِدٌ بنُ الْوَلِيْدِ س إلَى النّبِيّ ص فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللّهِ مَا أَنَامُ اللّيْلَ مِنْ الْأَرَقِ فَقَالَ النّبِيّ ص: إذَا أَوَيْتَ إلَى فِرَاشِكَ فَقُلْ: اللّهُمّ رَبّ السّمَاوَاتِ السّبْعِ وَمَا أَظَلّتْ وَرَبّ الْأَرْضِينَ وَمَا أَقَلّتْ وَرَبّ الشّيَاطِينِ وَمَا أَضَلّتْ كُنْ لِي جَارًا مِنْ شَرّ خَلْقِكَ كُلّهِمْ جَمِيعًا أَنْ يَفْرُطَ عَلَيّ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَوْ يَبْغِيَ عَلَيّ عَزّ جَارُك وَجَلّ ثَنَاؤُك وَلاَ إلَهَ غَيْرُكَ». «خالد بن الولید س از بی‌خوابی که به او دست داده بود شکایتش را به رسول الله ص برد. رسول الله ص فرمود: «وقتی که به بستر خواب رفتی بگو: خدایا ای پروردگار آسمان‌ها و آنچه آسمان‌ها برآن سایه افکنده‌اند، و ای پروردگار زمین و آنچه برآن جای گرفت و ای پروردگار شیطان‌ها و آنچه از دست آنها به گمراهی افتاد، پناه من باش از شر خلق همه‌شان باهم از این که زیاده‌روی کند بر من یکی از آنان و از این که تعدی کند بر من یکی از آنان. عزتمند شد کسی که پناه به تو آورد و شکوهمند شد ثنای بر تو و نیست معبودی به حق غیر از تو».

«باب ما يقول إذا كان يفزع فِي منامه»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در خواب می‌ترسد

«وَرَوَيْنَا فِي سنن أبي داود والترمذي وابنِ السُنِّي وغَيْرَها عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أبِيْهِ عَنْ جَدَّهِ أنَّ رسول الله ص كانَ يُعَلَّمُهُمْ مِنَ الْفَزَعِ كَلِماتٍ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ، وَمَنْ شَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونَ!. قالَ: وكانَ عبد اللهِ بْنِ عَمْروٍ يُعَلِّمُهُمْ مَنْ عَقَلَ مِنْ بَنِيْهِ ومَنْ لَمْ يَعْقَلْ كَتَبَهُ فَعَلَّقَهُ عَلَيْهِ».قال الترمذي: حديث حسن. «رسول الله ص برای نجات‌شان از ترس در خواب چند کلمه به ایشان می‌آموخت که آن را بگویند: «پناه می‌برم به کلمات خدا آن کلماتی که تمام و کامل است و نقصی در آن نیست، از ترس از خدا و از شر بندگان خدا، و از شر وسوسه‌ی شیطان‌ها و آن که حاضر شوند. عبدالله بن عمرو بن العاص هرکدام از پسرانش که عقل داشت و بزرگ بود، این کلمات را به او می‌آموخت تا آن را بخواند و هرکدام از پسرانش که کوچک بود و عقلش نمی‌رسید، این کلمات را می‌نوشت و بر او آویزان می‌کرد».

«وَفِي رَوايةِ اِبْنِ السُنِّي: جاءَ رَجُلٌ إلي النَّبِيِّ ص فَشَكَا أنَّه يَفْزَعُ فِي مَنامِهِ فقالَ رسول الله ص: إذا أوَيْتَ إلي فِراشِكَ فَقُلْ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ، وَمَنْ شَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونَ!. فقالَها فَذَهَبَ عَنْهُ». «مردی به خدمت رسول الله ص آمد و از بی‌خوابی شکایت نمود. رسول الله ص به او فرمود: «هروقت که به بستر خوابت رفتی بگو: پناه می‌برم به کلمات کامل خدا، از خشم خدا، و از شر بندگان خدا، و از وسوسه‌های شیطان‌ها و از این که بر سر او حاضر شوند». آن مرد این کلمات را گفت، و از شر بی‌خوابی و ناراحتی نجات یافت.

«باب ما يقول إذا رأى فِي منامه ما يحبّ أو يكره منه»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در خواب دید آنچه را که دوست می‌دارد یا دید آنچه را که دوست نمی‌دارد

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيْحِ البُخارِي عَنْ أبِي سَعِيدِ ألْخُدْرِي س أنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ص يقولُ: إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ رُؤْيَا يُحِبُّهَا فَإِنَّمَا هِىَ مِنَ اللَّهِ، فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَيْهَا، وَلْيُحَدِّثْ بِهَا!. وفِي رَوايَةٍ: فَلا يُحَدَّثْ بِهِ إلاَّ مَنْ يُحِبُّ، وَإِذَا رَأَى غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا يَكْرَهُ، فَإِنَّهَا هِىَ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ شَرِّهَا، وَلاَ يَذْكُرْهَا لأَحَدٍ، فَإِنَّهَا لاَ يَضُرُّهُ». «وقتی که یکی از شما خواب دید که آن را دوست می‌دارد در حقیقت آن خوابی است که از خدای متعال است و ستایش خدا برآن بگوید و آن را بازگو کند. و در روایتی دیگر آن را به کسی نگوید مگر به کسی که او را دوست می‌دارد، و اگر خوابی غیر از آن دید که ناپسند می‌دانست، پس آن از شیطان است و به خدا از شر آن پناه ببرد و آن را برای کسی نگوید که آنگاه به او زیانی نمی‌رساند».

«وَرَوَيْنَا فِي صحيح مسلم عَنْ جابِرِ س عَنْ رَسُولِ اللهِ ص قالَ: إِذَا رَأَى أَحَدُكُمُ الرُّؤْيَا يَكْرَهُهَا فَلْيَبْصُقْ عَنْ يَسَارِهِ ثَلاَثًا وَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ ثَلاَثًا وَلْيَتَحَوَّلْ عَنْ جَنْبِهِ الَّذِى كَانَ عَلَيْهِ». «رسول الله ص فرمود: هرگاه یکی از شما خوابی دید که از آن خوشش نمی‌آید سه بار آب دهن را از دست چپ بیندازد و سه بار بگوید: أعوذ بالله من الشیطان الرجیم و از پهلویی که برآن خوابیده بر پهلوی دیگر بخوابد».

«وَرَي الترمذي مَنْ رَوايَةِ أبي هريره س مَرْفُوعاً: إِذَا رَأَى أَحَدُكُمُ الرُّؤْيَا يَكْرَهُهَا فلا ثُحَدِّثْ لَها أحَداً وَلْيَقُمْ فَلْيُصَلِّ». «رسول الله ص فرمود: هرگاه یکی از شما خوابی دید که آن را خوشایند نمی‌داند آن را به کسی نگوید و بلند شود و دو رکعت نماز بخواند».

«وَرَوَيْنَا فِي كتاب ابْنِ السني وقالَ فِيْهِ: إذَا رَأى أحَدُكُمْ رُؤْيا يَكْرَهُها فَلْيَتْفُلْ عن يَسَارِهِ ثَلاث مَرَّاتٍ ثُمَّ ليَقُلِ: اللَّهمَّ إني أعُوذُ بِكَ مِنْ عَمَل الشَّيْطانِ وَسَيِّئاتِ الأحْلامِ فإنَّهَا لاَ تَكُونُ شَيْئاً». «رسول الله ص فرمود: هرگاه یکی از شما خوابی دید که آن را دوست نمی‌داشت سه بار آب دهن را از دست چپ در دستمال بیندازد و بگوید: خدایا به تو پناه می‌برم از کار شیطان و خواب‌های بد که آنگاه چیزی نمی‌باشد و ضرری نمی‌رساند».

«باب ما يقول إذا قُصَّتْ عليه رؤيا»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که دیگری خواب خود را برای او حکایت نمود

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ ابْنِ السُنِّي أنَّ النَّبِيَّ ص قالَ: لِمَنْ قالَ لَهُ رَأَيتُ رُؤياً، قالَ: خَيْراً رَأيْتَ وخَيْراً يَكُونُ!. وفِي رَوايةٍ: خَيْراً تَلْقاهُ وَشَرَّاً تَوَقَّاهُ خَيْراً لَنا وَشَرّاً على أعْدَائِنا والحَمْدُ لِلَّهِ رَبّ العالَمِينَ». «رسول الله ص به کسی که به ایشان گفت خوابی دیده ام فرمود: «خیر دیده‌ای و خیر می‌شود». و در روایتی دیگر فرمود: «به خیر می‌رسی و از شر نگه داشته می‌شوی»، خیر است برای ما و شر است بر دشمنان، و ستایش برای خداوند پروردگار جهانیان است».

«باب الحثّ على الدعا والاستغفار فِى النصف الثانى من كلّ ليلة»

بابی است در بیان تشویق و ترغیب به دعا و استغفار در نیمه‌ی دوم هر شب

«وَرَوَيْنَا فِى صَحِيْحَى البُخارى ومُسلم عَنْ أبى هُرَيْرَةَس عَنْ رَسُولِ اللهِص قالَ: يَنْزِلُ رَبُّنَا كُلَّ لَيْلَةٍ إلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الآخِرُ، فَيَقُولُ: مَنْ يَدْعُونِي؛ فَأَسْتَجِيبَ لَهُ، مَنْ يَسْأَلُنِي؛ فَأُعْطِيهُ، مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي؛ فَأَغْفِرَ لَهُ!. وفِي روايةٍ لِمُسْلِم: يَنزِلُ اللَّهُ سُبْحانَهُ وَتَعالى إلى السَّماءِ الدُّنْيا كُلَّ لَيْلَةٍ حِينَ يَمْضِي ثُلُثُ اللَّيْلِ الأوَّلُ فَيَقُولُ: أنا المَلِكُ أنا المَلِكُ مَنْ ذَا الَّذي يَدْعُونِي فَأسْتَجِيبَ لَهُ؟ مَنْ ذَا الَّذي يَسألُنِي فأُعْطِيَهُ؟ مَنْ ذَا الَّذِي يَسْتَغْفِرُنِي فأغْفِرَ لَهُ فَلا يَزَالُ كَذَلِكَ حتَّى يُضِيءَ الفَجْرُ!. وفِي رَوايَةٍ: إِذَا مَضَى شَطْرُ اللَّيْلِ أوْ ثُلُثَاه**ُ**».

«وَرَوَيْنَا فِي سنن أبي داود والترمذي عَنْ عَمْرٍو بْنِ عَبَسَةِ س أنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ص يقول: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الرَّبُّ مِنَ العَبْدِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الآخِرِ، فإنِ استطعت أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَذْكُرُ اللَّهَ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ، فَكُنْ».قال الترمذی: حديث حسن صحيح. «رسول الله ص فرمود: پروردگارمان هر شب به آسمان دنیا می‌آید موقعی که دو سوم آخر شب باقی است و آنگاه می‌فرماید: چه کسی مرا می‌خواند تا اجابتش کنم، چه کسی از من می‌خواهد تا به او بدهم، چه کسی از من آمرزش می‌خواهد تا او را بیامرزم». و در روایت مسلم: خداوند پاک و بلندمرتبه هرشب به آسمان دنیا می‌آید موقعی که دو سوم اول شب گذشته است و آنگاه می‌فرماید: من فرمانروایم، من فرمانروایم، چه کسی مرا می‌خواند تا اجابتش کنم، چه کسی از من می‌خواهد تا به او عطا کنم، چه کسی از من آمرزش می‌خواهد تا او را بیامرزم، همواره چنین است تا این که فجر روشن شود». و در روایتی دیگر: هرگاه یک دوم شب گذشت یا دو سوم آن. در سنن أبوداود و ترمذی از عمرو بن عبسه س روایت داریم که او از پیامبر ص شنیده است که می‌فرماید: «نزدیک‌ترین زمان پروردگار به بنده در دل آخر شب است، پس اگر توانستی از کسانی باشی که خداوند بلندمرتبه را در آن لحظه یاد می‌کنند، پس از آنان باش»».

«باب الدعا فى جميع ساعات الليل كل ليلة رجاء أن يصادف الإجابة»

بابی است در بیان این که هر شب تمام لحظه‌های آن موقع دعاست، به امید این که با لحظه‌های اجابت دعا مصادف شود

خدای متعال در ماه رمضان شبی را لیلة القدر ساخت و معین نفرمود تا در همه‌ی شب‌های رمضان کوشش در طاعت بشود تا مصادف با لیلة القدر شود. در روز جمعه لحظه‌ای را برای اجابت دعا قرار داد و معین نفرمود تا در همه‌ی لحظات در طاعت و دعا کوشش بشود تا مصادف با آن ساعت گردد، و در همه‌ی شب‌ها لحظه‌ای برای اجابت دعا قرار داد و معین نفرمود تا در همه‌ی لحظات شب‌ها در طاعت و دعا کوشش بشود تا مصادف آن لحظه گردد.

«وَرَوَيْنَا فِي صحيح مُسْلِمٍ عَنْ جابِرٍ بْنِ عبد الله ب قالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ص يقولُ: إِنَّ فِى اللَّيْلِ لَسَاعَةً لاَ يُوَافِقُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ خَيْرًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ إِلاَّ أَعْطَاهُ إِيَّاهُ وَذَلِكَ كُلَّ لَيْلَةٍ». «جابر بن عبدالله انصاری ب می‌گوید: از رسول الله ص شنیدم که می‌فرمود: محققاً در شب لحظه‌ای است که هر بنده‌ی مسلمان در آن لحظه از خدا خیری از خیرهای دنیا و آخرت بخواهد، خدا به او آن خیر را می‌دهد و این لحظه در همه‌ی شب‌هاست».

«باب أسماء الله الحُسنى»

بابی است در بیان نام‌های نیک خدا

در کتابی که به نام: «الـمقصد الأسنی فی شرح أسمـاء الله الحسنی» نوشته‌ام همه‌ی این نام‌ها مشروحاً نوشته‌ام به آن مراجعه فرمایید.

قال الله تعالى:

﴿وَلِلَّهِ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ فَٱدۡعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف: 180].

«برای خدای سبحانه و تعالی بهترین نام‌هاست، شما از خدا بخواهید آنچه را که می‌خواهید به حسب همین نام‌ها تا خدا به شما بدهد آنچه را که از او می‌خواهید».

«وَعَنْ أبِي هريرة س أنَّ رسول الله ص قالَ: إنَّ للهِ تِسعَةً وتِسعِينَ اسمًا، مائَةً إلاَ وَاحِدًا، مَن أحصَاهَا دَخَلَ الجَنَّةَ، إنَّهُ وِتْرٌ يُحِبُّ الْوِتْرَ!. مَنْ أحْصَاها: مَنْ حَفَظَها. وقِيْلَ مَنْ عَرَفَ مَعاَنِيْها وآمَنَ بِها وقِيْلَ: مَنْ أطاقَها بِحُسْنِ الرَّعايَةِ لَها وتَخَلَّقَ بَما يُمْكِنُهُ مَنِ الْعَمَلِ بِمَعانَيْها والله أعلم». «رسول الله ص فرمود: محقق این است که خدای متعال نود و نه اسم دارد، یکی کمتر از صدتا. کسی که این نام‌های مقدس را از بر نماید به بهشت داخل می‌شود، او تاک است و تاک را دوست می‌دارد». در معنی «مَن أحصَاهَا دَخَلَ الجَنَّةَ»: امام بخاری و بیشتر علما گفته‌اند که معنی «مَن أحصَاهَا: مَنْ حَفَظَها»: کسی که این نام‌ها را از بر نمود. و روایتی که در صحیح است «مَنْ حَفَظَها دَخَلَ الْجَنَّةَ» مؤید این تفسیر است.

این نود و نه اسم از این قرار است:

«هو الله الذي لا إله إلا هو، الرحمن، الرحيم، الـملك، القدوس، السلام، الـمؤمن، الـمهيمن، العزيز، الجبار، الـمتكبر، الخالق، البارئ، الـمصور، الغفار، القهار، الوهاب، الرزاق، الفتاح، العليم، القابض، الباسط، الخافض، الرافع، الـمعز، الـمذل، السميع، البصير، الحكم، العدل، اللطيف، الخبير، الحليم، العظيم، الغفور، الشكور، العلي، الكبير، الحفيظ، الـمقيت، الحسيب، الجليل، الكريم، الرقيب، الـمجيب، الواسع، الحكيم، الودود، الـمجيد، الباعث، الشهيد، الحق، الوكيل، القوي، الـمتين، الولي، الحميد، الـمحصي، الـمبدئ، الـمعيد، الـمحيي، الـمميت، الحي، القيوم، الواجد، الـماجد، الواحد، الصمد، القادر، الـمقتدر، الـمقدم، الـمؤخر، الأول، الآخر، الظاهر، الباطن، الولي، الـمتعالى، البر، التواب، الـمنتقم، العفو، الرءوف، مالك الـملك، ذو الجلال والإكرام، الـمقسط، الجامع، الغني، الـمغني، الـمانع، الضار، النافع، النور، الهادي، البديع، الباقي، الوارث، الرشيد، الصبور».

هذا حديثُ البخاري ومسلمٍ إلى قولِهِ يُحِبُّ الوِتْرَ! وما بَعْدَهُ حديثُ حَسَنٌ رَواه الترمذي وغيره. قولُهُ الْمُغِيْثُ! رُوِيَ بَدَلُهُ الْمُقِيْتُ!. ورُوَيِ الْقَرِيْبُ! بَدَلُ الرَّقِيْبِ! ورُوِيَ الْمُبِيْنُ! بَدَلُ الْمَتِيْنِ! والْمَشْهُورُ الْمَتِيْنُ.

و در کتاب المقصد الأسنی فی شرح أسماء الحسنی شرح همه را نوشته‌ام کسی که بخواهد به آن مراجعه نماید.

و معنی «إنَّهُ وِتْرً: إنَّهُ لا شَرِيْكَ لَهُ ولا نَظِيْرَ. و معني يُحِبُّ الْوِتْرَ: تَفْضِيْلُ الْوِتْرِ فِي الْأعمالِ وكَثِيْرٍ مِنَ الطّاعاتِ». کلمه‌ی وِتر به کسر واو و به فتح واو: تاک است، نه شریکی دارد و نه نظیری و وتر را دوست دارد، مثل قراردادن نمازها به پنج نماز: نماز مغرب سه رکعت. تعداد آسمان‌ها هفت تاست، روزهای هفته هفت تا. لیلة القدر شب بیست و یکم یا بیست و هفت و غیر این‌ها.

«كتاب تلاوة القرآن»

کتابی است در بیان تلاوت قرآن

بدان که تلاوت قرآن بهترین اذکار است، و مطلوب این است که قراءت قرآن همراه با تدبر معانی آن باشد، و برای قراءت قرآن آداب و مقاصدی است. امام نووی در این باره کتابی به نام «التبیان فی آداب حَمَلَةِ القرآن» تألیف نموده است و می‌فرماید که در کتاب اذکار مختصری از آن کتاب می‌آورد تا کسی که قصد اطلاع بیشتر دارد به کتاب تبیان مراجعه نماید. و معلوم است که امام نووی نوشته‌هایش همه از روی تحقیق است، این است که هرچه مرقوم می‌فرماید همه خلاصه و مغز مقاصد و مطالب مورد لزوم است.

(فصل) شایسته این است که بر تلاوت قرآن محافظت و مواظبت بشود، در شب و روز و در سفر و حضر. سلف صالح این امت ش در مدت زمانی که ختم قرآن در آن می‌شود عادت‌های مختلف داشتند، گروهی از ایشان هردو ماه یک ختم قرآن می‌خواندند. و گروهی دیگر هر ماهی یک ختم می‌نمودند. و گروهی هرروز یک ختم قرآن می‌نمودند. و جماعتی دیگر هر هشت روز یک ختم داشتند، و افرادی دیگر در هر هفت روز ختم قرآن می‌نمودند. و این ختم در هفت روز روش بیشتر سلف بود. و مردمی دیگر در هر شش روز ختمی داشتند و مردمی در هر چهار روز ختمی و بسیاری در هر سه روز ختمی داشتند و بسیاری در هر روز و شبی ختمی داشتند و جماعتی در هر روز و شبی دو ختم قرآن می‌نمودند و کسانی در هر روز و شبی سه ختم قرآن داشتند. و بعضی از ایشان در یک روز و شب هشت ختم قرآن می‌نمودند، چهار ختم در روز و چهار ختم در شب. و از این جمله است ابن الکاتب صوفِی و این بیشترین مقداری است که با ما رسیده است. و سید جلیل احمد دورقی به اسناد خود از منصور بن زاذان بن عباد تابعی س روایت نمود که او میان ظهر و عصر یک ختم می‌نمود، و میان مغرب و عشاء نیز یک ختم می‌نمود، و در ماه رمضان میان مغرب و عشاء دو ختم قرآن می‌نمود. و در آن ایام نماز عشاء را به تأخیر می‌خواندند تا یک ربع شب بگذرد. و ابن ابی داود به اسناد خود از مجاهد / روایت نمود که مجاهد در ماه رمضان میان مغرب و عشاء یک ختم قرآن می‌نمود. اما مردمی که قرآن را در یک رکعت ختم می‌کردند، بی‌شمارند. از آن جمله است عثمان بن عفان خلیفه‌ی سوم و تمیم داری و سعید بن جبیر. و در حقیقت به حسب اشخاص اختلاف پیدا می‌کند. بنابراین، کسی که از خواندن به تأنّی و آهستگی فهم کامل برایش دست می‌دهد مقداری از قرآن بخواند که به خوبی آنچه را که می‌خواند فهم کند. و همچنان کسانی که مشغول نشر علم هستند و کسانی که داوری میان مردم و فصل دعاوی دارند و کسانی که مهمات دین و مصالح عامه‌ی مسلمین به عهده دارند، باید اکتفاء کنند به مقداری از قراءت قرآن که برایشان میسر می‌شود و به وظیفه‌شان خلل نمی‌رساند. اما کسی که از این جمله نیست و کاری از مهمات دین و مصالح مسلمین به عهده ندارد باید کوشش کند که هرچه بیشتر قراءت قرآن داشته باشد، به شرط این که کاری نکند که از شتاب در قراءت به قول عوام ورّاوِر بخواند و نه فهمی از معنی و نه نصیبی از تقوی بیابد که چنین قراءتی مکروه می‌شود، برای این که مخارج حروف حفظ نمی‌کند و از استفاده‌ی معنوی محروم می‌ماند. و جماعتی از علما ختم قرآن در یک روز و شب را مکروه دانسته‌اند و حدیث زیر دلالت بر صحت نظر ایشان می‌دهد:

«مَا رَوَيْنَاهُ بالأسانِيدِ الصَّحِيحَةِ فِى سُنَنِ أبِي داوُد والترمذى والنسائى وغَيْرِهِمْ عَنْ عبد الله بن العاصى ب قالَ: قالَ رسول الله ص: لاَ يَفْقَهُ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِى أَقَلَّ مِنْ ثَلاَثٍ». «قرآن را فهم نکرده است کسی که قرآن را ختم نموده در کمتر از سه روز».

اما وقت ابتدای قراءت قرآن و وقت ختم آن به اختیار خواننده‌ی قرآن است، اگر از جمله کسانی است که قرآن را در یک هفته ختم می‌کند، عثمانس شب جمعه آغاز قراءت قرآن می‌نمود و در شب پنجشنبه قرآن را ختم می‌نمود. و امام ابوحامد غزالی در کتاب إحیاء علوم الدین آورده است که أفضل این است که یک ختم به شب بنماید و یک ختم به روز، ختم روز در روز دوشنبه در دو رکعت نماز فرض صبح قرار بدهد و ختم شب در شب جمعه در دو رکعت نماز فرض مغرب قرار بدهد تا دو ختم را در آغاز و آخر شب و آخر شب و اول روز قرار دهد. و ابن أبی داود از عمرو بن مرة تابعی جلیل س روایت نموده است که گفت: «كَانُوا يُحِبُّونَ أَنْ يُخْتَمَ الْقُرْآنُ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ أَوْ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ». «سلف دوست می‌داشتند که ختم قرآن در اول روز یا اول شب باشد». و ابن ابی داود از طلحه بن مصرف تابعی جلیل روایت نمود که طلحه گفت: کسی که قرآن را ختم کرد در هر ساعتی از روز، ملائکه درود بر او می‌فرستند تا اول شب، و در هر ساعتی از شب که ختم قرآن نمود ملائکه درود بر او می‌فرستند تا اول روز. و از مجاهد نیز مانند همین روایت شده است.

«وَرَوَيْنَا فِى مسند الإمام الـمجمع على حفظه وجلالته وإتقانه وبراعته أبي محمد الدارمى / عَنْ سعد بن أبِى وقاص س قال: إذا وافق ختم القرآن أول الليل صلت عليه الـملائكة حتى يصبح وإن وافق ختم القرآن آخر الليل صلت عليه الـملائكة حتى يمسى. قال الدارمي: هذا حَسَنٌ عَنْ سعد». یعنی سعد بن أبی وقاص فرمود: اگر ختم قرآن موافق بود با اول شب ملائکه بر او درود می‌فرستند تا اول روز، و اگر ختم قرآن موافق بود با آخر شب ملائکه بر او درود می‌فرستند تا اول شب بعد. دارمی گفت: این گفتار از سعد خوب است.

(فصل) فصلی است در بیان وقت‌های برگزیده برای خواندن قرآن.

بدان که بهترین قراءت قرآن قراءتی است که در نماز باشد و مذهب امام شافعی و افرادی دیگر از علما رحمهم الله تعالی این است که قیام نماز را طولانی‌کردن به قراءت قرآن بهتر است از طولانی‌کردن سجود و غیر آن. و اما قراءت قرآن در غیر نماز، پس بهترین آن قراءت قرآن در شب است و نیمه‌ی آخری شب برای قراءت قرآن بهتر است از نیمه‌ی اول شب. و محبوب است قراءت قرآن میان مغرب و عشاء. و اما خواندن قرآن در روز، پس بهترین وقت آن بعد از نماز صبح است، و هیچ وقت قراءت قرآن مکروه نیست، حتی در اوقات مکروه‌بودن نماز نیز قراءت قرآن کراهتی ندارد. و اما آنچه ابن دبی داود / روایات نموده است از معاذ بن رفاعۀ / که مشایخ قراءت قرآن بعد از عصر را مکروه می‌دانسته‌اند و می‌گفته‌اند: قراءت بعد از عصر قراءت یهود است، گفتاری است غیر مقبول و بی‌پایه که اصلی ندارد، و از بین روزها روزهای جمعه و دوشنبه و پنجشنبه و روز عرفه از اوقات برگزیده محسوب می‌شود، و روزهای ده‌‌گانه‌ای اول ذیحجه و ده روز اخیر ماه مبارک رمضان از اوقات برگزیده برای قراءت قرآن است، و از بین ماه‌ها ماه مبارک رمضان ماه برگزیده برای قراءت قرآن است.

(فصل) فصلی است در بیان آداب ختم قرآن و آنچه تعلق به آن دارد.

پیش از این گفتیم کسی که به تنهایی قرآن را می‌خواند بهتر است که ختم او در نماز باشد. اما کسی که ختم قرآن را در غیر نماز می‌نماید و جماعتی که جمع می‌شوند برای ختم قرآن، مستحب است که ختم‌کردن‌شان در اول روز یا اول شب باشد، چنان‌که پیش از این گذشت. و مستحب است که روز ختم قرآن روزه باشد، مگر در صورتی که روز ختم قرآن شرعاً روزه رفتن در آن ممنوع باشد، مثل روز عید و ایام التشریق. و به ثبوت رسیده است از طلحه بن مصرف و المسیب بن رافع و حبیب بن ابی ثابت که هرسه از تابعین و از اهل کوفه بوده‌اند رحمهم الله اجمعین که روزی که می‌خواستند در آن روز ختم قرآن نمایند آن روز را روزه می‌گرفتند. و مستحب است حاضرشدن در مجلس ختم قرآن برای کسی که قرآن می‌خواند و برای کسی که قراءت قرآن نمی‌تواند:«فقد رَوَيْنَا فِي الصحيحين أن رسول الله ص أمرَ الحُيَّض بالخروجِ يومَ العيدِ فيشهدْنَ الخيرَ ودعوةَ الـمسلمين» «رسول الله ص دستور فرمود به بیرون‌رفتن زنان قاعده از خانه و رفتن به مصلی برای مشاهده‌ی نماز عید و شنیدن دعای خیر مسلمانان، با این که زنان قاعده نماز نمی‌خوانند، اما در محل نماز و دعای مسلمین شرکت می‌کنند تا برکت آن به ایشان هم برسد».

«وَرَوَيْنَا فِي مسند الدارمي عَنْ ابن عباس ب أنَّهُ كان يجعل رجلاً يراقب رجلاً يقرأ القرآن فإذا أراد أن يختمَ أعلمَ ابن عباس بفيشهد ذلك». «عبدالله بن عباس ب وقتی می‌دانست که کسی نزدیک به ختم‌کردن قرآن است، شخصی را می‌گماشت تا او را زیر نظر بگیرد تا هروقت دید نزدیک به ختم قرآن رسیده است ابن عباس را خبر کند و در مجلس ختم قرآن و دعای آن شرکت می‌کرد».

«وروي ابن أبي داود بإسنادين صحيحين عَنْ قتاده التابعي الجليل الإمام صاحب أنس س كان أنس بن مالك س إذا ختم القرآن جمع أهله ودعا». «انس بن مالک س وقتی که قرآن را ختم می‌کرد اهل و بستگان خود را جمع می‌کرد و دعا می‌نمود برای سلامتی و سعادت خود و بستگان و عموم مسلمانان».

«وروي بأسانيد صحيحة عَنْ الحكم بن عُتَيْبة التابعيّ الجليل الإمام قالَ أرسل إليّ مجاه وعبدة بن أبِي لُبابة فقالا: إنّا أرسلنا إليك لأنّا أردنا أن نختم القرآن والدعاء يستجاب عند ختم القرآن». «حکم بن عتیبه تابعی جلیل می‌گوید که مجاهد و عبدة بن أبی لبابه کسی را فرستادند نزد من تا پیش ایشان بروم، وقتی که رفتم نزد ایشان فرمودند ما تو را دعوت کردیم که نزد ما بیایی برای این که می‌خواهیم ختم قرآن نماییم و دعا موقع ختم قرآن مستجاب است»، یعنی تا از این ختم و دعا نصیبی ببری.

«وفِي بعض رواياتة الصحيحة: وأنَّهُ كان يقال: إنّ الرحمة تنزل عند خاتمة القرآن» رحمت نازل می‌شود موقع ختم قرآن.

«وروى بإسناده الصَحِيْحِ عَنْ مجاهد قال: كانوا يجتمعون عند ختم القرآن يقولون تنزل الرحمة» «سلف موقع ختم قرآن اجتماع می‌نمودند و می‌گفتند موقع ختم قرآن رحمت خدا نازل می‌شود».

(فصل) و دعا نزد ختم قرآن مستحب است، استحباب متأکد و شدید، به دلیل آنچه یاد کردیم از احادیث و آثار.

«وَرَوَيْنَا فِي مسند الدارمي عَنْ حميد الأعرج/قال: من قرأَ القرآنَ ثمَّ عادَ أَمَّنَ على دعائه أربعةُ الآف مَلَك». «کسی که قرآن خواند و بعد از خواندن قرآن دعا کرد چهار هزار فرشته بر دعای او آمین می‌گویند». و شایسته است که در دعا پافشاری نماید و به آن ادامه دهد و دعایی که می‌کند راجع به کارهای مهم و با کلمه‌های پرمغز باشد. و بیشتر آن در امور آخرت و امور مسلمین و صلاح رهبران مسلمین و ولات امورشان و توفیق مسلمین در طاعت خدا و نگهداری‌شان از نافرمانی خدا و در باره‌ی همدستی‌شان در نکوکاری و تقوی و ایستادن به اجرای حق و وحدت کلمه و پیروزی‌شان بر دشمنان دین و همه‌ی مخالفین باشد. امام نووی در کتاب «آداب القُرّاء» دعاهای مختصر و جامع مقاصد خیر آورده است تا کسی که بخواهد از آن کتاب بگیرد. و مستحب است وقتی که ختمی را به آخر رسانید شروع به قراءت قرآن برای ختم دیگر نماید. سلف صالح همین روش را دوست می‌داشته‌اند که ختم قرآن متصل به هم باشد. و دلیل‌شان حدیث انس س است:«أنّ رسولَ الله ص قال: خَيْرُ الأَعْمالِ الْحَلُّ والرِّحْلَةُ، قِيْلَ وما هُمَا؟ قالَ افْتِتَاحُ الْقُرآنِ وخَتْمُهُ». «رسول الله ص فرمود: بهترین اعمال ختم قرآن و شروع مجدد برای قراءت قرآن و ختم دیگر است».

(فصل) راجع به کسی که به خواب رفت و حزب قراءت و کار همیشگی خود را در قراءت و ذکر در شب از دست داد:

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيْحِ مُسْلِمٍ عَنْ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ س قالَ: قالَ رسولُ الله ص: مَنْ نَامَ عَنْ حِزْبِهِ أَوْ عَنْ شَىْءٍ مِنْهُ فَقَرَأَهُ فِيمَا بَيْنَ صَلاَةِ الْفَجْرِ وَصَلاَةِ الظُّهْرِ كُتِبَ لَهُ كَأَنَّمَا قَرَأَهُ مِنَ اللَّيْلِ». «رسول الله ص فرمود: کسی که به خواب رفت از حزب یا از بعضی از آن در شب و آن را میان نماز صبح و نماز ظهر خواند ثواب آن برای او نوشته می‌شود، چنانکه آن را در شب خوانده باشد».

(فصل) در امر به تعهد قرآن و ادای قراءت آن و پرهیزکردن از این که به سبب نخواندن قرآن آنچه از حفظ دارد و می داند فراموش کند.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيْحِ البُخارِي عَنْ أبِي موسي الأشعري س عَنِ النَّبِيّ ص قالَ: تَعَاهَدُوا هَذَا الْقُرْآنَ فَوَالَّذِى نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ تَفَلُّتًا مِنَ الإِبِلِ فِى عُقُلِهَا». «رسول الله ص فرمود: این قرآن را مورد تعاهد و مواظبت بر قراءت آن قرار دهید، قسم به خدایی که جان محمد در دست اوست، قرآن فراموش‌کردن و از دست ‌دادن آن آسان است، و حفظ آن از فراموشی سخت‌تر است از حفظ شتر در پای بندش». کسانی که قرآن حفظ کرده و از بر دارند می‌دانند که اگر مدت‌اندکی بگذرد و تلاوت نکنند به حفظ‌شان لطمه می‌خورد. بنابراین، مداومت بر قراءت قرآن ضرورت دارد.

«وَرَوَيْنَا فِي صحيحيهما عَنْ ابن عمر بأنّ رسولَ الله ص قالَ: إِنَّمَا مَثَلُ صَاحِبِ الْقُرْآنِ كَمَثَلِ صَاحِبِ الإِبِلِ الْمُعَقَّلَةِ إِنْ عَاهَدَ عَلَيْهَا أَمْسَكَهَا وَإِنْ أَطْلَقَهَا ذَهَبَتْ». «رسول الله ص فرمود: مثال کسی که قرآن از بر دارد، مثال شترهایی است که پای‌بند بر پاهای آن‌هاست، اگر صاحبان شترها مواظبت برآنها کردند و در عقال و پای ‌بند نگاه‌شان داشتند، شترهای خود را حفظ می‌کنند و چنانچه شتران را بدون پای‌بند به حال خود رها کردند از دست می‌روند». همچنان حافظان قرآن، اگر همیشه قرآن بخوانند حفظ قرآن در ذهن‌شان می‌ماند، اگر از خواندن قرآن غفلت کردند قرآن از ذهن‌شان بیرن می‌رود.

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ أبِي داود والترمذي عَنْ أنس س قالَ: قالَ رسولُ الله ص: عُرِضَتْ عَلَىَّ أُجُورُ أُمَّتِى حَتَّى الْقَذَاةُ يُخْرِجُهَا الرَّجُلُ مِنَ الْمَسْجِدِ وَعُرِضَتْ عَلَىَّ ذُنُوبُ أُمَّتِى فَلَمْ أَرَ ذَنْبًا أَعْظَمَ مِنْ سُورَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ أَوْ آيَةٍ أُوتِيَهَا رَجُلٌ ثُمَّ نَسِيَهَا!. تكلم الترمذي فيه». «رسول الله ص فرمود: نشان من داده شد ثواب‌هایی که به امتم می‌رسد، حتی خار و خاشاکی که شخص از مسجد بیرون می‌برد تا به کسی آزاری نرسد و نشان من داده شد گناهان امتم، ندیدم گناهی بزرگتر از گناه کسی که سوره‌ای از قرآن به او داده شده و فراموش کرد».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبِي داوُدَ ومسند الدارمي عَنْ سعد بن عبادة س عَنْ النَّبِيِّ ص قالَ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ نَسِيَهُ لَقَي الله تعالى يَومَ القِيَامَةِ أجْذَمَ». «رسول الله ص فرمود: کسی که قرآن آموخت پس از آن قرآن ‌خواندن را فراموش کرد، روز قیامت که خدا را ملاقات می‌کند، به صورت شخص مجذوم است که شکل او را قبیح نموده است».

(فصل) در بیان مسایل و آدابی که شایسته‌ی قاری قرآن است به آنها توجه کند.

و این مسایل و آداب خیلی بسیار است، و در این جا قسمتی از آنها را یاد می‌نماییم و دلایل آنها را نمی‌آوریم، برای این که مشهور است و نیازی به آوردن دلایل آنها نیست، و آوردن آن دلایل باعث طولانی‌شدن و ملال و خستگی است. نخستین چیزی که قاری قرآن به آن امر می‌شود اخلاص و یکرنگی است که قاری باید قصدش از قراءت قرآن به دست‌آوردن رضای خدا باشد و هیچ قصد دیگری نداشته باشد. بنابراین، قاری باید ادب در برابر قرآن داشته باشد و با حضور قلب بخواند و به دل آورد که قصدش مناجات با پروردگار است، و قرآن که می‌خواند طوری بخواند که گویا خدا را می‌بیند، اگر او خدا را نبیند بداند که خدا او را می‌بیند.

(فصل) و شایسته است برای کسی که می‌‌خواهد قرآن را بخواند این که دهان و دندان را تمیز نگه دارد، و مسواک بهتر است از چوب اراک و خوشبو باشد، و مسواک‌زدن به چیزهای دیگری که دهان و دندان را پاکیزه کند نیز جایز است، و شستن دهان و دندان به انگشت در آن سه قول است: مشهورترین اقوال به انگشت اگرچه خشن باشد کفایت نمی‌کند. قول دوم کفایت می‌کند. قول سوم چیز دیگر نیست انگشت خشن و زبر کفایت می‌کند، و اگر وسیله‌ی دیگری هست انگشت کفایت نمی‌کند، و مسواک‌زدن به پهنای دندان و ابتداء از طرف راست دهان باشد، و با مسواک‌زدن نیت نماید که ادای سنت می‌نماید. بعضی از علما گفته‌اند: موقع مسواک‌ زدن بگوید: «اللّهُمَّ بارِكْ لِي فِيْهِ يا أرْحَمَ الرّاحِمِيْنَ». و مسواک می‌زند به ظاهر دندان‌ها و باطن دندان‌ها و بر زبان و سقف حلق به نرمی، اگر دهان به خون پلید شد قراءت قرآن در این حالت مکروه است، اما آیا حرام است با دهان نجس قرآن خواند یا نه؟ قول اصح این است که مکروه است و حرام نیست و این کراهت تحریمی است، اجتناب آن اولی می‌باشد، و این مبحث توضیحی دارد که در فصل‌های اول این کتاب یاد شد و نیاز به تکرار آن نیست. والله أعلم.

(فصل) شایسته است که قاری قرآن را به تدبر و فهم‌کردن و حضور قلب و خشوع بخواند که مقصود از قراءت همین است و انشراح صدر به آن حاصل می‌شود و دل به آن روشن می‌گردد. و دلایل خواندن با تدبر و فهم و با حال خشوع بیشتر از آن است که به شمار آید و مشهورتر از آن است که یاد شود. و گروهی از سلف در خواندن یک آیه شب را به صبح می‌آوردند. و گروهی موقع شنیدن آیه‌ای طوری در آنان تأثیر کرد که فریاد برآوردند و مردند. و گروهی از تاثیر آیاتی جان سپردند، برای این که با حضور قلب و فهم و خشوع می‌خواندند. و مستحب است گریستن موقع تلاوت قرآن و اگر نتواند بگرید، خود را گریان نشان دهد. برای این که گریستن موقع تلاوت قرآن شعار عباد الله الصالحین است. چنان‌که خدای متعال فرمود:

﴿وَيَخِرُّونَ لِلۡأَذۡقَانِ يَبۡكُونَ وَيَزِيدُهُمۡ خُشُوعٗا۩ ١٠٩﴾ [الإسراء: 109]. «و می‌افتند بر روی برای سجود در حالی که گریانند و گریستن بر خشوع‌شان می‌افزاید». امام نووی / در کتاب «التبیان فی آداب حملة القرآن» بسیاری از آثار صالحان را یاد نموده است.

«قالَ السيد الجليل صاحب الكرامات والـمعارف والـمواهب، إبراهيم الخواصس: دواء القلب خمسة أشياء: قراءة القرآن بالتدبّر. خلاء البطن وقيام الليل والتضرّع عند السحر ومجالسة الصالحين». «آقای با شکوه و بزرگوار، صاحب کرامات و مراتب خداشناسی و مواهب الهی، ابراهیم خواص س فرمود: دوای دل در پنج چیز است: خواندن قرآن از روی فهم و تدبر و خالی‌بودن شکم و شبخیزی و نماز تهجد خواندن و تضرع و گریه و زاری در وقت سحر و همنشینی با صالحان».

قرآن وقتی سودمند است که قاری بداند کلام کیست و مقصود او چیست. و آن کسی که قرآن کلام اوست آفریدگار همه و دانا به نهان و آشکار همه و مالک زندگی و مرگ همه و سرنوشت همه در دست اوست. این قرآن که پیام سعادت دو جهان است بر بنده و پیغمبر خاتمش نازل فرمود تا روح پیروان قرآن را به تلاوت آن شاد فرماید و دل‌های قرآن‌خوانان را به نور قرآن روشن گرداند و سراپای وجودشان به محبت خدا و رسول خدا ص منور گرداند. برای چنین فهمی شکم خالی لازم است تا بتواند ساعت‌ها در قیام و قعود و رکوع و سجود روان خود را بر استقامت استوار سازد. به قول سعدی:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اندرون از طعام خالی دار |  | تا در آن نور معرفت بینی |
| تو کجا نور معرفت توانی دید |  | که پری از طعام تا بینی |

و توانایی بر گرسنگی و شکم خالی کسانی دارند که سحرگاه در نماز تهجد به راز و نیاز با پروردگار مشغولند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| شب مردان خدا روز جهان افروز است |  | صالحان را به حقیقت شب ظلمانی نیست |

و به دست ‌آوردن چنین نعمت‌هایی از همنشینی با صالحان به دست می‌آید.

(فصل) خواندن قرآن از رو بهتر از خواندن از حفظ است: برای این که دست‌ها قرآن را حمل می‌نماید و چشم‌ها حروف قرآن را می‌بیند علمای ما چنین فرموده‌اند، و لیکن باید دانست که اگر با از برخواندن دل در آن بیشتر حاضر می‌شود و فهم و تدبر قراءت بیشتر به دست می‌آید از برخواندن بهتر است، اما اگر از برخواندن و از روخواندن یکسان باشند، از رو خواندن بهتر است، و هرچه بیشتر اعضای بدن در طاعت به کار آید، بهتر است. وقتی که انسان به نماز می‌ایستد پاها در طاعت هستند، برای این که بدن را حمل کرده‌اند. دست‌ها در طاعت هستند، برای این که برای تکبیرة الإحرام بالا رفته‌اند و یا بر سینه برهم نهاده شده‌اند. چشم‌ها در طاعت هستند که به سجده‌گاه می‌نگرند. دل در طاعت است که آماده خشوع شده است. اگر نیت را به زبان بیاورد، زبان به گفتن و گوش به شنیدن در طاعت حاضر می‌شوند. بعضی از روی بی‌دانشی می‌گویند: نیت نمی‌خواهد. اولاً حدیث متفق علی صحته و قریب به تواتر: «إِنَّمَا الأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ». است که می‌رساند هیچ عملی بدون نیت صحیح نیست. دیگر این که موقع نیت دل حاضر می‌شود و استحضار عظمت خدای تعالی به بار می‌آورد. و نیت است که عمل را خالص می‌سازد. و نیت است که مراتب عبادت را از هم جدا می‌سازد و نیت فرض و نیت سنت و نیت ادا و نیت قضا و نیت منفرد و نیت با جماعت همه به نیت حاصل می‌شود. اما تکبیرگفتن بدون نیت نه اخلاصی به همراه می‌آورد نه استحضار عظمت خدا فراهم می‌شود، نه شرمساری از تقصیر در طاعت به یاد می‌آید. بیچاره مردمی که به سبب بی‌سوادی از بسیاری از مزایا محروم می‌گردند.

(فصل) روایات بسیاری آمده است در فضیلت بلندکردن آواز به قراءت قرآن. و روایات بسیاری آمده است به فضیلت آهسته‌کردن آواز به قراءت قرآن. علما گفته‌اند راه جمع میان این دو گفتار این است که آهسته‌خواندن دورتر است از ریا. بنابراین کسی که از ریا می‌ترسد، آهسته‌خواندن برای او بهتر است. و کسی که نمی‌ترسد و می‌داند که در عملش ریا داخل نمی‌شود به آواز بلندخواندن برای او بهتر است، به شرط این که بلندخواندنش مایه‌ی تشویش نمازگزاری نشود و شخصی را که به خواب است ناآرام نکند. کودکی که در گهواره است بیدار نسازد. بیماری که استراحت نموده راحتش را از بین نبرد. اگر هیچ یک از این مسایل نیست با آواز بلندخواندن قرآن بهتر است، برای این که دیگری می‌شنود و از قراءت او استفاده می‌کند. دل قاری را بیدار می‌سازد و فکرش را جمع می‌کند. خواب از چشم بیرون می‌کند و نشاط را می‌افزاید و دیگری که غافل است به قراءت تشویق می‌نماید، و هرگاه یکی از این مقاصد باشد خواندن قرآن با آواز بلند بهتر است. و مقصود از آواز بلند آواز به حسب عرف است نه این که مانند مؤذن صدا را بلند کند.

(فصل) و مستحب است قرآن را با آواز خوش‌خواندن و آواز را به قراءت قرآن زیبانمودن به شرط این که به صورت نغمه‌خوانی نباشد و زیاد و کم‌کردن حرفی به بار نیاورد. اما قراءت قرآن به صورت آوازخوانی و کشیدن زیاد حرف و تمطیط و تردید بسیار و به حد افراط حرام است، و در صورتی که به حد افراط نباشد حرام نیست. آواز خوش نعمتی بزرگ است، روح را تغذیه می‌نماید و شوق عمل به قرآن را در دل‌ها زنده می‌گرداند. اما آواز ناخوش به قول سعدی /:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| گر تو قرآن بدین نمط خوانی |  | ببری رونق مسلمانی |

(فصل) و مستحب است برای قاری قرآن که ارتباط آیات قرآن را از هم قطع نکند، ابتدا قراءت به آیه‌ای نماید که در آغاز مقصد قرار دارد و پایان قراءت و محل وقف قراءت را در محلی از آیات قرار دهد که با آیات بعدی مرتبط نباشد، و هیچ وقت خود را مقید به اول جزء یا اول حزب ننماید، برای این که چه بسیار آیه‌ی اول جزء مربوط به آیه‌های قبلی است، و ابتدا با آن مطالب آیات را از هم قطع می‌نماید، و قرآن را به سی جزء تقسیم کرده‌اند تا کسی که می‌خواهد ماهی یک ختم نماید هرروز یک جزء بخواند، اما آیه‌های قبل از آن که مربوط به آن است ترک ننماید، و قرآن را به شصت حزب تقسیم کرده‌اند تا کسی که می‌خواهد در دو ماه یک ختم قرآن نماید هرروز یک حزب بخواند، اما آیه‌های قبلی که مربوط به اول حزب است فراموش نکند، و قرآن را به هفت منزل تقسیم کرده‌اند تا کسی که می‌خواهد قرآن را در یک هفته ختم نماید هرروز یک منزل بخواند. و هر جزء به چندین رکوع قسمت کرده‌اند تا در نماز تراویح در هر رکعتی یک رکوع بخواند، و بازهم باید ارتباط آیات را فراموش نکند. و تقسیم به رکوع برای حفظ قرآن است که اگر کسی هرروز یک رکوع حفظ نماید در دو سال قرآن را حفظ می‌کند.

الحاصل، همیشه رعایت معانی آیات و ارتباط جمله‌ها را حفظ نماید و غِرّه نشود که مردم چه می‌کنند. به قول فضیل بن عیاض /: «اُسْلُكْ طريقَ الهُدي ولا يَضُرُّكَ قلّةُ السالكين. ولا تَسلُكْ طريقَ الغَواءِ ولا يَغُرُّكَ كَثْرةُ الهالكين». «راه راست بگیر و زیانی نمی‌بینی از‌اندکی راست و روان و بپرهیز از راه گمراهی و تو را نفریبد بسیاری هلاک‌شوندگان». روی این اصل علما گفته‌اند: خواندن یک سوره‌ی کامل بهتر است از برابر آن خواندن از سوره‌ی بزرگتر، برای این که ارتباط آیات به همدیگر بر بسیاری از مردم پنهان می‌ماند.

(فصل) از جمله بدعت‌های زشت است عمل بعضی از ائمه‌ی مساجد که در نماز تراویح سوره‌ی انعام را به تمامی در رکعت آخری می‌خوانده‌اند، به این ادعا که سوره‌ی انعام از اول تا به آخر همراه هم نازل شده است، و در این عمل چند منکر است: یکی عقیده به سنت‌بودن آن. دوم تطویل رکعت دوم بر رکعت اولی. سوم طولانی‌کردن آن رکعت بر نمازگزاران. چهارم به سرعت‌خواندن و حق آیات را به جای‌نیاوردن که هرکدام بدعتی است.

(فصل) درست است گفتن سوره‌ی بقره. سوره‌ی آل عمران. سوره‌ی نساء. سوره‌ی عنکبوت و همچنین باقی سوره‌ها و همین معتمد است، و بعضی از سلف می‌گفته‌اند: «السورةُ التى تُذْكَرُ فيها البقرةُ. السورة التى تذكر فيها النساء» و این قول غیر معتمد است، برای این که قول اولی قول جماهیر علمای مسلمین است از سَلَف و خَلَف. احادیثی که در این خصوص از رسول الله ص آمده است بیش از آن است که شمرده شود، و همچنین درست است گفتن این که این قراءت ابی عمرو است. این قراءت ابن کثیر است. این قراءت عاصم است، چنانکه عمل سلف و خلق برآن است بدون انکار آن. و از ابراهیم نخعی / آمده است: «کانوا یکرهون سنة فلان وقراءة فلان». اما مورد اعماد نیست، و صحیح همان گفتار جمهور علما بر جواز آن است.

(فصل) بدان که همه‌ی آداب قراءت و قاری را نمی‌توان در کمتر از چندین جلد آورد، و لیکن قصد ما اشاره بر بعضی از مقاصد پراهمیت آنهاست که در این فصل‌ها مختصر بیان نمودیم. و در فصل‌هایی که در اول کتاب گذشت از آداب ذاکر و قاری و در اذکار نماز جمله‌هایی از آداب متعلق به قراءت قرآن یاد شد، و برای اطلاع بیشتر ارجاع نمودیم به کتاب «التبیان فی آداب حلمة القرآن» کسی که معلوماتی بیشتر در این زمینه بخواهد به آن کتاب مراجعه نماید. «وبالله توفیق وهو حسبی ونعم الوکیل»: توفیق از خداست و او ست که کفایت‌کننده من است و خدای ﻷ چه خوب کفایت‌کننده و نگهدارنده است.

(فصل) مکروه است که بگوید: «نَسِيْتُ آيةَ كذا»: فراموش کردم فلان آیه را، بلکه بگوید: «اُنْسِيْتُ آية كذا. أو كُنْتُ أسْقَطْتُ آية كذا».به فراموشی افتاده بودم از فلان آیه، یا فلان آیه را ‌انداخته بودم.

«وَرَوَيْنَا فِي صحيحي البُخارِي ومسلم عَنْ أبن مسعود س قال: قالَ رسولُ اللهص: لا يَقُولُ أحَدُكُمْ نَسِيتُ آيَةَ كَذَا وَكَذَا بَلْ هُوَ أُنْسِيَ». «نباید یکی از شما بگوید فراموش کردم آیه‌ی فلانی را، بلکه به فراموشی‌انداخته شده است از فلان آیه».

وفِي رواية فِي الصحيحين أيضاً: «بِئْسَمَا لأَحَدِهِمْ يَقُولُ نَسِيتُ آيَةَ كَيْتَ وَكَيْتَ بَلْ هُوَ نُسِّىَ». «چه بد چیزی است که یکی از ایشان بگوید: فلان آیه را فراموش کردم، بلکه او به فراموشی‌انداخته شده است».

«وَرَوَيْنَا فِي صحيحيهما عَنْ عائشة بأنّ النَّبِيَّ ص سَمِعَ رَجُلاً يقرأُ فقالَ: رَحِمَهُ اللَّهُ لَقَدْ أَذْكَرَنِى آيَةً كُنْتُ أسْقَطْتُها!. وفي رَوايةٍ فِي الصَحِيْحِ كُنْتُ أُنْسِيتُهَا». «رسول الله ص شنید از مردی که قرآن می‌خواند. آنگاه فرمود: «خدا بیامرزد او را که به یاد من آورد آیه‌ای را که آن را‌انداخته بودم». و در روایتی در صحیح: از آن به فراموشی افتاده بودم».

(فصل) بدان که قراءت قرآن مؤکدترین اذکار است، چنانکه پیش از این گفتیم. و بنابراین، شایسته است مداومت بر قراءت تا هیچ روز و شبی بدون قراءت قرآن نگذارند، و اصل قراءت حاصل می‌شود به خواندن‌اندکی از آیات قرآن.

«وقد رَوَيْنَا فِي كتاِب ابْنِ السُنِّي عَنْ أنس س أن رسول الله ص قالَ: مَنْ قَرأ في يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ خَمْسِينَ آيَةً لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الغافِلِينَ وَمَنْ قَرأ مِئَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ القانِتِينَ وَمَنْ قَرأ مِئتَيْ آيَةٍ لَمْ يُحاجهِ القُرآنُ يَوْمَ القِيامَةِ وَمَنْ قَرأ خَمْسَمِئَةٍ كُتِبَ لَهُ قِنْطارٌ مِنَ الأجْرِ». «رسول الله ص فرمود: کسی که در روز و شبی پنجاه آیه از قرآن را بخواند او از غفلت‌زدگان نوشته نمی‌شود، و کسی که در روز و شبی یکصد آیه را بخواند او نوشته می‌شود از عبادت‌کاران، و کسی که دویست آیه را بخواند، قرآن در روز قیامت با او دشمنی نمی‌کند، و کسی که پانصد آیه را بخواند نوشته می‌شود برای او اجر بسیار». و در روایتی: «مَنْ قَرأ أَرْبَعِينَ آيَةً!. بَدَلَ خَمْسِيْنَ». «و کسی چهل آیه را خواند به جای پنجاه آیه». و در روایتی: «عِشْرِينَ». «کسی که بیست آیه را خواند از غفلت‌زدگان نوشته نمی‌شود». وفي رواية: «عَنْ أبي هريرة س قالَ: قالَ رسول الله ص: مَنْ قَرأ عَشْرَ آياتٍ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الغافِلِينَ». «رسول الله ص فرمود: کسی که در روز و شبی ده آیه از قرآن را بخواند از غفلت‌زدگان نوشته نمی‌شود».

و در این باب احادیث بسیار آمده است، مانند همین احادیثی که روایت شد. و روایت احادیث بسیار داریم در باره‌ی کسی که یک سوره را در روز و شبی خواند، از آن جمله است کسی که سوره‌ی یاسین را برای به دست‌آوردن رضای خدا در روز و شبی خواند گناهش آمرزیده می‌شود، و در روایتی کسی که سوره‌ی دخان را در شبی بخواند، وقتی که صبح می‌شود گناهش آمرزیده شده است، و در روایتی از ابن مسعود س است که گفت: «از رسول الله ص شنیدم که می‌فرمود: «کسی که سوره‌ی واقعه را در هر شب بخواند دچار فقر و تنگدستی نمی‌شود».

«وَعَنْ جابر س: كَانَ النَّبِيُّ ص لاَ يَنَامُ، كُلَّ لَيْلَةٍ، حَتَّى يَقْرَأَ: ﴿الٓمٓ تَنزِيلُ﴾ و ﴿تَبَٰرَكَ ٱلَّذِي بِيَدِهِ ٱلۡمُلۡكُ﴾». «رسول الله ص هیچ شبی نمی‌خوابید تا این که اول سوره‌ی الم السجدة و سوره‌ی ﴿تَبَٰرَكَ ٱلَّذِي بِيَدِهِ ٱلۡمُلۡكُ﴾ را بخواند».

«وَعَنْ أبِي هُرَيْرَةَ س أنّ النَّبِيَّ ص قالَ: مَنْ قَرَأ فِي لَيْلَة إذَا زُلْزِلَتِ الأرْضُ كانَتْ لَهُ كَعِدْلِ نِصْفِ القُرآن وَمَنْ قَرأ قُلْ يا أيُّها الكافِرُونَ كَانَتْ لَهُ كَعِدْل رُبْعِ القُرآنِ وَمَنْ قَرأ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ كانَتْ لَهُ كَعِدْلِ ثُلُثِ القُرآن». «رسول الله ص فرمود: کسی که سوره‌ی إذا زُلزِلَت را در شبی بخواند برای او برابر قراءت نصف قرآن ثواب است، و کسی که سوره‌ی ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ١﴾ را بخواند برای او به قدر ثواب قراءت ربع قرآن ثواب نوشته می‌شود، و کسی که سوره‌ی ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ را در شبی بخواند به قدر خواندن ثلث قرآن ثواب دارد». و در روایتی دیگر کسی که آیة الکرسی و سوره‌ی غافر «الـمؤمن» را بخواند در آن روز از هر بدی نگه داشته می‌شود، و احادیث در باره‌ی آنچه یاد کردیم بسیار است و اشاره به مقاصد آنها نمودیم. و خدای متعال داناتر است به آنچه صواب و درست است و برای اوست ستایش‌ها و به فضل او حاصل می‌شود توفیق بر طاعت و دوری از معصیت.

«كتاب حمد الله تعالى»

کتابی است در بیان ستایش خدای تعالی گفتن

قال الله تعالی: ﴿وَقُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي لَمۡ يَتَّخِذۡ وَلَدٗا﴾ [الإسراء: 111]. «و بگو (ای رسول خدا) همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتایی است که برای خود فرزندی را قرار نداد». **وقال تعالی:** ﴿لَئِن شَكَرۡتُمۡ لَأَزِيدَنَّكُمۡ﴾ [ابراهيم: 7]. «اگر سپاس نعمت‌های پرورگارتان را به جا آوردید، زیاد می‌نمایم نعمت‌هایم را برای شما». وقال تعالی: ﴿فَٱذۡكُرُونِيٓ أَذۡكُرۡكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لِي وَلَا تَكۡفُرُونِ ١٥٢﴾ [البقرة: 152]. «مرا یاد کنید تا شما را یاد نمایم و سپاس نعمت‌هایم را به جا آورید و ناسپاسی نکنید».

و آیات قرآن که امر می‌فرماید به حمد و ستایش و شکر و سپاس خدا و بیان می‌فرماید فضل و ثواب آنها بسیار است و همه معروف و شناخته شده است.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبِي داوُدَ وابن ماجه ومسند أبِي عوانة الأسفرايني الـمخرج على صحيح مسلم رحمهم الله عَنْ أبِي هريرة س عَن رسول الله ص أنَّهُ قالَ: كُلُّ أَمْرٍ ذِى بَالٍ لاَ يُبْدَأُ فِيهِ بِالْحَمْدِ للهِ فَهُوَ أَقْطَعُ». «رسول الله ص فرمود: هرکار با اهمیتی که آغاز آن حمد و ستایش خدا گفته نشود آن کار از هر خیر و برکتی بریده شده است». وفِي رواية: «بِحَمْدِ لِلَّهِ!. وفِي رواية: بِالْحَمْدِ فَهُوَ أَقْطَعُ!. وفِي رواية: كُلُّ كَلاَمٍ لاَ يُبْدَأُ فِيهِ بِالْحَمْدُ لِلَّهِ فَهُوَ أَجْذَمُ». «هر سخنی که آغاز آن به الحمد لله شروع نشود آن کار خوره‌خورده و بی‌برکت است». وفِي رواية: «كُلُّ أَمْر ذِي بَال لاَ يُبْدَأ فِيهِ بِبَسْمِ اللَّه الرَّحْمَن الرَّحِيم فَهُوَ أَقْطَع». «هر کار مهمی که آغاز آن به بسم الله الرحمن الرحیم نباشد هیچ خیر و برکتی ندارد».

ما روایت الفاظ این احادیث که یاد شدند همه از کتاب اربعین حافظ عبدالقادر رهاوی نقل نموده‌ایم، و این روایات موصول آمده با ذکر صحابی و مرسل آمده بدون ذکر صحابی. و روایت موصول آن اسنادش خوب است، و قاعده است وقتی که حدیثی موصول و مرسل روایت شد حکم برای روایت موصول است نزد جمهور علماء برای این که موصول زیادۀ الثقه است و آن نزد جماهیر علما مقبول است، و معنی امر ذی بال یعنی حالتی دارد که به آن اهمیت داده می‌شود. و معنی أقطع: ناقص و قلیل البرکة. وأجذم: هم به همین معنی است. علما فرموده‌اند: مستحب است که هر طالب و هر مدرس و هر خطیب و هر خاطب یعنی خواستگاری‌کننده‌ی زن و هر مصنف کتاب پیش از هر کار مهمی «بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالـمین» را بگویند. امام شافعیس فرمود: دوست می‌دارم که هر شخص در جلو خطبه‌اش و هر کاری که می‌طلبد حمد خدای تعالی و ثناء بر ذات پرعظمت او و درود و سلام بر رسول الله‌ ص و آل و اصحابش را مقدم بدارد.

(فصل) بدان که «بسم الله الرحمن الرحیم» و حمد و ثنای پروردگار عظیم در ابتدای هر کار مهم مستحب است، چنانکه بیان شد و همچنان بعد از فراغت از خوراک و آشامیدن آب و بعد عطسه و موقع خواستگاری زن و موقع همبستری و موقع عقد نکاح و بعد از بیرون‌آمدن از مستراح در همه‌ی این احوال حمد پروردگار مستحب است، و بیان این مسایل هرکدام در باب مخصوص آن با ذکر دلایل آن و تفریع مسایل آن می‌آید إن شاء الله تعالی. و مستحب است در ابتدای کتاب‌هایی که تألیف می‌شود و در ابتدای تدریس مدرسین و ابتدای قراءت طلاب ﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾ و حمد و ستایش پروردگار باشد، خواه قراءت و درس تفسیر یا حدیث یا فقه باشد یا غیر این‌ها، و بهترین عبارت حمد در همه‌ی آنچه بیان شد کلمه‌ی ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾ است.

(فصل) حمد خدای متعال رکن است در خطبه‌ی جمعه و غیر آن، و خطبه صحیح نمی‌شود، مگر به حمد خدای تعالی و صلوات و سلام بر رسول الله ص و وصیت به تقوی در هردو خطبه و قراءت آیه‌ای از قرآن در یکی از دو خطبه و دعا برای مؤمنین و مؤمنات در خطبه‌ی دوم. و کسانی که می‌خواهند وعظ را به فارسی بخوانند بعد از فراغت از وعظ خطبه را مختصر و کامل به عربی نیز بخوانند، و به دنبال آن نماز جمعه شروع کنند که اکتفا به خطبه‌ی فارسی در جمعه و کسوف و خسوف و استسقاء صحیح نمی‌شود، و أقل واجب در حمد الحمد لله است و بهتر است زیادکردن ثناء. و تفصیل این مسائل در کتب فقه است، و در کتاب «لب اللباب» تألیف بنده به تفصیل یاد شده است.

(فصل) مستحب است که هر دعا به حمد خدا پایان داده شود، چنان‌که خدای ﻷ فرمود: ﴿وَءَاخِرُ دَعۡوَىٰهُمۡ أَنِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾ «و پایان دعای‌شان ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾ است». و دلیل آغاز دعا به حمد خدای ﻷ از حدیث در کتاب الصلاة می‌آید إن شاء الله تعالی. و در حدیث صحیح می‌آید به این معنی: خدا از بنده راضی می‌شود که اگر خوراک خورد حمد خدا گوید و اگر آب آشامید حمد خدا گوید. و موقعی که آغاز و پایان هرکار حمد خدای متعال بود، حمد خدا قبول می‌شود و میان دو حمد نیز إن شاء الله قبول می‌شود.

الحاصل، هر کلام از خطبه و غیر آن باید سرآغاز آن بسم الله و حمد الله و الصلاة و السلام علی رسول الله ص و پایان آن نیز بسم الله و الحمد لله و صلاة و سلام بر رسول و آل و اصحابش باشد.

(فصل) مستحب است حمد خدا موقع حصول هر نعمتی و موقع دفع‌شدن هر نقمت و بلایی، خواه حصول نعمت و دفع بلا برای او یا دوستش یا برای مسلمین باشد.

در صحیح مسلم از أبو هریره س روایت داریم که در شب اسراء و معراج دو کاسه برای رسول الله ص آورده شد: یکی خمر داشت، یکی شیر. رسول الله ص کاسه‌ی شیر را اختیار نمود، جبرئیل فرمود: ستایش خدای را که تو را هدایت به فطرت فرمود، اگر کاسه‌ی خمر گرفته بودی امتت گمراه می‌شد.

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ الترمذي وغيره عَنْ أبِي موسي الأشعريس أنَّ رسول الله ص قالَ: إذا ماتَ ولَدُ العبد قال اللّهَ للملائكةِ: أقَبَضْتُمْ ولَدَ عَبدي؟ فيقولون: نَعَم . فيقولُ اللّهُ تعالى: أقبضتم ثمرة قلبه؟ فيقولون: نعم. فيقول اللّهُ تعالى: ماذا قال؟ فيقولون: حَمِدَك واستَرْجَع، فيقول الله تعالى: ابْنُوا لعَبْدِي بَيْتاً في الجَنَّةِ وسَمُّوه بَيْتَ الحمدِ».«قالَ الترمذي: حديث حسن. والأحاديث فِي فضل الحمد كثيرة مشهورة وقد سبق في أوّل الكتاب جملة من الأحاديث الصحيحة في فضل سبحان الله والحمد لله ونحو ذلك». تفسیر حدیث: رسول الله ص فرمود: «وقتی که فرزند بنده‌ای درگذشت، خدای متعال به ملائکه اش می‌فرماید: جان فرزند بنده ام را گرفتید؟ ملائکه می‌گویند: آری، جان فرزنده بنده‌ات را گرفتیم. می‌فرماید: جان جگرگوشه‌اش را ستاندید؟ ملائکه می‌گویند: بله، جان جگرگوشه‌ی بنده‌‌ات را گرفتیم. پروردگار می‌فرماید: بنده ام چه گفت؟ ملائکه می‌گویند: حمد و ستایش تو گفت و گفت: «إنا لله وإنا إلیه راجعون». پروردگار می‌فرماید: خانه‌ای برای بنده‌ام در بهشت بسازید و آن را بیت الحمد بنامید. و در اول کتاب جمله‌ای از احادیث صحیح در فضل گفتن: سبحان الله والحمد لله و مانند آن آورده شد».

(فصل) متأخیرن از علمای خراسانی ما فرموده‌اند: اگر کسی قسم بخورد که خدا را ستایش می‌کند به باشکوه‌ترین ستایش، طریقه‌ی به جاآوردن قسمش این است که بگوید: «الحَمْدُ للهِ حَمْداً يُوافِي نِعَمَهُ ويُكافِئُ مَزِيْدَهُ» همه‌ی ستایش برای خدای یکتاست، ستایشی که نعمت‌های خدا را ملاقات نماید و حمد آن نعمت‌ها با آن ستایش حاصل شود، و ستایشی که شکر آنچه را که زیاد فرمود از نعمت‌ها و از احسان‌های بی‌شمار او بگزارد. بنابراین، معنی «يُوافِي نِعَمَهُ: يُلاقِي نِعَمَهُ فَتَحْصُلُ مَعَهُ. و معنى يُكافِئُ مَزِيْدَهُ: يَقُومُ بِشُكْرِ ما زادَهُ مِنَ النعَمِ».

همین علما گفتند که اگر کسی قسم خورد: «لَيُثْنِيَنَّ عَلَى اللهِ تعالى أحْسَنَ الثناءِ» که بهترین ثنا و ستایش خدای تعالی را انجام دهد، راه بیرون ‌آمدنش از قسمش این است که بگوید: «لا أُحْصِي ثناءً عَلَيْكَ أنْتَ كَما أثْنَيْتَ عَلَي نَفْسِكَ. زادَ بَعْضُهُم فِي آخِرِهِ: فَلَكَ الْحَمْدُ حَتّى تَرْضَي» من نمی‌توانم ثنا و ستایش تو را آن چنان‌که شایسته‌ی عظمت توست به جا آورم، ثنای تو آنچنان است که خودت ثنای خود را گفتی و برای تو ستایش است تا تو راضی شوی.

و ابوسعید متولی صورت مسأله برای کسی که قسم یاد کرد که خدا را به بهترین ثنا بستاید کلمه‌ی «سُبْحَانَكَ» را در اول ثنا اضافه کرد، به این صورت که بگوید: «سُبْحَانَكَ لا أُحْصِي ثناءً عَلَيْكَ أنْتَ كَما أثْنَيْتَ عَلَي نَفْسِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ حَتّى تَرْضَي»: من تنزیه و تسبیح تو می‌گویم، نتوانم ثنای تو را آنچنانکه شایسته‌ی عظمت توست به جا آورم، ثنای تو همان است که خودت ثنای خودت فرمودی.

«كتاب الصلاة على رسول الله ص»

کتابی است در بیان صلوات و سلام‌فرستادن بر رسول الله ص

قال الله تعالی: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦﴾ [الأحزاب: 56]. «حقیقت این است که خدا و فرشتگانش درود می‌فرستند بر پیغمبرش، خاتم النبیین، ای مردمی که ایمان آورده اید! درود بفرستید و سلام بفرستید سلامی که شایسته‌ی او باشد». و حدیث‌هایی که در خصوص فضل صلوات بر رسول الله ص است و احادیثی که امر به صلوات‌فرستادن بر رسول الله ص می‌کند بیشتر از آن است که به شمار آید، و در این جا اشاره به چند حدیث آز آنها می‌نماییم تا دلالت دهد بر خیر آن و برای برکت‌یافتن کتاب از صلوات و سلام‌فرستادن بر خاتم النبیین علیه أفضل الصلاة وأتم التسلیم.

«رَوَيْنَا فِي صَحِيْحَ مسلم عَنْ عبد الله بن عمرو بن العاص بأنَّهُ سَمِعَ رسولَ الله ص يقول: مَنْ صَلَّى عَلَىَّ صَلاَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرً**ا**». «کسی که یک بار بر من درود بفرستد خدا ده بار بر او صلوات فرستد».

«وَرَوَيْنَا فِي صحيح مسلم أيضاً عَنْ أبي هريرة س أنَّ رسولَ الله ص قالَ: مَنْ صَلَّى عَلَىَّ صَلاَةً واحِدِةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا». «کسی که درود فرستد بر من یک بار خدا درود فرستد بر او ده بار».

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ الترمذي عَنْ عبد الله بن مسعود س أنّ رسولَ اللهص قال: أَوْلَى النَّاسِ بِى يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ عَلَىَّ صَلاَةً». قال الترمذی: حديث حسن. «رسول الله ص فرمود: نزدیک‌ترین مردم در روز قیامت به من کسی است که بیشتر درود فرستد بر من».

ترمذی گفته است و در این باب (فضل صلوات ‌فرستادن بر رسول الله ص) احادیثی است به روایت عبدالرحمن بن عوف و عامر بن ربیعۀ و عمار و أبی طلحۀ و أنس و أبی بن کعب ش.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبِي داود والنسائي وابن ماجه بالأسانيد الصحيحة عَنْ أوْسِ بن أوْسٍ س قالَ: قالَ رسول الله ص: إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأَكْثِرُوا عَلَىَّ مِنَ الصَّلاَةِ فِيهِ فَإِنَّ صَلاَتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَىَّ!. فقالوا يا رسول الله وكيف تَعْرِضُ صلاتُنا عَلَيكَ وقَدْ أَرَمْتَ، قالَ: يقولُ: بَلِيْتَ، قالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَرَّمَ عَلَى الأَرْضِ أَجْسَادَ الأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ». «رسول الله ص فرمود: از بهترین روزهای شما روز جمعه است، در روز جمعه بسیار درود و صلوات بر من بفرستید که درودفرستادن‌تان به من می‌رسد گفتند: یا رسول الله! درود ما به شما می‌رسد در حالی که جسدت پوسیده شده است. فرمود: «خدا بر زمین حرام فرمود که اجسام انبیا را پوسیده سازد». یعنی جسد انبیا نمی‌پوسد و انبیا † در قبرهایشان زنده هستند.

«قلتُ: أَرَمْتَ بفتح همزه وراء وسكون ميم وفتح تاء المخففه. قال الخطّابي: أرَمْتَ: أصلُه أَرْمَمْتَ»، یکی از دو میم حذف شده و این لغت بعضی از عرب است، چنان‌که گفته‌اند: «ظَلْت»: «ظَلَلْتُ». و نظایر بسیار دارد. و غیر خطابی گفت: «اَرَمَّتْ»: به فتح راء و به تشدید میم و سکون تاء، یعنی «أرَمَّتِ العِظامُ»: استخوان‌ها پوسیده شد، و اقوال دیگری در آن هست. والله أعلم.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبي داوُدَ فِي آخر كتاب الحج فِي باب زيارة القبول بالإسناد الصَحِيْحِ عَنْ أبِي هريره س قالَ: قالَ رسول الله ص: وَلاَ تَجْعَلُوا قَبْرِى عِيدًا وَصَلُّوا عَلَىَّ فَإِنَّ صَلاَتَكُمْ تَبْلُغُنِى حَيْثُ كُنْتُمْ». «قبر مرا عید مسازید، یعنی این که فقط نزد قبرم صلوات بر من فرستید، و من بر صلوات فرستید، زیرا که صلوات شما به من می‌رسد هرجا که باشید».

«وَرَويْنَا فِيْهِ أيضاً بإسناد صَحِيْحِ عَنْ أبي هريرة س أيضاً أنّ رسول الله ص قالَ: مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَىَّ إِلاَّ رَدَّ اللَّهُ عَلَىَّ رُوحِى حَتَّى أَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلاَمَ». «و بازهم در سنن ابی داود روایت داریم به اسناد صحیح از ابی هریره س که رسول الله ص فرمود: هر کسی که سلام بر من فرستد خداوند روحم را برمی‌گرداند تا جواب سلامش را بگویم».

«باب أمْرُ مَنْ ذُكِرَ عنده النَّبِّي ص بالصلاةِ عليه والتسليم»

بابی است در بیان این که هرکسی که نام پیغمبر ص نزد او برده شد امر شده به او که صلوات و سلام بر رسول الله ص بفرستد

«رَوَيْنَا فِي كِتابِ التِّرْمِذِي عَنْ أبِي هريرة س قال: قالَ رسول الله ص: رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَىَّ». قال الترمذی: حديث حسن. «رسول الله ص فرمود: به خاک مالیده شد بینی کسی که نام من نزد او برده شد و درود بر من نفرستاد».

«ورَوَيْنَا فِي كتابِ ابْنِ السُنِّي بإسناد جيّد عَنْ أنس س قالَ: قالَ رسول اللهص: مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَلْيُصَلِّ عَلَيَّ، فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً، صَلَّى اللهُ ﻷ عَلَيْهِ عَشْرًا». «رسول اللهص فرمود: کسی که نام من نزد او برده شد درود بر من بفرستد، برای این که هرکسی که یک بار درود بر من بفرستد خدا ده بار درود بر او می‌فرستد».

«وَرَوَيْنَا فِيْهِ بإسناد ضعيف عَنْ جابر س عَنْهُ قالَ: قالَ رسول اللهص: مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ فَقَدْ شَقَي». «رسول الله ص فرمود: کسی که نام من نزد او برده شد و درود بر من نفرستاد در حقیقت بدبخت شده است».

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ الترمذي عَنْ عليٍّ س قالَ: قالَ رسول اللهص: الْبَخِيلُ مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَىَّ». قال الترمذی: حديث حسن صحيح. «رسول الله ص فرمود: «بخیل کسی است که نام من نزد او برده شود و درود بر من نفرستد».

امام ابوعیسی ترمذی نزد این حدیث گفته است که از بعضی از اهل علم روایت می‌شود که وقتی که شخصی در مجلسی یک بار درود بر رسول الله ص فرستاد تا مادامی که در آن مجلس است همان یک بار درود فرستادنش کافی است. این فرموده‌ی بعضی از اهل علم، احتمال دارد که در یک مجلس یک بار درودفرستادن کافی باشد، و نفرموده است که اگر نام رسول الله ص به تکرار یاد شد بیش از یک بار نمی‌خواهد، برای این که در احادیث متعدد استحباب درود فرستادن بر رسول الله ص در هر باری است که نام شریف ایشان یاد شود، و احتیاط این است که با هر بار شنیدن نام مبارک ایشان درود و سلام نثار ایشان شود. والله أعلم.

«باب صفة الصلاة على رسول الله ص»

بابی است در بیان چگونگی درودفرستادن بر رسول الله ص

پیش از این در کتاب «أذکار الصلاة» یاد کردیم که درود به چه لفظی باشد، و اکمل صلوات و اقل صلوات هم آوردیم.

موقعی که از رسول الله ص سؤال نمودند و گفتند: یا رسول الله! خدا به ما امر فرمود تا درود بر تو بفرستیم، چگونه درود بر تو فرستیم؟ فرمود:

«قولوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّد وَعَلى آلِ مُحَمَّد، كَمَا صَلَّيتَ عَلَى إبْرَاهيمَ و عَلَى آلِ إبراهيمَ، وَبَارك عَلَى مُحَمَّد وَعَلى آلِ مُحَمد، كَمَا بَارَكتَ عَلَى إبْرَاهيمَ وعَلَى آلِ إبراهيمَ، فِي الْعَالَمِيْنَ إنكَ حَمِيد مَجِيدٌ». «بگویید خدایا! درود بفرست بر محمد و بر آل محمد، چنانکه درود فرستادی بر ابراهیم و بر آل ابراهیم، و برکت بینداز بر محمد و بر آل محمد، چنانکه برکت‌انداختی بر ابراهیم و بر آل ابراهیم. در حقیقت بین همه‌ی جهانیان تو ستوده شده و به تعظیم یا شده‌ای. حمد و تعظیم تو بر زبان همه‌ی کاینات جاری است».

وقتی که از خود حضرت رسول الله ص به این لفظ وارد شده است، رعایت ادب با رسول الله ص و تعظیم پیروی از ایشان این است که لفظ آن زیاد و کم نشود. ببینید امام در باره‌ی کلمه‌ی «وارْحَمْ مُحَمَّداً». چه می‌فرماید:

امام نووی می‌فرماید: اما آنچه بعضی از علمای مذهب ما و ابن أبی زید مالکی گفته‌اند که زیادشدن کلمه‌ی «وارْحَمْ مُحَمَّداً وآلِ مُحَمَّدٍ» مستحب است، این بدعتی است که هیچ پایه‌ای ندارد، و امام ابوبکر ابن العربی مبالغه فرموده است در شرح ترمذی بر انکار زیادکردن آن کلمه «وارْحَمْ مُحَمَّداً» و فرموده است کسی که این زیاده را بیاورد نادان است، فرمود برای این که خود رسول الله ص به ما آموخته است که درود برایشان به چه لفظی بگوییم. بنابر این، زیاد کردن در آن، نسبت قصوردادن به مقام رسالت است، و استدلال بر این که جناب رسول الله ص در تعلیم ما کوتاهی کرده است، با این حال هیچ شکی نیست که محافظت بر لفظ وارد از حضرت ختمی مرتبت عین صواب است و عدول از آن یا زیاد و کم‌کردن در آن به هیچ وجه مقرون به صواب نیست، اما با این حال بعضی از حفاظ خود رساله‌ای در انتخاب صلوات بر سید المرسلین دارند، و باید دانست که ایشان در تشهد نماز هیچ وقت بر لفظ وارد چیزی نمی‌افزایند و در آن تغییری نمی‌دهند، و گویا فکر کرده‌اند که در غیر نماز می‌شود الفاظی را انتخاب نمود، اما طریقه‌ی ما همان است که عرض کردیم که اکمل صلوات و احب صلوات همان است که در تشهد نماز گفته می‌شود. والله أعلم.

(فصل) وقتی کسی درود بر رسول الله ص می‌فرستد باید جمع نماید میان صلاة و سلام و اکتفا نکند بر صلاة تنها، مثل «صلی الله علی محمدٍ» و نه هم بر سلام تنها، مثل علیه السلام، بلکه صلاة وسلام هر دو بیاورد، مثل: رسول الله ص.

(فصل) مستحب است برای کسی که حدیث می‌خواند یا غیر حدیث از آنچه در معنی حدیث است، آن که هرگاه نام رسول الله ص برده شد به آواز بلند صلوات و سلام برایشان بفرستد، اما در بلندکردن آواز به صلاة و سلام حد اعتدال را نگه دارد. از جمله علمایی که تصریح کرده‌اند بر بلندکردن آواز به صلوات و سلام: امام ابوبکر خطیب بغدادی و علمای دیگر است. امام نووی می‌فرماید: من این مطلب را به علوم حدیث نقل کرده ام. و علمای مذهب ما صریحاً فرموده‌اند که بعد از لبیک‌گفتن در حج و عمره آواز را برای فرستادن صلوات و سلام نیز بلند کنند، چنانکه لبیک‌گفتن را نیز به آواز بلند می‌گوید: والله أعلم.

«باب استفتاح الدعاء بالحمد لله والصلاة على النبى ص»

بابی است در بیان این که آغاز دعا را به حمد و ستایش خدای متعال و درود و سلام بر پیامبر ص بگشاید

«رَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبِي داود والترمذي والنسائي: عَنْ فضالة بن عبيد س قال: سَمِعَ رسول الله ص رَجُلاً يَدْعُو فِي صَلاَتِه، لَمْ يُمَجِّدْ اللَّهَ تَعَالَى، وَلَمْ يُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ص، فَقَالَ رسول الله ص: عَجِلَ هَذَا!. ثُمَّ دَعَاهُ، فَقَالَ له أو لِغَيْرِهِ: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِتَمْجِيْدِ رَبِّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَالثَّنَاءِ عَلَيْه، ثُمَّ لْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ص، ثُمَّ لْيَدْعُ بَعْدُ بِمَا شَاء»**.** قال الترمذى: حديث حسن صحيح. «رسول الله ص دعای مردی را شنید که در دعا نه ثنا و ستایش پروردگارش سبحانه وتعالی را به جا آورد، و نه درود و سلام بر رسول الله ص فرستاد. فرمود: این مرد شتاب کرد آنگاه او را به‌سوی خود خواند و به او و یا به دیگری فرمود: هرگاه یکی از شما خواست دعا بکند اول تعظیم و ثنای پروردگارش سبحانه وتعالی را به جا آورد و سپس درود و سلام بر پیغمبر بفرستد و سپس دعا کند به آنچه می‌خواهد خدا به او بدهد».

«وَرَوَيْنَا فِي كتاب الترمذي عَنْ عمر بن الخطاب س قالَ: إن الدعاءَ موقوفٌ بين السماءِ والأرضِ لا يَصْعَدُ منه شيءٌ حتّى يُصَلِّيَ على نَبِيِّكَ ص». «عمر بن الخطاب س فرمود: دعا موقوف است میان آسمان و زمین، چیزی از آن به آسمان صعود نمی‌کند تا این که درود و سلام بر پیغمبرت ص بفرستد».

امام نووی س فرمود: اجماع علما بر مستحب‌بودن شروع دعا به حمد و ثنای خدای متعال و درود و سلام بر پیغمبر است، و همچنان ختم دعا به حمد و ثنای خدای متعال و درود و سلام بر پیغمبر است، و احادیث و آثار در این باب بسیار و معروف است. والله أعلم.

و معلوم است که هرجا صلواتی بر رسول الله ص وارد شده است صلوات بر آل اطهار نیز با آن آمده است.

«باب الصلاة على الأنبياء وآلهم تبعاً لهم ص»

بابی است در بیان درودفرستادن بر پیغمبران و بر آل‌شان به تبعیت از ایشان درود و سلام خدا برایشان باد

اجماع علما بر درودفرستادن بر پیغمبر ما محمد ص است، و همچنین کسانی که اعتنا به سخن‌شان می‌شود اجماع نموده‌اند بر درست‌بودن و مستحب‌بودن صلوات بر همه‌ی پیغمبران و بر ملائکه به طور جداگانه و بدون تبعیت از دیگری و اما غیر انبیا جمهور علما برآنند که صلوات به طور جداگانه بر آنان فرستاده نمی‌شود و گفته نمی‌شود: ابوبکر ص. و در منع صلوات به طور جداگانه بر غیر انبیا اختلاف است که آیا حرام است یا مکروه است؟ بعضی از علمای ما گفته‌اند صلوات بر غیر انبیا حرام است، و بیشتر علما برآنند که صلوات بر غیر انبیا مکروه است، کراهت تنزیهی، برای این که صلوات بر غیر انبیا شعار اهل بدعت است و ما منع شده ایم از پیروی از شعار اهل بدعت. و مکروه عبارت از هرکاری است که منعی مقصود در آن آمده باشد، مثل مکروه‌بودن شستن هر عضوی از اعضای وضو بیش از سه بار. و مکروه هم بر دو قسم است: مکروه تنزیهی، مثل صلوات بر غیر انبیا و دست تکان‌دادن در وضو تا آب وضو از اعضا بریزد، و مکروه تحریمی که ممکن است به حرام بکشد، مثل خوردن از مال کسی که ما حرام و حلال او به قدر هم است تا به آنجا نکشد که از خوردن مال کسی که همه‌ی مالش حرام است پروا نکند. و مثل نظرکردن به بالای زانوی مرد بیگانه تا به آنجا نکشد که از نظر به جلو و پشت او پروا نکند. و حرام وقتی است که ضرر به دین برساند، مثل کلمه‌ی کفر یا ضرر به شرف برساند، مثل دشنام به زن و یا ضرر به عقل برساند، مثل شرب خمر یا ضرر به نسل برساند، مثل زنا و یا ضرر به مال برساند، مثل دزدی یا ضرر به نفس برساند، مثل قتل.

الحاصل: علمای ما گفته‌اند که صلوات در زبان سلف مخصوص شده است به انبیا صلوات الله وسلامه علیهم، چنان‌که کلمه‌ی ﻷ اختصاص به خدای سبحانه و تعالی دارد، پس همانگونه که گفته نمی‌شود: محمد ص، اگرچه محمد عزیز و جلیل و باشکوه است. همانگونه هم گفته نمی‌شود: ابوبکر یا علی اگرچه معنایش صحیح است. و علما اتفاق دارند که صلوات بر غیر از انبیا جایز است به تبعیت انبیا، چنان‌که «اللهم صل علی محمد وآله وصحبه وأزواجه وذريته وأتباعه»جایز است، به دلیل حدیث‌های صحیحی که در این خصوص آمده است. و در تشهد نماز به آن مأمور شده ایم و سلف صالح در خارج از نماز هم صلوات بر آل و اصحاب و ازواج و ذریه و اتباع جایز دانسته‌اند. و اما معنای سلام، شیخ ابومحمد جوینی از علمای مذهب ما فرموده است که سلام در معنی صلوات است و برای غایب استعمال نمی‌شود و برای غیر انبیا گفته نمی‌شود و برای ابوبکر مثلاً گفته نمی‌شود: و در این مسأله اموات و احیا فرق نمی‌کند، اما بر شخص حاضر گفته می‌شود: سلام علیک یا سلام علیکم یا السلام علیک یا السلام علیکم و این موضوعی است که اجماع علما برآن است و در ابوابی که تعلق به این موضوع دارد آورده می‌شود، إن شاء الله تعالی.

(فصل) مستحب است تَرَضی و تَرَحُّم بر صحابه و تابعین و کسانی که بعد از ایشان آمده‌اند از علما و دانشمندان و عباد و دیگر بزرگان که گفته می‌شود س یا / و مانند این. و اما قولی که بعضی از علما برآنند که س اختصاص به صحابه دارد و برای غیر از آنان فقط گفته می‌شود /، آنچنان نیست که گفته‌اند و با ایشان موافقت نمی‌شود، و س و / برای غیر صحابه نیز گفته می‌شود. اگر شخص خودش و پدرش هردو صحابی باشند مثل ابن عباس، ابن جعفر، ابن الزبیر، و اسامه بن زید و مانند آنان گفته می‌شود ب تا رضایت خدا شامل خودش و پدرش هردو بشود.

(فصل) و اگر گفته بشود که هر وقتی که ذکر لقمان یا مریم شد، آیا باید صلوات برایشان فرستاد، مثل انبیا یا بر آنان تَرَضی شود، مثل صحابه و اولیا یا این که گفته شود علیهما السلام؟ جواب این سوال این است که جماهیر علما برآنند که این دو پیغمبر نبوده‌اند، و کسی که گفته است پیغمبر بوده‌اند شاذ است و التفاتی به گفته‌ی او نمی‌شود و به گفتارش اهمیتی داده نمی‌شود. نووی می‌فرماید که این مطلب را در کتاب «تهذیب الأسماء واللغات» آورده ام. بعضی از علما در باره‌ی لقمان و مریم سخنی گفته‌اند که از آن دانسته می‌شود که گفته می‌شود: لقمان صلی الله علی الأنبیاء وعلیه وسلم و یا مریم صلی الله علی الأنبیاء وعلیها وسلم. برای این که مقام‌شان از مقام انبیاء کمتر است، و از مقام کسانی که در باره‌شان گفته می‌شود س بالاتر است، به سبب این که در قرآن دلیل بالابردن مقام‌شان وجود دارد. نووی می‌فرماید: آنچه من به آن عقیده دارم این است که باکی ندارد که گفتن س در باره‌ی لقمان و مریم ارجح است، برای این که کلمه‌ی س برای کسی است که پیغمبر نباشد و پیغمبربودن لقمان و مریم به ثبوت نرسیده است. امام الحرمین نقل فرموده است که اجماع علما بر این است که مریم پیغمبر نیست و این را در کتاب ارشاد نوشته است، اگر وقتی برای لقمان یا مریم یا علیها السلام گفته شود باکی ندارد. والله أعلم.

«كتاب الأذكار والدعوات للأمور العارضات»

کتابی است در بیان اذکار و ادعیه‌ی مربوط به امور عارضی

بدان که هرچه در باب‌های قبلی گفتیم در هر روز و شبی تکرار می‌شود بنابرآنچه یاد شد، و آنچه در این جا یاد می‌کنیم اذکار و دعواتی است که در اوقات به سبب‌های عارضی گفته می‌شوند، و روی این اصل در بین آنها ترتیب نمی‌خواهد.

«باب دعاء الإستخارة»

بابی است در بیان دعای استخاره

«رَوَيْنَا فِي صَحِيْحِ البُخاري عَنْ جابر بن عبد الله بقالَ كانَ رسول الله ص يُعَلِّمُنَا الإستخارَةَ فِي الأمورِ كلِّها كالسورةِ مَنِ القُرآنِ يقول: إِذَا هَمَّ أَحَدُكُمْ بِالأَمْرِ فَلْيَرْكَعْ رَكْعَتَيْنِ مِنْ غَيْرِ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ لِيَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلاَ أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلاَ أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلاَّمُ الْغُيُوبِ، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الأَمْرَ خَيْرٌ لِى فِى دِينِى وَمَعَاشِى وَعَاقِبَةِ أَمْرِى - أَوْ قَالَ عَاجِلِ أَمْرِى وَآجِلِهِ - فَاقْدُرْهُ لِى وَيَسِّرْهُ لِى ثُمَّ بَارِكْ لِى فِيهِ، وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الأَمْرَ شَرٌّ لِى فِى دِينِى وَمَعَاشِى وَعَاقِبَةِ أَمْرِى - أَوْ قَالَ فِى عَاجِلِ أَمْرِى وَآجِلِهِ - فَاصْرِفْهُ عَنِّى وَاصْرِفْنِى عَنْهُ، وَاقْدُرْ لِى الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ ثُمَّ أَرْضِنِى - قَالَ - وَيُسَمِّى حَاجَتَهُ». «رسول الله ص استخاره و طلب خیراندیشی را به ما آموخت، آنچنانکه سوره‌ی قرآن را به ما آموخت، (برای این که دین مبین اسلام از این امت می‌خواهد که در همه‌ی امور خود روی دل را خود متوجه درگاه خدا سازند و همه کارهای خود را به مدد او رو به راه نماییم) رسول الله ص می‌فرمود: «هرگاه یکی از شما قصد کاری نمود دو رکعت نماز بخواند، غیر از نماز فرض، خواه دو رکعت به نیت نماز سنت استخاره یا هر سنتی دیگر، مثل سنت وضو، تحیت مسجد، نماز ضحی، قبلیه یا بعدیه‌ی فرض باشد، دو رکعت نماز بخواند آنگاه بگوید: خدایا طلب خیریت می‌نمایم از تو به علمت (که تو همه چیز می‌دانی و خیریت حالم را در این کاری که قصد آن نموده ام و نام کار خود را ببرد) و طلب توانایی می‌نمایم برآن به مدد و قدرت و توانایی‌ات و از فضل عظیم تو می‌خواهم توفیق بر خیر در حاجاتم، برای این که تو می‌توانی و من نمی‌توانم و تو می‌دانی و من نمی‌دانم و تو دانایی به پنهانی‌ها. خدایا اگر تو می‌دانی که این کار – که قصد آن را دارم – بهتر است و خیریت کارم در آن است و خیر دین و زندگی و عاقبت و حال و آینده‌ی کارم در آن است، پس آن را برایم مقدر کن و برکت بینداز در آن، و اگر می‌دانی که این کار قصد آن را دارم شر است برایم در دینم و زندگیم و عاقبت کارم در حال حاضر و آینده ام پس آن را میسر مفرما و مرا از آن روگردان بساز تا دنبال کاری نروم که خیریت حالم در آن نیست. و آنجا که خیر حالم در آن است برایم مقدر فرما و مرا به آن خشنود گردان». وصلى الله وسلم علي سيدنا محمد وآله وصحبه والتابعين وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالـمين.

علما فرموده‌اند مستحب است طلب خیراندیشی در کار خود به نماز دو رکعت و دعایی که یاد شد، و این دو رکعت نماز سنت است، و ظاهر این است که این دو رکعت حاصل می‌شود به دو رکعت قبلیه و بعدیه‌ی فرض و به تحیت مسجد و غیر از آنها از نمازهای سنت نوافل، و دو رکعت اولی سوره‌ی فاتحه و ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ١﴾ می‌خواند، و در رکعت دوم فاتحه و ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ می‌خواند، اگر نماز برایش میسر نبود استخاره به همین دعا نماید، و مستحب است افتتاح آن دعا به حمد و ستایش خدا و صلوات و سلام بر رسول الله ص. پس از آن باید دانست که استخاره مستحب است در همه‌ی کارها، چنان‌که نص حدیث برآن دلالت داد، و موقعی که استخاره نمود بعد از استخاره هرکاری که دلش با آن شاد شد انجام دهد. والله أعلم.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتابِ الترمذي باسناد ضعيف ضعّفه الترمذي وغيره عَنْ أبِي بكر س أنّ النَّبِيَّ ص كانَ إذا أراد الأمر قال: اللَّهُمَّ خِرْ لِى وَاخْتَرْ لِى». «رسول الله ص هرگاه قصد کاری می‌نمودند می‌فرمود: خدایا خیریت حالم و آنچه در آن خیریت احوال من است برایم میسر فرما».

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ ابْنِ السُنِّي عَنْ أنس س قالَ: قالَ رسول الله ص: يَا أَنَسُ، إذَا هَمَمْت بِأَمْرٍ فَاسْتَخِرْ رَبَّك فِيهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ اُنْظُرْ إلَى الَّذِي سَبَقَ إلَى قَلْبِك فَإِنَّ الْخَيْرَ فِيهِ»**.** إسناده غريب، فِيْهِ من لا أعرفهم.

«رسول الله ص به انس فرمود: ای انس وقتی که قصد کاری نمودی هفت بار از پروردگارت خیر آن را بخواه، سپس ببین کدام چیز در دلت سبقت می‌گیرد، انجام‌دادن یا ندادن. هرچه دلت گواهی بر خیریت آن داد آن کار را انجام بده». نووی گفته است: حدیث ضعیف است، در روایت‌کنندگان حدیث، کسانی هستند که آنان را نمی‌شناسم. والله أعلم.

«أبواب الأذكار التي تُقال في أوقات الشِّدَّة وعلى العَاهات»

باب‌های در بیان اذکاری که در اوقات سختی و مصیبت گفته می‌شود

«باب دعاء الكرب والدعاء عند الأمور المهمّة»

بابی است در بیان دعا به هنگام‌اندوه و کارهای مهم

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيْحِ البُخاري ومسلم عَنْ ابن عباس بأنّ رسول اللهص كان يقولُ عِنْدَ الكَرْبِ: لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ، رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ!. وفي روايةٍ لـِمسلمٍ: أنّ النَّبِيَّ ص إذا حَزِبَهُ أمْرٌ قالَ ذلك». «رسول اللهص هر موقع که‌اندوهی به او دست می‌داد یا کار مهمی پیش می‌آمد یا سختی و شدتی به او رو می‌کرد می‌فرمود: «نیست معبودی به حق مگر الله که بسیار بزرگوار و بسیار بردبار است، نیست معبودی به حق مگر الله که صاحب عرش عظیم است، نیست معبودی به حق مگر الله که صاحب آسمان‌ها و زمین و صاحب عرض عظیم است». و در روایت از مسلم آمده است که پیامبر ص هرگاه دچار امر دشواری می‌شد آن دعا را می‌خواند.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتابِ الترمذي عَنْ أنس س عَنْ النَّبِيِّ ص أنَّهُ إذا كَرِبَهُ أمرٌ قالَ: يَا حَىُّ يَا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ»**.** قال الحاكم: هذا حديث صحيح الإسناد. «رسول الله ص هرگاه سختی و‌اندوهی برایش پیش می‌آمد می‌فرمود: «ای همیشه زنده، ای کسی که کاینات را تدبیر می‌کنی، به رحمتت فریادرسی می‌نمایم». یعنی تا رحمتت مرا دریابد و از مشکلاتم برهاند».

«وَرَوَيْنَا فِيْهِ عَنْ أبِي هريرة س أنّ النَّبِيَّ ص كانَ إذا هَمَّهُ الأمرُ رَفَعَ رأسَهُ إلى السماءِ فقالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ!. و إذا اجْتَهَدَ فِي الدعاءِ قالَ: يَا حَىُّ يَا قَيُّومُ». «رسول الله ص عادت داشت که هرگاه چیزی او را‌اندوهگین می‌کرد سر را به‌سوی آسمان بالا می‌برد و می‌فرمود: منزه و پاک است الله بسیار بزرگوار. و هرگاه کوشش در دعا می‌کرد می‌فرمود: ای همیشه زنده، ای تدبیرکننده‌ی کاینات».

«وَرَوَيْنَا فِي الصَّحِيْحَيْ البُخاري ومسلم عَنْ أنس س قالَ كان أكثرُ دعاء النَّبِي ّص: اللَّهُمَّ آتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ!. زاد مسلم فِي روايته وكان انس إذا أرادَ أنْ يَدْعُوَ بِدَعْوَةٍ دعا بها فإذا أراد أنْ يدْعُوِ بدعاءٍ دعا بها فيه». «بیشترین دعای رسول الله ص این بود: «خدایا بده ما را در دنیا خوشی و در آخرت خوشی و نگه دار ما را از عذاب دوزخ»، همین دعا با این اختصار جامع خیرات دنیا و آخرت است، کسی که در دنیا خوشی داده شد و در آخرت خوشی داده شد و از عذاب دوزخ نگه داشته شد، همه‌ی خیرات دنیا و آخرت را به دست آورده است. و انس س خدمتکار رسول الله ص بود هروقت می‌خواست دعا بکند همین دعا را می‌کرد، و اگر می‌خواست دعای بیشتری بنماید این دعا را در آن قرار می‌داد که از این دعا هیچکس بی‌نیاز نخواهد شد».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ النسائي وكتاب ابْنِ السُنِّي عَنْ عبد الله بن جعفر عَنْ عليّ ش قالَ: لَقَّنَنِي رسول الله ص هؤلاءِ الكَلِماتِ وأمَرَنِي إنْ نَزَلَ بي كَرْبٌ أو شِدَّهٌ أنْ أقولَها: لا إله إلا اللهُ الكريمُ العظيمُ سُبحانَهُ تَبارَكَ اللهُ ربُّ العرشِ العظيمِ الحمدُ للهِ ربِّ العالَمينَ. وكان عبد الله بن جعفر يُلَقَّنُها ويَنْفُثُ بِها على المَوْعُوكِ والمُغْتَرَبَةِ من النساءِ الّتى تَزَوَّجَ إلي غَيْرِ أقارِبِها». «علی س فرمود: رسول الله ص به من این کلمات را آموخت و به من دستور داد اگر در‌اندوه یا سختی قرار گرفتم این کلمات را بگویم: نیست معبودی به حق مگر الله که بسیار بزرگوار و بردبار است، منزه است خدای یکتایی که پر شد برکت او، پروردگار همه، صاحب عرش عظیم، همه‌ی ستایش‌ها برای الله پروردگار جهانیان است. عبدالله بن جعفر این دعا را آموخت و می‌خواند بر کسی که تب داشت و تعلیم می‌داد به هر زنی که با خانواده‌ی غریب ازدواج کرده بود».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبِي داوُد عَنْ أبِي بكرة س أنّ رسول الله ص قالَ: دَعَوَاتُ الْمَكْرُوبِ اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو فَلاَ تَكِلْنِى إِلَى نَفْسِى طَرْفَةَ عَيْنٍ وَأَصْلِحْ لِى شَأْنِى كُلَّهُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ». «رسول الله ص فرمود: دعای کسی که به سختی افتاده است این است که بگوید: خدایا امیدوار رحمتت هستم، مرا به خودم واگذار مفرما یک چشم به هم زدن، و کارهایم همه برایم شایسته بفرما، نیست معبودی به حق مگر تو». یعنی امیدوار رحمتت هستم، مرا به خودت واگذار و کارهایم را رو به صلاح قرار ده، برای این که نیست معبودی به حق مگر تو. و همچنین نیست فریادرسی که مرا از غم و‌اندوه و سختی نجات ده، خودت مرا مورد رحمتت قرار ده و کارهایم را رو به راه کن.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبِي داود وابن ماجه عَنْ أسماء بنت عُمَيْسٍ ب قالت: قال لي رسول الله ص: أَلاَ أُعَلِّمُكِ كَلِمَاتٍ تَقُولِينَهُنَّ عِنْدَ الْكَرْبِ أَوْ فِى الْكَرْبِ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّى لاَ أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا». «رسول الله ص به اسماء بنت عمیس ل فرمود: آیا نیاموزم تو را چند کلمه که نزد سختی یا وقتی که در سختی واق شدی آن کلمات را بگویی و از سختی رهایی یابی؟ آن کلمات از این قرار است: الله الله، پروردگار من است، هیچ چیز را شریک او نمی‌سازم». یعنی این که انسان در سختی است و راه چاره‌ای نیست مگر روآوردن به خدای متعال. می‌گوید: همه چیز من الله است، الله پروردگار من است، پروردگارم خودم را می‌شناسم و هیچ شریکی برای او نمی‌سازم، او کارگشای کارهای گره شده‌ی من است، خدایی که پرورده‌ی نعمت او هستم، مرا تنها نمی‌گذارد و رفع سختی از من می‌نماید.

«وَرَوَيْنَا فِي كتابِ ابْنِ السُنِّي عَنْ أبِي قتادة س قالَ: قالَ رسول اللهص : مَنْ قرأ آيَةَ الكُرْسِيّ وَخَوَاتِيمَ سُورَةِ البَقَرَةِ عِنْدَ الكَرْبِ أغاثَهُ اللَّهُ ﻷ». «رسول الله ص فرمود: «کسی که موقع افتادن در سختی آیة الکرسی و سه آیه‌ی آخر سوره‌ی بقره را بخواند، خداوند عزوجل به فریادش می‌رسد و او را از سختی نجات می‌دهد». آیة الکرسی، آیه‌ی 255 سوره‌ی بقره است، و خواتیم سوره‌ی بقره: آیات 284 و 285 و 286 است.

«وَرَوَيْنَا فِيْهِ عَنْ سعد بن أبِي وقاص س قالَ: سمعتُ رسول اللهص يقولُ: إنِّي لأعْلَمُ كَلِمَةً لا يَقولُها مَكْرُوبٌ إلّا فُرِّجَ عَنْهُ: كلمةُ أخي يونس ص:﴿فَنَادَىٰ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ أَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾ [الأنبياء: 87]. «سعد بن أبی وقاص س گفت از رسول الله ص شنیدم که می‌فرمود: من یک کلمه‌ای می‌دانم که هرکسی که در رنج و سختی افتاده است آن را بگوید فرج در کارش می‌آید و از سختی نجات می‌یابد. آن کلمه: دعای برادرم یونس ÷ است که وقتی در تاریکی شب و تاریکی قعر دریا و تاریکی شکم قرار گرفته بود رو به خدا کرد و در آن تاریکی‌ها ندا برآورد: نیست معبودی به حق مگر تو، ای چاره‌ساز خلایق، تسبیح و تنزیه تو را می‌گویم، من از ستمگران به خود بودم که فرمان تو را خلاف نمودم و اکنون به این روز افتاده‌ام و راهی ندارم مگر استغاثه و چاره‌جویی، به فریادم برس و مرا از این مهلکه نجات بخش». در آیه‌ی 88 سوره‌ی أنبیاء آمده است:

﴿فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَنَجَّيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡغَمِّۚ وَكَذَٰلِكَ نُ‍ۨجِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٨٨﴾ [الأنبياء: 88].

«دعایش را به اجابت رسانیدیم و او را از غم نجات دادیم، و این چنین مؤمنان را نجات می‌دهیم».

وراوه الترمذي: «عن سعد قال: قالَ رسول الله ص: دَعْوَةُ ذِى النُّونِ إِذْ دَعَا وَهُوَ فِى بَطْنِ الْحُوتِ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّى كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. فَإِنَّهُ لَمْ يَدْعُ بِهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ فِى شَىْءٍ قَطُّ إِلاَّ اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ». «رسول الله ص فرمود: «دعای یونس موقعی که دعا کرد و او در شکم ماهی بزرگ بود، عبارت بود از: نیست معبودی به حق مگر تو، تسبیح و تنزیه تو را می‌گویم که هیچ عیب و نقصی در درگاه تو نیست، اعتراف می‌کنم که از ستمگران به خودم بودم که بدون اجازه‌ی تو از شهر بیرون آمدم، و اکنون خود را در تاریکی‌ها قرار دادم و فریادرسی ندارم به جز تو. خدا دعایش را به اجابت رسانید و او را نجات داد. رسول الله ص فرمود: هر بنده‌ی مسلمانی که در چیزی از مصائب و مشکلات قرار گرفته باشد و این دعا را بخواند خدا دعایش را به اجابت می‌رساند».

«باب ما يقولُهُ إذا راعَهُ شيءٌ أو فَزِعَ»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که چیزی او را ترسانیده باشد یا دچار ناراحتی شده باشد

«وَرَوَيْنَا فِي كِتابِ ابْنِ السُنِّي عُنْ ثَوبان س أنّ النَّبِيَّ ص كان إذا راعَهُ شيءٌ قال: هُوَ اللَّهُ، اللَّهُ رَبِّي لا شَرِيكَ لَهُ». «رسول الله ص هرگاه دچار ترس از چیزی یا دچار ناراحتی می‌شد می‌فرمود: اوست خدای یکتا، خدای یکتا پروردگار من است، نیست شریکی برای او».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبِي داودَ والترمذى عَنْ عمرو بن شُعَيْبٍ عَنْ أبيه عَنْ جدّه أنَّ رسولَ الله ص كان يُعَلِّمُهُمْ مِنَ الْفَزَعِ كَلِمَاتٍ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَحْضُرُونِ!. وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو يُعَلِّمُهُنَّ مَنْ عَقَلَ مِنْ بَنِيهِ وَمَنْ لَمْ يَعْقِلْ كَتَبَهُ فَأَعْلَقَهُ عَلَيْهِ»**.** قال الترمذی: حديث حسن. «عمرو بن شعیب از پدرش شعیب روایت می‌کند که پدرش شعیب از جد عمرو، یعنی عبدالله بن عمرو بن العاص ب روایت می‌کند که رسول الله ص به ایشان آموخت کلماتی که با خواندن آن کلمات خود را از ترس و فزع و ناراحتی حفظ کند، آن کلمات از این قرار است: «پناه می‌برم به کلمات الله التامه از خشم او تعالی و از شر بندگانش و از شر وسوسه‌ی شیطان‌ها و از این نزد او حاضر شوند برای وسوسه و آسیب‌رسانی». عبدالله بن عمرو بن العاص ب هرکدام از فرزندانش که فهم می‌کرد آن کلمات را به او تعلیم می‌داد و هریک از فرزندانش که خردسال بود و فهم نمی‌کرد آن کلمات را می‌نوشت و بر او می‌آویخت». و این می‌رساند که تعویذ وقتی که از آیه‌های قرآن یا از حدیث رسول الله ص باشد برای کودکان مانعی ندارد.

«باب ما يقوله إذا أصابه همٌّ أو حَزَنٌ»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که به او دلتنگی یا حزن و‌اندوهی رسید

«وَرَوَيْنَا فِي كِتابِ ابْنِ السُنِّي عَنْ أبي موسي الأشعري س قالَ: قالَ رسول الله ص: مَنْ أصَابَهُ هَمٌّ أوْ حَزَنٌ فَلْيَدْعُ بِهَذِهِ الكَلِماتِ يَقُولُ: أنا عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أَمَتِكَ فِي قَبْضَتِكَ ناصِيَتِي بِيَدِكَ ماضٍ فِيَّ حُكْمُكَ عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ أسألُكَ بِكُلّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أوْ أنْزَلْتَهُ فِي كِتابِكَ أوْ عَلَّمْتَه أحَداً مِنْ خَلْقِكَ أوِ اسْتَأثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الغَيْبِ عِنْدَكَ أنْ تَجْعَلَ القُرآنَ نُورَ صَدْرِي وَرَبِيعَ قَلْبِي وَجلاءَ حُزْنِي وَذَهَابَ هَمّي . فقال رجل من القوم: يا رسول اللّه إن المغبونَ لـمن غُبن هؤلاء الكلمات فقال: أجَلْ فَقُولُوهُنَّ وَعَلِّمُوهُنَّ فإنَّهُ مَنْ قَالَهُنَّ الْتِماسَ ما فِيهِنَّ أذْهَبَ اللَّهُ تَعالى حُزْنَهُ وأطالَ فَرَحَهُ». «رسول الله ص فرمود: «کسی که به او رسید‌اندوه یا دلخوری به این چند کلمه دعا نماید و بگوید: خدایا من بنده‌ی تو هستم، پسر بنده تو هستم، پسر کنیز تو هستم، در قبضه‌ی تو هستم، یعنی در اختیار تو هستم و نمی‌توانم از فرمان تو بیرون روم، پیشانی من در دست توست، فرمان تو بر من نافذ است، حکم تو در باره‌ی من عدل است، از تو می‌خواهم به برکت هر اسمی که برای توست که خود را به آن نامیدی یا در کتاب خود آن نام را آوردی یا به کسی از مخلوقات خود آموختی یا این که آن را به خود اختصاص دادی و در علم غیب نزد خودت می‌باشد. به همه‌ی این‌ها متوسلم که قرآن را نور سینه‌ام قرار دهی و بهار دلم نمایی و رفتن‌اندوهم به آن مقرر فرمایی و رفتن هم و غمم به آن فراهم فرمایی». مردی از بین جماعت گفت: مغبون و فریفته شده کسی است که از این دعا محروم شود. رسول الله ص فرمود: بله، کسی که از آن محروم شود مغبون و فریفته شده است. بنابراین، این دعا را بخوانید و بگویید و آن را به بستگان خود بیاموزید که هرکسی که این دعا را بگوید و بخواهد آنچه از خیر و برکت در آن است، خدای متعال‌اندوه او را از بین ببرد و شادمانیش را طولانی بگرداند».

«باب ما يقوله إذا وقع فِي هلكة»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در هلاکتی واقع شد

«وَرَوَيْنَا فِي كِتابِ ابْنِ السُنِّي عَنْ عليّ س قالَ: قالَ رسول الله ص: يا عَلِيُّ، ألا أُعَلِّمُكَ كَلِماتٍ إِذَا وَقَعْتَ فِي وَرْطَةٍ قُلْتَها؟ قلتُ: بلى جعلني اللّه فِداءَك قال: إذَا وَقَعْتَ فِي وَرْطَةٍ فَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلاَّ باللَّهِ العَلِيّ العَظِيمِ . فإنَّ اللَّهَ تَعالى يَصْرِفُ بها ما شاءَ مِنْ أنْوَاعِ البَلاءِ!. قلتُ: الورطةُ هي الهلاك». «علی س فرمود که رسول الله ص فرمود: «ای علی کلماتی به تو بیاموزم که هروقت در هلاکت و مخاطره واقع شدی آن را بگویی تا از آن ورطه و هلاکت نجات یابی؟ گفتم: بله یا رسول الله! خدا مرا فدای تو گرداند! فرمود: هروقت در هلاکت و امر پرخطری واقع شدی بگو: به نام خدای یکتای بخشایشگر بسیار مهربان و نیست چاره‌ای برای دوری از هلاکت و نه نیرویی برای پایداری بر سلامت، مگر به کمک خدای بسیار بلند مرتبه‌ی بسیار بزرگوار که خدای متعال به این کلمات آنچه بخواهد از انواع بلا رفع می‌فرماید». نووی فرمود: وَرطَةً به معنی هلاکت است».

«باب ما يقول إذا خاف قوماً»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که از گروهی بترسد

«وَرَوَيْنَا بالاسناد الصَحِيْحِ فِي سُنَنِ أبِي داوُدَ والنسائي عَنْ أبِي موسى الاشعري س أنَّ النَّبِيَّ ص كان إذا خافَ قوماً قال: اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ». «رسول الله ص وقتی که از مردمی می‌ترسید [که فتنه‌ای به پا کنند یا آسیبی به مسلمانان برسانند] می‌فرمود: خدایا ما نیروی تو را سپر دفاع از شر آنان قرار می‌دهیم و پناه می‌بریم و به تو از شر آنان». وقتی که مؤمن به قدرت خدا متوسل شد آن را در نحر و بالای سینه‌ی مردمی شرور قرار داد و پناه به عظمت مالک الملک برد، چه ترسی برایش باقی می‌ماند. خدا همة ترس‌ها را دور می‌سازد و بلای آن دشمنان را به خودشان برمی‌گرداند. مؤمن به این تعلیم و پناهندگی به عظمت خدا هر بلایی از او رفع می‌شود، خصوصاً که از به کاربردن اسباب دفع شر دشمنان غافل نماند.

«باب ما يقول إذا خاف سلطاناً»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که از سلطان یا حاکم بترسد

«وَرَوَيْنَا فِي كِتابِ ابْنِ السُنِّي عَنْ ابن عمر بقالَ: قالَ رَسُول اللّهِ ص: إذَا خِفْتَ سُلْطاناً أوْ غَيْرَهُ فَقُلْ: لا إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ الحَلِيمُ الحَكِيمُ سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبّ العَرْشِ العَظِيمِ لا إِلهَ إِلاَّ أنْتَ عَزَّ جارُكَ وَجَلَّ ثَناؤُكَ!. وَيَسْتَحِبَّ أنْ يَقولَ مَا قَدَّمْناهُ فِي البابِ السابق من حديث أبِي موسي». «ابن عمر ب می‌گوید که رسول الله ص فرمود: «هر وقت ترسیدی از سلطان یا از غیر او بگو: نیست معبودی به حق مگر الله بسیار بردبار بسیار بزرگوار. تسبیح خدا می‌گویم پاک و منزه است الله که پروردگار آسمان‌های هفتگانه و صاحب عرش عظیم است، نیست معبودی به حق مگر تو. عزت یافت کسی که پناه به تو آورد و با شکوه شد ثناء و تمجید تو». و مستحب است آنچه در باب قبلی از حدیث ابوموسی آوردیم نیز بگوید: اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ».

«باب ما يقول إذا نظر إلي عدوه»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که نظر به دشمن نمود

انس س می‌گوید: در جهادی همراه رسول الله ص بودیم موقعی که به دشمن رسید و نبرد شروع شد فرمود: «يَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ إيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ». «ای مالک و دارنده‌ی روز جزا تو را بندگی می‌کنم و از تو کمک می‌خواهم»، دیدم که دشمنان به زمین می‌افتند و فرشتگان آنان را از جلو و پشت سر می‌کوبیدند. و مستحب است آنچه در حدیث أبی موسی آمده است نیز بگوید: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ». رسول الله ص صف مجاهدین را منظم می‌کرد و مجاهدین را به جهاد تشویق می‌کرد، وقتی که تمام احتیاط‌های جنگی را به کار می‌گرفت آن وقت دست به دعا برمی‌داشت و از خدای خود مدد می‌طلبید، این است که همیشه پیروز می‌شد.

«باب ما يقول إذا عرضَ له شيطان أو خافه»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که شیطان متعرض او شد یا از شیطان ترسید

قالَ اللّه تعالی: ﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ سَمِيعٌ عَلِيمٌ٢٠٠﴾ [الأعراف: 200]. خدای متعال فرمود به پیغمبرش: «اگر به تو رسید از شیطان وسوسه‌ای، پناه ببر به خدا یقیناً خداست که او شنوای داناست». و وسوسه‌ی شیطان را از تو دور خواهد نمود که دوای رفع وسوسه‌ی شیطان پناه‌بردن به خدا قرار داد، همانگونه که آغاز قراءت قرآن مستحب است گفتن: «أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»: پناه می‌برم به تو از شر شیطان رانده شده از درگاه خدا.

وقال تعالی: ﴿وَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ جَعَلۡنَا بَيۡنَكَ وَبَيۡنَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ حِجَابٗا مَّسۡتُورٗا ٤٥﴾ [الإسراء: 45]. و خدای متعال فرمود به پیغمبرش: «و موقعی که قرآن می‌خوانی قرار دادیم میان تو و کسانی که ایمان به آخرت ندارند، حجابی که مانع فهم آنان می‌شود». چنان‌که در آیه‌ی بعدی، آیه‌ی 46 سورۀ اسراء می‌فرماید:

﴿وَجَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ أَكِنَّةً أَن يَفۡقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٗا﴾ [الإسراء: 46].

«و می‌گردانیم بر دل‌هایشان غلاف مانع از فهم قرآن و در گوش‌های‌شان سنگینی است».

پس آنان کر و کوردل هستند و محروم از فهم قرآن. بنابراین، باید پناه به خدا ببری و سپس قرآن را بخوانی تا تو را از شر شیطان حفظ فرماید، و هم از شر مشرکان.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيْحِ مسلم عَنْ أَبِى الدَّرْدَاءِ س قَالَ: قَامَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُصَلِّي فَسَمِعْنَاهُ يَقُولُ: أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ!. ثُمَّ قَالَ: أَلْعَنُكَ بِلَعْنَةِ اللَّهِ ثَلاَثًا!. وَبَسَطَ يَدَهُ كَأَنَّهُ يَتَنَاوَلُ شَيْئًا فَلَمَّا فَرَغَ مِنَ الصَّلاَةِ قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ سَمِعْنَاكَ تَقُولُ فِى الصَّلاَةِ شَيْئًا لَمْ نَسْمَعْكَ تَقُولُهُ قَبْلَ ذَلِكَ وَرَأَيْنَاكَ بَسَطْتَ يَدَكَ. قَالَ: إِنَّ عَدُوَّ اللَّهِ إِبْلِيسَ جَاءَ بِشِهَابٍ مِنْ نَارٍ لِيَجْعَلَهُ فِى وَجْهِى، فَقُلْتُ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْكَ. ثَلاَثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قُلْتُ أَلْعَنُكَ بِلَعْنَةِ اللَّهِ التَّامَّةِ فَلَمْ يَسْتَأْخِرْ ثَلاَثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ أَرَدْتُ أَخْذَهُ وَاللَّهِ لَوْلاَ دَعْوَةُ أَخِينَا سُلَيْمَانَ لأَصْبَحَ مُوثَقًا يَلْعَبُ بِهِ وِلْدَانُ أَهْلِ الْمَدِينَةِ». «ابوالدرداء س می‌گوید که رسول الله ص به نماز ایستاد و شنیدم که می‌فرماید: پناه می‌برم به خدا از تو. پس از آن فرمود: تو را به لعنت خدا لعنت می‌کنم سه بار، پس از آن دست خود را دراز نمود چنان‌که گوییا می‌خواهد چیزی بردارد. موقعی که رسول الله ص از نماز فارغ شد، گفتیم: ای رسول خدا، ما شنیدیم در نماز چیزی می‌فرمایی که قبل از این چنین چیزی در نماز از تو نشنیده بودیم و دیدیم دست خود را دراز نمودی. رسول الله ص فرمود: دشمن خدا که ابلیس است شعله‌ای آتش آورد که در روی من قرار دهد، سه بار گفتم: پناه می‌برم به خدا از شر تو، سپس گفتم: تو را لعنت می‌کنم به لعنت کامل خدا، اگر نه دعای برادرم سلیمان بود، شیطان می‌گردید بغل بسته و کودکان اهل مدینه او را بازیچه‌ی خود قرار می‌دادند». وقتی که ابلیس علیه لعنۀ الله این چنین متعرض خاتم الأنبیاء ص می‌شود، ما افراد عادی بسیار از او بپرهیزیم و همیشه پناه به خدا ببریم از شر او.

امام نووی فرمود: وقتی که شیطان متعرض انسان شد شایسته است که اذان بگوید مانند اذان نماز برای این که:

«فقد رَوَيْنَا فِي صحيح مسلم عَنْ سُهَيْلٍ قَالَ أَرْسَلَنِى أَبِى إِلَى بَنِى حَارِثَةَ وَمَعِى غُلاَمٌ لَنَا أَوْ صَاحِبٌ لَنَا فَنَادَاهُ مُنَادٍ مِنْ حَائِطٍ بِاسْمِهِ وَأَشْرَفَ الَّذِى مَعِى عَلَى الْحَائِطِ فَلَمْ يَرَ شَيْئًا فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لأَبِى فَقَالَ لَوْ شَعَرْتُ أَنَّكَ تَلْقَى هَذَا لَمْ أُرْسِلْكَ وَلَكِنْ إِذَا سَمِعْتَ صَوْتًا فَنَادِ بِالصَّلاَةِ فَإِنِّى سَمِعْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ يُحَدِّثُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ الشَّيْطَانَ إِذَا نُودِىَ بِالصَّلاَةِ وَلَّى أدْبَرَ». «سهیل بن أبی صالح می‌گوید: پدرم مرا به‌سوی قبیله‌ی بنی حارثه از انصار مدینه فرستاد و کودکی از ما با من همراه بود یا دوستی از ما همراه من بود. از دیوار باغی کسی او را صدا زد و او را به نامش خواند، آن که با من همراه بود از دیوار باغ سرکشید، کسی را ندید، وقتی که به خانه برگشتم این واقعه را برای پدرم بازگو کردم. پدرم گفت: اگر می‌دانستم که چنین چیزی برایت پیش می‌آید نمی‌فرستادمت. و لیکن هروقت آوازی شنیدی که صاحب آواز معلوم نبود، اذان نماز بگو، زیرا از ابوهریره شنیدم که از پیامبر ص سخن می‌گفت که ایشان فرمود: «بی‌گمان شیطان هرگاه اذان نماز بشنود پشت می‌دهد و می‌رود».

«باب ما يقول إذا غلبه أمر»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که کاری بر او چیره شد

«رَوَيْنَا فِي صحيح مسلم عَنْ ابِي هُرَيْرَةَ س قالَ: قالَ رسول اللّه ص: الْمُؤْمِنُ الْقَوِىُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ وَفِى كُلٍّ خَيْرٌ احْرِصْ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ وَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ وَلاَ تَعْجِزْ وَإِنْ أَصَابَكَ شَىْءٌ فَلاَ تَقُلْ لَوْ أَنِّى فَعَلْتُ كَانَ كَذَا وَكَذَا. وَلَكِنْ قُلْ قَدَرُ اللَّهِ وَمَا شَاءَ فَعَلَ فَإِنَّ لَوْ تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ». «رسول الله ص فرمود: مؤمن نیرومند و قوی بهتر است از مؤمن ناتوان و ضعیف، و در هریک از مؤمن قوی و ضعیف خیری هست. یعنی مؤمن منبع خیر است، منتهی اگر قوی باشد خیر او بیشتر است. حریص باش بر هرچه نفعی به تو می‌رساند. و کمک از خدا بخواه و اظهار عجز نکن. و اگر مکروهی به تو رسید، مگو اگر چنین کرده بودم چنین شده بود و آنچه گذشته است برنمی‌گردد و برآنچه از دست رفته‌اندوه مخور و بگو: خدا نوشته بود و به موجب نوشته و تقدیر او انجام گرفت. آنچه خدا می‌خواهد می‌کند. و مگو: «اگر»، برای این که «اگر» دری برای کار شیطان می‌گشاید». کوشش کن مؤمنی قوی باشی و خیرت به همه برسد. همیشه حریص بر کارهای سودمند باش و برای حصول کار سودمند از خدا کمک بخواه و هیچگاه اظهار عجز و ناتوانی مکن، برای این که شاعر گفت:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| همت بلند دار که مردان روزگار |  | از همت بلند به جایی رسیده‌اند |

و هیچ‌گاه دروازه‌ای «اگر» برای خود مگشای، برای این که «اگر» دری برای وسوسه‌‌ی شیطان می‌گشاید و هیچ کاری هم از آن برنمی‌آید.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبِي داوُدَ عَنْ عَوف بن مالك س أنَّ النَّبِيَّ ص قَضَى بَيْنَ رَجُلَيْنِ. فَقَالَ الْمَقْضِىُّ عَلَيْهِ لَمَّا أَدْبَرَ حَسْبِىَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. فَقَالَ النَّبِىُّ ص إِنَّ اللَّهَ يَلُومُ عَلَى الْعَجْزِ وَلَكِنْ عَلَيْكَ بِالْكَيْسِ فَإِذَا غَلَبَكَ أَمْرٌ فَقُلْ حَسْبِىَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ!. كلمة الكَيْس تُطْلَقُ عَلَي مهانٍ منها الرِفْقُ – فعناه والله أعلم – عليك بالعملِ فِي رفقٍ بحيثُ تطيقُ الدوامَ عليه». «رسول الله ص داوری فرمود میان دو مرد. آن کسی که حکم علیه او شده بود، موقعی که می‌رفت می‌گفت: کفایت من است خدا و چه خوب کفایت‌کننده‌ای است خدا. یعنی از وضع خود راضی نبود. رسول الله ص فرود: خدا سرزنش می‌فرماید بر اظهار ناتوانی‌کردن. و لیکن بر تو باد به کاربردن رفق و مهربانی در کار و مداومت بر آن تا از کار و کوشش به هر خیری که بخواهی برسی. اگر کار و کوشش کردی و از عهده برنیامدی، جا دارد که بگویی: کفایت است مرا خدا اگر این بار موفق نشدم بار دیگر به یاری خدا موفق می‌شوم، و چه عجب کفایت‌کننده‌ای است خدا». این برای کسی است که از نظامی که خدا مقرر فرمود باخبر باشد و از اسباب و مسببات استفاده کند».

«باب ما يقول إذا استصعب عليه أمرّ»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که کاری بر او دشوار شد

«رَوَيْنَا فِي كِتابِ ابْنِ السُنِّي عَنْ أنس س أنَّ رسولَ الله ص قال: اللَّهُمَّ لا سَهْلَ إِلاَّ ما جَعَلْتَهُ سَهْلاً وأنْتَ تَجْعَلُ الحَزْنَ إذَا شِئْتَ سَهْلاً!. قلتُ الحَزْنُ: غَلِيْظُ الأرْضِ وخَشِنِها». «رسول الله ص فرمود: خدایا آسان نیست مگر هرچه تو آن را آسان فرمایی. و تو اگر بخواهی هر دشواری را آسان می‌فرمایی». نووی / فرمود: حَزنُ، یعنی زمین سخت و ناهموار. بنابراین، خدای متعال زمین ناهموار و سخت را نیز صاف و هموار می‌سازد، یعنی کارهای بس‌دشوار به خواست او آسان می‌گردد.

«باب ما يقول إذا تَعَسَّرتْ عليه معيشتُه»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که زندگی بر او دشوار شد

«رَوَيْنَا فِي كِتابِ ابْنِ السُنِّي عَنْ ابن عمر ب عَنْ النَّبِيَّ ص قال: ما يمْنَعُ أحَدَكُمْ إذَا عَسُرَ عَلَيْهِ أمْرُ مَعِيشَتِهِ أنْ يَقُولَ إذا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ: بِسْمِ اللَّهِ على نَفْسِي ومَالي ودِينِي اللَّهُمَّ رضّنِي بِقَضائِك وباركْ لي فِيما قُدّرَ لي حتَّى لا أُحِبَّ تَعْجِيلَ ما أخَّرْتَ ولا تأخيرَ ما عَجَّلْتَ». «رسول الله ص فرمود: کدام چیز مانع یکی از شما می‌شود وقتی که امر زندگیش بر او دشوار شد آن که بگوید موقع بیرون‌رفتنش از خانه: به نام خدا بر خودم و مالم و دینم، خدایا مرا خشنود کن به آنچه رایم تقدیر فرموده‌ای و برکت قرار ده در آنچه برایم مقدر فرموده‌ای، تا این که دوست ندارم تعجیل در آنچه برایم به تأخیر‌انداخته‌ای و تأخیر در آنچه برایم به تعجیل‌انداخته‌ای». یعنی من نام پربرکتت را بر خودم و مال و دینم قرار داده‌ام و می‌خواهم طوری از سرنوشتم راضی باشم که نخواهم در آن تأخیر و تقدیمی پیش آید و می‌خواهم که خودت گره‌گشای کارهایم باشی تا گرهی در کارم نیفتد و سختی زندگی برایم پیش نیاید.

ج

«باب ما يقول لدفع الآفات»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید برای دفع آفات و بلاها

«رَوَيْنَا فِي كتابِ ابْنِ السُنِّي عَنْ أنس س قالَ: قالَ رسول الله ص: مَا أَنْعَمَ اللّهُ ﻷ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فِي أَهْلٍ وَلَا مَالٍ أَوْ وَلَدٍ فَقَالَ: مَا شَاءَ اللّهُ لَا قُوّةَ إلّا بِاَللّهِ فَيَرَى فِيهِ آفَةً دُونَ الْمَوْتِ». «رسول الله ص فرمود: «خدای ﻷ هر نعمتی که بر بنده‌ای ارزانی داشت و آن بنده گفت: مَا شَاءَ اللّهُ لَا قُوّةَ إلّا بِاَللّهِ. هیچ آفتی در اهل و مال و فرزندانش پیش نمی‌آید». برای این که می‌گوید: آنچه من دارم به خواست خدا به وجود آمد و به قوت و نیروی او نگه داشته شده است، نه من در به وجود آوردنش قدرتی داشته‌ام و نه در نگهداری آنها نیرویی به کار برده‌ام. آنچه به خواست خدا پیش آمده است، خدایش نگهداری می‌کند و هیچ آفتی در آن به وجود نمی‌آید».

«باب ما يقول إذا أصابته نكبة قليلة أو كثيرة»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که مصیبتی‌اندک یا بسیار به او برسد

قَالَ اللّهُ تَعَالَی:

﴿وَبَشِّرِ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٥٥ ٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتۡهُم مُّصِيبَةٞ قَالُوٓاْ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ ١٥٦ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَيۡهِمۡ صَلَوَٰتٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَرَحۡمَةٞۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُهۡتَدُونَ ١٥﴾ [البقرة: 155-157].

خدای متعال فرمود: «و مژده بده شکیبایان را، آن مردمی که هر موقع مصیبی به ایشان رسید، می‌گویند: «إنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إلَيْهِ رَاجِعُونَ»: ما همه مملوک خدا هستیم و ما همه به‌سوی او بازگشت داریم. این مردم که در مقابل مصیبت صبر و رضا دارند. اینان به راه راست هستند که از پروردگار به ایشان رسیده است و ایشان از این صبر و رضا به رحمت خدا رسیده‌اند و ایشانند که ایشان به راه راست رسیده‌اند».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتابِ ابْنِ السُنِّي عَنْ أبِي هُرَيْرَةَس قالَ: قالَ رسول اللهص: لِيَسْتَرْجِعْ أَحَدُكُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى فِي شِسْعِ نَعْلِهِ فَإِنَّهَا مِنْ الْمَصَائِبِ». رسول الله ص فرمود: «باید هریک از شما در هر ناراحتی بگوید: «إنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إلَيْهِ رَاجِعُونَ»: ما همه مملوک خدا هستیم و بازگشت ما همه به‌سوی خداست. وقتی که انسان می‌داند که در این دنیا باید روزی رخت سفر ببندد و روانه‌ی آخرت شود باید بداند که هرچیز دیگری هم برای مدت محدودی به وجود می‌آید و وقت آن که به سر آمد باید برود. بنابراین، اگر بند نعلین‌تان پاره شد هم بگویید: «إنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إلَيْهِ رَاجِعُونَ»: برای این که بریدن بند نعلین هم از مصائب است». و آنچه انسان را ناراحت می‌کند مصیب شمرده می‌شود حتی خاموش‌شدن چراغ. و این سخن ارشاد نبوی است که اگر بشقابی شکست، خدمتکار را ناسزا نگوید، بلکه بگوید: «إنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إلَيْهِ رَاجِعُونَ» در برابر هر نکبتی خواه کوچک، خواه بزرگ، خواه‌اندک، خواه بسیار، این سخن را بر زبان آورد.

«باب ما يقول إذا كان عليه دَيْنٌ عَجَزَ عنه»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که بدهی دارد و از پرداخت آن ناتوان مانده است

«رَوَيْنَا فِي كِتابِ التِّرْمذِي عَنْ علي س أنَّ مُكَاتَباً جَاءَهُ فَقَالَ: إِنِّى عَجَزْتُ عَنْ كِتَابَتِى فَأَعِنِّى. قَالَ أَلاَ أُعَلِّمُكَ كَلِمَاتٍ عَلَّمَنِيهِنَّ رَسُولُ اللَّهِ ص لَوْ كَانَ عَلَيْكَ مِثْلُ جَبَلِ صِيرٍ دَيْنًا أَدَّاهُ اللَّهُ عَنْكَ؟ قَالَ: اللَّهُمَّ اكْفِنِى بِحَلاَلِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَأَغْنِنِى بِفَضْلِكَ عَنْ سِوَاكَ». قَالَ: التِّرْمذِي حَدِيثٌ حَسَنٌ. «از علی س روایت است که برده‌ی مکاتبی نزد او آمد و گفت: من از ادای وجه کتابتم عاجز مانده ام، مرا کمک کن. فرمود: آیا نیاموزم تو را چند کلمه که رسول الله ص آن کلمات را به من آموخت، وقتی که آن کلمات را بگویی اگر مثل کوه دین داشته باشی دینت را اداء نماید؟ بگو: «اللَّهُمَّ اكْفِنِى بِحَلاَلِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَأَغْنِنِى بِفَضْلِكَ عَنْ سِوَاكَ»: خدایا حلالت را مورد کفایتم قرار ده تا به حرام نیازم نیفتد و به فضل خودت مرا بی‌نیاز فرما از هرکس دیگری». یقیناً با این گفتار برده‌ی مکاتَب توانست وجه کتابت خود را بپردازد و آزاد شود.

و در باب ما یقال عند الصباح والمساء در این موضوع حدیثی بیان نمودیم در سنن أبوداوُد به روایت ابوسعید خدری در باره‌ی قصه‌ی صحابی که ابوامامه نام داشت.

«باب ما يقوله من بلي بالوحشة»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که دچار وحشت‌زدگی شد

«رَوَيْنَا فِي كِتابِ ابْنِ السُنِّي عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ الْوَلِيدِ س أَنَّهُ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّى أَجِدُ وَحْشَةً. قَالَ: إِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ فَقَلْ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمَنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَحْضُرُونِ. فَإِنَّهُ لاَ تَضَرُّكَ وَلاَ يَقْرَبَكَ». «ولید بن الولید س گفت: ای رسول خدا، من حالت وحشت‌زدگی می‌یابم، رسول الله ص فرمود: موقعی که می‌آیی بر بستر خواب بگو: پناه می‌برم به کلمات الله التامات از خشم خدا و عقاب او و از شر بندگانش و از وسوسه‌های شیطان‌ها و از این که شیطان‌ها نزد من حاضر شوند و دور و برم را بگیرند. وقتی که این را گفتی نه زیانی به تو می‌رسانند و نه نزدیک به تو می‌شوند».

«وَرَوَيْنَا فِيْهِ عن البراء بن عازب ب قالَ أتَي رسولَ اللّه ص رَجُلٌ يَشْكُو إلَيْهِ الْوَحْشَةَ فقالَ: أكْثِرْ مِنْ أنْ تَقُولَ: سُبْحانَ المَلِكِ القُدُّوسِ ربِّ المَلائِكَةِ والرُّوحِ جَلَّلْتَ السَّمَوَاتِ وَالأرْضَ بالعِزَّةِ والجبَرُوتِ!. فقالَها الرجلُ فَذَهَبَتْ عَنْهُ الَوحْشَةُ». «مردی به خدمت رسول الله ص آمد و شکایت از وحشت‌زدگی نمود. رسول الله ص فرمود: بسیار بگو: منزه است خدایی که شاه همه است و همه پرورده‌ی نعمت‌های او هستند. بسیار پاک و مقدس و پروردگار فرشتگان است. آسمان‌ها و زمین را پوشیدی به جبروت، از این رو که همه‌ی کاینات مجبور بر اطاعت فرمان او هستند. آن مرد این کلمات را گفت و وحشت‌زدگی از او دور شد».

«باب ما يقول مَنْ بُلِيَ بالوسوسة»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که مبتلا به وسواس شد

قَالَ اللّهُ تَعَالَی: ﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٣٦﴾ [فصلت: 36]. «و اگر تو را از طرف شیطان وسوسه‌ای دست داد، پناه ببر به خدای متعال برای این که او شنوای داناست». و بهترین چیزی که در دفع وسوسه گفته می‌شود همان چیزی است که خدای ﻷ ما را به آن ادب داد و ما را امر فرمود به گفتن آن. خداوند به ما دستور فرمود که در ابتدای قراءت قرآن بگوییم:«أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»: پناه می‌برم به خدای متعال از شر شیطان رانده شده.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيْحَيْ البُخارِي ومُسْلِم عَنْ أبِي هُرَيرَةَ س قالَ: قالَ رسولُ اللّه ص: يَأْتِى الشَّيْطَانُ أَحَدَكُمْ فَيَقُولُ: مَنْ خَلَقَ كَذَا، مَنْ خَلَقَ كَذَا، حَتَّى يَقُولَ مَنْ خَلَقَ رَبَّكَ؟ فَإِذَا بَلَغَهُ فَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ وَلْيَنْتَهِ». «رسول الله ص فرمود: شیطان می‌آید نزد یکی از شما، و برای سیاه‌کردن دلتان می‌گوید: خدا مخلوقات را آفرید، خدا همه چیز را آفرید، پس چه کسی خدا را آفرید؟ وقتی که به این جا رسید بگوید: پناه آوردم به خدا و دنباله‌ی این سخن را قطع نماید». برای این که خدا خالق است و غیر او همه مخلوقند و محال است مخلوق خالق را بیافریند.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أبِي داوُدَ بإسْنَاد جيّد عَنْ أبِي زميل قالَ: قلتُ لابن عَبَّاسٍ فَقُلْتُ مَا شَىْءٌ أَجِدُهُ فِى صَدْرِى قَالَ مَا هُوَ قُلْتُ وَاللَّهِ مَا أَتَكَلَّمُ بِهِ. فَقَالَ لِى أَشَىْءٌ مِنْ شَكٍّ قَالَ وَضَحِكَ. قَالَ مَا نَجَا مِنْهُ أَحَدٌ أَنْزَلَ اللَّهُ ﻷ:﴿فَإِن كُنتَ فِي شَكّٖ مِّمَّآ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ﴾ [يونس: 94]. الآيَةَ. فَقَالَ لِى إِذَا وَجَدْتَ فِى نَفْسِكَ شَيْئًا فَقُلْ:﴿هُوَ ٱلۡأَوَّلُ وَٱلۡأٓخِرُ وَٱلظَّٰهِرُ وَٱلۡبَاطِنُۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ٣﴾ [الحديد: 3]». «أبی زمیل می‌گوید به عبدالله بن عباس گفتم این کدام چیز است که در سینه ام می‌یابم؟ ابن عباس گفت: آن چیست؟ گفتم: قسم به خدا که آن را به زبان نمی‌آورم. فرمود: آیا چیزی از شک است؟ خندید و فرمود کسی از آن نجات نیافت تا این که خدا این آیه را نازل فرمود: ﴿فَإِن كُنتَ فِي شَكّٖ مِّمَّآ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ﴾ [يونس: 94]. آنگاه به من گفت: هرگاه چیزی از این قبیل در ذهنت آمد بگو: ﴿هُوَ ٱلۡأَوَّلُ وَٱلۡأٓخِرُ وَٱلظَّٰهِرُ وَٱلۡبَاطِنُۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ٣﴾ [الحديد: 3]. اوست خدایی که پیش از همه اوست، و اوست خدایی که بعد از همه اوست و او به همه چیز دانا است».

«وَرَوَيْنَا بإسنادنا الصَحِيْحِ فِي رسالة الأستاذ أبِي القاسم القشيري عَنْ أحمد بن عطاء الروذباري السيد الجليل س قالَ كان لي استقصاءٌ فِي أمر الطهارةِ وضاقَ فِي صدري ليلة لكثرة ما صببت من الـمـاء ولـم يسكن قلبي، فقلت يا ربي عفوك عفوك، فسمعت هاتِفاً يقولُ: العَفْوُ فِي العلمِ فزالَ عنِّي ذلك». «استاد ابوالقاسم قشیری در کتاب خود که به نام الرسالة معروف است نقل نمود از آقای بزرگوار احمد بن عطا -صاحب کتابی که به نام حکیم ابن عطاء الله معروف است- که ابن عطاء الله فرمود: من در امر طهارت و وضو بیش از حد احتیاط داشتم، شبی دلم تنگ شد از این که این همه آب ریخته بودم برای طهارت و وضو و بازهم دلم آرام نگرفته بود، گفتم: خدایا عفو و گذشت تو می‌خواهم. آوازی شنیدم که می‌گفت: عفو در علم است و با شنیدن این جمله آن وسواس از دلم رفت». و روی این اصل است که برگزیدگان این امت اهل تربیت، تربیت سالکان و تربیت مریدان را اختیار کرده‌اند که طالب راه آخرت باید بر کلمه «لا إله إلا الله» مداومت کند، و گفته‌اند: بهترین علاج برای دفع وسواس روآوردن به یاد خدا و بسیار گفتن «لا إله إلا الله» است: نیست معبودی به حق مگر الله و نیست کسی که همیشه زنده و پایدار باشد مگر الله و نیست معبودی به حق مگر خدا، الله که سرنوشت همه در دست اوست. و باید همیشه او را یاد کنیم و پناه به او ببریم، و اعتماد بر او کنیم که غیر او در حقیقت امواتند و هیچ در دست‌شان نیست.

«وقال السَّيِّدُ الجليلُ أحْمَدُ بْنُ أبي الحوارِيِّ - بكسر راء وبه فتح راء - شَكَوْتُ إلى أبي سُلَيْمَانَ الدَّرَانِيِّ الوَسْوَاسَ، فقال: إذا أَرَدت أَنْ ينقطعَ عَنْكَ فَأَيَّ وَقْتٍ أحْسَسْتَ به فافرح، فإنك إذا فَرِحْتَ انقطع عنك، لأنه ليْسَ شيءٌ أبْغَضُ إلى الشيطانِ مِنْ سرورِ الـمؤمن، وإن اغتممت بِه زَادَكَ قلت: وهذا مما يؤيِّد ما قاله بَعْضُ الأئمة؛ أنَّ الوسواس إنما يبتلى به مَنْ كَمُلَ إيمانه؛ فإن اللِّصَّ لا يقصدُ بيتاً خَرباً». «آقای بزرگوار احمد بن أبی الحواری گفت: شکایت از وسواس بردم نزد ابوسلیمان دارانی. ابوسلیمان فرمود: هر وقت احساس وسواس نمودی اظهار خوشبختی کن، زیرا هرگاه خوشحال شوی از تو جدا می‌شود، چون هیچ چیز نزد شیطان نامطلوب‌تر از خوشحالی مؤمن نیست. و اگر غمگین شوی بر تو خواهد افزود. می‌گویم: این سخن در تأیید سخن برخی از ائمه است که گفته‌اند: مبتلا به وسواس نمی‌شود، مگر کسی که ایمانش کامل است، زیرا دزد هیچ‌گاه برای دزدی به خانه‌ی مخروبه نمی‌رود».

«باب ما يقرأ علي المَعْتُوهِ والمَلْدوغِ»

بابی است در بیان آنچه خوانده می‌شود بر دیوانه و بر گزیده شده

«رَوَيْنَا فِي صَحِيْحَيْ البُخارِي ومُسْلمٍ عَنْ أَبِى سَعِيدٍس قَالَ: انْطَلَقَ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِىِّص فِى سَفْرَةٍ سَافَرُوهَا حَتَّى نَزَلُوا عَلَى حَىٍّ مِنْ أَحْيَاءِ الْعَرَبِ فَاسْتَضَافُوهُمْ فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّفُوهُمْ فَلُدِغَ سَيِّدُ ذَلِكَ الْحَىِّ، فَسَعَوْا لَهُ بِكُلِّ شَىْءٍ لاَ يَنْفَعُهُ شَىْءٌ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: لَوْ أَتَيْتُمْ هَؤُلاَءِ الرَّهْطَ الَّذِينَ نَزَلُوا لَعَلَّهُمْ أَنْ يَكُونَ عِنْدَهُمْ بَعْضُ شَىْءٌ، فَأَتَوْهُمْ فَقَالُوا: يَا أَيُّهَا الرَّهْطُ إِنَّ سَيِّدَنَا لُدِغَ وَسَعَيْنَا لَهُ بِكُلِّ شَىْءٍ لاَ يَنْفَعُهُ شَيْءٌ، فَهَلْ عِنْدَ أَحَدٍ مِنْكُمْ مِنْ شَىْءٍ؟ فَقَالَ بَعْضُهُمْ: إِنِّى واللّهِ لأَرْقِى، وَلَكِنْ وَاللَّهِ لَقَدِ اسْتَضَفْنَاكُمْ فَلَمْ تُضِيِّفُونَا، فَمَا أَنَا بِرَاقٍ لَكُمْ حَتَّى تَجْعَلُوا لَنَا جُعْلاً فَصَالَحُوهُمْ عَلَى قَطِيعٍ مِنَ الْغَنَمِ، فَانْطَلَقَ يَتْفِلُ عَلَيْهِ وَيَقْرَأُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، فَكَأَنَّمَا نُشِطَ مِنْ عِقَالٍ، فَانْطَلَقَ يَمْشِى وَمَا بِهِ قَلَبَةٌ، فَأَوْفَوْهُمْ جُعْلَهُمُ الَّذِى صَالَحُوهُمْ عَلَيْهِ، فَقَالَ بَعْضُهُمُ: اقْسِمُوا فَقَالَ الَّذِى رَقَى لاَ تَفْعَلُوا حَتَّى نَأْتِىَ النَّبِىَّ ص- فَنَذْكُرَ لَهُ الَّذِى كَانَ، فَنَنْظُرَ مَا يَأْمُرُنَا، فَقَدِمُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَذَكَرُوا لَهُ، فَقَالَ ص: وَمَا يُدْرِيكَ أَنَّهَا رُقْيَةٌ؟ ثُمَّ قَالَ قَدْ أَصَبْتُمُ اقْسِمُوا وَاضْرِبُوا لِى مَعَكُمْ سَهْمًا!. فَضَحِكَ رَسُولُ اللَّهِ ص هذا اللفظ رواه البُخاري وهو اَتَمُّ الروايات. وفِي روايةٍ: فجعلَ يقرأُ امَّ الكتابِ ويجمعُ بُزاقَهُ ويَتْفُلُ، فَبَرِئَ الرجلُ. وفِي روايةٍ: فأمر له بثلاثَين شاةٍ. قلتُ قولُه وما به قَلَبَةٌ: بفتح القاف واللام والباء الـموحدة أي وَجْعٌ»**.** «در صحیحین بخاری و مسلم از أبی سعید خدری س روایت نمودند که ابوسعید خدری س فرمود: چند نفر از یاران پیغمبرص به سفری رفتند که قبلاً به آن سفر رفته بودند تا این که منزل گرفتند شبی نزد قبیله‌ای از عرب و از آن قبیله خواستند که آنان را مهمانی و شامی بدهند، آن قبیله قبول نکردند که شامی به ایشان بدهند، دیری نگذشت که ماری رییس آن قبیله را گزید. افراد قبیله کوشش کردند که مارگزیدگی رییس قبیله را درمان کنند، اما سودی نبخشید. بعضی از آنان گفتند اگر می‌رفتید نزد این مردمی که نزدیک ما منزل گرفته‌اند شاید علاجی نزد آنان باشد، این بود که آمدند نزد این یاران پیغمبر ص و گفتند: ای گروه، آقای ما (رییس قبیله‌مان) را مار گزیده است و هر کوششی که کرده ایم برای علاجش سودی نبخشیده است، آیا نزد شما چیزی از علاج او هست؟ (آیا می‌توانید او را درمان کنید) یکی از این یاران پیغمبر ص گفت: طلب مهمانی و دادن شامی از شما کردیم، شامی ندادید من رُقيَه و خواندن بر او برای علاجش می‌دانم. والله من رقیه می‌کنم و لیکن رقیه نمی‌کنم تا اول مزدی به ما بدهید. با آن قرار بستند که گله‌ای از گوسفند یعنی تعدادی در حدود سی گوسفند از آنان بگیرند آن کسی که رقیه می‌دانست شروع کرد به خواندن سوره‌ی فاتحه و کشیدن آب دهنش بر جای گزیدگی. سپس مارگزیده‌گویی از پای‌بند رهایی یافته و شروع کرد به راه‌رفتن بدون این که احساس دردی داشته باشد. به موجب قرار تمام تعداد گوسفند به ایشان دادند. بعضی از ایشان گفتند: گوسفند میان خودمان قسمت کنید. آن کسی که رقیه خوانده بود گفت: صبر کنید تا به خدمت رسول الله ص برویم و ببینیم ایشان چه دستور می‌دهند.

به خدمت رسول الله ص رسیدند و جریان واقعه را شرح دادند. رسول الله ص به آن که سوره‌ی فاتحه بر بیمار خوانده بود فرمود: «از کجا دانستی که سوره‌ی فاتحه رقیه است و علاج است؟ آنگاه فرمود: کار درست کرده اید. گوسفندان را میان خودتان قسمت کنید و برای من هم در آن سهمی قرار بدهید». و آنگاه پیامبر ص خنده نمودند.

امام نووی / فرمود: این لفظ صحیح بخاری است و کامل‌ترین روایات این حدیث آورده است. و در روایتی در غیر بخاری: کسی که رقیه می‌خواند: فاتحه می‌خواند و آب دهنش را جمع می‌کرد و به محل مارگزیدگی می‌مالید و آن مرد بهبود یافت. و در روایتی شیخ قبیله دستور داد سی گوسفند به ایشان بدهند. و معنی ما به قَلَبَةٌ: دردی ندارد».

«وَرَوَيْنَا فِي كتاب ابن السُنِّي عن عبد الرحمن بن أبي ليلي عن رجل عن أبيه قال جاء رجل الي النبي ص فقال: إنّ أخي وجع فقال: وَمَا وَجْعُ أخيك!؟ قال: بِهِ لَمَمٌ. قال: فابعثْ بي إليَّ! فجاء فجلس بين يَدَيْهِ. فقرأ عليه النبيّ ص فاتحه الكتاب. وأربع آيات من أوّل سورة البقره: بسم الله الرحمن الرحيم. آلم. ذلك الكتاب لا ريب فيه... الى مفلحون. و آيتين من وسط البقرة: آيه 163 و 164: وإلهكم اله واحد لا إله إلا هو الرحمن الرحيم. و إن في خلق السموات والأرض حتى فرغ من الآيه. وآية الكرسى، آية 255 من سورة البقرة. وثلاث آيات من آخر سورة البقرة، آية 284 و 285 و 286 البقره. وآية من اول سورة آل عمران، بسم الله الرحمن الرحيم. آلم. الله لا إله إلا هو الحيُّ القيوم. و آية 18 سورة آل عمران: شهد الله أنه لا إله إلا هو والـملائكة واولوا العلم قائماً بالقسط لا إله إلا هو العزيز الحكيم. وآية 54 من سورة الأعراف: إن ربكم الله الذي خلق السموات والأرض. وآية من سورة الـمؤمنون آخر السورة: فتعالي الله الـملك الحق لا إله هو رب العرش الكريم. وآية 4 من سورة الجن: وإنه تعالي جدُّ ربِّنا ما اتخذ صاحبةً ولا ولداً. وعشر آيات من سورة الصافات من أوّلها. وثلاثاَ من آخر سورة الحشر وقل هو اللّهُ أحد والـمعوذتين**.**

قلت قال اهل اللغة الَمَمُ طرف من الجنون يلم بالانسان ويعتريه»**.**

«و روایت داریم در کتاب ابن سنی از عبدالرحمن ابن أبی لیلی از مردی از پدرش که گفت: مردی خدمت رسول الله ص آمد و گفت: برادرم درد دارد. فرمود: دردش چیست؟ گفت: دیوانگی دارد. فرمود: او را نزد من بفرست. بیمار آمد و جلو پیغمبرص نشست. رسول الله ص بر او خواند سوره‌ی فاتحه و چهار آیه از اول سوره‌ی بقره. و دو آیه از وسط سوره‌ی بقره: آیه‌ی 163 و 164 سوره‌ی بقره: ﴿وَإِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ١٦٣ إِنَّ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱلۡفُلۡكِ ٱلَّتِي تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِمَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن مَّآءٖ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٖ وَتَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ وَٱلسَّحَابِ ٱلۡمُسَخَّرِ بَيۡنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ١٦٤﴾ [البقرة: 163-164].. و آیه 255 آیة الکرسی. و سه آیه‌ی آخر سوره‌ی بقره: آیه‌ی 284 و 285 و 286 البقره. و یک آیه‌ای اول سوره‌ی آل عمران و آیه‌ی 18 سوره‌ای آل‌عمران: ﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١٨﴾ [آل‌عمران: 18]. و آیه‌ی 54 سوره‌ی أعراف: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ يُغۡشِي ٱلَّيۡلَ ٱلنَّهَارَ يَطۡلُبُهُۥ حَثِيثٗا وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ وَٱلنُّجُومَ مُسَخَّرَٰتِۢ بِأَمۡرِهِۦٓۗ أَلَا لَهُ ٱلۡخَلۡقُ وَٱلۡأَمۡرُۗ تَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٥٤﴾ [الأعراف: 54].. و آیه‌ای از سوره‌ی مؤمنون، آخر سوره: ﴿فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡحَقُّۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡكَرِيمِ ١١٦﴾ [المؤمنون: 116]. و آیه‌ی 3 سوره‌ی جن: ﴿وَأَنَّهُۥ تَعَٰلَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا ٱتَّخَذَ صَٰحِبَةٗ وَلَا وَلَدٗا ٣﴾ [الجن: 3].. و ده آیه از اول سوره‌ی صافات. و سه آیه‌ای آخر سوره‌ی حشر. و ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾ و ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾.

امام نووی فرمود که علمای لُغُت گفته‌اند: لَمَم، نوعی جنون و دیوانگی است».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ ابي داود بإسناد صحيح عَنْ خَارِجَةَ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ عَمِّهِ (علاقة بن صُحار) قال أتيت رَسُولَ اللَّهِ ص فَأَسْلَمَ ثُمَّ رَجعت فَمَرَّرت عَلَى قَوْمٍ عِنْدَهُمْ رَجُلٌ مَجْنُونٌ مُوثَقٌ بِالْحَدِيدِ. فَقَالَ أَهْلُهُ: إِنَّا حُدِّثْنَا أَنَّ صَاحِبَكَ هَذَا قَدْ جَاءَ بِخَيْرٍ، فَهَلْ عِنْدَكَ شَىْءٌ تُدَاوِيهِ؟ فَرَقَيْتُهُ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ فَبَرَأَ، فَأَعْطُونِى مِائَةَ شَاةٍ، فَأَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص فَأَخْبَرْتُهُ، فَقَالَ: هَلْ إِلاَّ هَذَا؟!. وفي رواية: هَلْ قُلْتَ غَيْرَ هَذَا؟!. قُلْتُ: لاَ، قَالَ: خُذْهَا فَلَعَمْرِى لَمَنْ أَكَلَ بِرُقْيَةِ بَاطِلٍ لَقَدْ أَكَلْتَ بِرُقْيَةِ حَقٍّ»**.** «علاقه بن صحار گفت: «آمدم خدمت پیغمبر ص و مسلمان شدم. پس از آن برگشتم به خانه و دیار خود، در راه برگشتن گذرم افتاد بر مردمی که نزدشان مردی دیوانه بود که به آهن بسته شده بود. خویشان دیوانه گفتند که به ما خبر داده‌اند که دوستت (یعنی رسول الله ص خیر و خوشی آورده) آیا نزد تو چیزی که مایه‌ای درمان او باشد هست؟ من سوره‌ی فاتحه بر دیوانه خواندم و بهبود یافت. و صد گوسفند به من دادند. من به خدمت پیغمبر ص آمدم و او را از ماجرا باخبر ساختم. فرمود: «آیا غیر از فاتحه، خوانده‌ای بر بیمار»؟ گفتم: نه. فرمود: «بگیر آنچه به تو داده‌اند از صد گوسفند که اگر کسی به رقیه و خواندن باطل مزد گرفته، تو بر رقیه و حق مزد گرفته‌ای».

«وَرَوَيْنَا فِي كتاب ابن السني بلفظٍ آخر، وهي رواية أخري لأبي داود، قال فيها عن خارجة عن عمه قال اقبلنا من عند رَسُولِ اللَّهِص فَأَتَيْنَا عَلَى حَىٍّ مِنَ الْعَرَبِ فَقَالُوا: عِنْدَكُمْ دَوَاءٍ، فَإِنَّ عِنْدَنَا مَعْتُوهًا فِى الْقُيُودِ، قَالَ فَجَاءُوا بِمَعْتُوهٍ فِى الْقُيُودِ، فَقَرَأْتُ عَلَيْهِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ ثَلاَثَةَ أَيَّامٍ غُدْوَةً وَعَشِيَّةً أَجْمَعُ بُزَاقِى ثُمَّ أَتْفُلُ، فَكَأَنَّمَا نُشِطَ مِنْ عِقَالٍ، فَأَعْطَوْنِى جُعْلاً، فَقُلْتُ: لاَ، فقالوا: سل رَسُولَ اللَّهِ ص فسألته فَقَالَ: كُلْ فَلَعَمْرِى مَنْ أَكَلَ بِرُقْيَةِ بَاطِلٍ لَقَدْ أَكَلْتَ بِرُقْيَةِ حَقٍّ!. قلت: هذا العم اسمه علاقة بن صُحار وقيل اسمه عبد الله»**.** «در روایت دیگر ابوداود خارجه از عمویش روایت نمود که گفت: «ما از نزد پیغمبر ص برمی‌گشتیم عبورمان افتاد بر قبیله‌ای از عرب. به ما گفتند: نزد شما دوایی هست. ما دیوانه‌ای داریم که در قید است. دیوانه را آوردند. من سه روز بامداد و شام سوره‌ی فاتحه بر او می‌خواندم. آب دهنم جمع می‌کردم و بر او می‌انداختم. چنان بهبود یافت که گویی از پای‌بند رهایی یافته است. مزدی به من دادند. گفتم: نمی‌گیرم. گفتند: از پیغمبر ص بپرس. از پیغمبر ص پرسیدم، مزدی که در برابر خواندنم بر دیوانه به من دادند، بگیرم؟ فرمود: «بخور، یعنی بگیر از آنها و گوشتش بخور که اگر مردمی مزد رقیه‌ی باطل گرفته‌اند، تو گوشت مزدی خورده‌ای که به رقیه‌ای حق به دست آورده‌ای».

رقیه: دعایی که بر بیمار می‌خوانند. نووی / فرمود: عموی خارجه نامش علاقه بن صحار است.

«وَرَوَيْنَا فِي كتاب ابن السني عَنْ عبد الله بن مسعود س أنه قرأ فِي أُذن مبتلي فأفاق، فقال له رسول الله ص: مَا قَرَأْتَ فِي أُذُنِهِ!؟ قال قرأت:﴿أَفَحَسِبۡتُمۡ أَنَّمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ عَبَثٗا﴾ [المؤمنون: 115]. حتى فرغ من آخر السورة (يعني آيات 114 و 115 و 116 و 117 و 118 سورة الـمؤمنون) فقال: رسول الله ص: لَوْ أنَّ رَجُلاً مُوقِناً قَرَأَبِها عَلَي جَبَلٍ لَزَالَ». «ابن مسعود س در گوش مبتلا به جنون خواند و به هوش آمد. رسول الله ص به او فرمود: «چه خواندی در گوش او»؟ گفت: این چند آیه از آخر سوره‌ی مؤمنون: ﴿أَفَحَسِبۡتُمۡ أَنَّمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ عَبَثٗا وَأَنَّكُمۡ إِلَيۡنَا لَا تُرۡجَعُونَ ١١٥﴾ [المؤمنون: 115]. تا أخر خواندم در گوش او. رسول الله ص فرمود: اگر مرد مؤمنی که یقین به عظمت قرآن دارد این آیات را بر کوه می‌خواند کوه از جای خود کنده می‌شد».

«باب ما يعوذ به الصبيان وغيرهم»

بابی است در بیان تعویذی که بر کودکان و غیر از آنان خوانده می‌شود

«رَوَيْنَا فِي صحيح البخاري عَنْ ابن عباس ب قال: كان رسول اللهص يعوذ الحسن والحسين: أُعِيْذُكُمَا بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لاَمَّةٍ!. قلت: قال العلماء: الهامة بتشديد الـميم وهي كل ذات سم كالحية وغيرها والجمع الهوام. وقد يقع الهوام علي ما يدب من الحيوان وان لم يقتل كالحشرات ومنه حديث كعب بن عجرة س أَيُؤذِيكَ هَوَامُّ رَأْسِكَ!؟. أي القَمْل. وأمّا العين اللامّة بتشديد الـميم: وهي التي تصيب ما نظرت إليه بسوء». «عبدالله بن عباس ب فرمود که رسول الله ص تعویذ امام حسن و امام حسی علیهما اسلام می‌فرمود به این کلمات: «أُعِيْذُ كُمَا بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لاَمَّةٍ»: شما دوتا را پناه می‌دهم به کلمات الله التامۀ از شر هر شیطانی و از شر هر خزنده‌ی زهرآگینی مثل مار، کژدم و از هر چشم بدی». چشم شور که به بدنظریش به هرچیزی که چشم زد او را دچار مصیبت می‌کند. نووی فرمود: هامة: هر حیوان زهرداری مثل مار، کژدم.

و جمع هامۀ: هوام است و گاه است که هوام به حشره‌های غیر زهری اطلاق می‌شود مثل شپش، چنان‌که کعب بن عجره که او را به خدمت رسول الله ص آوردند در حالی که شپش بر رویش می‌ریخت. رسول الله ص به او فرمود: «آیا این هوام سرت تو را می‌آزارند»؟ و آنگاه اجازه داد تا سر او را بتراشند و فدیه بدهند. و عین لامة: هر چشم بدی است که به هر چیز نظر بد افکند او را دچار مصیبت می‌کند چنانکه گفته‌اند: دچار آتش بشود و دچار چشم بد نشود. و چشم بد را چشم سیاه و چشم شور نیز می‌نامند. و در حدیث است: «إنَّ الْعَيْنَ لَتَدْخُلُ الرَّجُلَ القَبْرَ والجَمَلَ القِدْرَ» «چشم بد شخص چشم‌زده را به قبر می‌رساند و شتر چشم‌زده را به دیگ می‌رساند».

و این است آخر شرح قسمت اول کتاب بی‌نظیر «الأذکار» تألیف امام نووی /. در شهر دبی امارات عربیة المتحده، ساعت 11:50 بعد از ظهر روز شنبه چهاردهم شوال 1425 هجری «مَن الله علينا بقبوله ونشره».

«وَفِي صَحِيْحِ البُخَاري: قَالَ رَسُولُ اللّهِ ص: كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِى الْمِيزَانِ، حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ»**.** «دو کلمه بر زبان سبکند و در ترازوی حسنات سنگینند و نزد خدا محبوبند: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ».

وصلى الله وسلم وبارك علي عبده ورسوله سيدنا محمد وآله وصحبه والصالحين. وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالـمين.

پایان قسمت اول